

گاهنامه چندزبانه کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان

سال دوم

شماره ۶

خرداد ۱۴۰۱

لبوط





امیدوارانه به سوی بیشه نور

سال جدید برای جنبش محیط زیستی ایران از بدو شروع سال پر چالشی بود شروع عملیات اجرایی پتروشیمی میانکاله، پمپاژ آب از طریق تونل سوم کوهرننگ، مرگ بوزهای ایرانی پس از ایجاد فضای پر امید ناشی از به دنیا آمدن سه توله یوز، آشکار شدن نقش دستگاه های مسئول در استان چهارمحال بختیاری در تسهیل در اجرای پروژه های انتقال آب و اخیرا هم انتشار آگهی مناقصه انتقال آب رودخانه ونک به رفسنجان. این خبرها در کنار برخی تحولات سیاسی و اقتصادی که منجر به بروز برخی درگیری ها در جغرافیای زاگرس مهربان شد در کنار حجم بالای فعالیت های میدانی اعضای کمپین باعث شد در وعده انتشار نشریه بلوط در ۲۸ فروردین روز چهارمحال بختیاری و روز جهانی مخالفت با انتقال آب وقفه ایجاد شود. اما واقعیت این است که با وجود فضای دلسرد کننده و حوادث سهمگینی که بر جامعه تحمیل شد وجود برنامه های روشن برای مبارزات محیط زیستی باعث نشد که جنبش محیط زیستی به صورت عام و اعضای کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان به صورت خاص نسبت به وقایع هیجانی یا انفعالی عمل کنند. خلق نشان اپوش با همکاری مطرح ترین تشکل های محیط زیستی کشور به منظور معرفی تخریب گران طبیعت و ناقضان اصل ۵۰ قانون اساسی، پیگیری برای جلوگیری از تخصیص بودجه به پروژه های فاقد مجوز، مشروط کردن تخصیص بودجه به پروژه هایی که به صورت مشروط مجوز محیط زیستی گرفته اند از جمله دستاوردهای جنبش محیط زیستی و کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان است که در میانه راه اعتراضات زاگرس و فاجعه سقوط برج های دو قلوئی متروپل آبادان امیدمان را به تغییر دو چندان کرده است. از جمله اقدامات در حال اجرا و برنامه ریزی آماده شدن ترجمه کتاب "اقتصاد سیاسی فرسایش خاک در کشورهای در حال توسعه" اثر پیرز بلیکی و ارائه آن به انتشارات طرف قرار داد برای دریافت مجوزهای قانونی نشر است. برگزاری جلسات راهبردی هفتگی و برگزاری کلاس های قانون خوانی قوانین مرتبط با حوزه محیط زیست از برنامه های ماه های آینده کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان است. استمرار برنامه های ماهانه حضوری جشن چای که اولین برنامه آن با حضور آقای و هنرنمایی خانم ها و آقایان نیلوفر نظری، آرش براتی و رضا قادری برگزار شد از جمله اقدامات دیگری است که بنا داریم به استمرار آن بپردازیم. مذاکره در رابطه با ساختار فرایندهای اپوش و انتخاب داوران و فراکسیون محیط زیست مجلس در خصوص چگونگی مداخله گری این فراکسیون در رابطه با اعطای نشان اپوش از جمله برنامه های کمپین به شمار می رود. برنامه ریزی برای ارائه نظرات مشورتی در خصوص برنامه هفتم توسعه به دولت، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام که برنامه ریزی های آن در ماه گذشته اتفاق افتاد نیز از جمله برنامه های راهبردی است که با کمک تشکل های محیط زیستی در حال انجام است. نکته دیگر که باید به آن اشاره شود آن است که آب منطقه ایی اصفهان پس از کش و قوس های فراوان پاسخ کارشناس رسمی دادگستری در خصوص پروژه کوهرننگ سه را به شعبه سه بازپرسی ارائه داده است که متأسفانه شعبه از ارائه مستندات برای بررسی بیشتر خود داری کرده است و صرفاً در حد رونوشت برداری از پاسخ توانسته ایم به پرونده دست پیدا کنیم که انشالله این موضوع نیز از جمله مواردی است که در ماه آینده پیگیری خواهد شد. در پایان از همه تشکل های محیط زیستی تقاضا داریم با ارائه مستندات خود در رابطه با نادیده انگاری اصل ۵۰ قانون اساسی گزارش های خود را به دبیرخانه اجرایی اپوش ارائه دهند.



گاهنامه چندزبانه کمپین مردمی
حمایت از زاگرس مهربان
(صدای پای آب)
سال دوم، شماره ۶، خرداد ۱۴۰۱

همکاران این شماره: آقایان محمدالباجی، غلامرضا مهرآموز، آرش مهربان و خانم های ایدافرخ، سوسن نواده

طرح روی جلد اشاره دارد به تبعات اجتماعی، فرهنگی و امنیتی خشکی چشمه کوهرننگ در سرشاخه دو رود تمدن ساز کارون و زاینده رود و نواختن ساز چپ بر بالین چشمه خشک کوهرننگ، ساز چپ در فرهنگ بختیاری در هنگام عزاداری و مرگ عزیزان نواخته می شود. خشکی چشمه کوهرننگ به عنوان تامین کننده اصلی آب زاینده رود و کارون باعث بهت و غم مردم خوزستان و اصفهان شد. در طراحی روی جلد نگاره ای نیز از جاوید نام محسن محمدپور یکی از شهدای اعتراضات آبان ۹۸ در خرمشهر اشاره شده است. با تشکر از نوه عزیز بخاطر خلق این اثر ارزشمند

- ۲ امیدوارانه به سوی بیشه نور
- ۳ واکنش فراگیر تشکل های محیط زیستی کشور علیه اصلاح امرانه قانون توزیع عادلانه آب
- ۴ نگاهی جامعه شناسانه به چیستی و چرایی جنبش های محیط زیستی و بنیان های آن
- ۸ واکاوی دلایل عدم موفقیت طرح های مشمول ارز یابی در تحقق اهداف محیط زیست
- ۱۰ طرح های انتقال آب «ویار ملوکانه» تا سلوک سبزرگرایانه زنان
- ۱۲ انتقال آب بین حوضه ای؛ خودخوری سیستماتیک
- ۱۴ به کجا چنین جهادان
- ۱۷ چرا نمی توان به «سیاست گذار خوب» دل بست؟
- ۱۸ با «شغل» سدسازی مخالفیم!
- ۲۰ روایت هوراالعظیم از نگاه بومیان آن
- ۲۲ بررسی اجمالی چند مورد
- ۲۴ تبعات محیط زیستی انتقال آب های سطحی در استان البرز
- ۲۵ نقدی بر انتقال آب هلیل رود به کرمان
- ۲۶ آب های زیرزمینی؛ نمایان ساختن ناپیداهای
- ۳۰ زوال روستاها نتیجه فقدان سیاست اجتماعی
- ۳۳ اخبار محیط زیستی ایران

مطالب منتشره الزاماً مواضع کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان نیست
بلوط را در کانال مجله تلگرامی صدای پای آب به آدرس @sedayepayeb1 و سایت www.watermag.ir دنبال کنید

واکنش فراگیر تشکل های محیط زیستی کشور علیه اصلاح آمرانه قانون توزیع عادلانه آب



شبکه تشکلهای مردم نهاد
محیط زیست و منابع طبیعی کشور
Iran NGOs Network Of Environment & Natural Resources

به دنبال انتشار متنی از سوی مرکز پژوهش های مجلس در خصوص اصلاح قانون توزیع عادلانه آب واکنش فراگیری از سوی تشکل های محیط زیستی سراسر کشور علیه رویه هایی که ذی نفعان را از فرایند های تصمیم گیری و تصمیم سازی حذف می کند شکل گرفت؛ شورای هماهنگی شبکه تشکل های محیط زیستی و منابع طبیعی کشور نیز طی نامه سرگشاده خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی با نقد این روند دیدگاه های خود را در رابطه با اصلاحیه قانون توزیع آب منتشر کرد که متن کامل آن در پی می آید:

آقای دکتر قالیباف

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

موضوع: نقد متن اصلاح قانون توزیع عادلانه آب و اعتراض به فرآیند تهیه و تدوین اصلاحیه توسط مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
با سلام و آرزوی قبولی طاعات و عبادات؛ احتراماً ضمن تبریک عید سعید فطر، به استحضار می‌رساند، در روزهای گذشته، متنی با عنوان «اصلاح قانون توزیع عادلانه آب» از سوی مرکز محترم پژوهشهای مجلس، به کمیسیون آب و کشاورزی مجلس ارسال شده است که شوربختانه نه تنها در تدوین آن، هیچیک از ذینفعان، حاضر نبوده‌اند بلکه عمدتاً از تدوین چنین متنی حتی آگاهی اولیه هم نداشته‌اند. این در حالی است که طبق اعلام آن مرکز، طی ۱۵ جلسه و بیش از ۳۵۰ ساعت کار کارشناسی، چنین متن و محتوایی تنظیم و تدوین شده است؛

حضرت تعالی و نمایندگان محترم مستحضر هستید که این اولین تلاش برای تغییر قانون توزیع عادلانه آب نبوده و نیست. در ده سال گذشته نهادهای مختلفی از جمله وزارت نیرو، شرکت مدیریت منابع آب ایران، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز پژوهشهای مجلس و ... به اصلاح مواد قانون توزیع عادلانه آب یا تدوین لوایحی جدید با عنوان قانون آب، برای جایگزینی با قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ پرداخته‌اند که همه این تلاشها به دلایل گوناگونی، به جمع‌بندی نرسیده یا در میانه راه رها شده و یا در کمیسیون‌های دولت و مجلس متوقف مانده‌اند؛

شبکه تشکلهای مردم‌نهاد محیط‌زیستی و منابع طبیعی کشور، در این مقال، بدون ورود به جزئیات محتوای اصلاحیه اخیر، که در جای خود، قابل ارائه به کارشناسان محترم مرکز پژوهش‌ها و سایر دست‌اندرکاران است، به دلایل ذیل، اکثریت غریب به اتفاق این تلاشها را به صورت بنیادین، غیرقابل قبول و بی‌نتیجه و دارای اشکال می‌داند:

- مشخص نشده هر یک از نهادهای تدوین کننده، چه هدفی را از تغییر قانون آب دنبال می‌کنند.

- آسیب‌شناسی فرایندهای جاری مدیریت منابع آب صورت نگرفته است و بررسی نشده آیا تدوین مواد جدیدی از قانون، جایگاهی در بین راهکارها دارد یا خیر. به عبارت دیگر، تحلیلی صورت نگرفته که کدام یک از مشکلات

مدیریت آب کشور به علت فقدان قوانین کافی بوده و مواد جدید قانون قرار است چه مشکلاتی را و از چه شیوه‌هایی حل کنند؟

- در جهت حفاظت از منابع آب، از ظرفیتهای قوانین موجود به درستی استفاده نشده است. با این حال، بررسی‌ای صورت نگرفته است که چرا قوانین موجود به درستی اجرا نشده‌اند و چگونه تصویب قوانین جدید، ممکن است مشکلی را حل کند؟ به عنوان مثال، قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالاب‌های کشور مصوب ۱۳۹۶/۲/۴، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱/۱۶ که قوانین بسیار پیشرویی هستند و همچنین طرح تعادل بخشی که سالهاست مصوب شده است، هیچگاه به درستی امکان اجرایی شدن نیافته‌اند. سوال آن است که چرا به جای وضع قوانین جدید، آسیب‌شناسی از فرایندهای فعلی صورت نمی‌گیرد تا علل اجرا نشدن قوانین و دستورالعمل‌ها تحلیل شود و به این علل پرداخته شود؟

- اکثر قریب به اتفاق ویرایشهای اصلاحی قانون آب، توسط جمعی از کارشناسان و مشاوران نهادهای و بدون مشارکت و حتی آگاهی اولیه عموم و ذینفعان اصلی نوشته شده‌اند. این فرایندهای غیرمشارکتی، اغلب منجر به تدوین موادی مغایر با اهداف حفاظتی یا اجتماعی مدیریت منابع آب، موادی نامتناسب با واقعیات موجود و غیرقابل اجرا شده‌اند.

(تنها در تدوین "لاایحه پیشنهادی قانون آب، فروردین ۱۴۰۰" توسط دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفا در وزارت نیرو، طی جلسات متعدد و نظرخواهی‌ها، تلاشی برای مشارکت ذینفعان از دی تا اسفند ۱۳۹۹ صورت گرفت که حتی برای تغییر یک ماده از قانون، چنین مشارکتی را کاملاً محدود و ناکافی می‌دانیم).

- وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، کمیسیون آب و کشاورزی مجلس و غیره، هر یک، بخشی از بهره‌برداران و ذینفعان نهادی منابع آب به شمار می‌روند. سپردن تدوین پیش‌نویس قانون آب به هر یک از این نهادها، بدون حضور سایرین، آنگونه که در پیش‌نویس‌های متعدد مشهود است، مغایر با اهداف حفاظتی و مشارکتی مدیریت منابع آب است. بررسی و تحلیل بسیاری از متون تدوین شده تاکنون نشان می‌دهد که این تغییرات نه تنها به مسائل اصلی مدیریت منابع آب کشور نپرداخته‌اند بلکه به محلی برای رقابت نهادهای برای گنجاندن منافع نهادی بدل شده‌اند.

به دلایل فوق، شبکه تشکلهای مردم‌نهاد محیط‌زیستی و منابع طبیعی کشور، تنها در صورتی فرآیند اصلاح قانون توزیع عادلانه آب را به رسمیت می‌شناسد که مجموعه اقدامات ذیل، به صورت کامل اجرا شوند:

- طی مطالعات عمیق و بلندمدت با مشارکت همه ذینفعان، تک‌تک فرایندهای معیوب مدیریت منابع آب، تحلیل و ریشه‌یابی شده و تدوین هرگونه مواد اصلاحی، تنها در صورت لزوم و بعد از انجام چنین مطالعات گسترده و عمیق مشارکتی، صورت پذیرد.

- در بسیاری از موارد، مدیریت پایدار منابع آب با استفاده از ظرفیتهای قوانین و برنامه‌های موجود، امکان پذیر است. ابتدا لازم است آسیب‌شناسی صورت گیرد که چرا این قوانین، دستورالعمل‌ها و برنامه‌های موجود، در بسیاری موارد قابل اجرا نبوده‌اند و چگونه می‌توان آنها را اجرایی کرد یا اصلاحاتی در آنها اعمال کرد؟

- به جای اولویت‌دادن به اصلاح قانون توزیع عادلانه آب یا تدوین قانون جدید آب و تکرار دستورات کلی و غیرقابل اجرا، بر آسیب‌شناسی عمیق و اصلاح بلندمدت فرایندهای معیوبی تمرکز شود که وضعیت نابسامان اضافه برداشت‌ها از آبهای سطحی و زیرزمینی و تخصیص و توزیع ناپایدار، ناشفاف و غیرمشارکتی منابع آب را رقم زده‌اند.

- مهمترین از همه، تمامی مراحل مطالعات و تصمیم‌گیری برای تدوین هرگونه برنامه و مواد جدید قانونی برای مدیریت منابع آب، با مشارکت عمیق و گسترده عموم و ذینفعان، از جمله تشکلهای محیط‌زیستی، سازمانهای مردم‌نهاد محلی و تشکلهای کشاورزی صورت گیرد و تمامی مراحل به صورت شفاف در معرض قضاوت و مشارکت عموم قرار گیرد.

- همچنین سپاسگزار خواهیم شد دستور فرمایید مستندات برگزاری ۱۵ جلسه هم‌اندیشی و ۳۵۰ ساعت کار کارشناسی جهت تدوین این اصلاحیه، در چارچوب تحقق شفافیت حداکثری و امکان استفاده و بهره‌برداری ذینفعان، در اختیار عموم قرار گیرد.

در همین روزها و در آستانه تابستان خشک ۱۴۰۱، در شرایطی که اکثر کلاتشهرها و شهرهای کشور در دشت‌های ممنوعه و حتی بحرانی قرار گرفته‌اند و حتی استحصال فعلی از چاه‌های مجوزدار وضعیت آنها را بحرانی‌تر می‌کند، حفرچاه‌های جدید توسط وزارت نیرو عملیاتی شده است؛ راه‌حلی ساده و دم‌دستی برای تامین آب شرب که البته به وخیم‌تر شدن وضعیت آبخوان‌ها و فرونشست زمین و به خالی‌کردن زیربمای میلیونها نفر دامن می‌زند. این درحالی است که قوانین و مصوبات موجود نیز اجازه چنین بارگذاری جدید و بی‌ضابطه‌ای بر دشتهای ممنوعه، خصوصاً از سوی نهاد متولی حفاظت از منابع آب را نمی‌دهد. لازم است به جای تنظیم مکرر پیش‌نویس‌هایی غیراصولی برای بازبینی قانون بخش آب، چنین چالش‌های جدی و عملی در مدیریت منابع آب، مورد توجه اساسی قرار گیرند.

با احترام دوباره

شورای هماهنگی شبکه تشکل‌های مردم‌نهاد محیط زیست و منابع طبیعی کشور



نگاهی جامعه‌شناختی به چیستی و چرایی جنبش‌های محیط زیستی و بنیان‌های آن



معصومه اشتیاقی
دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر
اجتماعی محیط زیست

شهرنشینی و صنعتی شدن به تدریج بخش‌های زیادی از جمعیت جامعه را از تماس کاری روزانه با محیط طبیعی جدا ساخت. تغییرات محیط پیرامون باعث نگرش‌ها و حساسیت‌های مدرن در جامعه شد. نگرش‌هایی که بیشتر به محیط زیست توجه داشته و زمینه حمایتی برای دفاع سازمان‌یافته از محیط‌های طبیعی را فراهم ساخت. گروه‌های اجتماعی مختلف نسبت به آسیب‌های محیط زیستی هوشیار شده که همین امر سطح مشارکت مردمی مدافع محیط زیست را افزایش داد. افزایش جمعیت، رواج مصرف گرای، تولیدات شیمیایی آلوده بهره‌کشی مخرب از محیط زیست و منابع طبیعی از جمله مواردی است که زمینه آسیب‌های محیط زیست شد. نگاهی بر وضعیت محیط‌زیست جهان در دهه‌های اخیر حاکی از تشدید تأثیرات مخرب انسانی بر جهان بیوفیزیکی است. تنزل محیط زیستی شامل آلودگی شدید جو، کاهش تنوع زیستی، پارگی لایه اوزون، پدیده گلخانه‌های گرم شدن کره زمین، افزایش سطح آب اقیانوسها، تغییرات شدید اقلیمی و مسائلی از این دست است که نتیجه خودبهبودی فرایندهای اجتماعی ناشی از صنعتی شدن جوامع است.

در طول چند دهه اخیر جنبش‌ها بسیار متنوع در جهان شکل گرفت و در حال حاضر شامل احزاب سیاسی سبز و نیز سازمان‌هایی نظیر صلح سبز و دوستان زمین است. این NGOهای محیط زیستی عمدتاً در دو بعد فعالیت می‌کنند: از طرفی گروه‌های فشار و از طرف دیگر به مثابه عامل مکمل دولت در فرایند یافتن راه حل مسائل به شمار می‌روند. نکته مهم‌تر در سطح بین‌المللی آن که مشارکت سازمان‌های غیردولتی در امور مربوط به توسعه و محیط زیست ملی و جهانی امری پذیرش شده و متداول در عرصه سازمان‌های بین‌المللی است. بسیاری از صاحب‌نظران بر این نظرند که در قرن بیست و یکم بدون مشارکت سه پایه اصلی: دولت (حاکمیت)، بخش خصوصی و جامعه مدنی اداره جوامع و کشورها ناممکن خواهد بود.

از دهه ۱۹۷۰ منازعات مرتبط با موضوع‌های محیط زیستی یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های عمل جمعی در کشورها است. جنبش‌های محیط زیستی اغلب انعکاس دهنده علاقه مشترک به خیرهای عمومی است. در فصل ۲۷ از برنامه کار ۲۱؛ منشوری برای آینده- درباره سازمان‌های غیر دولتی این گونه آمده است که، «از لحاظ تاریخی اعتبار تأسیس ارگان‌های حفاظت از محیط زیست در زمره سازمان‌های رسمی دولتی، باید به دموکراسی مشارکت جویانه‌ای داده شود که وجدانه از سوی سازمان‌های غیر دولتی نهضت جهانی محیط زیست تبلیغ می‌شود.

به موازات فرآیند تقویت سازمان‌های غیردولتی، حفاظت از محیط‌زیست در کشورها نیز جدی‌تر دیده می‌شود. آگاهی عمیق‌تر از مسائل اقتصادی و سیاسی توسعه نیافتگی مسلمانان بر توان بشردوستانه این سازمان‌ها که عمدتاً از نیروی جوان تشکیل می‌شود خواهد افزود. دستور کار ۲۱ تأکید دارد که دولت‌ها، گریزناپذیری این امر را بپذیرند و بطور سازنده‌ای با این اپوزیسیون جدید کار کنند، حتی اگر در لحظاتی شدت عمل مشتاقانه این اپوزیسیون توهماتی نسبت به تبعیت آن از سیاست‌های دولتی ایجاد کند. هزینه اجرا: «... قابل ملاحظه است، ولی میزان آن را بطور قابل اطمینانی نمی‌توان تخمین زد.»

ضرورت نیاز به جنبش‌های محیط زیستی از منظر نیاز اجتماعی

مارکوزه معتقد است «تفکر و عمل باید تغییر یابد، تغییر دیدگاه کمی و مصرف‌گرا به زیبایی‌شناختی مبنای این دگرگونی است. از دید مارکوزه جنبش محیط زیستی جریان‌رهای بخش و وابسته به حیات جامعه است. سازمان‌های غیردولتی نه تنها گروه‌های فشار هستند، بلکه هم‌چنین در سازماندهی اطلاعات علمی و ارائه آن‌ها به تصمیم‌گیران و مردم نقش اساسی بازی می‌کنند. سازماندهی یک فرایند اجتماعی است. برآورده کردن نیازهای جامعه بدون مشارکت اجزای جامعه و بسیج جمعی آن‌ها ناممکن و ناقص است. تغییرات اجتماعی با اقدام جمعی امکان می‌یابد. قدرت این اقدامات منوط به سازماندهی و تشکل یافتگی است. فعالیت یک گروه کاری برای دستیابی به اهداف مشترک می‌تواند از هر تلاش انفرادی بیشتر به موفقیت دست یابد. سازماندهی اجتماعی با کمک تشکل‌های محیط‌زیستی ابزاری قدرتمند است که می‌تواند توسط شهروندان آگاه و

نخبه برای ایجاد تغییرات و مطالبه‌گری صحیح به نفع جامعه و حفظ محیط زیست و منابع طبیعی استفاده شود. شکل‌گیری شبکه اطلاعاتی و فرایند مشارکتی در بدنه تشکل‌های زیست محیطی امکان رصد مشکلات و به صدا درآوردن آژیر خطر را دارد. و در ادامه زمینه اقدام جمعی مشترک را با بسیج عمومی فراهم می‌سازد.

به عنوان مثال، شکل‌گیری هیات بین دولتی تغییرات آب و هوا نتیجه دو کارگاهی است که در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی برگزار شد. با توجه به تغییرات شدید آب و هوایی، این سازمان‌های غیر وابسته به دولت به صورت‌های مختلف درگیر تعیین سیاست‌های مواجهه با تغییرات آب و هوایی شدند و به مثابه اهرم فشار سعی در تغییر سیاست‌ها و اقدامات ضد محیط زیست عمل کردند.

در کل، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌ها و دولت‌ها تا حدی منافع متفاوتی دارند که نه می‌توان و نه باید آن‌ها را از بین برد. همه آن‌ها تا حدودی گروه ذینفع با دستور کار خاص هستند که هیچ وقت با منافع عمومی تطبیق ندارند. با این حال، تا زمانی که آن‌ها همکاری‌های موثر و فعالی ایجاد نکنند، پیشرفت چندانی صورت نخواهد گرفت. سازمان‌های غیردولتی نه تنها اعتبار اخلاقی دارند، بلکه منبع دانش، تجربه، مهارت و آگاهی زیست محیطی هستند که در بیشتر مواقع دولت و بخش خصوصی فاقد آن هستند. (۱)

تاریخچه جنبش‌های محیط زیستی در جهان

جنبش زیست محیطی تاریخی بسیار طولانی به لحاظ فعالیت جمعی دارد که آغاز آن به اواسط قرن نوزدهم مربوط است. جنبش اولیه محیط زیست‌گرایی از منابع و دغدغه‌های مختلفی شکل گرفت. شهرهای بزرگ دارای مراکز صنعت و تجارت و در عین حال انواع و اقسام مشکلات زیست محیطی بودند، از جمله: دود کارخانه و مه دود شهر، رودخانه‌های آلوده و هوای آلوده، خیابان‌های کثیف و بهداشت نامناسب. بسیاری از این مشکلات بر ثروتمندان نیز همانند فقرا تأثیر گذاشت که همین موجب شد تا بسیاری از سازمان‌های محیط زیستی نوپا، با منابع مالی و تعهدات سیاسی نخبگان جامعه ایجاد شود که نفوذ آن‌ها به احزاب سیاسی و دوایر دولتی نیز کشیده شد. کار بشر دوستانه طبقه متوسط سبب



شد اصلاح طلبان در جریان مسائل فقرای شهری و مشکلات بهداشتی شان قرار گیرند. مشکلاتی که تا حدودی نتیجه زندگی جدیدی تلقی می‌شد که از محیط طبیعی سلامتی بخش دور افتاده بود. (۲) در فرانسه، انجمن حفاظت از طبیعت در سال ۱۸۵۴ تاسیس شد که به طور منطقی می‌تواند ادعا کند اولین گروه «زیست محیطی» است. یک دهه بعد انجمن حفاظت از پارک‌های انگلیس شکل گرفت و در ایالات متحده، باشگاه سیئرا در سال ۱۸۹۲ تاسیس شد. باشگاه سیئرا تمامی شاخه‌های اصلی محیط زیست گرای اصلاح طلب را در بر می‌گرفت. این باشگاه به دنبال حفاظت از محیط‌های طبیعی در سلسله کوه‌های سیئرا نوادا بود که بخشی از زیبایی میراث منطقه محسوب می‌شد و سطح بحث را برای ایجاد سلسله پارک‌های ملی بالا برد. نهایتاً، این باشگاه درک علمی‌ای از ناحیه طبیعی را ترویج داد که مردم را مطلع می‌ساخت و آموزش می‌داد. این سه زمینه اصلی برای حفاظت از محیط طبیعی یعنی دسترسی عمومی، درک زیبایی‌شناختی و شناخت علمی؛ عوامل انگیزشی اصلی بودند که افراد بیشتری را وارد جنبش محیط زیستی گسترده‌تر کردند. جنبش‌های محیط زیستی همچنین با توجه به زمینه ملی ویژگی‌های متفاوتی یافتند. (۳)

گیدنز جامعه‌شناس معتقد است که جنبش مدرن طرفداران محیط زیست در آلمان دهه ۱۹۷۰ ریشه دارد. اصطلاح «سبز» به معنای سیاسی کلمه در آلمان وضع شد و در همان کشور بود که حزب سبز اولین بار در انتخابات پیروز شد. از آن پس، گروه جنبش سبز به جنبش جهانی تبدیل شد: اولین گردهمایی جهانی آن دقیقاً قبل از کنفرانس سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ در شهر ریو برگزار شد. انجمن «شبکه جهانی سبز» از ۸۰ کشور مختلف نماینده‌ی حزبی دارد. در میان نظرات متنوعی که احزاب سبز ارائه کرده‌اند، رشته‌های مشترکی وجود دارد که آن‌ها را به هم پیوند می‌زند. این شبکه مجموعه‌ی اصولی را فهرست می‌کند که «مشخص می‌کند مقصود از عضو سبز بودن در هزاره جدید چیست». این مجموعه شامل چهار اصل است که ابتدا گروه سبزهای آلمان دو دهه پیش آن‌ها را مطرح کردند. یعنی «خرد بوم‌شناختی» (تعادل یا هماهنگی بوم‌شناختی)، عدالت اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و عدم خشونت و دو مورد دیگر که بعدها به آن اصول اضافه شد: پایداری و احترام به تنوع. (۴)

نوع متفاوتی از محیط زیست‌گرایی در اوایل دهه ۱۹۷۰، ظاهر شد و دهه ۱۹۸۰ همزمان با دوره رشد سریع عضویت و شکل‌گیری گروه‌های جدید بود. می‌توان گفت که در این دوره، برای اولین بار یک جنبش محیط زیستی ناب توده‌ای در حال ظهور بود. این دوره را مطلعان «محیط زیست‌گرایی جدید»، قلمداد کرده‌اند که جزئی

از مجموعه‌ای است که جامعه‌شناسان آن را «جنبش‌های اجتماعی جدید» نامیده‌اند. مبارزات علیه جنگ ویتنام، جنبش‌های دانشجویی در اروپا و ایالت متحده آمریکا و جنبش معلولان و.. در این زمره جای می‌گرفتند. به نظر می‌رسد جنبش‌های اجتماعی جدید از جنبه‌های مهم با پیشگامان تاریخی‌شان تفاوت داشته باشند. فرق عمده محیط زیست‌گرایی جدید در این بود که وعده داد هم کشورهای صنعتی نیکمره شمالی و هم کشورهای در حال توسعه نیکمره جنوبی را در بر گیرد (ساتن، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

تاریخچه جنبش‌های زیست محیطی در ایران

اولین سازمان غیردولتی زیست محیطی در ایران گروه روستاییان اشکذر یزد بود که در سال ۱۳۴۹ با هدف تثبیت شن‌های روان و بیان‌زدایی فعالیت خود را آغاز نمود. تشکل غیردولتی زیست محیطی بعدی، انجمن حمایت از حیوانات بود که اواسط دهه ۱۳۵۰ تشکیل شد اگر چه، در سال‌های بعد از انقلاب منحل شد. در سال‌های آغازین پس از انقلاب تا پس از جنگ روند تقریباً ساکن بوده است. تا این که بعد از اجلاس ریو و به تبعیت از جنبش جهانی محیط زیست، سایر سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در ایران اوایل دهه ۷۰ شکل گرفته و به تدریج تا کنون در حال رشد و گسترش هستند. این سازمان‌ها نقش موثری در تسریع به اهداف حفاظت از محیط زیست، کاهش آلودگی و ترمیم خسارات زیست محیطی دارند. آن‌چه در بدنه شکل‌های تشکل‌های زیست محیطی مردم نهاد در ایران به مثابه اصل حرکت در آمدن این شکل از فعالیت‌ها گردیده است انگیزه رفع نیاز مشترک جامعه محلی در مواجهه با پیامدهای تخریب عناصر طبیعت بوده است. (۵)

نگاهی به چیستی سازمان‌های غیر دولتی محیط زیستی

ساختار یک سازمان غیردولتی در بردارنده

عناصر تشکیل دهنده آن سازمان و روابط حاکم بر آن‌ها است. ساختار سازمان‌های غیردولتی، بدین گونه دسته‌بندی شده‌اند: ۱- نهادهای موثر اجتماعی ۲- تشکیلات ۳- رهبریت گروه ۴- مدیریت ۵- هدف از تاسیس ۶- رسمیت یافتگی و پویایی گروهی ۷- اعضا ۸- منابع (توان اقتصادی). از جمله ویژگی‌های سازمان‌های غیر دولتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تقریباً تمام سازمان‌های غیردولتی متشکل از افرادی است که انگیزه بالایی برای فعالیت در جهت هدف خاص دارند.

۲- اعضا در سازمان‌های غیردولتی به طور داوطلبانه فعالیت می‌کنند.

۳- بیشتر سازمان‌های غیردولتی به دنبال سود به معنای کسب درآمد نیستند، به عبارت بهتر اکثر سازمان‌های غیردولتی غیرانتفاعی می‌باشند. ۴- غالباً این سازمان‌ها با توجه به اهداف ویژه‌ای تعریف می‌شوند.

در مجموع، انتظار می‌رود سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی به تعقیب دو وظیفه اساسی بپردازند:

۱. تقویت جامعه مدنی به نحوی که باعث افزایش انسجام و اثربخشی آن در مواجهه با نیازهای جامعه بشود و رهبران سیاسی و نظام اداری را وادار سازد تا در قبال مردم مسول و پاسخگو باشند.
۲. اصلاح سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی، به گونه‌ای که دولت مجبور شود نیازها و خواسته‌های بخش‌های ضعیف‌تر جامعه مدنی را به شکل مناسب‌تری تامین کند. (۶)

چرایی شکل‌گیری سازمان‌های غیر دولتی محیط زیستی

سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی به عنوان نهادها و موسساتی کارآمد و مکمل بخش دولتی در تامین اهداف توسعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و در دستور کار ۲۱ که در اجلاس سران زمین در ریو به تصویب رسید از آنان به عنوان «شرکایی برای تحقق توسعه پایدار» نام



از این ضعف به عملکرد فعالین محیط زیست مربوط است. ارتباط‌گیری با جوامع محلی و همراه کردن آن‌ها در رخدادهای مختلف بخشی از کارکرد ماهیتی این تشکل‌ها است. در کنار این‌ها ضعف استراتژی و برنامه دربارہ اقدامات و فعالیت‌ها از دیگر چالش‌های درونی سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در کشور است که قدرت نفوذ و تاثیرگذاری سمن‌های محیط زیستی را به حداقل می‌رساند. یکی از نقاط ضعف عمده تشکل‌های محیطی زیستی این است که در بخش پژوهشی فعالیت منسجم چندانی ندارند که همین امر قدرت سمن‌ها را در چانه‌زنی با دولت برای رد یا اثبات دلایل مخالفت با برنامه‌ها کاهش می‌دهد. در این میان، مهم‌ترین راهبرد پیشرو تشکل‌های زیست محیطی آگاهی بخشی عمومی، شفاف‌سازی و مطالبه‌گری است. تقویت ظرفیت مشارکت‌جویی در همراه کردن شهروندان می‌تواند زمینه‌ای برای اقدامات و بسیج عمومی در مسائل و چالش‌های محیط زیستی فراهم نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی جنبش‌های محیط زیستی در سراسر دنیا دفاع از محیط زیست بوده است. نگاهی به مهم‌ترین جنبش‌ها مانند صلح سبز حاکی از آن است که سیاست مبارزه آگاهانه و جمعی با بسیج عمومی بر علیه تخریب منابع و از بین بردن گونه‌های زیستی می‌تواند از بسیاری چالش‌ها جلوگیری نماید و در مقابل توسعه ناپایدار مقاومت اصولی داشته باشد.

درباره جنبش‌های محیط زیستی ایران باید پیش از همه به ظرفیت تشکل‌های محیط زیستی دقت کرد. فعالیت سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در ایران بسیار کم و در بیشتر مواقع با موانع پرشمار بیرونی و داخلی مواجه بوده است. تهدیدها و ضعف‌های پیرامون تشکل‌های محیط زیستی باعث شد تا تشکل‌های محیط زیستی در بزنگاه‌ها نتوانند اثربخشی لازم را داشته باشند.

غلبه نگاه سیاسی به فعالیت محیط زیست مساله‌ای است که به طور جدی به کاهش انگیزه و توان فعالین محیط زیست کشور می‌انجامد. در کنار آن به دلیل عدم عضوگیری حداکثری، این تشکل‌ها در بیشتر مواقع با چالش مالی و اقتصادی درگیرند که بر استقلال این سازمان‌های غیردولتی مردمی آسیب زنده است

اشکال در سطح سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی محیط زیستی بین المللی وارد است که کمترین تعامل، تبادل دانشی و انتقال تجارب مشترک را دارند.

از سوی دیگر قوانینی که به طور خاص مربوط به تشکل‌های زیست محیطی باشد بسیار کم و تا حدی وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات این تشکل‌ها مربوط به شفاف نبودن وضعیت مالی و مالیاتی این تشکل‌ها است. در سطح همکاری با دولت، درک و شناخت دقیقی از تشکل‌های محیط زیستی وجود ندارد که همین امر عملکرد تشکل‌های محیط زیست را دچار آسیب می‌کنند. غلبه نگاه سیاسی به فعالیت محیط زیست مساله‌ای است که به طور جدی به کاهش انگیزه و توان فعالین محیط زیست کشور می‌انجامد. در کنار آن به دلیل عدم عضوگیری حداکثری، این تشکل‌ها در بیشتر مواقع با چالش مالی و اقتصادی درگیرند که بر استقلال این سازمان‌های غیردولتی مردمی آسیب زنده است.

در سطح جامعه نیز، میزان آشنایی شهروندان از تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی محیط زیست پایین است که همین امر میزان همکاری با تشکل‌ها را کاهش می‌دهد. اگر چه بخشی

برده شده است. کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد «قرن بیست و یکم را عصر سازمان‌های غیر دولتی نامیده است. مویو پنج نوع فعالیت سازمان‌های غیردولتی در ارتباط با دولت و میزان تاثیرگذاری آن‌ها را ذکر می‌کند: (۱) نمایندگی و وکالت، (۲) ورود در فعالیت‌ها، (۳) تکمیل برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی، (۴) مقاومت منفعل در برابر برخی سیاست‌های دولتی، (۵) تضاد و مقابله با برنامه‌ها و فعالیت‌های دولتی. کلارک می‌گوید که سازمان‌های غیردولتی در ارتباط با دولت سه شیوه اثرگذاری دارند: (۱) اصلاح دولت، (۲) تکمیل فعالیت‌های دولت و (۳) مقابله با دولت. آلن توماس چهار شکل اثرگذاری سازمان‌های غیردولتی بر دولت و جامعه را تحت عنوان چهار C چنین بیان می‌کند:

۱. همکاری با دولت که شامل ورود در فعالیت‌ها و اصلاح و اعمال برخی سیاست‌هاست.
۲. مقابله با رویارویی که مواردی نظیر تضاد و مخالفت با یک برنامه یا خط مشی سیاسی-اجتماعی را در برمی‌گیرد.
۳. فعالیت‌های تکمیلی، یعنی پر کردن خلایه‌های موجود در امر توسعه و انجام دادن برخی فعالیت‌ها که دولت توان و ظرفیت انجام دادن آن را نداشته است یا ندارد. نقش سازمان‌ها در اینجا در تکمیل اهداف و فعالیت‌های دولت است.
۴. افزایش سطح آگاهی‌ها، که مبارزه غیرمستقیم و عمومی از راه افزایش آگاهی مردم و اقشار جامعه با برخی فعالیت‌های اجرایی را شامل می‌شود. (۷)

نگاهی به وضعیت سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در ایران

فلسفه شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در ایران همانند همه جهان برآمده از دغدغه آگاهان و مطلعین به بحران‌های پیش روی محیط زیست کشور بوده است. نوپایی سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در کنار محدودیت ساختاری برای فعالیت‌های داوطلبانه محیط زیستی موجب شد تا برخی موانع و چالش‌ها متوجه این تشکل‌ها باشد. البته نباید از ضعف‌ها و کاستی‌های درونی این تشکل‌ها غافل شد. به لحاظ موانع درونی می‌توان به اشکال غیرتخصصی بودن حوزه‌های زیرمجموعه مسائل محیط زیستی در کشور اشاره کرد که همین امر خلایه‌هایی را در شنیده شده برخی چالش‌های مهم محیط زیستی در طی زمان به تدریج به وجود آورده است. یکی دیگر از نقاط ضعف تشکل‌های محیط زیستی در کشور این است که این تشکل‌ها از ضعف سازماندهی اجتماعی در بزنگاه‌ها برای مخالفت با اقدامات علیه محیط زیستی برخوردارند. به لحاظ سطح و گستره تعامل تشکل‌های محیط زیستی با جامعه محلی نیز کاستی‌هایی وجود دارد که نیازمند بررسی است. هم‌چنین این





NGOs in the BusinessNGO Cooperative Network”, Business & Society, Vol 53, No 1, pp 133-105.

Percival, R., and Huiyu, Z. (2013). The role of civil society in environmental governance in the United States and China, Duke Environmental Law & Policy Forum, Vol. xxx:182-140, 141.

Singh, R. Harinder, and Serina Abdul Rahman (2012), An Approach for Environmental Education by Non-Governmental Organizations (NGOs) in Biodiversity Conservation, Procedia - Social and Behavioral Sciences, N. 42 Pp. 144 152 –.

Laestadius, I. Linnea, Neff, A. Roni, Barry, L. colleen, Frattaroli, Shannon (2014). “We don’t tell people what to do”: An examination of the factors influencing NGO decisions to campaign for reduced meat consumption in light of climate change, Global Environmental Change, N.29, Pp. 40–32.

Madsen, Mads Loegdsgard and Egon Noe (2012). Communities of practice in participatory approaches to environmental regulation. Prerequisites for implementation of environmental knowledge in agricultural context, environmental science & policy N. 8, Pp33-25.

Nan, Chen Jia (2012) Contributions of environmental NGO to environmental education in china, International conferences on future computer supported education, Pp. 906-901.

Gupta, Namita (2012) Role of NGOs in environmental protection: A Case Study of Ludhiana city in Punjab, JOAAG. VOL.7.NO.2, Pp. 18-9.

درباره جنبش‌های محیط زیستی ایران باید پیش از همه به ظرفیت تشکل‌های محیط زیستی دقت کرد. فعالیت سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در ایران بسیار کم و در بیشتر مواقع با موانع پر شمار بیرونی و داخلی مواجه بوده است

<http://zistboom.com/fa/new>.
<http://iranngonews.persianblog.ir/post/542>
<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%8B%5D9>.

Fagan, Adam & Sircar, Indra-neel (2010): Compliance without governance: the role of NGOs in environmental impact assessment processes in Bosnia–Herzegovina; Environmental Politics, Vol. 19, No. 4, July 616–599, 2010

Oosterveer, Peter & Spaargaren, Gert (2011): Organising consumer involvement in the greening of global food flows: the role of environmental NGOs in the case of marine fish; Environmental Politics Vol. 20, No. 1, February 114–97, 2011

Yang, Guobin (2005): Environmental NGOs and Institutional Dynamics in China; The China Quarterly / Volume 181 / March 2005, pp 66 - 46

Crotty, Jo & Marie Hall, Sarah (2013), “Environmental Responsibility in A Transition Context: Russian Perception and Response”, Environment & Planning: Government & Policy, Vol, 31, pp 681-667.

-Gaudreau, Matthew & Cao, Huhua (2015), “Political Constraints on Adaptive Governance: Environmental NGO Networks in Nanjing, China”, Journal of Environment and Development, Vol 24, No 4, pp 444-418.

O’connor, Amy & Shumate, Michelle (2014), “Differences among

فقدان بسترهای قوی حمایت مالی از تشکل‌ها باعث شد تا حرکت‌های منسجم و سازمان یافته به شکل جنبش جمعی بر علیه اقدامات آسیب زنده به منابع طبیعی کمتر شکل بگیرد. هم‌چنین زبان مشترک بین تشکل‌های زیرمجموعی و جامعه محلی به طور کامل شکل نگرفته که این خود فرصت همراهی جامعه به تشکل و تقویت بستر جنبش‌های محیط زیستی را دشوار می‌کند. یادگیری امکان‌های مشارکت شهروندان برای مداخله در کنش جمعی به شکل جنبش و حرکت دسته جمعی از مواردی است که لازم است تشکل‌های محیط زیستی بدان توجه و اهتمام ورزند. هم‌چنین در سطح و گستره مسائل محیط زیستی نیازمند همکاری‌های مشترک در سطح داخلی و بین‌المللی است. تقویت بنیادهای خدمات حمایت کننده جنبش‌ها با عضوگیری حامیان و سازماندهی نیروی بالقوه از جمله سازو کارهای تقویت این شکل از فعالیت‌های مدنی در جامعه است.

منابع:

ارپیسه، ژر (۱۹۹۲) دستور کار ۲۱، ترجمه سازمان محیط زیست ایران.

<http://www.doe.ir/Portal/home/?8% /146455>.

عنبری، موسی (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ، انتشارات سمت.

لاهیجانیان، اکرم الملوک، ارجمندی، رضا، محرم‌نژاد، ناصر، جمشیدی دلجو، مجتبی (۱۳۸۹) بررسی ساختار و عملکرد سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی و نقش آن‌ها در فرایند توسعه شهری استان تهران، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دوازدهم، شماره ۳، صص. ۱۰۲-۱۱۱.

ماریو دینانی، دوناتلا دلپورتا (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.

میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳) حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. گیدنز، سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا، ترجمه صادق صالحی و شعبان محمدی، تهران. نشر آگه.

ساتن، جان (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران انتشارات سمت.

اکرامی، عطیه، هنربخش، نازلی (۱۳۸۸) عدالت زیست محیطی، رویکرد جامع در تحقق عدالت اجتماعی، صدیقه ببران در توسعه پایدار و محیط زیست، انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام مرکز تحقیقات استراتژیک، صص. ۱۱۱-۱۳۰.

ملکی، قاسم (۱۳۹۴) نخستین جنبش زیست محیطی جهان، زیست بوم. ۲۹ اردیبهشت

پانویس:

- ۱- گیدنز، ۱۳۹۵: ۱۸۲
- ۲- ساتن، ۱۳۹۳
- ۳- ساتن، ۱۳۹۳
- ۴- گیدنز، ۱۳۹۵: ۸۶-۸۷
- ۵- لاهیجانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۲
- ۶- میدری، خیرخواهان، ۱۳۸۳
- ۷- عنبری، ۱۳۹۰: ۳۲۲



واکاوی دلایل عدم موفقیت طرح‌های مشمول ارزیابی در تحقق اهداف محیط‌زیست



مه‌ری رضایی
دکترای محیط‌زیست، کارشناس اداره کل حفاظت محیط‌زیست خراسان رضوی

مقدمه:

گرچه از زمان تصویب آیین‌نامه ارزیابی؛ شاهد اعمال این قانون برای پروژه‌های بزرگ‌مقیاس هستیم؛ اما کماکان انتقادهای زیادی از سوی دوستداران حفظ محیط‌زیست در خصوص آثار منفی پروژه‌های اجراشده وجود دارد. در این گفتار در پی واکاوی دلایل عدم تحقق هدف عالی‌ه مطالعات EIA در پروژه‌های بزرگ‌مقیاس در سه سطح درون سازمانی؛ برون سازمان و سطح مشاورین خواهیم بود. گرچه از نگاه سیستمی مرز روشنی بین این سه بخش وجود ندارد و آنچه به‌عنوان ناکارآمدی مطالعات EIA می‌بینیم برآیند نقص در هر سه سطح عملکردی و نیز ارتباطات متقابل این سه با هم دیگر می‌باشد اما تشریح یکایک این بخش‌ها کمک می‌کند تا دید واضحی از علت و معلول‌ها و متعاقبا اولویت‌های اصلاحی به دست آید.

سطح برون سازمان:

-عدم اعمال ارزیابی اثرات استراتژیک در تصمیمات کلان برای یافتن چرایی وضع موجود؛ باید ابتدا سطح حاکمیت سازمان حفاظت محیط‌زیست را در تعریف پروژه‌ها و اجرای آن واکاوی و سهم وظایف دستگاهی و فرادستگاهی را در این ناکارآمدی تعیین نماییم. میدانیم که هدف غایی مطالعات ارزیابی محیط‌زیست (EIA) تعیین آثار پروژه بر پارامترهای محیطی (بیولوژیک؛ فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی) و کاهش اثرات پروژه بر آن هست درحالی‌که ارزیابی اثرات استراتژیک (SEA) سعی می‌نماید آثار سیاست‌گذاری‌های کلان را با شاخص‌های زیست‌محیطی غربال و به حداقل برساند. به سخی دیگر در هرم قدرت و تصمیم‌گیری‌های کلان؛ ارزیابی استراتژیک در یک گام بالاتر از سطح پروژه و EIA قرار دارد. لذا سیاست‌های کلان که در حوزه فرادستگاهی سازمان حفاظت محیط‌زیست نظیر قوه مجریه تصمیم‌گیری و متعاقبا به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط دیکته می‌گردد تا حد زیادی خارج از حوزه قدرت سازمان محیط‌زیست در وضعیت کنونی است. در حقیقت آنچه به‌عنوان ورودی (Input) به سازمان حفاظت محیط‌زیست آمده (نه در نوع

پروژه و نه مکان اجرای پروژه) در حدود اختیارات این سازمان نیست بلکه تنها ابلاغ برخی ملاحظات کلی در نحوه انجام پروژه و نظارت بر حسن اجرای آن در شرح وظایف این سازمان است.

موقعیت EIA, SEA در هرم قدرت

-تاخیر در تصویب سند آمایش کشور: یک گزاره مهم در تعدیل آثار منفی پروژه بر محیط‌زیست؛ مکان‌گزینی متناسب با نوع پروژه و توان اکولوژیک سرزمین است که می‌تواند پایداری بخش طرح‌های توسعه در بلندمدت باشد. با تأخیری که در تصویب و ابلاغ سند آمایش کشور انجام شد این بخش از حوزه مطالعات عملا و درواقع، قابلیت تحقق تا به این زمان را نداشته است. تعلیق هشت‌ساله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به‌عنوان متولی اصلی تنظیم سند آمایش و دیگر مسائل زیرساختی که هم‌اکنون مانعی بر اجرایی شدن سند آمایش است مسبب وضعی است که شاهدش هستیم.

سطح درون سازمانی:

گرچه عمده اشکال در حوزه مطالعات ارزیابی برون‌سازمانی میدانم؛ اما نمی‌توان کتمان کرد عدم رابطه متقابل و نزدیک سازمان با بخش‌های سیاست‌گذار و سایر وزارتخانه‌ها؛ باعث فاصله‌گیری این سیاست‌ها از معیارهای پایداری بخش شده است. درواقع سازمان محیط‌زیست آن‌چنان سر در گریبان هزارتوی ساختار بروکراسی خود شده است که کمتر در خارج از حوزه خود؛ سیاست‌گذاری و ظرفیت‌سازی نموده است. سازمانی که مأموریت (mission) و سبند چشم‌اندازی (vision) برای خود تعریف نکرده است وظایفش در حد روزمرگی‌های اداری تقلیل می‌یابد و متأسفانه نوع انتصابات مدیران ارشد سازمان که در دهه‌های اخیر عمدتا از خارج از مجموعه سازمان صورت گرفته است نیز به این ناکارایی افزوده است. عدم اطلاع مدیران ارشد سازمان از مشکلات درون‌سازمانی و از طرفی انتصابات بی‌ضابطه در مجموعه زبردست که حتی به رده کارشناسان تخصصی دفاتر نیز رسیده است سازمان حفاظت محیط‌زیست را به مرور زمان فرسوده و از درون تهی کرده است. علیرغم موارد اشاره‌شده، سازمان حفاظت محیط‌زیست در سطح درون دستگاهی نیز با کاستی‌ها در اجرای وظایف خود روبرو است که به مشکلات مطالعات EIA دامن زده است؛ شاید بتوان مهم‌ترین این نواقص را به‌صورت ذیل برشمرد:

-ارتباط مالی مشاور- کارفرما: در حال حاضر پروژه‌های ارزیابی پس از ابلاغ به سرمایه‌گذار با پرداخت هزینه به مشاورین رتبه دار محیط‌زیست

انجام می‌گردد. ارتباط مالی مستقیم بین سرمایه‌گذار و گروه مشاور؛ زمینه فساد از طریق اعمال فشار از سوی کارفرما بر مشاورین را فراهم می‌آورد. این موضوع در خلأ عدم ارزیابی کیفی کار مشاورین و پیمانکاران حوزه محیط‌زیست در بخش ارزیابی؛ تصفیه فاضلاب و مدیریت پسماند توسط سازمان محیط‌زیست (به‌عنوان کارفرمای اصلی)؛ حلقه معیوب و پر از رانت در فعالیتهای زیست‌محیطی بخش صنعتی- معدنی را ایجاد نموده است. بدیهی است سازمان می‌بایست تعارض منافع ذینفعان را با قطع ارتباط مالی با استفاده از ظرفیت صندوق ملی محیط‌زیست یا سازوکارهای دیگر مدیریت نماید. بر اساس دستورالعمل ارزشیابی پیمانکاران مصوب ۱۳۸۲ هیئت‌وزیران؛ دستگاه‌های اجرایی موظف هستند کیفیت کار پیمانکاران و مشاوران خود را ارزیابی و نتایج را به نهاد مربوطه منعکس نمایند و ابزارهای قانونی لازم برای برخورد با متخلفین از طریق کاهش تعداد کار مجاز؛ کاهش گرید و یا منع فعالیت موجود می‌باشد؛ اما چه این آیین‌نامه بتواند مستقیما مورد استفاده قرار گیرد یا اینکه سازمان به‌طور متشابه سازوکاری را متناسب با نوع نیاز خود تنظیم نماید، تاکنون سازمان حفاظت محیط‌زیست از ظرفیتهای قانونی برای بهبود کیفیت خدمات بخش محیط‌زیست استفاده ننموده است. لذا علیرغم سرمایه‌گذاری و صرف هزینه در بخش‌های زیست‌محیطی صنایع، کماکان شاهد معضلات زیست‌محیطی و انتشار آلاینده‌ها می‌باشیم.

- کاربرد نبوده مطالعات EIA:

گرچه هدف مطالعات ارزیابی کاهش آثار پروژه بر محیط‌زیست از طریق تعیین اثرات و ارائه روش‌های کاهش و بهبود می‌باشد، اما در حال حاضر مطالعات ارزیابی صرفا به‌عنوان یکی از مستندات صدور مجوز پروژه‌های بزرگ‌مقیاس در نظر گرفته می‌شود و سازمان نتوانسته است بسته‌های کاربردی و عملیاتی این مطالعات را به بخش اجرایی- نظارتی خود پیوند بزند. جداول بخش نظارت و پایش در اغلب مطالعات بسیار کلی‌گویی و از آخرین آیین‌نامه‌های و شیوه‌نامه‌های سازمانی مصوب عقب می‌باشند. بخش آموزش و مشارکت مردمی در مطالعات ارزیابی به بخش مهاجری تبدیل شده است که صرفا بر حجم مطالعات می‌افزاید؛ بخش ارزیابی ریسک بدون ارائه اکشن پلن و برنامه مدیریت بحران در عمده پروژه‌ها ارائه می‌گردد. تا زمانی که سازمان هر یک از مباحث فوق را به‌صورت بسته اجرایی درنیآورده و به‌عنوان سرفصل کاری به بخش‌های نظارتی و

۲- ارزیابی ریسک و مدیریت بحران:

هدف از ارزیابی ریسک تعیین حواصت مخاطره آفرین در برخی فعالیت‌ها و ارائه روش کنترل و کاهش آن است که بسته به نوع پروژه و مکان اجرای پروژه می‌تواند به‌عنوان ذیل مطالعات و همراه با آن از مشاور درخواست گردد. هنوز دستورالعمل واحدی برای پروژه‌های مشمول ارزیابی ریسک در سازمان حفاظت محیط‌زیست وجود ندارد و حسب سلیقه و نظر کارشناسی در سطح کشور با محدودی متنوعی از نظرات مواجهیم. علاوه بر این پیامد ارزیابی ریسک، اکشن پلن یا برنامه مدیریت بحران برای واحدهایی که ذات مخاطره آفرین دارند (مانند مخازن نفتی؛ پالایشگاهها، سدها و...) می‌بایست تنظیم گردد. تا برای کارفرمایان و همچنین ستاد بحران هر منطقه مشخص گردد در صورت بروز حادثه در مقیاس بحران چه اقداماتی لازم‌الاجراست. نقصان این قسمت از مطالعات در کشوری که رتبه چهارم بلایای طبیعی را دارا بوده و نرخ مرگ‌ومیر حوادث محیط کار ۸ برابر میانگین جهانی است جای نگرانی مضاعف دارد.

جمع‌بندی:

ناکارآمدی در حوزه مطالعات ارزیابی در سه بخش فرا سازمانی؛ سازمانی و بخش مشاورین به‌اختصار تشریح گردید. جعبه پاندورای محیط زیست ایران علاجی به‌جز برنامه جامع تحول سازمانی ندارد. تقویت نقش حاکمیتی سازمان حفاظت محیط‌زیست در گروهی سازمان‌دهی منابع انسانی است. سازمان‌های قرن بیست و یکم بر منابع انسانی استوارند. مدیریت منابع انسانی به مفهوم استفاده از مهارت و دانش کارکنان در راه رسیدن به اهداف سازمانی است و در این راستا سازمان حفاظت محیط‌زیست باید صادقانه خود را ارزیابی نماید که تا چه اندازه در جذب نخبگان، ارتقاء مهارت‌های شغلی در کارکنان و حفظ نیروی خیره خود موفق بوده است. بدیهی است تا زمانی که سازمان حفاظت محیط‌زیست نتواند منابع انسانی خود را از طریق تسریع و تسهیل جذب نخبگان؛ ایجاد سازوکار شایسته‌سالاری و تقویت بخش آموزش ضمن خدمت؛ مجهز به سلاح دانش روز کند، نخواهد توانست به وظایف خود آن‌چنان که شایسته و درخور است عمل نماید. در این مسیر مدیران ارشد سازمان به یاد داشته باشند تمرکز بیش‌از‌حد به چالش‌های داخل سازمان؛ نباید آن‌ها را از تعامل و ایجاد بستر گفتگو با سایر دوایر تصمیم‌گیری در خارج از حوزه سازمانی بازدارد. مدیران ارشد سازمان باید با تدبیر سازوکار SEA در سطح تصمیم‌گیری کلان و نیز استفاده از ظرفیت‌های موجود در سازمان‌های صادرکننده مجوز (دفاتر محیط‌زیست وزارت صمت و جهاد کشاورزی) به‌عنوان ابزاری برای تعدیل تصمیمات برون‌سازمانی و تحقق توسعه پایدار و تعالی بخش استفاده نمایند. زیرا بی‌شک مسیر تحقق توسعه پایدار جز در گروهی بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه و ایجاد فضای گفت‌وگو مبتنی بر دانایی میسر نخواهد بود.

سازمانی که مأموریت و سند چشم‌اندازی برای خود تعریف نکرده و وظایفش در حد روزمرگی‌های اداری تقلیل می‌یابد و عدم اطلاع مدیران ارشد سازمان از مشکلات درون‌سازمانی و از طرفی انتصابات بی‌ضابطه در مجموعه زیر دست که حتی به رده کارشناسان تخصصی دفاآر نیز رسیده است سازمان حفاظت محیط‌زیست را به مرور زمان فرسوده و از درون تهی کرده است

کشور مانع از اشتراک‌گذاری اطلاعات لازم برای طرح‌های سرمایه‌گذاری شده و نیاز است پلت فرم اطلاعات جامع چه در حوزه اطلاعات پایه و چه در حوزه قوانین ... تهیه و تنظیم گردد. به‌جز قوانین مصوب مجلس و هیئت‌وزیران سایر شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمانی که توسط دفاتر تخصصی تعریف و تنظیم می‌گردد در دسترس سرمایه‌گذاران و مشاوران قرار ندارد. هنوز سامانه واحدی وجود ندارد که بتوان آخرین تصمیمات سازمانی را در آن ردگیری کرد. ضمن اینکه عدم هماهنگی دفاتر ستادی نیز باعث تفسیر متفاوت از قانون و گاهی حتی صدور دستورالعمل‌های سازمانی خلاف قانونهای مصوب شده است؛ تغییر متناوب دستورالعمل‌های سازمانی آفت سرمایه‌گذاری است و تا زمانی که سازمان نتواند اصل شفافیت و ثبات را در حوزه قوانین محیط‌زیست برای بهره‌برداران و ذینفعان برقرار نماید نمی‌توان انتظار داشت که بخش سرمایه‌گذار بتواند به‌موقع خود را با این قوانین هماهنگ و همگام نماید.

- عدم انجام مطالعات تکمیلی ذیل مطالعات محیط‌زیست:

۱- ارزیابی اثرات تجمعی (CEIA): هدف از ارزیابی اثرات تجمعی تعیین آثار یک پروژه بر پارامترهای محیطی با لحاظ آثار سایر پروژه‌های موجود در منطقه است. این موضوع به‌خصوص برای بارگذاری در نواحی صنعتی، زونهای معدنی کشور و فازهای توسعه شهرک‌های صنعتی بسیار ضروری است تا مطمئن شویم آلاینده‌های تخلیه‌شده به محیط پایین‌تر از حدود آستانه و نیز در حد توان خود پالایی محیط قرار دارد. متأسفانه علیرغم اینکه بیش از سه دهه از ورود علم ارزیابی به کشور گذشته است هنوز در متدولوژی مطالعات EIA تفاوت چندانی با روزهای نخست معرفی این علم به کشور مشهود نیست. عدم پیوند نسل نوین ارزیابان کشور که مجهز به دانش روز ارزیابی هستند با حوزه اجرا، در کنار سایر علل برشمرده شده؛ باعث شده است که کیفیت مطالعات ارزیابی در کشور از سطح پایینی برخوردار باشد.

اجرای سازمان ابلاغ ننماید مطالعات ارزیابی صرفاً در حد "مطالعات" باقی خواهند ماند. بیش از یک دهه است که اعتبارات بخش آموزش سازمان بسیار تقلیل یافته است؛ ظرفیت بالایی در حوزه آموزش جوامع محلی با هزینه کرد واحدهای صنعتی وجود دارد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است اما بدیهی است این رکود و سکون سازمانی، خود نتیجه ضعف آموزش درون‌سازمانی و عملکرد ضعیف بخش ارزیابی عملکرد کارکنان است که نتوانسته است نشاط لازم را برای تشویق و پویایی کارکنان فراهم آورد. تا زمانی که مدیریت منابع انسانی به‌صورت منسجم متحول نگردد خمودگی و فرسودگی کارشناسی؛ کرسی دفاع از جایگاه محیط‌زیست را در کلیه عرصه‌ها تضعیف خواهد کرد.

- تعلل در اجرای ماده سه آیین‌نامه ارزیابی: طبق ماده ۳ آیین‌نامه ارزیابی محیط‌زیست کشور، تمام واحدهای صنعتی مشمول ارزیابی موظف‌اند از زمان استقرار نسبت به ایجاد هسته بهداشت؛ ایمنی و محیط‌زیست اقدام نمایند. هدف قانون‌گذار از درج این ماده قانونی؛ تسهیل موضوعات محیط‌زیست در داخل ساختار اداری واحدهای صنعتی بزرگ بوده است. فارغ از ظرفیت بالایی که اجرای این قانون در حوزه ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان محیط‌زیست می‌تواند ایجاد نماید (که دارای بالاترین نرخ بیکاری بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور هستند). وجود مرکز HSE به ایجاد ادبیات مشترک بین واحدهای بزرگ و سازمان محیط‌زیست کمک و افزای نموده و می‌تواند نقش مؤثری در پیاده‌سازی ضوابط زیست‌محیطی در واحدهای صنعتی داشته باشد؛ چنین پتانسیلی برای سازمان محیط‌زیست که ساختار منابع انسانی کوچک اما پرمسئولیتی دارد کمک شایانی در تسهیل و تسریع اجرای وظایف خواهد بود. بدیهی است ایجاد سازمان نظام‌مهندسی منابع طبیعی و محیط‌زیست مستقل از سازمان نظام‌مهندسی کشاورزی و نیز تدبیر سازوکار قطع ارتباط مالی بین مراکز HSE و سرمایه‌گذاران می‌تواند این مراکز را به‌عنوان عامل نظارتی سازمان در فعالیت‌های اقتصادی کشور تبدیل نماید. کوچک کردن بدنه دولت از طریق اجرای سازوکارهایی نظیر این می‌تواند راندمان بالایی را در پی داشته باشد که تا کنون بهره برداری نشده است.

سطح مشاورین:

-نقص اطلاعات پایه: مهم‌ترین فصل مطالعات بخش اطلاعات و آمار پایه است که در آن مشاور با ارائه آساری از پارامترهای محیطی وضعیت منطقه برای پذیرش بارگذاری را غربال می‌نماید. نبود اطلاعات روزآمد در حوزه فون و فلور کشور و یا دشواری تهیه آمار و محرمانه انگاشتن آن از سازمان‌های متولی باعث کبی کاری و یا استفاده از اطلاعات قدیمی در مطالعات شده که این خود روند تصمیم‌گیری را با ارب و ارور مواجه می‌کند. شکل سنتی نگهداری اطلاعات در ساختار اداری



طرح‌های انتقال آب

«ویار ملوکانه» تا سلوک سبز گرایانه زنان

طرح انتقال آب

رشد جمعیت و توسعه صنعتی بویژه پس از جنگ جهانی دوم با رشد تقاضا برای آب همراه شد. چاره‌اندیشی برای تامین آب مصرفی بخش صنعت و همچنین شهرنشینی، کشورها را به سمت ایجاد و استقرار سازه‌های آبی از جمله سد و پروژه‌های انتقال آب سوق داد. اما از دهه ۷۰ به بعد کشورهایی که با آغوش گشوده به سمت سد و انتقال رفته بودند کم کم با پیامدهای منفی این تجربه‌ها رو به رو شدند. دامنه تاثیرات منفی ناشی از تب شدید سدسازی و انتقال آب طی چند دهه موجب شد کمیسیون جهانی سد در اواخر قرن بیستم به بررسی انتقادی این طرح‌ها بپردازد. از جمله مهم‌ترین و پر بسامدترین پیامدهای منفی در ابعاد اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی که در بررسی انتقادی کمیسیون جهانی مورد توجه قرار گرفتند عبارتند از: ۱) جا به جایی و مهاجرات گسترده جوامع محلی که متاثر از اثرات منفی محیط‌زیستی طرح‌ها قرار می‌گرفتند و از طرفی رشد غیر منطقی جمعیت در محل دریافت کننده آب، ۲) در اجرای طرح‌ها تنها جنبه‌های فنی لحاظ می‌شد و بنابراین فاقد هر گونه عدالت محیط‌زیستی بودند، ۳) سدسازی و انتقال آب یک محرک تشویقی برای مصرف افسارگسیخته و فاقد الگوهای پایدار محسوب می‌شدند و به این ترتیب مانع اصلی اتخاذ راه‌های جایگزین و پایدارتر بودند، ۴) عدم شفافیت و ریشه دواندن فساد در اجرای این طرح‌ها بسیار محتمل بود ۵) این طرح‌ها از بالا و فاقد اصل مشارکت مردمی بودند ۶) این طرح‌ها به دلیل تنازعاتی که بین جوامع مبدا و مقصد یا بین این جوامع و حاکمیت ایجاد می‌کنند ناقص سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و پیامدهای منفی دیگر.

راهبرد اصلی و نهایی کمیسیون جهانی سد پس از انجام این بررسی‌ها، ضرورت ارزیابی همه جانبه طرح‌های جایگزین بود. یعنی در هر منطقه ارزیابی دقیق از همه راهکارهای جایگزین مثل تغییر الگوی مصرف، تصحیح الگوی کشت و غیره صورت گیرد و تمامی ابعاد محتمل و تجربه شده در سایر طرح‌های مشابه نیز مورد بررسی و مذاقه قرار بگیرد. به این ترتیب تاکید بر ضرورت ارزیابی پیش از اقدام، بعلاوه هزینه‌های بالای کاهش اثرات و بار مالی سرم سام آور دولت‌ها برای مدیریت پیامدها، ترمز چند دهه یکه تازی در عرصه ساخت سدها و تاسیسات خطوط انتقال

آب در غرب را کشید.

با این وجود در کشور در حال توسعه ای چون ایران که نه به لحاظ امکانات فنی و تکنولوژی، نه از نظر شرایط اقتصادی و نه از نظر توسعه نهادی و سازمانی امکان اجرا و مدیریت کم بسامد وجود ندارد، کماکان اصرار به طی کردن راه‌های خطایی است که جهان امروز آن‌ها را منسوخ، بیهوده و پر درد سر اعلام کرده‌است.

نقش و رابطه زنان با طرح‌های انتقال آب

اقلیت‌ها، اقوام، زنان و طبقات فرودست جامعه به حاشیه رانده شده‌اند و تا حد زیادی از مشارکت و مزایای پروژه‌ها و طرح‌های مختلف توسعه کنار گذاشته می‌شوند و نقشی در تصمیم‌گیری درباره جایی که در آن زندگی می‌کنند و شرایطی که به سر می‌برند، ندارند. آنها بیش از سایرین، تحت تاثیر اثرات منفی طرح‌ها قرار می‌گیرند. همانطور که در بخش قبلی درباره اثرات منفی سازه‌های آبی گفته شد، در همه موارد ذکر شده، گروه‌های در حاشیه، اثرات را با شدت بیشتری لمس و درک خواهند کرد. با این وجود، این گروه‌ها همواره قادرند سهم قابل توجهی در تغییرات و اصلاح روندها داشته باشند. تیلور (۱۹۹۶) استدلال می‌کند که طبقه و جنسیت بر تجارب ما تاثیر عمیقی دارند و به همین دلیل می‌توانند بر توسعه سیاسی، ایدئولوژی و کنشگری نیز تاثیر قابل توجهی داشته باشند. او در بررسی تاریخ کنشگری محیط‌زیستی زنان و رنگین‌پوستان آمریکا در فاصله سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که روایت غالب مردانه (آن هم مردان سفید پوست) از جنبش‌های محیط‌زیستی آمریکا وجود دارد و ما را از درک عمیقتری از شیوه‌هایی که طبقه، نژاد و جنسیت توانسته‌اند روابط، تجارب و پاسخ‌های محیطی مردم را در طول زمان شکل دهند، محروم کرده است.

اما ما برای بررسی شیوه‌های که جنسیت در ایران توانسته یا می‌تواند بر مواجهه انتقادی زنان با طرح‌های انتقال آب (با اصولا هر گونه فعالیت محیط‌زیستی دیگری) تاثیر بگذارد نیازمند پژوهش‌های میدانی دقیق و مفصل هستیم. در حال حاضر چنین تحقیقاتی به عمل نیامده است. در عین حال بر اساس شواهد موجود می‌توانیم به نقش پر رنگ زنان و سلوک سبزگرایانه‌ای که در کمپین‌های مخالفت با سازه‌های مدیریت آبی وزارت نیرو دارند اشاره کنیم. این در حالی است که پروژه‌های انتقال و حتی سدسازی‌های بی‌رویه،



سحر جعفر صالحی
دانش‌آموخته جامعه‌شناسی، کنشگر
محیط‌زیست

روایتی وجود دارد که آمله همسر فیروزشاه (پادشاه بلخ) پیش از سکونت در آمل، به منطقه سرسبز و زیبایی در چمستان به نام پایدشت می‌رود. آمله با این عذر که آب و هوای بلخ به وی سازگار نیست، از شاه درخواست می‌کند که امکان سکونت او را در پایدشت فراهم کند و آب هرز (نام قدیم رودخانه هراز) را هم برای تامین آب مصرفی به آنجا انتقال دهند. به روایت این اسفندیار در تاریخ طبرستان آمده است: «شهنشاه (فیروز شاه) مثال داد، تا چنان که مراد اوست به آب هرز شهری بنیاد نهند، بدان مکان قیاسان و مهندسان برفتند، برای آنکه آن جایگاه مرتفع بود آب هرز تنوانستند افکند». به این ترتیب و پس از ناامید شدن از انتقال آب هراز، آمله از پایدشت به منطقه دیگری نقل مکان کرد. قصری در آنجا ساخت و اینگونه شهر آمل بنا شد. «قضا را هم در آن سال او را پسری آمد، خسرو نام نهادند».

ویار ملوکانه همسر فیروز شاه، یعنی انتقال آب رودخانه هراز به پایدشت، بنا به محدودیت‌ها و رای متخصصان آن زمان منتفی شد. اما چه کسی در آن زمان می‌توانست تصور کند که قرن‌ها بعد در همین سرزمین، چنان سو استفاده‌ها و بهره‌کشی‌هایی از منابع آبی خواهد شد که تاریخ از ثبت آنها عار دارد؟ در چند دهه گذشته صاحب منصبان و قدرتمندانی از هر استان و منطقه‌ای برای کسب منافع شخصی و گروهی خاص، هر کجا با وفور منابع آبی رو به رو شده‌اند، در مقابل میل (ویار ملوکانه) خود به انتقال، خودداری نکرده‌اند. این در حالی است که تجربه کشورهای توسعه یافته، شواهد موجود و نتایج مطالعات مختلف بر ناصوابی این راه تاکید می‌کنند.

به بهانه این روایت که انگار در گذر تاریخی منابع آبی ایران ردش تا همین امروز هم پیداست، به پاسخ دو سوال زیر می‌پردازیم:

مهم‌ترین پیامدهای منفی طرح‌های انتقال آب کدام هستند؟

پیرو بحث پیامدها، چگونه می‌توان از نقش و تاثیر زنان بر روند مدیریت منابع آبی سخن به میان آورد؟

آب بوجود می‌آید را تجربه کنند و ثابیا آبی که قرار است از منطقه مبدا انتقال یابد باید از نوع آب پایدار باشد. بنا بر همین دو شرط اولیه در کشور ما، با توجه به محدودیت‌هایی چون نواقص مدیریتی، ضعف فنی و تکنولوژیکی، ایرادات نهادی و بنا بر تجربیات مشابه دیگر، امکان اجرای طرح بدون بر جای گذاشتن انبوهی مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی وجود ندارد و مهم‌تر اینکه با توجه به الگوی مصرفی موجود در کشور، ما هیچ منبع پایدار آبی نداریم. صرفاً اینک رودخانه‌های آب دارد به معنای داشتن منبع پایدار نیست و این مهم در ارزیابی‌های محیط‌زیستی منابع آبی ایران قابل مشاهده است. جنبش محیط‌زیستی که در مخالفت با طرح‌های انتقال آب در ایران در حال شکل‌گیری است بسیار آگاهانه با این اصول، موانع و البته پیامدهای منفی طرح‌های انتقال آب آشنا هستند. تاکید فعالان همواره بر آزمون راه‌های جایگزین مثل آب مجازی و تصحیح الگوی مصرف در مقصد و غیره است. راه‌هایی به مراتب ارزان‌تر، سبزتر و پایدار تر.

با این حال، وضعی که متوجه جنبش هست و در آینده آن را با چالش‌های بزرگی مواجه می‌کند، یک‌دست نبودن و یک صدا نبودن است. ما به توسعه محیطی فراگیرتری نیاز داریم. به قسمی که از نظر فرهنگی حساس باشد و مبتنی بر گستره وسیعی‌تر و متنوع‌تری از مردم باشد. فعالیت محیط‌زیستی در ایران نیازمند یک بازنگری اساسی در نگاه به توانایی زنان و حمایت از نیروهای اجتماعی به حاشیه رانده شده است. در حال حاضر ما فاقد استراتژی‌هایی برای درک و بهبود روابط قومیتی، طبقاتی و جنسیتی هستیم. آنچه در این جستار کوتاه از خلال تاکید بر اهمیت نقش زنان گذشت، تلاش برای نشان دادن این وجه فعالیت‌های مردمی در مخالفت با مدیریت سازه‌های آبی (و اصولاً هر گونه فعالیت محیط‌زیستی دیگر) است که برای ایجاد آینده‌ای که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر محیط‌زیستی عادلانه باشد، به توسعه محیطی فراگیرتر، از نظر فرهنگی حساس‌تر و گسترده‌تر نیاز داریم.

منابع

ابن اسفندیار، بها الدین محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، به کوشش محمد رضانی، تهران، کلاله (پدیده) خاور، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

Taylor, D. E. (1996). "American Environmentalism: The Role of Race, Class, and Gender in Shaping Activism 1995-1820." in Environmental Sociology From Analysis to Action, ROWMAN & LITTLEFIELD PUBLISHERS, INC, by Rowman & Littlefield Publishers, Inc.



جمله در رابطه با منابع آبی) باقی مانده بودند. معدود زنانی که در این دوره از سیطره فرهنگ و صدای غالب بیرون جسته بودند توانستند جنبش‌های اجتماعی را به نفع باسوادی و توانمند کردن زنان پی بگیرند. در این میان نام زنی چون مه لقما ملاح که محیط‌زیست را هم به جنبش زنان گره زد، می‌درخشد.

۲) و اما در دوران معاصر، کمپین‌ها و فعالیت‌های مردمی محیط‌زیستی در مخالفت با سیاست‌های مخرب محیط‌زیستی (از جمله مخالفت با سیاست‌های سدسازی و انتقال آب) یا جنبش‌های اصلاحی (مثل جنبش‌های نوپای مدیریت پسماند) با نام زنان بسیاری از سراسر ایران و در مناطق مختلف روستایی و شهری گره خورده است. امروزه زنان راه سختی در پیش دارند چرا که علاوه بر فعالیت‌های میدانی اجتماعی باید بر علیه مفاهیم جنسیت زده‌ای چون مادر وطنی و مادر طبیعت هم به مبارزه برخیزند. چون این مفاهیم پیش از اینکه محرک و مشوق فعالیت‌های کنشگرانه باشد، حامل بار معنایی غیرت، ناموس‌پرستی و بطور کلی جنسیت زده‌اند. علاوه بر این زنان فعال باید برای فراهم شدن زمینه‌های حضور زنان بیشتر و دیگر گروه‌های در حاشیه تلاش کنند.

در بحث مخالف با سیاست‌های مدیریت سازه‌های آبی وزارت نیرو در بیش از یک دهه اخیر زنانی چون فاطمه ظفرنژاد، خدیجه گلین مقدم، صدیقه بوداگی و دیگران در صدر کمپین‌های مختلف فعال بوده‌اند. اولین سخنرانی‌ها و نوشته‌ها از سوی زنان بوده و نام خبرنگاران زنی که پیگیر موضوعات و خیرهای مربوط به پروژه‌های انتقال می‌شوند کم نیست. همچنین زنانی از قشرهای مختلف که امضایشان پای نامه‌ها و کارزارهای مخالفت با این طرح‌ها حک شده است بشمار است.

بحث بیشتر

طبق معیارهای یونسکو در بحث شرایط اولیه و امکان انتقال آب، اولاً نقاط مبدا و مقصد نباید اثرات مخرب محیط‌زیستی که به واسطه انتقال

تاریخ طولانی ندارند و از طرف دیگر، جنبش زنان و جنبش‌های مردمی محیط‌زیستی در ایران نیز بسیار نوپا هستند. بنابراین انتظار تاریخ مبارزاتی که مثلاً در شیلی، استرالیا و امریکا بر علیه خطوط انتقال آب رخ داده را نمی‌توانیم از زنان ایران داشته باشیم.

اساساً تاکید این جستار بر همین وجه از ضعف جنبش‌های اجتماعی است و آن نادیده گرفتن نیروهای به حاشیه رانده شده است. نیروهایی که با وجود مغفول بودن، همواره تاثیر گذار بوده‌اند. در موضوع مواجهه زنان و مساله آب، می‌توانیم از دو دوره پیشامدرن (دوره زنان و کولبری آب) و دوره معاصر (زنان بر علیه سیاست‌های سازه‌های آب) نام ببریم. به این ترتیب که؛ ۱) اگر از استثنائاتی چون درخواست آمله همسر شاه بگذریم! (هر چند او و فیروز شاه هم نهایتاً تسلیم نظر کارشناسان شدند و از مساله انتقال آب هرگز اجتناب کردند) در تاریخ اجتماعی ایران رابطه زنان و مدیریت منابع آبی بسیار تعیین کننده، در عین حال پنهان است. زنان در همه عرصه‌های زندگی روزمره از خانه تا مزرعه با تامین و مدیریت منابع آب مصرفی نقش داشته‌اند. درست است که چاه و قنات را مردان حفر کرده‌اند ولی حمل آب از منبع (چشمه، چاه و...)، مدیریت آب در موارد مصرف آشامیدنی، شستشو، آبیاری و کولبری آب تماماً با زنان، دختران جوان و خردسال بوده و کامکان در مناطق وسیعی از روستاهای ایران و در استان‌های محروم این نقش پایدار باقی مانده است. با این همه، از زنان در تاریخ به «مردگان زنده» یاد شده است و از آنها همواره موجوداتی محبوس در اندرونی و گوشه پستوها نام برده‌اند و به این ترتیب انسان‌های منفعلی از زنان تصویر شده است.

با ورود مدرنیته و تغییرات سیاسی و اجتماعی این دوره شاهدیم که این نادیده انگاشتن تاریخی زنان، در کنار فرهنگ متعصب مردانه که با مفاهیمی چون غیرت و ناموس شناخته می‌شود چگونه راه را برای کنشگری معنادار زنان سد می‌کند. هر چند که زنان همچنان در نقش‌های سنتی خود با وظایف و محدودیت‌هایشان (از



انتقال آب بین حوضه‌ای خودخوری سیستماتیک



مهتا بذرافکن
دکترای جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده
آب‌دانشگاه خلیج فارس بوشهر

تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی روند رویدادهای مخاطره آمیز را غیرقابل پیش بینی نموده و جهان به طور فزاینده ای مجبور به رویارویی با چالش هایی کرده است که راه حل های فوری و آسان ندارند. این رویدادها بطور مستقیم ناشی از فعالیتهای انسانی در دو قرن اخیر است؛ رشد انفجاری جمعیت، نیاز به غذا و آب سالم و فناوری هایی که برداشت منابع را تسهیل می کرد از یک سو و شیوع پدیده های اجتماعی همچون مسابقه انباشت ثروت، پول پرستی، تجمل گرایی و خودنمایی (از اواخر قرن ۱۹ و با اوج گرفتن فلسفه اومانسمی که انسان را مرکز جهان می دید و معتقد بود همه منابع باید در خدمت انسان باشد) از سوی دیگر؛ زمین را به تدریج مستهلک نمود و دامنه آن تا به امروز که انسان در بیم و امید فروپاشی ناشی از تولید کربن و متان با ناپایداری هراسناکی مواجه است کشیده شده است. از دهه هفتاد که دانشمندان متوجه فاجعه ای که در حال شکلگیری بود شده و نسبت به این روند هشدار دادند، اما با توجه به جذابیت انباشت ثروت و قدرت؛ سیستمهای حکمرانی و اقتصادی ترجیح میدادند خود را به نشنیدن زده و همچنان فشار بر اکوسیستمها با شدت و قدرت ادامه دادند. اما از دو دهه گذشته که این فشار بر زمین به شکل تغییرات اقلیمی خود را به اشکال مختلف نشان داده وضعیت نگران کننده ای را رقم زده و برخی از دولتها را به فکر واداشته است و البته تعداد زیادی که به تئوری توطئه باور دارند هنوز در پذیرش آن دچار تردیدند. هرچند همه دولتها به صورت ظاهری مساله را پذیرفته اند، اما حقایق نگران کننده نشان میدهد که اقتصاد سیاسی میل به تغییر روش نداشته و تقریبا هیچ کار عملی تاثیرگذاری برای بهبود حال زمین صورت نگرفته است. نکته مهم این است که در این وضعیت ضعیف ترین هایی که قدرت انتخاب ندارند، بیشتر متحمل آسیب را خواهند شد. از میان همه پیامدهای نگران کننده آب و هوایی؛ دسترسی به منابع آب کافی برای مصرف یک جمعیت متراکم اقتصاد در حال رشد و سوداگران حریص

حیاتی ترین مساله است به نحوی که برخی از صاحب نظران پیش بینی می کنند که جنگهای آینده بر سر منابع آب رقم خواهد خورد. برداشت بیش از حد منابع آبهای زیرزمینی در کنار کشاورزی ناپایدار، رشد صنایع، معادن و فعالیتهای آب بر و در نهایت تغییرات آب و هوایی و کاهش بارش در مناطقی از زمین موجب شده که با فقر آب مواجه شوند و برخی از دولتها مانند ایران «انتقال آب بین حوضه ای» را به عنوان یک راه حل رفع مشکل کم آبی برگزیده اند تا با مازاد یک سرزمین را به مناطق دارای کمبود منتقل کنند. البته سابقه انتقال آب بدست انسان به دوران باستان می رسد و قنات یکی از نمونه های اولیه فناوری انتقال آب به شمار می آید که بطور شگفت انگیزی مساله عدالت هم در برداشت و هم در توزیع عادلانه در آن رعایت می شد. اما انتقال آب بین حوضه ای بسیار فراتر از انتقال آب به شکل سنتی و پایداری همچون قنات است. به تدریج با رشد جمعیت، رشد صنایع و اقتصاد نیاز به منابع آب شیرین شدت می گرفت و در نتیجه اشکال دیگری از انتقال آب مانند تونل زدن استفاده شد که در طی آن مقادیر زیادی از یک حوضه رودخانه به حوضه ای دیگر و برای مدت طولانی جابجا میشد؛ بکارگرفته شد. در سطوح جهانی از سال ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۹۹ که این روشها شدت گرفت بیش از ۳۶۴ انتقال بین حوضه در مقیاس بزرگ ایجاد شد که سالانه ۴۰۰ کیلومتر مکعب آب را انتقال می داد. در سال ۲۰۰۰ دانشمندان برآورد می کردند که تعداد ۱۲۴۰ طرح انتقال آب تا سال ۲۰۲۰ برای انتقال تا ۸۰۰ کیلومتر مکعب آب اجرا شود. البته این اعداد فقط عدد نیستند بلکه ابعادی تاریک نیز دارند که از هنگام تصویب تا اجرا و بهره برداری، عامدانه از دید افکار عمومی پنهان می مانسد. در نگاه اول انتقال آب از مناطق پر آب به مناطق کم آب تئوری ساده ای است که با «توزیع عادلانه آب» در قلمرو مطابقت داشته و به عنوان یک راهکار از نظر افکار عمومی نیز پذیرفته شده است. طرفداران ایده انتقال آب بین حوضه ای با طرح مسائلی همچون لزوم رویارویی با مسائل نوظهور مانند تغییرات اقلیمی، نیاز به تامین آب شرب و غذا، ثبات نرخ رشد اقتصادی، رونق فضای کسب و کار و اشتغال، تجارت آب، مساله فقر، مهاجرت و پیامدهای آن و... در مناطق کم آب اجرای پروژه ها را ضروری معرفی می کردند. منتقدان اما این مزیت ها را با توجه به هزینه های هنگفتشان، کوتاه مدت ارزیابی کرده و چالشهای

نوظهور مانند تغییرات اقلیمی را از قضا یک هشدار جدی برای بازنگری در این نوع طرح ها که با تغییر مورفولوژی و رژیم رودخانه برپایداری اکوسیستم تاثیر منفی می گذارد ارزیابی می کنند. آنها انتقال آب بین حوضه ای را راه حل پایدار برای تامین آب در مناطق درگیر در کم آبی ندانسته و با نگاهی میان مدت و طولانی مدت به مساله؛ این نوع پروژه ها را از نظر زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی؛ مخرب اکوسیستم، مخاطره آمیز، و دارای پیامدهای اجتماعی تنش زا و بدوز از عدالت میدانند. فقدان رویکرد توسعه پایدار در در نگرش به آب اصلی ترین نقد به این رویکردهای محل امنیت زیستی است. در حقیقت ذینفعان و مدافعان این طرحها بدون این که به سایر ابعاد زیست محیطی و اجتماعی وزن دهند، صرفا با دانش محتوایی مهندسی از آن دفاع می کنند. از دیدگاه زیست محیطی، انتقال آب بین حوضه ای (IBTs) موجب قطع اتصال سیستم رودخانه ای و در نتیجه ایجاد اختلال در رژیم جریان طبیعی آب شده و مورفولوژی رودخانه را تغییر می دهد؛ این دستکاری آثار و پیامدهای جدی برای محیط زیست و موجودات زنده در پی دارد مثلا تخم ریزی و مهاجرت برخی از آبزیان و پرندگان را غیرممکن کرده و زنجیره غذایی طبیعی را مختل می نماید. گونه های مهاجم را جابجا نموده و پوشش گیاهی را تضعیف و بطور کلی موجب ناپایداری اکوسیستم شود. اما مساله از دیدگاه اجتماعی نیز بسیار مهم است. از دیدگاه انسانی، پروژه های انتقال آب بین حوضه ای بستر ساز ناپایداری اجتماعی و فرهنگی و ضد عدالت اجتماعی در طول حوضه آبریز است؛ برای آنهایی که منابع قدرت جدید بدست می آورند فرصت ساز است و برای عده ای دیگر که منابع را از دست داده اند تهدید محسوب می شود. انتقال آب بین حوضه ای چالش هایی همچون احساس نابرابری به عنوان بستری برای بروز مناقشات محلی در جوامع ایجاد می نماید. ناپایداری اجتماعی یکی از مهمترین پیامدهای انتقال آب بین حوضه ای است؛ از آنجا که انتقال آب بین حوضه ای بطور کلی از عرضه آب بیشتر حمایت می کند؛ در نتیجه محرکی برای توسعه سطحی کشاورزی، صنعت، معدن و دامن زدن به مصرف حریصانه در مناطق کم آب می شود و این توسعه جاذب جمعیتی است که می تواند تعادل کشور را از نظر تراکم جمعیت مناطق کم آب دستکاری کند. بدیهی است که رشد جمعیت با نیاز به آب همسو است و



داشتن ذینفعان متعدد و متنوع نیاز به یک فضای مشارکتی برای تصمیم سازی و تصمیم گیری دارد. یکی از کلیدی ترین مسائل حذف شده در مدیریت منابع آب ایران تکیه محض بر « دانش محتوی» در حوزه آب و توجه صرف به نظرات مهندسی است. اما در این حوزه علاوه بر نیاز به دانش محتوایی، به «دانش بین رشته ای فرایندی» نیز نیاز است. پیامدهای اجتماعی و محیط زیستی اجرای پروژه های انتقال آب بین حوضه ای معمولاً بعد از چند سال خود را عیان می کنند و می تواند منجر به فاجعه شود و ابر چالش های بزرگ را رقم زند. اما به دلیل سلطه سودانگاران اقتصاد سیاسی بر راه حل های دیگر، اغلب در این خصوص مطالعات جدی نبوده و در نهایت به انباشت ابرچالش هایی منجر خواهد شد که هیچ راه حل فوری ندارند و البته مجریان آن نیز خود را ملزم به پاسخ نمیدانند. بعنوان مثال ریزگردهای ناشی از خشکاندن تالابها یکی از این پیامدها است که امروزه شاهد آنیم. اقتصاد سیاسی عامل اصلی برهم زدن نظم اکوسیستم و جامعه در جهان است و مانع اصلی جمع آوری و تحلیل داده ها برای مداخله در برآورد پیامدهای اجتماعی پروژه هاست چرا که بررسی این امر نیاز به بررسی الگوی چرخه منابع دارد. این الگو اطلاعات مهمی از حد و مرزهای درحال تغییر ناشی از فعالیتهای اقتصادی مبتنی بر منابع بکار گرفته شده را در اختیار قرار می دهد که نتایج آن می تواند بستر درک روشنتری از اجرای پروژه ها و توسعه ایجاد کرده و برخی از بازیگران درگیر در اجرای این پروژه ها را مورد نماید، به همین دلیل است که مجریان، ناظران و تصمیم گیرندگان در کشورهای درحال توسعه این نوع مطالعات در حاشیه قرار می نهند تا امکان درک روشن تر پیامدهای اجتماعی نگران کننده را کاهش داده و یا از بین ببرند. در جریان اجرای پروژه های انتقال آب نیز مطالعات اجتماعی در حاشیه قرار گرفته است؛ از دیدگاه اجتماعی از

بر منابع آب و مصرف و تقاضای روزافزون تاثیر جدی می گذارد. عدالت اجتماعی و زیستی یکی از مغفول مانده ترین امر در جریان پروژه سازی آب است؛ بطور معمول از آنجا که تصمیمات پروژه های بزرگ حاکمیتی است انتظار رعایت حقوق و عدالت اجتماعی و زیستی با نگاه ملی در آن برجسته تر می شود اما متأسفانه در کشور ما این نوع پروژه ها وجهه سیاسی پیدا کرده و عمیقاً با اقتصاد سیاسی و توزیع قدرت درهم تنیده شده است. در نتیجه تصمیم گیریهای سیستماتیک برای اجرای این پروژه ها نیز تصمیمات سیاسی است. در اولویت نبودن حفاظت از محیط زیست در کشورهای درحال توسعه از جمله کشور ما در کنار این تصمیم گیریهای مخاطره آمیز برای پایداری اکوسیستم به شدت مخرب است. در این مناطق جهان که اقتصاد غیرشفاف، آلوده به رانت و فساد و سیاست زندگی است، ارزیابی محیط زیستی و اجتماعی این پروژه ها در حاشیه قرار گرفته و در نتیجه عواقب آن نیز به راحتی نادیده گرفته می شود. بطور کلی سیاست مداران درگیر در این پروژه ها رشد اقتصادی سریع و توسعه کوتاه مدت را ترجیح داده و به تعادل آب و اکوسیستم اهمیت نمی دهند. در نتیجه این نوع تصمیمات سیاسی توزان جمعیتی بین حوضه ای را به هم زده و هم مبدا و هم مقصد را دچار مشکلات فراوان می نمایند. در این مناطق جهان توسعه «فرایند» نیست بلکه «پروژه ای» با کارفرمایان متعدد سیاسی و با سلیقه های متنوع است که تمایلی برای ارزیابی آسیبها و پیامدهایی که منافعشان را به چالش کشد ندارد. درحالیکه ارزیابی پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی می تواند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار بازیگران قرار دهد و ذینفعان متعدد را برای مذاکره، چانه زنی و متقاعدسازی و در نهایت تصمیم گیری مبتنی بر ظرفیت اقلیمی وارد بحث و گفتگو و مشارکت نماید. اساساً مدیریت منابع آب به دلیل

آنجا که انتقال آب توزان جمعیتی، عدالت زیستی، سبک زندگی و فرهنگی را برهم می زند شیوه ای ناپایدار ارزیابی می شود. در حقیقت عرضه منابع آب بیشتر به مردمی که پیش از آن با سبک زندگی مبتنی بر کم آبی خود را وفق داده اند توزان شغلی و معیشتی را متزلزل نموده و ظرفیتهای اقلیمی را تخریب کند. این عرضه با دستکاری سیستم نگرشی افراد به آب در ابتدا سبک زندگی را تغییر میدهد و در نهایت مصرف حریمانه و میل به انباشت ثروت از طریق سرمایه گذاری برای محصولات آب بر را تقویت کرده و این تغییرات فرهنگی مدام به درخواست عرضه آب دامن می زنند. از آنجا که عرضه آب یک تصمیم حاکمیتی و سیاسی است، مناطقی که در کانون قدرت، ظرفیت سیاسی بیشتری برای تغییر دارند می توانند این عرضه را مطابق با منافع خود جهت داده و مدیریت نمایند. این نوع نگاه در مرحله بعد در جوامعی که به قدرت سیاسی کمتر دسترسی دارند به احساس نابرابری و در نهایت فقر و بیکاری و مهاجرت دامن می زند. احساس نابرابری در طی زمان خود به تنهایی یک کانون خطر در جهت متزلزل ساختن پیوستگی اجتماعی ملی به شمار می آید. آنچه مسلم است حکمرانی نامطلوب آب می تواند منجر به فاجعه ای شود که ممکن از به فروپاشی سرزمین بیانجامد. در کشور ما و در حال حاضر مدیریت منابع آب به یک دانش محتوایی درگیر در قدرت سیاسی تقلیل یافته و از اهداف توسعه پایدار به شدت دور مانده است. بر اساس دانش بین رشته ای فرایندی؛ به جز آب آشامیدنی، انتقال آب بین حوضه ای باید آخرین راهکار دسترسی به آب باشد و قبل از آن باید همه راهکارهای جایگزینی که ظرفیت آب محلی را بهینه کند مطالعه و اجرا شود. مدیریت تقاضا و کاهش تقاضای آب با کمک فناوری بویژه در بخش صنعت، معدن و کشاورزی، بازیافت فاضلاب، بازیافت آبهای نامتعارف، ارزیابی و ارتقاء مدیریت کاربری اراضی، تنوع بخشی به معیشت کم آب بر، مدیریت تامین؛ توجه به تولید و تجارت آب مجازی، تعقیب ردپای اکولوژیک صنایع آلاینده منابع آب موجود، کاهش ضایعات کشاورزی، بهبود فرهنگ مصرف خوراک و آب، بهبود زیرساختهای آبرسانی و جلوگیری از هدررفت آب به هر نحو، سرمایه گذاری برای حفاظت و تامین آب صورت محلی و یا حتی نمک زدایی در مناطق ساحلی کم آب راه حل هایی هستند که قبل از انتقال آب بین حوضه ای باید بررسی و اجرا شوند. انتقال آب بین حوضه ای با آسیبهای زیاد و بهره وری کم آخرین راه حلی است که در صورت نیاز بسیار شدید باید مد نظر قرار گیرد که متأسفانه علی رغم هشدارهای جدی و مداخلات سیاسی در کشور ما انتقال آب بین حوضه ای تبدیل به اولین راهکار شده و پیامدهای این امر در سالهای آتی خود را نشان خواهد داد که ممکن است غیرقابل جبران باشد.

به کجا چنین جهادان

بدخیمی و در هم‌تنیدگی را با خود به همراه دارد که به جای کمک به تعدیل مساله کمبود آب، وخامت آن می‌افزاید. Sinha (۲۰۱۷) با بررسی دو طرح انتقال آب بین‌حوضه‌ای در هند در خصوص ارزیابی روند تصمیم‌گیری برای منابع آبی به ماهیت هیبریدی (ارتباط مبدا و مقصد) و رام‌نشدنی (Wicked) طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای اشاره می‌کند بر اساس نتایج این مطالعه مقدار آب مازاد قابل انتقال از هر دو حوضه مبدا مورد مطالعه، اغراق آمیز ارزیابی شده بوده و ناپایداری منابع آب حوضه مبدا و مصارف آن اغماض شده است. هیچ کدام از پروژه‌های انتقال مورد بررسی نتوانسته بودند اهداف پیش‌بینی شده را محقق کنند. در حالی‌که که حوضه‌های مقصد (گیرنده آب) بدون اجرای پروژه قادر به تامین نیازهای حال و آینده خود بودند. به علاوه در این مطالعه نشان داده شد که پروژه‌ها نتوانستند هزینه‌های کلان خود را جبران کنند. و نهایتاً ریسک منابع آبی را هم در مبدا و هم مقصد افزایش داده اند.

بررسی‌های متعددی در حوضه زاینده‌رود (با سبقه طولانی در استفاده از انتقال آب از حوضه های مجاور) نشان می‌دهد انتقال آب نتوانسته مساله آب را تقلیل دهد. به علاوه اکثر مطالعات تغییرات اقلیمی در ایران کم و بیش افزایش دما و تبخیر و کاهش بارندگی در بیشتر حوضه‌های آبی در آینده پیش‌بینی می‌کنند. بنابر این تغییرات اقلیمی در ایران، منجر به وخامت بیشتر مساله آب خواهد شد.

در مواجهه با مساله چه باید کرد؟

تا اینجا تلاش شد تا ابعاد مساله آب روشن شود و همچنین گفتیم که دانش موجود لزوماً به حل مسائل اینچنین کمک نمی‌کند. پس

ناشناخته و سوالات بی‌جواب بسیاری دارد. ایشان در این نوشتار برای روشن شدن ابعاد این نوع مسائل از نمونه‌های موردی مناقشات آب در حوضه رودخانه نیل و مسائل حوضه زاینده رود در ایران یاد می‌کند.

مساله بدخیم چیست و چه ویژگی‌های دارد؟ مسائل بدخیم، رام‌نشدنی یا درهم‌تنیده که معادلهای فارسی برای Wicked Problem هستند که نخستین بار توسط Rittel and Webber (۱۹۷۳) مطرح شد. فاضلی (۱۳۹۵) نه ویژگی این نوع مسائل را چنین معرفی می‌کند: تعریف مساله مبهم است و در مورد آن عدم قطعیت علمی وجود دارد، مساله متوقف نمی‌شود و راه حل نامشخص است، راه‌حل صحیح یا غلط برای آن وجود ندارد بلکه راهکارها خوب یا بد هستند. راهکارها لزوماً نتایج مورد انتظار را ندارند. برای تعدیل این مسائل نیاز به تغییر رفتار در ذینفعان متعدد است که بعضاً ارزشهای متضاد دارند. پیامدهای ناشناخته دارد، به همین دلیل فرصت برای آزمون و خطا وجود ندارد) ممکن است پیامدهای سنگینی پیش‌بینی‌ناپذیر بایستی راهکارها در تعامل با هم بررسی گردند (اجزا مساله بر هم اثر دارند)، هر مساله منحصر به فرد است و تجربه‌ها و دانش پیشین لزوماً کارساز نیست. راهکارهای بین‌رشته‌ای مورد نیاز است. همچنین سطح و تعریف مساله به تحلیلگر بستگی دارد. از دیگر مسائلی که نمونه شاخص از مسائل بدخیم هستند می‌توان به تغییرات اقلیمی اشاره داشت.

در اینجا لازم است به نمونه دیگری از مساله بدخیم هم اشاره کوتاهی داشته باشیم. یکی از گزینه‌های مطرح برای مقابله با مساله کمبود آب، انتقال آب بین‌حوضه‌ای است. این راهکار با توجه به خصوصاتی که ذکر شد اکثر ویژگی‌های



رضوان السادات شریف‌نیا
کارشناس آب و کنشگر محیط‌زیست

در حالی که غالب بررسی‌های دانشگاهی و نظر کارشناسان درباره مساله آب در ایران نشان می‌دهد که تعدیل مساله لازم است مصرف آب کنترل‌شده و کاهش یابد، رویکرد وزارت نیرو همچنان عرضه‌محور و در جهت رفع نیازهای موجود و آبی (بر مبنای روند مصرف فعلی) است. این تصور که الان در وضعیت بحران هستیم و باید با سرعت نیاز آبی (خصوصاً شرب) را تامین کنیم و یا به اعتراض کشاورزان پاسخ بدهیم، چرخه‌های معیوب را تقویت کرده و مساله را بغرنج‌تر می‌کند. در این نوشتار تلاش شده تا مساله آب تشریح شود. همچنین توضیح داده شود که چگونه وزارت نیرو با نادیده گرفتن ماهیت مساله آب و هشدارهای کارشناسان و کنشگران از مسیر تعدیل مشکلات فاصله گرفته است. بی‌شک ادامه این روند و تسریع حرکت چرخه‌های معیوب در سایه بی‌توجهی نهادهای نظارتی نظیر مجلس شورای اسلامی، پایداری سرزمین را در معرض تهدید جدی قرار خواهد داد.

شناخت مساله ی آب

اولین گام برای حل مساله، شناخت کافی از ماهیت آن است. در ابتدا با نگاهی به نظرات متخصصان سایر کشورها، به شرح مساله آب می‌پردازیم. نظر Paula Hanasz (۲۰۱۴) در خصوص کمبود آب بر این اساس است که اصطلاح "کمبود" در این مورد همراه‌کننده است، چرا که بحران‌های آب فقط مربوط به آب نیستند. آنها همیشه با سایر عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی از جمله میزان تعارض موجود، قدرت حاکمیت و سیاستگذاری یا شرایط اقتصادی در ارتباط هستند. به نظر وی مساله اصلی نه کمبود آب است و نه حتی عدم دسترسی به آب. Hanasz بر این عقیده است که در دل مساله کمبود آب، یک مساله بدخیم (Wicked Problem) نهفته است. بنابر این لازم است بدون توجه به هیاهوی کمبود در تولید آب، بر مسائل واقعی و پیچیده مدیریت آب تمرکز شویم. Moors (۲۰۱۷) از موسسه آموزش آب نیز مساله کمبود آب در طبقه‌بندی مسائل بدخیم (رام‌نشدنی) دانسته است، چرا که هیچ راه حل آسان و معینی برای آن وجود ندارد. ابعاد علمی



تعارضات کاهش پیدا کند.

ایران در چه وضعیتی قرار دارد؟

در بخش‌های قبلی توضیح داده شد که مساله آب در جهان شناخته شده است و برای تعدیل آن رویکردهای متناسبی تعریف شده است. در این بخش به نظرات متخصصین و کارشناسان را درباره ایران می‌پردازیم. اشرف، ناظمی و آقاچوک در مقاله ای که در سال ۲۰۲۱ در سایت نیچر منتشر شد و در جامعه کارشناسی ایران غوغایی به پا کرد به تشریح وضعیت ایران پرداختند: «اگرچه خشکسالی هواشناسی/هیدرولوژیکی به‌عنوان محرک عمل می‌کنند و میزان تخلیه ذخیره آب زیرزمینی در سطح کشور را تشدید می‌کنند، اما کاهش آب‌های زیرزمینی در مقیاس حوضه عمدتاً به دلیل برداشت گسترده آب توسط انسان ایجاد می‌شود.» محققین این مقاله هشدار می‌دهند که ادامه مدیریت ناپایدار آب‌های زیرزمینی در ایران می‌تواند منجر به بروز اثرات بالقوه برگشت‌ناپذیری بر زمین و محیط‌زیست شود و تهدید امنیت آبی، غذایی و اقتصادی - اجتماعی کشور باشد. در همین مقاله عنوان شده است که تقریباً ۸۵ درصد از آب در خاورمیانه به‌طور انحصاری برای آبیاری استفاده می‌شود. در ایران آمار مختلفی ارائه می‌شود، به طوریکه برخی منابع، بیش از ۹۰٪ سهم مصرف را برای بخش کشاورزی در نظر می‌گیرند.

آیا رویکرد وزارت نیرو در جهت حل مساله بوده است؟

وزارت نیرو در دهه گذشته راهکارهایی را برای حل مساله آب ارائه داده است. طرح احیا و تعادل بخشی را می‌توان نمونه‌ای از راهکارهای تعدیل مساله عنوان کرد که دست کم در چارچوب متناسب به نظر می‌رسید. اقدامات تعادل بخشی در سه دسته تعریف شده بود: تدقیق اطلاعات، کنترل و نظارت بر مصرف، ذخیره‌سازی آب در آبخوانها (که سطوحی از مشارکت هم در آن دیده شده است). این طرح در سال ۹۳ تصویب شد. فاضلی فارسانی از مدیران شرکت مدیریت منابع آب ایران که به کرات درباره وضع آب زیرزمینی در رسانه‌ها هشدار داده است، در یادداشتی با عنوان منابع آب زیرزمینی ایران از نگاه کارشناسی تا نگاه سیاسی، طرح تعادل بخشی را شکست خورده دانسته و وضعیت ایران را در محله ورشکستگی آبی و نه بحران آب عنوان کرده است. وی افزوده، در حالی که بخش شرب و صنعت تنها ۱۰٪ مصارف آب را به خود اختصاص داده است، بیشترین بودجه به این بخش اختصاص می‌یابد که به وضع سهم چندانی در حل مساله آب کشور ندارد. ایشان تنها گزینه موثر را کاهش مصرف در بخش کشاورزی می‌داند. فاضلی فارسانی در ادامه توجه دولتها به طرح احیا و تعادل بخشی را در حد شعار دانسته

بررسی‌های متعددی در حوضه زاینده‌رود نشان می‌دهد انتقال آب نتوانسته مساله آب را تقلیل دهد. به علاوه اکثر مطالعات تغییرات اقلیمی در ایران کم‌وبیش افزایش دما و تبخیر و کاهش بارندگی در بیشتر حوضه‌های آبی در آینده پیش بینی می‌کنند. بنابراین این تغییرات اقلیمی در ایران، منجر به وخامت بیشتر مساله آب خواهد شد

چه باید کرد؟ Balint و همکاران (۲۰۱۱) در کتاب مسائل محیط زیستی بدخیم (مدیریت عدم قطعیت‌ها و مناقشات) سه استراتژی برای مواجهه با مسائل بدخیم را ارائه می‌دهند. (۱) اصل پیشگیرانه، (۲) مدیریت تطبیق‌پذیر، (۳) مشارکت عمومی

الف) رعایت اصل پیشگیرانه: از آنجا که پیشگیری بهتر از درمان است (خصوصاً در مواردی که درمان واضح و قطعی‌ای وجود ندارد) عقل حکم می‌کند که از ایجاد و تشدید مساله دوری کنیم. به عبارتی از هر اقدامی که ممکن است در جاتی از خطر را با خود داشته باشد بپرهیزیم، هرچند دلایلی متقنی برای تأثیرگذاری و ارتباطش با مساله در هم تنیده وجود نداشته باشد.

ب) مدیریت تطبیق‌پذیر: وقتی در اطلاعات جامعی درباره رفتار یک سیستم نداشته باشیم و یا آگاهی ما مناسب با حل مساله نباشد، به این معنی هست که چندان نمی‌توانیم نسبت به حصول نتیجه مطمئن باشیم. پس، لازم است به طور مداوم تأثیر تصمیمات اتخاذ شده را بررسی کنیم و تا در صورت اثرگذاری منفی یا ناکارآمدی به سرعت بتوانیم مسیر را تغییر بدهیم.

ج) استفاده از مشارکت عمومی: مسائل رام نشدنی یا بدخیم را نمی‌توان به شکل دستوری و با بخشنامه و آیین‌نامه حل کرد. همانطور که قبلاً به آن اشاره شد ماهیت فرارشته‌ای دارد و ابعاد آن ناشناخته هست. پس نیازمند خرد جمعی و کنش جمعی برای تعدیل مساله هستیم. همینطور مشارکت عمومی به این معنی نیست که تصمیماتی گرفته شود و سپس از طریق آموزش و اطلاع رسانی تلاش شود تا آن تصمیمات در جامعه اجرا گردد. مشارکت عمومی طیف وسیعی از شنیدن نظرات تا استفاده از ایده‌ها و کار گروهی و حتی حل تعارضات و در بالاترین سطح، اجرای امور و نظارت به دست ذینفعان را شامل می‌شود. به گونه‌ای که در نهایت فضای اعتماد و احترام بین ذینفعان برقرار گردد و

اما عملکرد آنها را در واقع در راستای عرضه بیشتر آب ارزیابی کرده است به طوری که ۹۷٪ منابع مالی و اعتباری بخش آب به سمت عرضه سوق داده می‌شود.

با آغاز به کار دولت جدید در سال ۱۴۰۰ و انتشار عمومی برنامه‌های وزارت پیشنهادی، شبکه سازمانهای محیط زیستی و منابع طبیعی کشور به نقد برنامه علی اکبر محرابیان پرداخت و نامه ای به شماره ۶۵۸ در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۳۱ به مجلس شورای اسلامی ارسال داشت. در این نامه در بخش نقد چالشها، راهبردها و برنامه‌ها نسبت به مواردی زیر هشدار داده شده بود:

- معضل بارگذاری بیش از حد بر منابع آبی
- برنامه ریزی برای احداث و تکمیل طرح‌های توسعه منابع آبی بدون توجه به شرایط فعلی منابع آب

- عدم اجرای اغلب بندهای طرح‌های تعادل بخشی تاکنون

- حذف جامعه مدنی از تصمیمگیری و نظارت
- فقدان شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات
- روند ناشفاف و غیرقانونی تصویب پروژه‌ها - ۸۰ پروژه فاقد مجوز محیط زیستی وزارت نیرو در ردیف بودجه ۱۴۰۰

- نبود توجه کافی به نیازهای آبی محیط زیستی

- نبود توجه کافی به موضوع کیفیت منابع آب
- عدم توجه به موضوعات و مشکلات عدیده محیط زیستی طرح‌های موجود در بخش آب و انرژی

علیرغم نگرانی‌های سازمانهای مردم نهاد مبنی بر نامتناسب بودن رویکردهای وزیر جدید با مساله آب در کشور و ریشه‌های آن، محرابیان پس از دریافت رای اعتماد بر طبق برنامه اعلام شده که محور اصلی آن اتمام پروژه‌های نیمه‌کاره بود، مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی وزارت نیرو را را منحل کرد. این مرکز که پیشتر توسط دکتر محمد فاضلی اداره می‌شد، اگرچه نقدهایی به آن وارد بود، دست کم در عنوان متناسب با تعدیل مساله در هم تنیده آب در کشور بود که نیازمند مشارکت و حل تعارضات است. در حالی که معضل اصلی منابع آب کشور توسط متخصصان مصرف کنترل نشده ارزیابی شده است، از مهرماه سال ۱۴۰۰ عبارت «جهاد آبرسانی» وارد ادبیات مدیریت اجرایی منابع آب کشور شد. سپس شورایابی به همین نام تشکیل شد. وزیر نیرو در احکام اعضاء شورای جهاد آبرسانی تأکید کرد:

« با عنایت به لزوم مدیریت صحیح و استفاده بهینه از منابع آبی کشور و همچنین توجه به توسعه زیرساخت‌های حیاتی بالاخص در روستاها و مناطق محروم در دولت عدالت محور و مردمی سیزدهم، ایجاد یک سازوکار جدید اهمیت مضاعف می‌یابد. موفقیت در امر آبرسانی در این برهه زمانی نیازمند روحیه انقلابی، کار جهادی و بهره‌مندی از ظرفیت متنوع نخبگان،



نظیر "آبرسانی به مناطق محروم"، "جهاد"، ظرفیت نخبگان"، "مشارکت خیرین و سازمانهای مردم نهاد"، مسیر هولناک دولتها و تصمیم گیران پیشین را با سرعت بیشتری می پیماید و نه تنها در مسیر تعدیل مساله آب کشور قرار ندارد و چرخه های معیوب را تقویت می کند، بلکه از نظرات گروه های مختلف جامعه، از محرومان تا کارشناسان، نیز فاصله می گیرد. در این میان مجلس شورای اسلامی نیز بر وظایف نظارتی خود اهمیتی نداشته و به هشدارهای سازمانهای مردم نهاد توجه لازم را ندارد.

Hanasz P. 2014. The problem with problems of water scarcity in South Asia. <https://globalwaterforum.org/25/02/2014/the-problem-with-problems-of-water-scarcity-in-south-asia/>

Water Scarcity

Moors Eddy J. 2017. Water – wrestling with wicked problems. Inaugural lecture Rector of IHE Delft Institute for Water Education.

IHE Delft Institute for Water Education

Rittel, H., and M. M. Webber. 1973. Dilemmas in a general theory of planning. *Policy Sciences* 69–4:155.

فاضلی، محمد (۱۳۹۵). مفهوم مسائل بدخیم. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری

عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، زمستان ۹۵

Balint P.J., Ronald E. S., and Anand D. 2011. *Wicked environmental problems: managing uncertainty and conflict*. Island Press, 2011.

<https://doi.org/10.1038/s-41598-88522-021y>

منابع آب زیرزمینی ایران از نگاه کارشناسی تا نگاه سیاسی، عبد الله فاضلی فارسانی (معاون حفاظت، بهره برداری و امور اجتماعی حوضه آبریز فلات مرکزی و شرقی)، منتشر شده در

کانال تلگرامی GroundWater

<https://wnn.wrm.ir/cs/NewsCrawler/55121/559>

واکاووی جزئیات انتقال آب از دریای عمان به شمال شرق/ حامیان پروژه انتقال آب از دریا چه کسانی هستند؟ خبرگزاری فارس تاریخ خبر ۱۴۰۰/۱۸:

دهها تشکل محیط زیستی و میراث فرهنگی: وزارت نیرو اطلاعات پروژه های آب مملکت را با مردم در میان نمی گذارد. خبرگزاری روزروز تاریخ خبر ۱۴۰۰/۱۰/۹



حالت تنها ۱۷٪ کسری منابع آبی را جبران خواهد کرد. برخی کارشناسان بر این عقیده هستند که هزینه این طرح با در نظر گرفتن نگهداری و بهره برداری بسیار بیشتر از هزینه عنوان شده خواهد بود.

تعامل با سازمانهای مردم نهاد نیز از اهداف مرکز جهاد آبرسانی عنوان شده است. در حالی که نزدیک به ۲۰۰ سازمان مردم نهاد در بهمن ماه ۱۴۰۰ در نامه ای به کمیسیون اصل نود مجلس، از رویه ناصواب قرارگیری بیش از ۴۰۰ طرح فاقد مجوزهای لازم (از جمله مجوز محیط زیستی) در بودجه سال ۱۴۰۱ و همچنین عدم رعایت قانون دسترسی آزاد به اطلاعات توسط وزارت نیرو شکایت داشتند. در این طرحها که بعضا حتی فاقد مطالعات ارزیابی هستند، از آبرسانی به سیستان تا مناطق غیر محرومی مانند تهران، البرز و سمنان دیده می شود که مورد انتقاد شدید مناطق مبدأ انتقال هستند. پیشتر، شبکه سازمانهای مردم نهاد محیط زیستی نیز در نامه ای به شماره ۶۸۲ در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۱۶ خطاب به هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی هشدار داده بود که آینده موفق را برای جهاد آبرسانی با رویکرد شتابزده در تقاضا-محوری متصور نیست. در این نامه اشاره شده که "کار جهادی نباید منجر به اهمال در ارزیابی اثرات پروژه ها، عدم رعایت قوانین و ساده سازی مساله درهم تنیده آب باشد. به علاوه روحیه انقلابی، مشارکت عموم را نیز در بر دارد که به نظر می رسد در ساز و کار جدید جایگاه مشخصی برای آن وجود ندارد". این شبکه تصریح داشته که در مکاتبات پیشین، وزارت نیرو را به استفاده و تقویت سرمایه های اجتماعی، مشارکت در تمامی سطوح و توجه به توان اکولوژیکی سرزمین دعوت کرده و هشدار داده که در صورتی که ارزشهای اکوسیستمی و اجتماعی در فضای رقابتی با اثرات کوتاه مدت اقتصادی قرار گیرد، پایداری سرزمین به مخاطره خواهد افتاد.

به نظر می رسد که وزارت نیرو در دولت فعلی، صرفا با بهره گیری از بار معنایی مثبت عبارتهایی

کارشناسان گروه های جهادی، نهادها و خیرین می باشد که تشکیل شورای جهاد آبرسانی آغازی بر این مأموریت عظیم در دولت ایران قوی است. بر این اساس، شورای جهاد آبرسانی با هدف برنامه ریزی هر چه دقیق تر و اتخاذ تصمیمات هماهنگ و متمرکز کردن اعتبارات و بهره گیری از تمام ظرفیت های ستادی و استانی در وزارت نیرو تشکیل می شود.

نهایتا مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی جای خود را به مرکز جهاد آبرسانی وزارت نیرو (جهاداب) داد. مهندس میثم جعفرزاده رئیس مرکز جهاد آبرسانی نیز در شبکه خبری آب ایران، خدمات رسانی به مناطق محروم و توسعه و تعامل با سازمانهای مردم نهاد و خیرین را هدف اصلی تشکیل مرکز جهاد آبرسانی دانسته است.

با مشاهده عملکرد وزارت نیرو، نگرانی ها بیشتر می شود

هنوز مشخص نیست در حالی که دانشگاهیان، محققان و حتی کارشناسان و مدیران با تجربه مدیریت منابع آب کشور بر لزوم اتخاذ تصمیماتی برای کاهش مصرف و تخصیص مالی به طرح های نظیر تعادل بخشی تاکید دارند، ساختار جدید با نام جهاد آبرسانی چگونه خواهد توانست که "بهرمندی از ظرفیت متنوع نخبگان" را اجرا نماید.

در حالی که ظاهرا رویکرد رسیدگی به نیازهای مردم محروم مورد توجه قرار گرفته است، انتقال آب از دریای عمان به صنایع فلات مرکزی و خراسان رضوی در دی ماه ۱۴۰۰ در مجلس تصویب می شود. این طرح که نه با کمک خیرین و بخش خصوصی بلکه با قرار گرفتن در بودجه سال ۱۴۰۱ و استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در دستور کار قرار گرفته است که از نظر اقتصاددانان فاقد توجیه اقتصادی و زیان ده محسوب می شود. این پروژه به گزارش خبرگزاری فارس ۲۵۰ میلیون مترمکعب را انتقال خواهد داد که به صرف بودجه ۱۱۱،۲ میلیارد تومانی (معادل یکسال بودجه عمرانی کشور) در بهترین

چرا نمی‌توان به «سیاست‌گذار خوب» دل بست؟



سروش طالبی اسکندری
پژوهشگر اندیشکده تدبیر آب ایران

یک سیاستگذار ممکن است در راستای منافع شخصی خود حقوق بخش مهمی از جامعه را زیر پا بگذارد. دلیل حمایت نماینده مجلس از تصویب یک قانون ممکن است منافع مستقیم برای خودش باشد یا یک دولتمرد برای صنعتی که در آن ذی‌نفع است مجوزی صادر کند. اما حتی اگر فرض کنیم این‌گونه فسادها محو شوند و ما با "سیاستگذارانی خوب" طرف باشیم، باز هم سپردن ریش و قیچی به این "سیاستگذاران خوب" و کم‌رنگ شدن نقش مردم در صحنه حکمرانی آب فاجعه‌بار خواهد بود. سپردن امور به دولت به عنوان نماینده‌ای با تمام اختیارات از جانب مردم، اتفاق ناخوشایندی بوده که در چند دهه گذشته رخ داد و تبعاتش امروز دامن گیرمان شده است. دلیل این مدعا این است که حکمرانی آب ذاتا امری سیاسی و اجتماعی است.

حکمرانی آب در معرض تصمیمات متعارض است. آب کالایی محدود و پرازش است و پاسخ به این سوال که چه کسی آن را مصرف کند و منافعش را تصاحب کند، تعارض برانگیز است. این تصمیمات متعارض عموماً میان خوب و بد نیست. بلکه میان گزینه‌هایی است که هر کدام هم‌زمان هم خوب و هم بدند. با هیچ استدلال منطقی نمی‌توان اثبات کرد که یک بخش مصرف‌کننده آب حق تمام و کمالی بر آب دارد و بخشی دیگر هیچ حقی ندارد. شرب مورد نیاز انسان‌ها، آب مورد نیاز برای صنایعی با هزاران میلیارد سرمایه‌گذاری و فراهم‌آورنده اشتغال و رشد اقتصادی، حبابه تاریخی‌ای که صدها سال معیشت روستاییان به آن وابسته بوده، آب مورد نیاز محیط‌زیست که حیات زیست‌مندان بسیاری در گرو آن است و سایر تعهداتی که برای توسعه یا زندگی مرفه‌تر بر دوش آب گذاشته شده است، هر کدام به نوعی نسبت به آب محدود حق دارند. از این منظر حق مردمان خوزستان و چهارمحال و بختیاری برای حفاظت از منابع آب خود به این معنی نیست که کشاورزان اصفهانی در قبال حبابه‌های از دست رفته یا تعهداتی که از دولت دریافت کرده‌اند حقی ندارند و بالعکس حق اصفهانی‌ها نیز لزوماً مجوز صدور انتقال آب را نمی‌دهد. اما حکمرانی آب در معرض پاسخ به این سوال است که بالاخره چه کسی آب را مصرف کند؟ حکمرانی آب چه پاسخ صریحی برای این سوال داشته باشد و چه نداشته باشد، در واقع تعیین می‌کند آب به کجاها تعلق گیرد، به همین

جهت حکمرانی آب امری سیاسی به عبارت دیگر در معرض انتخاب میان اهدافی متعارضی است که برندگان و بازندگان خواهد داشت.

اگر چه همواره تمایل به ارائه فرمول‌ها و قواعد "همیشه و همه‌جا درست" وجود دارد، اما در واقع پیچیدگی‌های آب این فرمول‌ها را نمی‌پذیرد. فرمول‌هایی همچون "آب را کسی باید استفاده کند که بهای بیشتری برای آن می‌پردازد"، "حق شرب مقدم بر سایر مصارف است"، "مصارف آب باید از منابع همان حوضه باشد" گزاره‌هایی از این دست است. تجارب متعددی نشان داده است که اندازه‌گیری آب و قیمت‌گذاری بر هر واحد آن در بسیاری از موارد نشدنی است و از آن مهم‌تر لزوماً انگیزه‌ها را متناسب با پایداری منابع آب شکل نمی‌دهد. توجیه مقدم بودن آب شرب موجب شده تا برای رسیدن به این هدف، هر وسیله‌ای توجیه شود و چشم‌ها بر بسیاری از بی‌عدالتی‌ها بسته شود. در نهایت تعیین مرزهای حوضه آبریز امری قراردادی و انسان‌ساخت و معمولاً مورد علاقه متخصصان آب است؛ در حالی که شکل‌گیری مصارف آب هیچ‌گاه تماماً مطابق با میل متخصصان بخش آب نخواهد بود و به همین جهت در بسیاری از موارد گزینه تامین آب خارج از حوضه در دستور کار قرار می‌گیرد. همان‌طور که برای تامین آب شرب اغلب شهرهای بزرگ ایران این‌گونه است. از سوی دیگر نحوه ساخته شدن حکمرانی آب در کنترل دولت نیست بلکه کنش‌های بسیار متعددی آن را شکل می‌دهد. تصمیمات خرد و کلان مربوط به آب در گستره بسیار پراکنده‌ای رخ می‌دهد و افراد و عوامل مختلفی در آن دخیل هستند. اگر چه نقش افراد و عوامل مختلف کاملاً متفاوت است اما به هر حال هر یک از این کنش‌ها تاثیر خود را بر حکمرانی آب خواهد داشت. در نتیجه حل و فصل مسائل آب یا به عبارتی ساخت حکمرانی آب موضوعی نیست که بر دوش قواعد و دستورالعمل‌هایی از پیش معین یا تعداد محدودی از افراد (مثلاً مسئولین دولتی) گذاشته شود. به همین جهت حکمرانی آب امری اجتماعی است که از خلال کنش‌ها و مذاکرات کنشگران متعدد ساخته می‌شود.

اکنون با نشان دادن ذات سیاسی و تعارض برانگیز حکمرانی آب میان اهدافی که لزوماً سیاه یا سفید نیستند و ذات اجتماعی حکمرانی آب یا نحوه ساخته شدن آن از خلال کنش کنشگران متعدد، برگردیم به مدعای اصلی این یادداشت مبنی بر ضرورت حضور و مطالبه‌گری جامعه برای ساختن حکمرانی آب. تجربه نشان داده است که حتی "سیاستگذار خوب" هم در معرض این است که در انتخاب میان اهداف تعارض برانگیز، کنشگران بی‌صدا را نبیند. اگر کشاورزان اصفهانی بی‌صدا

بودند و حضور نداشتند، زمینه فراهم بود تا نمایشی از رودخانه پر آب در شهر اصفهان با ایجاد بندهای سنگی، تامین آب بیشتر و بیشتر برای صنایع و انتقال آب برای نیازهای شرب و صنعت مناطق دیگر همچنان پیگیری شود و سهم کشاورزان کمتر و کمتر شود. در سوی دیگر اگر مردم و تالاب‌ها و ریزگردهای خوزستان و چهارمحال و بختیاری بی‌صدا بودند چه راهکاری ساده‌تر و عملی‌تر از سوراخ کردن کوه و رفع مشکل زاینده‌رود با آب کارون و دز بود؟! بنابراین آنچه انتخاب نهایی را از میان گزینه‌های مختلف تعیین می‌کند، معمولاً درست یا غلط بودن آن نیست. بلکه صدا داشتن مدافعان هر گزینه و نحوه کنش آنها در نشان دادن حقشان است که منتج به یک تصمیم می‌شود. این نقطه همان جایی است که ما را مجاب می‌کند تا برای دستیابی به حقمان تلاش و کنش داشته باشیم و دلخوش به تصمیمات مطابق با خواسته‌مان از سوی دولت نباشیم.

بروز اجتماعی بودن حکمرانی آب و کنش‌های اجتماعی که آن را می‌سازد می‌تواند شکل و شمایل مختلفی داشته باشد. یک کشاورز با نحوه تصمیم‌گیری درباره محصولی که کشت می‌کند یا شیوه آبیاری و منبع تامین آبش بر حکمرانی آب تاثیر می‌گذارد. همچنین یک شهروند با صرفه‌جویی در مصرف آب بر تامین منابع جدید یا تولید فاضلاب موثر است. اما اکنون زمانی است که باید محدوده و قدرت اثرگذاری مردم عادی در حکمرانی آب ارتقا پیدا کند. وضعیت آب و مسائلی دیگر نمی‌تواند تنها با اصطلاحات و فرمول و عدد و رقم‌های مهندسی بیان شود، در جلساتی با حضور مسئولین و متخصصان تعیین تکلیف شود، قواعدش به قانون و مقررات دولتی خلاصه شود و از مردم انتظار برود که تابع تصمیماتی باشند که برایشان گرفته شده است و نهایتاً در محدوده زندگی شخصی خودشان برای نحوه مصرف آب اختیار داشته باشند. در عوض مردم باید عرصه‌های بیشتری را برای شیوه ساخته شدن حکمرانی آب برای خود فراهم کنند. گفتگوی عمومی درباره آب از طریق برگزاری و حضور در کمپین‌ها، جلسات و سخنرانی‌ها، ارتقای سواد آبی و آگاهی‌بخشی حقوق مردم با تولید محتوا و نگارش و مطالعه مقالات و یادداشت‌ها و حضور در تصمیم‌سازی از طریق سازماندهی اجتماعی، شکل‌دهی به اعتراضات، مطالبه از سیاستمداران و مقاومت در برابر تصمیمات آنها همگی شیوه‌هایی برای اجتماعی‌تر کردن حکمرانی آب هستند. در این راستا به جای اینکه امیدمان را به سیاستگذار ببندیم، باید از سیاستگذار به عنوان ابزاری استفاده کرد که می‌تواند ما را به اهدافمان نزدیک کند.



در حوزه مدیریت منابع آب کشور، از «کدام» بی‌تدبیری، «چقدر» و «تا کی» باید گفت؟ با «شغل» سدسازی مخالفیم!



حنیف رضا گلزار
کارشناس ارشد خاک و آب

بند بهمین در استان فارس و سد داریوش روی رودخانه کر با قدمت نزدیک به ۲۵۰۰ سال و همچنین ساخت ۱۸ سد و بند در زمان ساسانیان، ۸ سد و بند در دوران آل بویه، ۲ سد و بند در دوره ایلخانیان و ۱۲ سد و بند در دوره صفویان (کوروس و همکاران، ۱۳۵۰)، از جمله کارنامه مدیریت سازه محور آب در ایران باستان به شمار می‌آید که شاید کمتر مورد توجه و واکاوی قرار گرفته است. بنابراین سدسازی در ایران پدیده‌ای نوین و نوظهور نیست و پشتوانه و تجربه تاریخی خاص خود را دارد. روند سد سازی و مدیریت سازه محور آب اما با آغاز صنعتی شدن ایران پس از روی کار آمدن پهلوی اول ادامه یافت تا جایی که در حال حاضر می‌توان گفت گنجایش کل مخازن سدهای کشور از عدد ۵۰ میلیارد متر مکعب گذشته و حجم انتقال آب بین حوضه‌ای شامل سه مرحله طرح‌های مطالعاتی، در دست اجرا و به بهره برداری رسیده نزدیک به ۵ میلیارد متر مکعب (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸)، و به روایتی دیگر تا ۶،۳۵ میلیارد متر مکعب (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵)، افزایش یافته است.

افزایش حجم مخازن سدهای کشور به ۵۰ میلیارد متر مکعب در حالی رخ داده که حجم میانگین رواناب‌های سطحی کشور طی ۱۰ سال منتهی به سال ۱۳۹۶ از ۸۷،۲ به ۴۹،۲ میلیارد متر مکعب کاهش یافته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶)، و پیش‌بینی‌های انجام شده چه در داخل و چه در خارج از کشور بیانگر آن است که تحولات اقلیمی در منطقه، سرزمین ما را به

واکوی تاریخ پرفراز و فرود کشورمان بیانگر این است که فرآیند انتقال آب بین حوضه‌ای نه‌الگویی وارداتی از غرب و شرق عالم بلکه یکی از روش‌های مورد نظر حاکمیت با هدف توسعه بویژه در منطقه فلات مرکزی ایران بوده است. شاید بسیاری تصور کنند که بهره‌برداری از تونل کوهرنگ در سال ۱۳۳۲ با هدف انتقال آب از سرچشمه‌های کارون به حوضه گاوخونی، پدیده‌ای نوین، وارداتی یا برگرفته از شیوه‌های رایج در جهان غرب بوده ولی نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که موضوع حفر کانال با هدف انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به سمت زاینده رود برای نخستین بار در زمان شاه عباس اول مطرح و حتا بخش‌هایی از آن عملیاتی هم شده بود (کاتوزیان، ۱۳۹۵). به هر روی تقلیل دادن ساختار مدیریت آب در ایران به ۳۷ هزار رشته کاریز ساخته شده به طول ۳۱۰ هزار کیلومتر (عیور، ۱۳۷۰)، و بالیدن بر آن شاید جفایی در حق تاریخ باشد چرا که نیاکان ما در کنار حفر و ایجاد این شبکه گسترده از کاریزها، همیشه نیم‌نگاهی هم به ساخت سد و بند روی رودخانه‌ها و حتا ایجاد کانال‌های طولانی با هدف انتقال آب بین حوضه‌ای نیز داشته‌اند. ساخت سد کوروش روی سرشاخه‌های دجله در سوریه امروزی،

تعداد سدهای مشمول بودجه کشور در سال گذشته ۷۷ مورد بوده (لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۰)، که این عدد در سال ۱۴۰۱ به ۹۴ (لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۱) افزایش یافته است نگاهی به "فصل آب" در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور نشان می‌دهد که این بخش بیش از ۹۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار دارد که از این مقدار، ۴ هزار میلیارد (۴۳ درصد کل بودجه فصل آب)، به "برنامه عرضه" یا همان انتقال آب و ۳۸۰۰ میلیارد (۴۱ درصد کل بودجه فصل آب)، هم به "برنامه تامین" یا همان سدسازی اختصاص پیدا کرده است. (لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۱) به بیان مشخص ۸۴ درصد کل بودجه فصل آب، همچنان "سازه" و "عرضه محور" است و نشانی از "مدیریت تقاضا" در آن به چشم نمی‌خورد.

نگاهی به جزئیات این لایحه بودجه هم بیانگر این است که سهم منابع مالی طرح‌های انتقال آب نسبت به سال گذشته ۱،۶ برابر افزایش یافته است. نکته بسیار نگران‌کننده در این رویکرد مدیریتی منابع آب، ذوب شدن طراحان و مجریان این شیوه مدیریت منابع آب در "توسعه بتن محور" و عدم توجه به نتایج و دست‌یافته‌های این ساختار مدیریتی در جهان و ایران می‌باشد چرا که بررسی‌های انجام شده در سطح جهان بیانگر این است که «با توجه به تجربه شکست خورده پروژه‌های متعدد انتقال آب بین حوضه‌ای در کشورهای مختلف از جمله کانادا، مصر، روسیه، ترکیه، اسپانیا و آمریکا، علاقه مردم برای چنین پروژه‌هایی افول کرده است.» (Khodabakhshi, ۲۰۰۵) و (Pitcock et al, ۲۰۰۹) تجربیات داخل کشور نیز بیانگر چنین رویکردی است.

«در ایران نیز اکثر پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای با هدف تامین آب کشاورزی همراه با حفر تونل‌های طولانی اجرا شده‌اند. از آنجایی که طرح‌های انتقال آب بین حوضه





آنچه که ضروریست تا درباره آن به روشنی اظهار نظر نماییم این است که کارشناسان مستقل و سازمان های مردم نهاد در بخش محیط زیست و منابع طبیعی کشور با سدسازی مخالف نیستند و هرگز نگاه صفر و یک به سد به عنوان سازه ای برای جمع آوری، ذخیره سازی و تامین نیاز آبی ساختار نوین زندگی در سه بخش خانگی، صنعت و کشاورزی ندارند

برگرفته‌ها

اسدی، م.، مظاهری، م.، و عبدالمنافی، ن. ۱۴۰۰. بررسی تحلیلی شرایط موجود و تبیین وضعیت آینده بحران آب در کشور. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش های زیربنایی و امور تولیدی، شماره مسلسل ۱۸۰۶۷

صادقی، ح.ر.، کاظمی کیا، س.، خیرفام، ح.، و حزباوی، ز. ۱۳۹۵. تجارب و پیامدهای انتقال آب بین حوضه ای در جهان. مجله تحقیقات منابع آب ایران. سال ۱۲، شماره ۲. صفحه ۱۲۰ - ۱۴۰

غیور، ح. ۱۳۷۰. نگرشی تازه بر قنات در ایران و چگونگی توزیع آن در مناطق مختلف جغرافیایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی استان، قدس رضوی.

کاتوزیان، ه. ۱۳۹۵. ایرانیان دوران باستان تا دوره معاصر. نشر مرکز.

کوروس، غ.، رضا، ع.، انتظامی، ع. امام شوشتری، م. ۱۳۵۰. آب و فن آبیاری در ایران باستان، وزارت آب و برق، تهران.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸. انتقال آب بین حوضه ای و انتقال آب از دریا. ۲. ایران.

مظاهری، م. و عبدالمنافی، ن. ۱۳۹۶. بررسی بحران آب و پیامدهای آن در کشور. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش های زیربنایی و امور تولیدی، شماره مسلسل ۱۵۶۰۸

نوری ثانی، ع.، محسنی، ر.ع.، کوششی، م. ۱۳۹۹. آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی دو شیوه مدیریت آزادسازی مخازن سدها. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی. دوره ۱۰، شماره ۳۶

Ghobadian, A. 1990. Iranian natural resource in relation to agricultural utilization, reconstruction and reclamation. Kerman University Press, 480p

را دارد تا به طور کامل تبدیل به مخزن سد بشود!! (سخنرانی مدیران وزارت نیرو در روز بهره برداری از سد گتوند) بررسی های بیشتر بیانگر این است که تا کنون نزدیک به ۵۰ درصد ظرفیت کل سدهای کشور در استان خوزستان متمرکز شده اما همچنان مشکل بی آبی بویژه در بخش خانگی و کشاورزی این استان حل و فصل نشده و این خود سندی گویا از ناکارآمدی مدیریت سازه محور آب و بویژه سدسازی در ایران است.

متأسفانه ساختار مدیریت منابع آب کشور نه تنها از تجربه شکست خورده مدیریت سازه محور آب شامل سدسازی و انتقال آب بین حوضه ای در استان خوزستان پند و تجربه نیاموخته، بلکه در سال های گذشته شاهد آن هستیم که این تجربه و الگوی شکست خورده در حال گسترش به دیگر مناطق کشور است. استان مازندران از جمله مناطقی است که به روشنی در حال پیمودن مسیر نادرست و شکست خورده مدیریت آبی خوزستان است. ساخت سدهای متعدد و متوالی روی سرشاخه های رود تجن به عنوان بزرگترین رود جاری در این استان و برنامه ریزی برای انتقال بخشی از این منابع آبی به خارج از حوضه آبریز تجن بزرگ که در قالب احداث سد جنجالی و پرحاشیه فینسک در دست پیگیری است، تنها یکی از بی شمار تکرار الگوی شکست خورده خوزستان در مازندران است.

متأسفانه مدیریت منابع آبی و سد سازی و انتقال آب بین حوضه ای در ایران از نگاه و شیوه ای تخصصی خارج و به «شغل و حرفه ای پر درآمد» تبدیل شده است. رها کردن گلوگاه های مدیریت آبی و تمرکز کامل روی ساختارها و روش های سازه و بتن بنیان مدیریت منابع آبی خود گویای این واقعیت است که مدیریت منابع آب به کانونی برای توزیع رانت های سیاسی و اقتصادی تبدیل شده و آنچه که در این میان قربانی می شود، امنیت ملی و زیستی و آینده این سرزمین است.

ای مستقیم مدیریت حوضه مبدا و مقصد را تحت تاثیر قرار می دهد، اغلب در بلند مدت منجر به تضعیف شرایط اجتماعی - اقتصادی و محیط زیستی در یکی از دو حوضه شده است. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵) در همین راستا Gobadian, (۱۹۹۰)، «به محدودیت های انتقال آب بین حوضه ای در ایران پرداخته و جابجایی آب را به عنوان اختلال بیان کرده است.» نوری و همکاران (۱۳۹۹)، نیز در بررسی پیامدهای اجتماعی مدیریت سازه محور آب در ایران بیان داشتند که «بیش از دو میلیون نفر از مردم ایران تحت تاثیر پیامدهای سد سازی قرار گرفته اند.»

آنچه که ضروریست تا درباره آن به روشنی اظهار نظر نماییم این است که کارشناسان مستقل و سازمان های مردم نهاد در بخش محیط زیست و منابع طبیعی کشور با سدسازی مخالف نیستند و هرگز نگاه صفر و یک به سد به عنوان سازه ای برای جمع آوری، ذخیره سازی و تامین نیاز آبی ساختار نوین زندگی در سه بخش خانگی، صنعت و کشاورزی ندارند، اما پرسشی که پاسخ به آن ضروریست این است که روند سد سازی و مدیریت سازه محور آب در ایران قرار است تا کجا ادامه یابد؟ همانطور که پیشتر نیز بدان اشاره کردیم، حجم کل رواناب های سطحی کشور طی نیم قرن گذشته از روند کاهشی برخوردار بوده ولی حجم مخازن سدهای ساخته شده همچنان روندی افزایشی دارد. برای مثال میانگین آورد کارون طی ۶۰ سال گذشته نزدیک به ۱۹ میلیارد مترمکعب گزارش شده که این عدد در ۲۰ سال گذشته به ۱۲ میلیارد متر مکعب کاهش یافت.

این در حالیست که حجم کل سدهای ساخته شده روی کارون بیش از ۱۴ میلیارد مترمکعب گزارش می شود. از ۹۵۰ کیلومتر طول کارون بیش از ۴۵۰ کیلومتر آن (بیش از ۴۷ درصد آن)، به مخزن سد تبدیل شده و ساختار مدیریتی منابع آبی کشور همچنان معتقد است که «کارون این ویژگی



روایت هورالعظیم از نگاه بومیان آن

بهنام اندیک
نامزد دریافت دکترای مهندسی
محیط زیست - منابع آب در دانشکده
فنی دانشگاه تهران



در چند سال اخیر تعطیلات عید برای من نه زمانی برای گشت‌وگذار که فرصتی بوده برای جبران عقب‌ماندگی‌های کاری و درسی به‌جای‌مانده از سال گذشته. در یکی از اندک گروه‌هایی که در فضای مجازی عضو هستم و مطالب آن را به جد پیگیری می‌کنم تصویری از گذشته تالاب هورالعظیم به همراه لینک عضویت در گروهی از بومیان شهر رُفیع (Rofayyeh)، نزدیک‌ترین نقطه شهری به تالاب هورالعظیم، ارسال شد. این تصویر ترغیبم کرد که شروع بازدیدهای مطالعه میدانی رساله‌ام را از همین تعطیلات عید شروع کنم. در گروه با یک پیام تک پاراگرافی خود را معرفی کردم و از قصدم برای بازدید از تالاب و گفتگو با بومیان آشنا با سابقه تالاب گفتم که چند نفری به صورت خصوصی اعلام آمادگی کردند.

برای پنجشنبه یازدهم فروردین با سید مجید که بعدها فهمیدم ابوایمن است هماهنگی کردم و قرار شد در سوسنگرد به او بپیوندم و از آنجا راهی رفیع و سپس هور شویم؛ بومی‌ها به تالاب هور می‌گفتند. برای آن که مسیر رفت‌و برگشت را تنها نباشم امید نیز از دهدشت با من همراه شد. سوسنگرد از آنچه در ذهن داشتم سرزنده‌تر و زیباتر بود چرا که هرچه از این شهر شنیدم به مقاومتش در جنگ هشت ساله برمی‌گشت و به طبع ذهنیت من از آن، شهری کماکان مخروبه بود. به محض رسیدنمان به شهر با کمک تکنولوژی‌های مسیریابی و بدون آن که نیاز به راهنمایی باشد، مستقیماً به در خانه سید مجید رفتیم و سوارش کردیم. به محض سوار شدن به پسرش، ایمن که با دوچرخه از کنارمان می‌گذشت اشاره کرد و پس از دادن عابر بانکش به او چیزی گفت. به واسطه سکونت سه چهار ساله‌ام در خوزستان قدری آن هم جزئی عربی را متوجه می‌شوم و از این رو دست‌وپاشکسته فهمیدم که به او گفته است برای نهار میهمان داریم. در مناطق جنوب برای صدا زدن پدران/مادران از پیشوند ابوام به علاوه نام پسر ارشد استفاده می‌کنند و از این رو است که سید مجید را ابوایمن صدا می‌زنند چرا که او پدر ایمن است و مادرش را نیز ام ایمن.

در مسیر حرکت به سمت رفیع در میانه شهر سوسنگرد از روی پلی عبور کردیم که آب کمی از آن گذر می‌کرد. ابوایمن در مسیر بر ایمن از گذشته هور و برکتش برای منطقه گفت و از کرخ‌های گفت که از میان شهر سوسنگرد عبور می‌کند و بیشتر یک جوی آب شده است تا آن کرخه همیشگی و پر عظمت. اعتقاد

داشت همین جریان کمی هم که الان در حال گذر است بخش قابل توجهی از فاضلاب شهرهایی است که کرخه از میان آنها گذشته است؛ گزاره‌ای که در هنگام نمونه‌برداری از آب هور به نظر درست می‌آمد چرا که حداقل ظاهر آب نشان می‌داد که آب زلالی به سمت تالاب جاری نمی‌شود.

ابوایمن از کشاورزی و از کاشت برنج گفت. وقتی از برنج گفت با حالتی متعجب پرسیدم چند سال است که برنج می‌کارید و برایم توضیح داد که از زمان جدش به یاد دارد که کشت برنج رواج داشته است و الان چندسالی است که به واسطه کم‌آبی دیگر نمی‌شود برنج کاشت مگر برخی از زمین‌داران و آن هم به صورت پنهانی چرا که سازمان آب و برق خوزستان با کشت برنج مخالفت می‌کند.

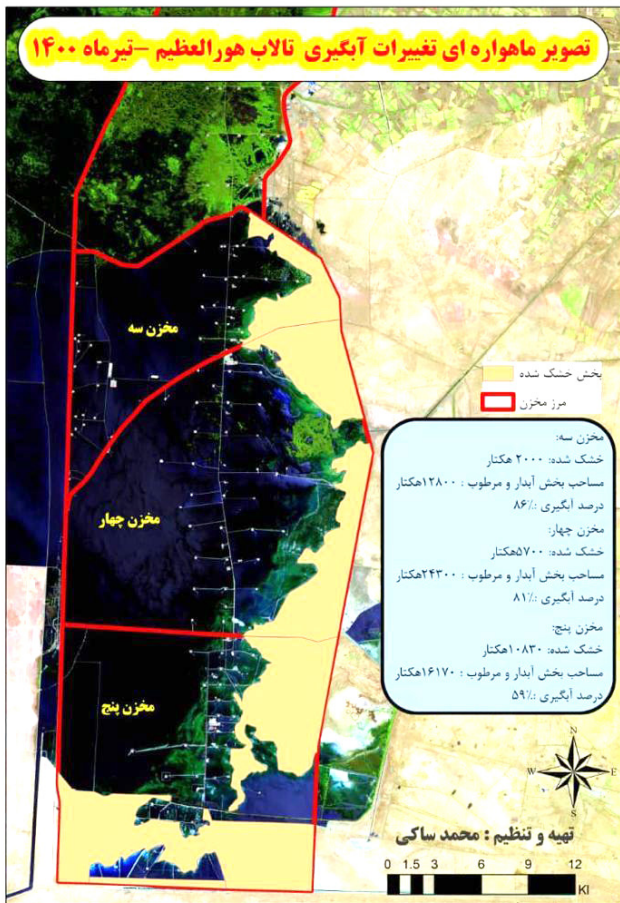
در رفیع که هنوز سروشکل شهری نگرفته بود منتظر ماندیم تا یک آشنای راه که ابوایمن با واسطه پیدا کرده بود به ما بپیوندد و در صورت امکان به همراه او از بخشی از تالاب بازدید کنیم و قدری نیز از گذشته تالاب حرف بزنیم. ابو محمد با داس به استقبالمان آمد و بدون آن که ما را بشناسد آن چنان گرم با ما برخورد کرد که گویی پدری فرزندش را بعد از چند ماه دیده است. ساعت حدود ۱۲ ظهر بود و از او اصرار که نهار را

در منزل او باشیم و از ما انکار که باید زودتر برگردیم. گویا در برابر اصرارهای صادقانه او این ابوایمن بود که توانست متقاعدش کند چرا که به او گفته بود که نهار میهمان خانه ما هستند و از این رو این بار با لهجه‌ای شیرین و به حالت بزرگوارانه گفت: سید بزرگ ما است و اگر نبود این که میهمان او هستید امکان نداشت اجازه دهم نهار نخورده ما را ترک کنید. به حالت شرم گفت یک نان و ماهی بود که با هم بخوریم و من شرمندۀ محبت لایزال آن مرد شدم چرا که جز صداقت در کلام و برخوردش هیچ چیز دیگری یافت نمی‌شد.

ابو محمد از رفیع گفت و این که به

واسطه جنگ شهر تخلیه شده است و ده دوازده سالی است که دوباره مردم به شهر برگشتند و از این رو است که هنوز صورت شهری به خود نگرفته است. چه در برخی کوچه‌ها که وارد می‌شدیم عده‌ای را می‌دیدیم که مشغول ساخت‌وساز بودند. از گذشته شهر و حضور شهید سردار «الحاج العلی الهواشمی» و نقش بی‌بدیلش در ساماندهی نیروهای مردمی در جنگ و حضورش در شهر رفیع گفت؛ شهید سردار علی هاشمی سردار عربی که در سال ۱۳۶۷ در جزیره مجنون به شهادت رسید و پیکرش تا سال ۱۳۸۹ تفحص نشده بود. بدون از این که از او سؤالی بپرسم حرف می‌زد گاه با بغض و گاه با شغف. وقتی متوجه شد که به‌دقت با حرف‌هایش گوش می‌دهم از من پرسید که چه کمکی از دست او بر می‌آید و من از او سه چیز خواستم: ۱- بیشترین تراز آبی که به چشم خود دیده کجا بوده است ۲- آخرین نقطه‌ای که الان تالاب آب دارد کجاست و ۳- از منظر یک بومی نظرش در مورد خشک‌شدن تالاب چیست و عامل خشکی آن را چه می‌داند؟

در پاسخ به سؤال اول گفت که تا قبل ساخت سد همیشه تا حد جاده شهید باکری آب بود. در پاسخ به سؤال دوم گفت هور خیلی پایین رفته است و می‌رویم می‌بینیم. در پاسخ به سومین سال اما او سد





بدل شده که نه تنها کمکی به رفاه آنها نکرده که موجب آسیب به معاش آنها نیز شده است.

پ. ن. ۱. در سوسنگرد دیگر هیچ تاب و توانی برای مقاومت در برابر دعوت همراه با نیمچه تحکم ابوامین (سید مجید) برای صرف نهار نداشتیم چرا که می دانستیم رد کردن دعوت یک عرب به میهمانی امری سنگین برای آنها است. سفره اش پر برکت باد.

پ. ن. ۲. شاید برای خواننده این متن سال پیش آید که اطلاعات ارائه شده در این گزارش چه دردی از تالاب دوا خواهد کرد و راقم این سطور به عنوان یک پژوهشگر حوزه آب چرا باید به این مسائل بپردازد. باید عرض کنم یکی از عمده مشکلات تحلیل های ارائه شده از سوی جامعه دانشگاهی همین ناآشنایی با منطقه و مهم تر از آن نا شنیدن روایت بومیان منطقه از مسئله است. شاید باورتان نشود بخش قابل توجهی از پژوهشگران و دانشجویان منابع آب حتی برای یک بار حوضه مورد مطالعه خود را از نزدیک ندیده اند. راه دور چرا بروم نویسنده همین یادداشت در زمان کار بر روی پایان نامه کارشناسی ارشدش که با درجه عالی از آن دفاع کرد حتی یک بار هم منطقه مورد مطالعه اش را از نزدیک ندیده بود و بعدها که به واسطه اتفاقی مجبور شد به آن حوضه سفر کند متوجه اشتباهات فاحش تحلیل های خود که ناشی از عدم شناخت حوضه بود رسید. از سوی دیگر بخشی از مناقشات آبی به واسطه نا شنیده ماندن نظر بخشی از ذی نفعان در حوضه است که همین نا شنیده ماندن منجر به ایجاد حس بی عدالتی در بین آنها شده است از این رو است تلاش کرده ام تنها راوی برخی از نظرات بخش قابل توجهی از ذی نفعان تالاب هور العظیم باشم. این روایت، آن گونه که از نامش بر می آید یک روایت است و راقم در جایگاه رد یا تأیید گفته های آن دو بزرگوار نیست. پر واضح است برای شناخت هر چه بیشتر تالاب باید چندین بار دیگر و با چند ده نفر دیگر از بومیان و مطلعان به گفتگو بنشینیم چرا که نتیجه گیری مبتنی بر یک بازدید چهار پنج ساعته خود بلیه دیگری است که کم از نا آشنا بودن با مطالعه موردی ندارد.

جاده های فرعی خروجی از جاده باکری به سمت داخل هور و به سمت مرز عراق بود که گویا انتهایش به یکی از چاه های نفت می رسد. اینجا دیگر احساس کردم همراهان بنا به مسائلی تمایلی به جلو رفتن ندارند و من نیز پیش تر نرفتم. برای خوردن یک چایی و قدری گفتگو و تنفس هوای تازه از ماشین پیاده شدیم. از جاده که میان هور کشیده شده بود و ارتباط دو سمت هور در آن قسمت را از بین برده بود پایین رفتم. ابوامین گفت «حالا دیگه آب هور شده تا حد به تشمت». با به تکه نی خشک خواستم عمق تالاب را بفهمم که ابومحمد گفت: «یعنی اون وقتها تو همین نقطه ای تالاب آب تا همین جا که دستت رو بالاوردی بالا میومد حالا شده قد به لگن». آب کدر و مانده آن بخش بیشتر نشان از مرداب بودن آن قسمت داشت تا تالاب بودن. آبی که به نظر می رسد کیفیت آن به خاطر ورود حجم قابل توجه فاضلاب شهری و از سوی دیگر کم شدن حجم خود آب روز به روز آلوده تر و آلوده تر می شود. آبی که هر دو همراه از روزهایی می گفتند که آن قدر زلال بود که می شد کف هور را دید و از آن مستقیماً برای آشامیدن استفاده کرد اما الان در جاهایی از آن بوی تعفن گرفته است.

در راه برگشت بحث از تالاب دور شد و ابتدا قدری حول حاشیه ها چرخید و کم کم سکوت بین ما حکم فرما شد. در راه همان طور که از جاده باکری به سمت رفیع در حرکت بودیم خبره به تالاب و گاو میش ها گفتگوهای این دو سه ساعت را مرور می کردم. از پتانسیل بالای هور برای جذب گردشگر. از هوری که زلالی آبش می توانست چون سواحل مالدیوی مأمی باشد برای جذب سالانه میلیون ها گردشگر و میلیون ها دلار ارزآوری اما آن گونه که محمدعلی موحد در اثر سترگش «خواب آشفته نفت» گفت «هر که نفت در خواب بیند به مصیبتی گرفتار آید. نفت زن بی حفاظ بلایه کار است که سر کردن با او دشوار است. اگر از دست بگذاری و غفلت کنی چه ها که نکند! نفت مال حرام بی سرانجام است. بدنامی دارد و عاقبت ندارد. خواب نفت خیر می دهد که گرفتاری سیاسی (نائبه من سلطان) در راه است!» و چه گرفتاری بالاتر از این که بخشی از ریزگردهای این روزهای کشور از بخش های خشک شده همین تالاب به آسمان برمی خیزند. از منظر بومیان نفت به نعمتی

کرخه و ساخت آن را مقصر می دانست چرا که از زمان آبیگری سد آب ورودی به منطقه به شدت کم شده بود. از سوی دیگر دایک سازی های شرکت نفت را نیز مقصر می دانست چرا که باعث جلوگیری از ورود آب به بخش هایی از تالاب می شد.

برای این که بدانیم جاده شهید باکری کجاست باید اندکی از جغرافیای تالاب بدانیم. در واقع در حال حاضر هور محصور در دو دایک است که یکی در غرب تالاب، مرز را تشکیل داده است و عمده ارتباط قسمت عراق تالاب با قسمت ایرانی آن را قطع کرده است و تنها به وسیله یک سری دریاچه ارتباطی اندک ارتباط برای تبادل آب فراهم شده است. این دایک حدود شانزده سال پیش ساخته شده است و آن گونه که ابومحمد گفته بخشی از خاک مورد نیاز را از نزدیکی رفیع برداشتند و محل هایی که برداشت صورت گرفته توسط مردم محلی بدل به حوضچه های پرورش ماهی شده است. مرز شرقی تالاب اما جاده (دایک) شهید باکری است که در زمان جنگ ساخته شده است و مسیر ارتباطی رفیع با بخش های مختلف تالاب است. شرکت نفت بخش ایرانی هور بین دو دایک شرقی و غربی را به ۵ بخش یا آن گونه که رایج شده حوضچه تقسیم کرده است: از بستان در شمالی ترین نقطه تالاب تا جاده ای امام رضا (حوضچه ۱)، از جاده امام رضا تا شط علی (حوضچه ۲)، از شط علی تا جاده همت (حوضچه ۳) و از جاده همت تا جاده سیدالشهدا (حوضچه ۴) و در نهایت از جاده سیدالشهدا تا طلائییه (حوضچه ۵) پنج حوضچه ای است که شرکت نفت ایجاد کرده و بخشی از عملیات اکتشاف نفت در دو میدان آزادگان جنوبی و شمالی در آنها جریان دارد. آن گونه که ابومحمد از سیل ۱۳۹۸ تعریف می کند این جاده با بهتر است بگویم دایک شهید باکری است که چون سدی در برابر سیلاب عمل کرده و اجازه نمی دهد آب وارد تالاب شود و از این رو است که آب پس زده شده به سمت شهر رفیع می آید. در واقع تالابی که بخشی از حیات خود را مدیون سیلاب های هر چند سال یک بار است به واسطه ایجاد یک دایک رو به خشک شدن می نهد.

در خلال گفتگو به یک نکته کلیدی پی بردم. با پایین رفتن آب تالاب بومیان نیز دست به تسطیح اراضی باقی مانده و کشاورزی در این اراضی تالابی کرده اند و از این رو است که در تصاویر هوایی موجود گهگاه بخش هایی از تالاب که در واقع دیگر تالاب نیست سبز رنگ دیده می شود. در تمام این بازدید اثرگذارترین فریم برای من زمانی بود که ابومحمد از گاو میش ها گفت. گفت «این گاو میش ها بدبخت اند، گنگ اند، موقع هایی که تشنه اش میشه نمی تونه می که آغا من تشنه هستم، زوروش میاد، چشمش قرمز میشه و می میره» و من بغض موجود در صدای او را هنگام گفتن از مردن گاو میش ها با تمام وجود لمس کردم؛ گاو میش هایی که بخش قابل توجهی از زیست بوم میان این منطقه وابسته به حیات آنها است. اگر هور به واسطه ماهیان و نیزارها و پرندگان آن بخشی از کسب این سامان را تأمین می کرد اما از نظر آنها حیات هور از این منظر مهم است که حیات گاو میش ها به حیات آن وابسته است.

آخرین نقطه ای که توانستیم ورود کنیم یکی از



انتقال آب از شمال به جنوب رشته کوه البرز بررسی اجمالی چند مورد

به حوضه‌ی دیگر، حتی آب برای حوضه‌ی مبدأ نیز بیشتر می‌شود که نمونه‌ی این ادعا را در گفته‌های مطرح‌کنندگان طرح انتقال آب از سرشاخه‌های دوهزار و سه‌هزار به استان البرز و تهران دیده‌ایم. گذشته از محافل سودجوی داخلی، شرکت‌های خارجی هم گویا زمینه را در ایران برای ساخت و ساز (و نه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولیدی) مناسب یافته‌اند که در این میان چینی‌ها، به دلیل پای بند نبودن قطعی به تحریم‌های ایران و به علت بی‌اعتنایی به استانداردهای محیط زیستی و الزام‌های اجتماعی، گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. در فروردین امسال هیأتی از سوی شرکت مهندسی ساخت و ساز دولتی چین به مازندران آمد و از آمادگی برای «سرمایه‌گذاری» یک میلیارد دلاری در طرح‌های سدسازی و ساخت بزرگراه و راه آهن گفت. این گونه طرح‌های اجرایی، مطلقاً جذب سرمایه‌ی خارجی به شمار نمی‌روند، بلکه قراردادهایی هستند غالباً در چارچوب فاینانس یعنی گرفتن پول بهره‌ای از کشورهای خارجی و آینده‌فروشی یا بدهکار کردن نسل‌های آینده. همین شیوه از سوی چینی‌ها در طرح بسیار مخرب و پرمناقشه‌ی ساخت سد بختیاری نیز پیش گرفته شده است.

طرح‌های انتقال آب از استان‌های شمالی به مرکز، به چند موردی که در یکی دو سال اخیر پر سروصدا شده‌اند، مانند انتقال آب دریای کاسپین به سمنان یا انتقال آب اسپه‌رود به سمنان (با طرح ساخت سد فینسک) نمی‌شود؛ چندین طرح بزرگ و کوچک از این دست تاکنون اجرا شده یا در حال تکمیل

از آغاز «دوران سازندگی»، فن‌سالارانی که ایران را کارگاه ساختمانی خود فرض کرده و شمار قابل توجهی از ایشان در خارج از ایران زندگی می‌کنند یا کشورهایمانند آمریکا و کانادا میهن دوم‌شان است و جرأت مطرح ساختن چنین ایده‌ها را در آن کشورها ندارند، آن ایده‌ها را گاه‌به‌گاه باز تکرار کردند؛ اگر شکافتن رشته‌کوه البرز در آن مقیاس‌های فضایی ممکن نشد، در مقیاس تونل و لوله‌ی انتقال و پمپاژ شدنی بود! چنین بود که هر چند گاه، آب رودخانه و رودک و چشمه‌ای از آن سوی کوه‌های اسطوره‌ای البرز به این سو کشانده شد. و آن محفل‌های ساخت و سازگرا و سیری‌ناپذیر، بی‌اعتنا به اثرات تجمعی تغییراتی که در نظام رودخانه‌ها و تالاب‌ها و ساحل دریای شمال ایجاد می‌کنند، کار خود را همچنان پیش بردند.

همه می‌دانند که در هیچ کجای ایران، حتی استان‌های به‌نسبت پرآب مانند خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه، و استان‌های شمالی، آب اضافه نداریم و همه جا با شدت‌های متفاوت، با کمبود آب دست به گریبانیم. این نکته‌ی بدیهی را قطعاً مهندسان انتقال آب، بهتر از هر کس دیگر می‌دانند. اما چون میدان یافته‌اند که با نادیده گرفتن قانون، از جمله با بی‌اعتنایی گستاخانه به مقررات ارزیابی زیست‌محیطی، پول پارو کنند و پاسخگوی افکار عمومی و مقام‌های قضایی نباشند، بر خوان یغمای بودجه‌های نفتی نشسته و می‌خورند و می‌برند. قلب واقعیت در طرح‌های توجیه سدسازی به جایی رسیده که مدافعان گاه مدعی می‌شوند که با ساختن سد و انتقال آب از یک حوضه



عباس محمدی
کارشناس آب و کنشگر محیط زیست

برنامه‌های سدسازی و انتقال آب در ایران در مجموع پروژه‌های است با هدف‌هایی که بیش از هر چیز سیاسی و بازاری است و به سود نهادهای قدرت و محفل‌های مالی بزرگ، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حامیان طرح‌های سدسازی و انتقال آب می‌خواهند با بنا نهادن سازه‌های بزرگ، کشور را پیشرفته و خود را کارآمد نشان دهند. این پروژه نمی‌تواند طرحی برای «تأمین آب» (آن‌گونه که دست اندرکاران پروژه ادعا می‌کنند) باشد، چرا که آب چیزی نیست که در مقیاس‌های مناسب برای کشاورزی و صنعت و آشامیدن قابل تولید باشد. در هیچ کجای ایران (و حتی جهان)، اگر دیدگاه محیط زیستی داشته باشیم، آب اضافه‌ای نیست که به جای دیگر برده شود.

طرح‌های انتقال آب از شمال رشته کوه البرز به جنوب آن که بخشی از آن پروژه‌ی سراسری است، تحقق تراژیکومیک ایده‌های هزینه‌بر و تخیلی وصل کردن دریای کاسپین (خزر) به خلیج فارس یا باز کردن یک کانال در رشته‌کوه البرز برای انتقال هوای مرطوب شمال به تهران است که پیشنهادهای نخستین آن برمی‌گردد به سال‌های پیش از انقلاب. در دوران پس از انقلاب، البته به‌طور مشخص پس

دوباره‌سازی این بافت‌ها و توسعه‌ی بوم‌گردشگری غیرتهاجمی... و مانند این‌ها است.

سدهای ساخته‌شده در محدوده‌ی استان‌های شمالی که آب تنظیم‌شده‌شان وارد همین استان‌ها می‌شود نیز برای این خطه خطرناک و آسیب‌رسان بوده‌اند. اگر هزینه‌ی ساخت سدهایی مانند سلیمان‌تنگه، پل‌رود، هراز، لفور، و شفاورد که هر کدام صدها هکتار جنگل بی‌مانند هیرکانی را مستقیماً نابود کرده و هزاران هکتار را با برهم زدن نظام رودخانه‌ها دچار اختلال ساخته‌اند، صرف سرمایه‌گذاری‌های یادشده در بالا می‌شد، برای ساکنان سه استان شمالی و برای کل ایران بسیار بهتر بود. بگذریم که تولیدهای کشاورزی که در ایران تقریباً انحصاری سه استان شمالی است، مانند برنج و چای و بادام زمینی و زراعت چوب و کیوی و آووکادو یا انواعی از ماهی و خاویار، و صدها گونه گیاه دارویی هم می‌تواند، در صورت اندک حمایت دولت، شرایط زندگی با استاندارد بالا را برای این سه استان تأمین کند. حتی اگر استان‌های هیرکانی را فقط با یک نگاه حداقلی، تفرجگاه هشتاد میلیون ایرانی بدانیم، نباید با دستکاری در سامانه‌های طبیعی آن‌ها چهره‌ی سرسبزشان را بیش از این مخدوش کنیم. گردش اقتصادی حاصل از ورود چند ده میلیون گردشگر در هر سال، توانسته (و بهتر از این هم می‌تواند) رفاه و اشتغال مناسب را برای ساکنان استان‌های گیلان، مازندران و گلستان فراهم سازد. نزدیک به هزار کیلومتر ساحل، آب‌وهوای معتدل، کوه‌های جنگل‌پوش، جاذبه‌های بسیار متنوع برای هر کسی که به گردشگری کوهستان و کوه‌نوردی علاقمند است، کشتزارهای همیشه سبز، تالاب‌ها، میلیون‌ها پرندۀ مهاجر و بومی، مردمانی مهمان‌پذیر با فرهنگی سطح بالا با موسیقی و معماری و آیین‌های دلنشین، و تنوع کم‌مانند در خوراک‌های محلی هم می‌تواند و تاکنون نیز توانسته اشتغال و درآمد خوبی را برای این منطقه فراهم کند. همه‌ی این استعداد‌های سه استان گیلان، مازندران و گلستان، با برنامه‌های انتقال آب، به‌شکل نقطه‌ای یا در مقیاس‌های کلان در منطقه آسیب خواهند دید.



رشته‌کوه البرز، همیشه هم پرسروصدا و خیلی آشکار نبوده، بلکه موزیانه و غیرمستقیم، اما در حجم بسیار بالا نیز صورت گرفته است. از جمله‌ی این طرح‌ها می‌توان به انتقال آب از سد لار به سد لتیان برای انتقال به تهران که موجب کم شدن آورد رودخانه‌ی هراز و کم‌آبی آبخوان دشت آمل شد؛ و ساخت ده‌ها سد بی‌مطالعه بر رودخانه‌ی قزل‌اوزن (سفیدرود) در بالادست سد سفیدرود در استان‌های قزوین، البرز، کردستان، همدان، زنجان، اردبیل و آذربایجان شرقی که موجب کم شدن آب ورودی به استان گیلان شده، اشاره کرد. مدیران ارشد کشور، با تأثیرپذیری از محفل‌های ساخت‌وسازگرا و بی‌اعتنا به خطراتی که افزایش شدید جمعیت و گسترش وحشتناک شهر تهران دارد، برای رساندن آب به این شهر بی‌در و دروازه در فکر انتقال آب از رودخانه‌های دوهزار و سه‌هزار در غرب مازندران هم هستند که در صورت عملیاتی شدن این فکر مخرب، بخش‌های ارزشمندی از جنگل‌ها و آبخیزهای البرز نابود و به‌ویژه شهرستان تنکابن با معضل کم‌آبی درگیر خواهد شد. همچنین گویا یک هدف ساخت هراز در نزدیکی آمل، انتقال آب به تهران است.

آن‌چه که استان‌های دو سوی رشته‌کوه البرز برای توسعه و اشتغال‌زایی نیاز دارند، سدسازی که بزرگ‌ترین سرمایه‌ی شمال یعنی جنگل‌های هیرکانی را تخریب می‌کند یا برنامه‌های انتقال آب که سبب تغییر شرایط زیستی هر دو منطقه‌ی شمال و جنوب البرز، نفوذ آب شور دریا به سفره‌های آب زیرزمینی در شمال، و بروز تنش‌های اجتماعی و اختلاف‌های بین‌استانی می‌شود، نیست. بلکه سرمایه‌گذاری برای بازچرخانی آب و اصلاح شیوه‌های آبیاری و کم کردن نشستی لوله‌های آب شهری؛ سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند تفکیک و بازیافت زباله که کوه و دشت و ساحل دریا و رودخانه‌ها را بدریخت و آلوده کرده است؛ یا سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی نرم‌افزار و دیگر رشته‌های دانش‌بنیان؛ سرمایه‌گذاری برای پاک‌سازی ساحل دریای کاسپین و ترویج تفریحات و ورزش‌های آبی به شیوه‌ی سازگار با محیط زیست؛ سرمایه‌گذاری برای احیای بافت تاریخی روستاها یا

آن‌چه که استان‌های دوسوی رشته‌کوه البرز برای توسعه و اشتغال‌زایی نیاز دارند، سدسازی نیست بلکه سرمایه‌گذاری برای بازچرخانی آب و اصلاح شیوه‌های آبیاری و کم کردن نشستی لوله‌های آب شهری؛ سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند تفکیک و بازیافت زباله و... است

است که از میان آن‌ها می‌توان به انتقال آب چشمه روزیه به شه‌میرزاد سمنان، رودخانه‌ی خطیر کوه به سمنان، زرین‌گل به شاهرود، کالپوش به سمنان، و رودخانه‌ی تالار (با سد کسبیلیان) به سمنان اشاره کرد. در این انتقال‌ها، داده‌های آماری عمداً و هدفمند از سوی کارفرمایان و مجریان دستکاری می‌شوند؛ یکی از رایج‌ترین این دستکاری‌ها، زیاد نشان دادن آورد سالانه‌ی رودخانه یا چشمه است. برای مثال، در طرح انتقال آب زرین‌گل آورد سالانه نود میلیون مترمکعب در نظر گرفته شده بود که مربوط می‌شد به سال‌های پراپی دهه‌ی هفتاد. اما سال‌های گرم و خشک پیش رو عمداً نادیده گرفته شد و حال که آورد آن چشمه‌ها به یک‌سوم دهه‌ی هفتاد رسیده، منطقه‌ی علی‌آباد کنول در استان گلستان به‌شدت درگیر کم‌آبی شده است. در مورد چشمه روزیه که در اوایل دهه‌ی هفتاد می‌گفتند قرار است ۱۲ میلیون مترمکعب از آب آن منتقل شود، امروزه از آن حدود ۲۰ میلیون مترمکعب انتقال داده می‌شود. دستکاری‌های دیگر در موضوع داده‌ها مربوط می‌شود به نادیده گرفتن عمدی اثرات جانبی این انتقال‌ها؛ برای مثال در مورد سد کالپوش به کم شدن آب ورودی به استان گلستان که سخت درگیر کم‌آبی است اشاره نشده و به‌علاوه (مانند همه‌ی طرح‌های سدسازی دیگر) در این طرح هم به موضوع جابجایی اهالی روستاهایی که غرق می‌شوند، یا به اثرات سد بر روستاهای پایین‌دست، توجه لازم صورت نگرفت. چنین بود که در مهر ماه سال ۹۸ بیش از سیصد خانه و ساختمان‌های دیگر مانند مدرسه در روستای حسین‌آباد در پایین‌دست سد، بر اثر رانش زمین ناشی از نشست آب از دریاچه‌ی سد، تخریب شد. سازمان زمین‌شناسی از سال‌ها پیش اعلام کرده بود که زمین‌های منطقه رانشی است، اما پیمانکار سد کالپوش بی‌توجه به این امر و بی‌هیچ پیش‌بینی درباره‌ی تأثیر احتمالی آبیاری سد، کار خود را پیش برده بود. شور شدن آب رودخانه‌ی تالار و برهم خوردن کل نظام زیستبومی آن از دیگر اثرات منفی انتقال آب از شمال به جنوب رشته‌کوه البرز است.

انتقال آب از استان‌های شمالی به جنوب

تبعات محیط زیستی انتقال آب های سطحی در استان البرز



ناهید رشتچی
دکترای مهندسی محیط زیست

مجموع مصارف شرب و کشاورزی و صنعت در البرز از منابع آب سطحی و زیر زمینی شامل: ۱۰۵۸ میلیون مترمکعب (۲۴۰ میلیون مترمکعب و ۸۱۸ میلیون مترمکعب از آبهای زیرزمینی) که حدود ۳۰ درصد جهت شرب و ۶۵ درصد جهت کشاورزی و صنعت حدود ۵ درصد میباشد. با توجه به اعداد بالا در استان البرز حدود ۸۰ درصد از آبهای زیرزمینی استفاده میشود و تنها ۲۰ درصد از آبهای سطحی در اختیار استان قرار دارد و قسمت عمده به تهران جهت شرب منتقل میشود. در تمامی دشتهای البرز که ممنوعه بحرانی میباشد کسری مخزن داریم و افت تراز آبخوان در این دشتهای به طور متوسط سالی ۱ متر میباشد و نرخ فرونشست حدود ۳۳ سانتیمتر که جزو بالاترین فرونشست در کشور میباشد.

طوفان های نمکی در راه است: دریاچه نمک قم با آبیگری دو سد نهب و بالاخانلو و انتقال آب رودخانه کرج به تهران و قطع کامل جریان آب به دریاچه نمک به طور کامل خشک خواهد شد و به زودی به یک کانون ۲۰۰ هزار هکتاری تولید ریزگردهای نمکی تبدیل و حدود ۲۵ درصد مردم کشور در استانهای تهران و قم و اصفهان و سمنان را تحت تاثیر قرار داده و تبدیل به یک تهدید محیط زیستی بزرگ خواهد شد و حیات زیست مندان فلات مرکزی را در این مناطق به خطر خواهد انداخت.

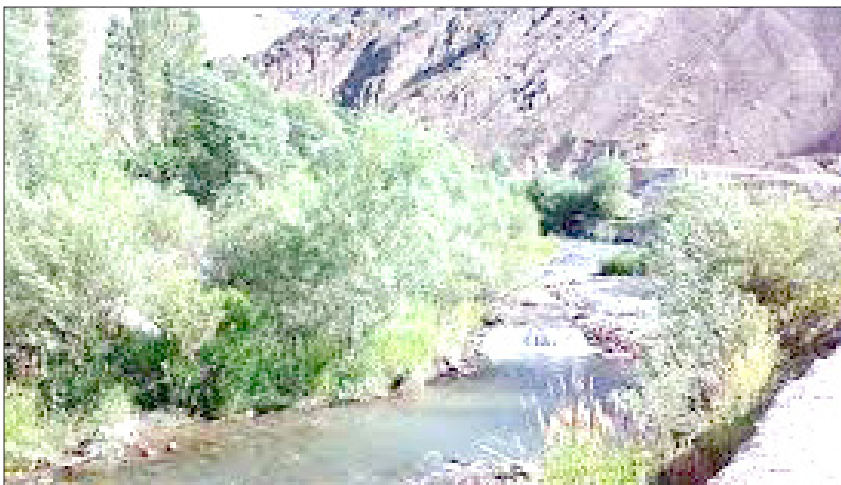
خشک شدن چشمه ها و شبکه مویرگی

حفر تونل ۵۱ کیلومتری جهت انتقال آب سد طالقان و ۳۰ کیلومتری تونل از محل سد تنظیمی کرج بر روی رودخانه کرج برای آبرسانی به شهر تهران در دل کوهها - احداث چنین سازه هایی تاثیرات شدیدی بر شرایط هیدروژئولوژی و زیست محیطی منطقه داشته و مهمترین نمود آن کاهش قابل توجهی در آبدهی و در بیشتر موارد موجب قطع مسیر جریان آبهای زیرزمینی و چشمه ها در آبرفت و بخصوص در سازندهای سخت میگردد. سفره های آبدار بصورت لایه های تقریبا افقی در آبرفتها بر روی لایه های غیر قابل نفوذ ایجاد شده و بر اثر حفر تونل این لایه های غیر قابل نفوذ آسیب و موجب حرکت آب از سفره به مکانهای دیگر و تخلیه سفره آب زیرزمینی میگردد. همانگونه که پس از حفر تونل انتقال آب رودخانه کرج به تهران علیرغم ادعای

وزارت نیرو مبنی بر اجرای ملاحظات محیط زیستی ، شاهد خشک شدن و کاهش آبدهی بسیاری از چشمه های مسیر نظیر کندور هستیم (پیش بینی جریان آب زیرزمینی در برخورد با تونل با استفاده از ابزارهای تحلیلی و عددی به علت نادیده گرفتن پارامترهای مهم شکست خورده است) و حال قرار است این تجربه دوباره تکرار و انتقال آب از طالقان به کرج که پیش از این با لوله انجام می شد اینک قرار است به جای لوله از تونل استفاده شود.

رودخانه کرج: نیازهای محیط زیستی در سرتاسر رودخانه را تامین میکرده و حتی در پایین دست باغهای سرحد آباد و ساوجبلاغ و همچنین در سراسر حوضه دریاچه نمک کارکرد اکولوژیک داشته ولی در سالهای اخیر به دلیل رشد بی رویه جمعیت و مصارف در کلانشهر تهران، سهم البرز از این رودخانه بسیار کاهش یافته و مشکلات اکوسیستمی زیادی در بخشهای مختلف خصوصا در پایین دست ایجاد کرده است. پروژه تونل انتقال آب از سد امیر کبیر که فاقد پیوست محیط زیستی میباشد، موجب کاهش حقایق محیط زیستی این رودخانه و تاثیرات منفی بسیار بر کارکردهای اکوسیستمی متعدد، به دلیل برداشت از محل سد موجب خشک شدن حدود ۱۲ کیلومتر از این رودخانه زیبا خواهد شد. در حال حاضر میزان انتقال آب از این رودخانه ۵/۲ مترمکعب بر ثانیه است و چون انتقال ثقلی است و ظرفیت تونل تا ۱۵ متر مکعب بر ثانیه هم قابل افزایش است، لذا بعید نیست با توجه به توسعه شدید منطقه ۲۲ و برنامه های اخیر شهرداری تهران مبنی بر توسعه در مناطق شمال غربی تهران، به زودی میزان انتقال افزایش یابد. به نظر میرسد احداث این تونل بیشتر به جهت ساخت و ساز در مناطق شمال غربی تهران و خصوصا منطقه ۲۲ بوده است. همچنین به دلیل انتقال آب توسط تونل شاهد قطع روانابی که خصوصا در بهار و اوایل

تابستان هستیم که تبعات این قطعی باعث شده که آبخوان های شرق کرج، فردیس و دشت شهیار و ملارد به شدت کاهش یابد و شاهد این قضیه افزایش عمق چاههای تامین آب شرب تا ۳۷۰ متر در منطقه فوق هستیم و تامین آب فردیس با توجه به جمعیت حدود ۸۰۰ هزار نفری در آینده در ابهام قرار گرفته و مضافا دشت شهیار احتمالا خشک و باغات آن در آستانه تخریب قرار خواهد گرفت. آلودگی رودخانه در پایین دست: مطابق تصمیم هیئت وزیران رهاسازی سالبانه ۱۸۳ میلیون متر مکعب آب جهت حفظ کیفیت و شرایط محیط زیستی رودخانه کرج در پایین دست کرج و توزیع آن مطابق نیازهای ماهانه که موجب تنش آبی رودخانه نشود برداشت آب برای مصارف شرب تهران کماکان از بند بیلقان صورت پذیرد که رودخانه زنده بماند. در تخصیص ابلاغ شده از وزارت نیرو تخصیص آبدهی حوزه میانی سد کرج تا بند بیلقان و همچنین سرریز آب از سد کرج برای تامین نیاز محیط زیستی رودخانه و پایداری جریان پایین دست ذکر شده است که عملا همانگونه که در تصاویر گوگل ارث در میان حوزه به چشم می خورد حجم بالای ویلا سازی در سرشاخه ها و نیز ذخیره آب در حوضچه هاست که عملا اجازه ورود آب به رودخانه را نخواهد داد بنابر این عملا سرریزی وجود ندارد و تا شروع آب میان حوزه ای، محدوده ای از رودخانه به طول حداقل ۱۲ کیلومتر کاملا خشک خواهد شد. همچنین به دلیل کاهش جریان آب و عدم امکان خودپالایی خصوصا در آبیگر بیلقان که محل برداشت آب شرب مناطقی از کرج میباشد، خودپالایی به شدت کاهش میابد که این یک ضایعه محیط زیستی و حتی موجب نابودی ماهی های خال قرمز که گونه بومی و در معرض خطر که زیستگاهشان رودخانه کرج است خواهد شد.



نقدی بر انتقال آب هلیل رود به کرمان



فرشاد سلیمانی
عضو هیات علمی دانشکده منابع طبیعی
دانشگاه جیرفت، نماینده انجمن
آبخیزداری ایران در استان کرمان

در این لحظه چندین سوال به ذهن هر فردی خطور می کند.

۱. مگر حوزه جازموریان آبی برای انتقال دارد؟
۲. چرا دشت های حوزه جازموریان ممنوعه برداشت آب هستند؟
۳. مگر از عمق آب های زیر زمینی در منطقه جازموریان مطلع نیستند؟
۴. اگر جازموریان آب دارد چرا طبق توان آکولوژیکی منطقه توسعه صنعتی ایجاد نشد؟
۵. دلیل این همه کشاکش و نزاع بابت پروژه انتقال آب هلیل رود چیست؟
۶. مگر حیات و ممت زندگی جازموریان نشینان به آب وابسته نیست پس چرا هنوز بعضی از روستاها از نعمت آب آشامیدنی و تصفیه شده بی بهره هستند؟
۷. مگر از آمار های نسبی چاه های غیر مجاز خبر ندارند؟
۸. انتقال آب هلیل چه منفعتی برای منطقه جنوب دارد؟
۹. و، و، و، ...

جواب همه این سوالات به عدم آب و عدم مدیریت صحیح منابع آبی در این حوزه بر می گردد. اگر حوزه جازموریان آبی برای انتقال دارد پس چرا دشت های این حوزه ممنوعه برداشت هستند و یا چرا جازموریان نشینان از بی آبی در مصرف شرب و کشاورزی رنج می برند. عمق چاه در بعضی از مناطق به بیش از ۳۰۰ متر می رسد. بعضی از ساکنین این منطقه باید با طی مسافت ها راه به آب آشامیدنی دست پیدا کنند. طبق گزارشات سازمان های مرتبط میزان مصرف آب در صنعت در جنوب استان کرمان بسیار کم هست اما صحبت از انتقال آب هلیل رود برای صنایع در قسمت های دیگر استان می کنند. چرا این صنایع با هدف تمرکز زدایی و عدالت اجتماعی به جنوب استان کرمان که به قول مسئولین آب منطقه ای دارای آبی برای انتقال هست انتقال داده نشده است که الان با مشکل تامین آب

روبرو نشوند.

گفته می شود در پروژه های انتقال آب منافع آن بین مبدا و مقصد تقسیم می شود این پروژه جز بدبختی چه منفعتی برای جنوب استان کرمان دارد. وقتی بیش از ۷۰ درصد زندگی جنوب به کشاورزی و آب وابسته است چگونه می توان از انتقال آن صحبت کرد در حالی که کشاورز جنوبی در تامین و امرار معاش زندگی خود به دلیل کمبود آب دچار مشکل است. طبق مقالات بررسی شده تقریباً از ۲۵ سال پیش دشت کرمان که شهر کرمان در آن واقع شده است با افت سطح آب روبرو بوده است چگونه مسئولان با این موضوع کنار آمده و به سمت مدیریت منابع آب و روش های آبخیزداری و آبخوان داری پیش نرفتند که الان مجبور باشند از انتقال آب صحبت کنند.

اکنون در شهر کرمان به دلیل مشکلات آبی چقدر به سمت هوشمند سازی مصرف آب گام برداشته ایم. وقتی بیش از ۸۰ درصد آب در زمینه کشاورزی مصرف می شود و بیشترین چاه های غیر مجاز در این منطقه واقع شده اند چرا با مدیریت ۵ تا ۱۰ درصد آب کشاورزی مشکل آب شرب را حل نمی کنند. آیا در منازل شهری آب شرب از غیر شرب جدا هست؟ آیا در آبیاری فضای سبز از آب غیر شرب استفاده می شود؟ آیا چاه های کشاورزی با کنتور هوشمند مدیریت می شوند؟ آیا قیمت واقعی آب محاسبه می شود؟ آیا از روش های استحصال آب باران برای مصارف خانگی و فلاش تانک ها استفاده می شود؟

به عبارت دیگر انتقال آب یکی از روش هایی غلطی است که در مدیریت منابع آب از آن یاد می شود. حفر لوله و کانال برای انتقال خود به تنهایی بسیاری از مشکلات زیست محیطی به همراه دارد. هر چند که پروژه انتقال آب هلیل رود فاقد مجوز محیط زیست است و هیچگونه پیوست محیط زیستی ندارد. حق آب تالاب را چگ نه محاسبه کردند؟ آیا الان حق آبه تالاب رها سازی می شود و به تالاب می رسد جواب خیر است.

پروژه انتقال آب هلیل رود یک پروژه بیابان زایی است که منجر به نابود شدن جازموریان نشینان شده و پدیده های مختلف محیط زیستی از جمله گرد و غبار و پدیده های اقتصادی و اجتماعی از جمله فقر، مهاجرت، بیکاری و شغل های کاذب را به دنبال دارد. تالاب جازموریان مهمترین کانون گرد و غبار جنوب شرق کشور مطرح هست که در مواقع خشکی استان های کرمان، سیستان و بلوچستان و بندرعباس را با جمعیتی بالغ بر ۷ میلیون نفر به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می دهد. بی احترامی به طبیعت می تواند باعث نابودی خود انسان گردد پس بیابید قبل از اینکه دچار قهر طبیعت شویم دست از تخریب برداریم. پروژه انتقال آب هلیل رود یعنی نابودی جنوب استان کرمان به قول سردار بزرگ اسلام سردار دلها که در کلیبی مشهور بیان کردند انتقال آب سرشاخه های هلیل رود یعنی نابودی هند کوچک ایران (جیرفت).

حوزه جازموریان با وسعت حدود ۶۹ هزار و ۶۰۰ کیلومتر مربع یکی از پهناورترین حوزه های درجه ۲ و اصلی ترین حوزه جنوب شرقی ایران می باشد این حوزه در دو استان کرمان و سیستان و بلوچستان قرار دارد. رودخانه های هلیل رود و بمپور از مهمترین زهکش های این حوزه می باشند. از نظر اقلیمی میتوان حوزه جازموریان را به دو بخش کوهستانی (شمال) و دشتی (جنوب) تقسیم کرد. قسمت عمده حوزه جازموریان را مناطق پست و دشتی تشکیل می دهد که شامل شهرستان های جیرفت، عنبرآباد، قلعه گنج، منوجان، رودبار، فاریاب و کهنوج می باشد و بیش از ۱ میلیون نفر جمعیت دارد و ۷۰ الی ۸۰ درصد جمعیت جازموریان نشینان به کشاورزی، باغداری و دامپروری مشغول هستند. اما قسمت شمالی حوزه بخش های از شهرستان جیرفت (ساردویی)، شهرستان رابر و بافت قرار دارند. متوسط بارش در مناطق کوهستانی ۵۰۰ الی ۶۰۰ میلیمتر می باشد و در مناطق دشتی که قسمت عمده حوزه جازموریان را تشکیل می دهد متوسط بارندگی حدود ۱۰۰ میلیمتر می باشد. گرمای طاقت فرسا، خشکسالی و تغییرات اقلیمی از جمله شرایط سخت اقلیمی در حوزه جازموریان می باشد که تاثیر زیادی بر روی فضای معیشتی و کسب و کار جازموریان نشینان گذاشته و مهاجرت به شهرها و خالی از سکنه شدن روستاها را در پی داشته است. با این شرایط سخت حاکم بر منطقه مدتی است که صدای یک معضل جدید و ناشناخته برای مردم به گوش می رسد. انتقال آب، انتقال آب سرشاخه های هلیل رود به شهر کرمان.





گزارش یونسکو به مناسبت سال جهانی منابع آب زیرزمینی

آب‌های زیرزمینی؛ نمایان ساختن ناپیداها

تراز سال ۲۰۱۲ (FAO, ۲۰۱۷)، ضمن کاهش ردپای زیست‌محیطی و آبی تولیدات کشاورزی، افزایش بهره‌وری کشاورزی از طریق تشدید پایدار برداشت از آب‌های زیرزمینی اهمیت حیاتی دارد (FAO, ۲۰۲۱).

آب‌های زیرزمینی منبعی حیاتی برای کشاورزی آبی، دامپروری و سایر فعالیت‌های کشاورزی از جمله فرآوری مواد غذایی محسوب می‌شوند.

مطالعات صورت گرفته در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین نشان می‌دهد که وقتی کشاورزان فقیر تلاش می‌کنند تا معیشت خود را از طریق کشاورزی خرده‌مالک یا دامپروری بهبود بخشند، به طور معمول آب‌های زیرزمینی و پمپ‌های کوچک به کمک آنها می‌آید که این امر به‌ویژه برای زنان سودمند است (Villholth, ۲۰۱۳a; Shah et al., ۲۰۰۷; Van Koppen, ۱۹۹۸).

از دهه ۱۹۶۰، مساحت زمین‌های تجهیز شده برای آبیاری در سطح جهان بیش از دو برابر شده است (Aquastat, n.d.; Faostat, n.d.). تخمین زده می‌شود که نیاز ۳۸ درصد از زمین‌های تجهیز شده برای آبیاری از طریق آب‌های زیرزمینی تأمین شود (Siebert et

می‌تواند بسیار دشوار و پرهزینه باشد. به واسطه‌ی مزایای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، از جمله مشارکت‌های بالقوه در سازگاری با تغییرات اقلیمی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار (SDGs)، آب‌های زیرزمینی فرصت‌های فوق‌العاده‌ای را برای جوامع فراهم می‌کنند. بنابراین، سهم آنها در برآوردن نیازهای آبی قابل توجه است.

اگرچه بیشتر آب‌های زیرزمینی موجود در عمق چند صد متری زیر سطح زمین شیرین هستند، اما بیش از نیمی از منابع آبی زیر سطح زمین شور هستند و بنابراین برای بسیاری از انواع مصرفی آب نامناسب هستند.

کشاورزی

کشاورزی آبی همچنان ۷۰ درصد از میزان برداشت آب شیرین را به خود اختصاص می‌دهد (FAO, ۲۰۲۰). موضوع قابل توجه این است که حدود پنج درصد از این آب در سطح جهان برای فرآوری مواد غذایی مصرف می‌شود (Boretti, and Rosa, ۲۰۱۹).

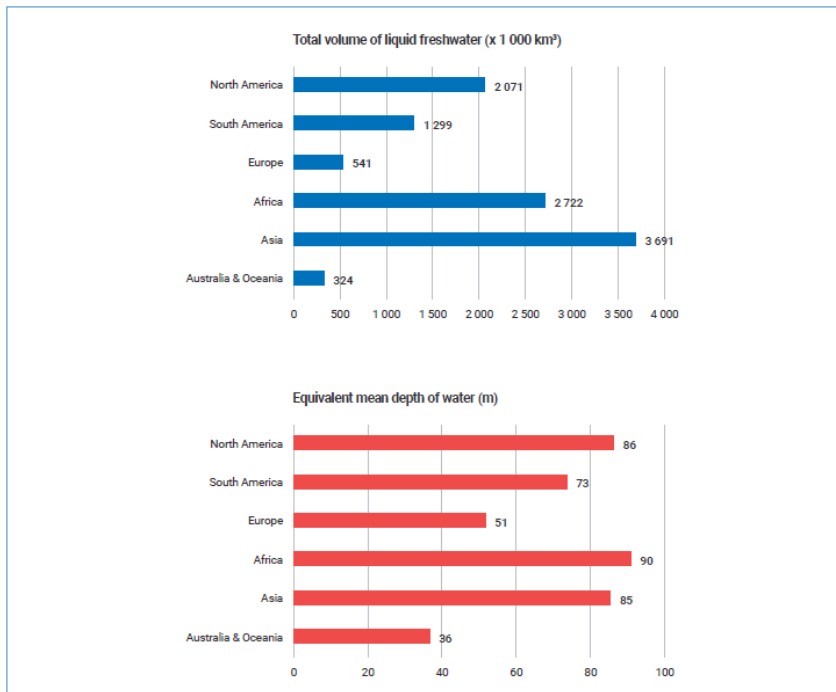
برای برآوردن نیازهای جهانی آب و کشاورزی تا سال ۲۰۵۰، از جمله برآورد افزایش ۵۰ درصدی مواد غذایی، خوراک و سوخت زیستی نسبت به

حجم کل آب شیرین مایع در جهان (کمتر از ۱ درصد از کل آب روی زمین به صورت مایع، منجمد یا بخار است) ۱۰٫۶ میلیون کیلومتر مکعب تخمین زده شده است (شکل ۱). تقریباً ۹۹٪ از این میزان را آب‌های زیرزمینی تشکیل می‌دهند (Shiklomanov and Rodda, ۲۰۰۳).

برداشت آب شیرین از نهرها، دریاچه‌ها، سفره‌های زیرزمینی و مخازن ساخت دست بشر در طول قرن گذشته به شدت افزایش یافته است و همچنان در بیشتر نقاط جهان در حال افزایش است. در طول سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۸۰ نرخ افزایش به طور ویژه‌ای بالا بود (حدود ۳٪ در سال)، که بخشی از آن به دلیل نرخ بالای رشد جمعیت، و بخشی دیگر به دلیل توسعه سریع آب‌های زیرزمینی، به ویژه برای آبیاری بوده است. امروزه نرخ افزایش تقریباً ۱٪ در سال است که با نرخ رشد فعلی جمعیت هماهنگ است. آب‌های زیرزمینی تقریباً ۲۵ درصد از کل آب شیرین استخراج شده روی زمین را تأمین می‌کنند، اما به همان نسبتی که مزایای کلی ارائه می‌دهند سهم آنها در استفاده از آب مصرفی به مراتب بالاتر است. کل برداشت جهانی آب‌های زیرزمینی در طول سال ۲۰۱۷ حدود ۹۵۹ کیلومتر مکعب برآورد شده است. نرخ برداشت آب‌های زیرزمینی در ایالات متحده آمریکا، اکثر کشورهای اروپایی و چین کم و بیش تثبیت شده است.

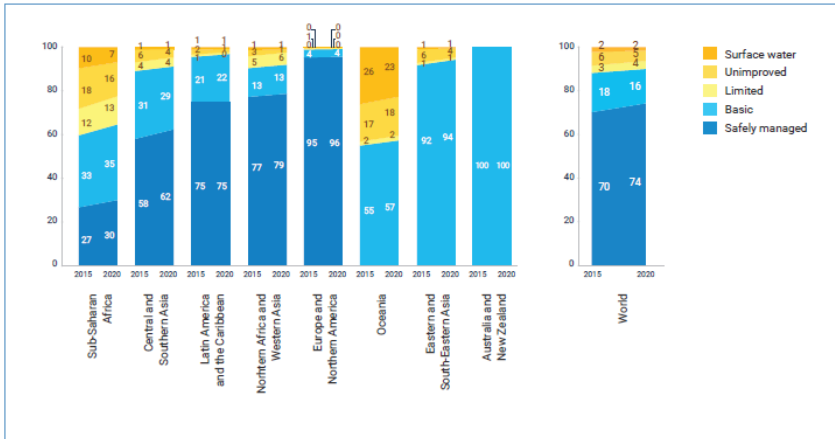
آسیا بیشترین سهم را در برداشت آب شیرین در سطح جهان دارد (۶۴٫۵٪). در رتبه‌ی بعدی، آمریکای شمالی (۱۵٫۵٪)، اروپا (۷٫۱٪)، آفریقا (۵٫۷٪)، آمریکای جنوبی (۵٫۴٪) و استرالیا و اقیانوسیه (۰٫۷٪) قرار دارند. تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته از برداشت آب‌های زیرزمینی از سوی بخش مصرف آب نشان می‌دهد که ۶۹٪ از حجم کل برای استفاده در بخش کشاورزی، ۲۲٪ برای مصارف خانگی و ۹٪ برای مصارف صنعتی برداشت می‌شوند. این درصدها در هر قاره متفاوت است.

با توجه به حجم عظیم آب‌های زیرزمینی، آبخوان‌ها می‌توانند در مواقع کمبود آب به منزله‌ی حائل عمل کنند، در نتیجه مردم را قادر می‌سازند که حتی در خشک‌ترین اقلیم‌ها نیز زنده بمانند. آبخوان‌ها بسته به عمق و موقعیت زمین‌شناسی، در برابر رخدادهای آلودگی در سطح نسبتاً به خوبی محافظت می‌شوند. با این حال، هنگامی که آب‌های زیرزمینی آلوده می‌شوند، جبران آن



شکل ۱- حجم تخمینی آب شیرین مایع موجود در قاره‌های مختلف

منبع: شبکلومانو و رودا (۲۰۰۳)، بر اساس داده‌های کورزون (۱۹۷۴).



شکل ۲- گزارش آب آشامیدنی منطقه‌ای و جهانی، ۲۰۱۵-۲۰۲۰ (%)

توجه: پنج منطقه SDG برآوردهایی برای خدمات آب آشامیدنی با مدیریت ایمن در سال ۲۰۲۰ داشتند. منبع: برگرفته از WHO/UNICEF (2021, fig. 2.3 and p. 8).

(WHO/UNICEF, 2021). امکانات اخیر از زمان شیوع پاندمی کووید-۱۹ اهمیت پیدا کرده‌اند، زیرا شستشوی دست‌ها برای کاهش انتقال ویروس‌ها به شدت توصیه شده است (Brauer et al., 2020).

پروژه‌ی نظارت مشترک تعیین کننده‌ی سهم آب زیرزمینی در خدمات آب، اصول بهداشتی و سلامتی (WASH) و پیشرفت آنها نیست، اما قطعاً قابل توجه است.

صنعت و انرژی

آمارهای مربوط به برداشت و استفاده از آب در صنعت به طور قابل توجهی زیاد در دسترس نیستند. صنعت و انرژی ۱۹ درصد از برداشت جهانی آب شیرین را تشکیل می‌دهند (Aquastat, n.d). این عدد به آب‌های خود-تأمین (که شامل آب‌های زیرزمینی می‌شود) اشاره دارد. این داده‌ها همچنین به تفاوت‌های جغرافیایی بزرگ اشاره می‌کنند که با توجه به برداشت صنعتی از ۵ درصد در آفریقا تا ۵۷ درصد در اروپا متفاوت است.

در سال ۲۰۲۰، از میان ۱۳۷۵ شرکت تولیدی در سراسر جهان که به CDP (پروژه افشای کربن سابق) افشاگری کردند، بیش از نیمی از آنها (۵۴٪) آب‌های زیرزمینی را از منابع تجدیدناپذیر گرفته تا تجدیدپذیر، به منزله‌ی عواملی مرتبط با عملیات مستقیم خود گزارش کردند. از این تعداد، ۴۶ درصد برداشت خود را از آب زیرزمینی کاهش داده‌اند، ۳۲ درصد برداشت خود را حفظ کرده‌اند، و ۲۱ درصد برداشت خود از آب‌های زیرزمینی را نسبت به سال ۲۰۱۹ افزایش داده‌اند (CDP, unpublished).

فرآیندهای صنعتی مختلف در جایی که آب‌های سطحی از نظر کمیت محدود است و همچنین کیفیت آن از اهمیت برخوردار است، از منابع آب‌های زیرزمینی استفاده می‌کنند.

مواجه هستند. این مشکلات در حال حاضر بیش از ۲۰ درصد از کل مناطق آبی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Singh, 2021).

سکونتگاه‌های انسانی

به گمان برخی افراد، نیاز حدود ۵۰٪ از جمعیت شهری جهان امروز از منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود (Foster et al., 2020a). در مورد اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، آب‌های زیرزمینی تأمین کننده آب عمومی برای به ترتیب ۳۱۰ و ۱۰۵ میلیون نفر است.

آب‌های زیرزمینی با امکان دادن به صنایع آبی برای توسعه‌ی منابع با هزینه بسیار کمتر و هزینه‌های اتصالی کمتر، به‌طور غیرمستقیم به کاهش فقر شهری کمک می‌کنند. در مناطق ساحلی، بهره‌برداری بیش از حد از منابع آب زیرزمینی به طور جدی سفره‌های زیرزمینی را در مقیاسی بزرگ در معرض نفوذ آب شور قرار می‌دهند، پدیده‌ای که با افزایش سطح آب دریاها ناشی از تغییرات اقلیمی، تشدید خواهد شد.

سلامتی

میزان جمعیتی که در جهان از خدمات آب آشامیدنی با مدیریت ایمن استفاده می‌کنند از ۷۰ درصد به ۷۴ درصد افزایش یافته است، اما تفاوت موجود بین مناطق و همچنین در داخل مناطق قابل توجه است (شکل ۲). در زمینه‌ی خدمات بهداشتی آمارهای مشابهی در دسترس است: جمعیت مصرف کننده خدمات بهداشتی با مدیریت ایمن در جهان طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ از ۴۷٪ به ۵۳٪ افزایش یافته است. علاوه بر این، پروژه نظارت مشترک (JMP) گزارش می‌دهد که تا سال ۲۰۲۰، ۷۱ درصد از جمعیت جهان از امکانات اولیه شست و شوی دست با آب و صابون در خانه برخوردار بوده‌اند

(al., 2013). مناطقی که برای آبیاری به شدت به آب‌های زیرزمینی متکی هستند شامل آمریکای شمالی و آسیای جنوبی می‌شوند. این مناطق تجهیز شده به ترتیب ۵۹ و ۵۷ درصد از آب‌های زیرزمینی را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند، در حالی که این میزان در شمال آفریقا ۳۵ درصد و در جنوب صحرائ آفریقا تنها ۵ درصد است. بر اساس برآوردها، سالانه ۲۶۴ کیلومتر مکعب از آب‌های سطحی و زیرزمینی در سطح جهان برای تولید علفه‌ی دام استفاده می‌شود که معادل حدود یک پنجم کل آب مصرفی در کشاورزی و کمتر از یک سوم آب مصرفی در محصولات غذایی است (Heinke et al., 2020).

سهم اقتصادی آب‌های زیرزمینی در کشاورزی در سطح جهانی در حدود ۲۱۰ تا ۲۳۰ میلیارد دلار آمریکا در سال برآورد شده است (Shah et al., 2007). بهره‌وری آب، از نظر بازدهی محصول در هر واحد آب مصرفی، به طور کلی برای آب‌های زیرزمینی، با میزانی معادل ضریب دو، بیشتر از آب‌های سطحی است (Bierkens et al., 2019; Smilovic et al., 2015; Shah, 2007).

بر اساس برآوردها، حدود ۱۱ درصد (یا ۲۵ کیلومتر مکعب در سال) از فرآیند کاهش آب‌های زیرزمینی در سطح جهانی در تجارت بین‌المللی محصولات زراعی جای گرفته است (Dalin et al., 2017) که از امنیت غذایی و رشد اقتصادی حمایت می‌کند، اما به طور قابل توجهی در کاهش مقیاس بزرگی از آبخوان‌هایی که تحت‌الشعاع زمین‌های مولد هستند، دخیل است. گندم، ذرت، برنج، نیشکر، پنبه و علفه عمده‌ترین محصولات هستند که در کاهش آب‌های زیرزمینی نقش دارند. همچنین این محصولات بسیار داد و ستد می‌شوند و این موضوع بیانگر ردپای بسیار ناپایدار آب است (Mekonnen and Gerbens-Leenes, 2020).

طبق ارزیابی‌ها، آلودگی کشاورزی به عنوان عامل اصلی تخریب آب‌های داخلی و ساحلی، از آلودگی سکونتگاه‌ها و صنایع پیشی گرفته است (FAO, 2018a). در اتحادیه اروپا (EU)، ۳۸٪ از پهنه‌های آبی به طرز قابل توجهی تحت فشار ناشی از آلودگی کشاورزی قرار گرفته‌اند (WWAP, 2015)؛ در ایالات متحده، منبع اصلی آلودگی رودخانه‌ها به بخش کشاورزی برمی‌گردد؛ و در چین، کشاورزی مسئول بخش بزرگی از آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی توسط نیتروژن است (FAO, 2013).

در ایالات متحده آمریکا، آلودگی آب‌های زیرزمینی با آفت‌کش‌ها و اتروفیکاسیون آب‌های شیرین به ترتیب ۱.۶ و ۲ تا ۱.۵ میلیارد دلار آمریکا در سال هزینه دارد (Pimentel, 2005; Dodds et al., 2009).

بدین ترتیب، بسیاری از مناطق آبی جهان با مشکلات دوگانه شوری خاک و غرقابی شدن



آفریقا حتی به خدمات اولیه آب هم دسترسی ندارند (WHO/UNICEF, ۲۰۲۱).

پژوهش‌های گسترده هیدروژئولوژیکی در سراسر این قاره نشان می‌دهد که آفریقا دارای منابع آب زیرزمینی بزرگی است. منابع آب زیرزمینی در آفریقا اغلب به منزله‌ی پتانسیل‌هایی برای ایجاد تحول کلی اجتماعی-اقتصادی (Foster et al., ۲۰۱۲)، غلبه بر تنوع هیدروژئولوژیکی جاری (Grey and Sadoff, ۲۰۰۷) و پاسخگویی به نیازهای آینده در نظر گرفته می‌شوند.

با توجه به تغییرات اقلیمی، انتظار می‌رود که آب‌های زیرزمینی به طور فزاینده‌ای به عنوان منبع قابل اطمینان تأمین آب در سراسر آفریقا مورد استفاده قرار گیرد (Giordano, ۲۰۰۹; MacDonald and Calow, ۲۰۰۹).

بدتر شدن کیفیت آب‌های زیرزمینی در اثر تماس بشر با طبیعت ناشی از عواملی مانند فعالیت‌های معدن‌کاوی (برای نمونه آفریقای جنوبی)، شیوه‌های ضعیف آبیاری (مانند دره نیل و حوضه رودخانه سنغال) و شهرنشینی (مانند ناپروبی، آکرا، مپوتو و غیره) در حال افزایش است (Lapworth et al., ۲۰۱۷).

بخش کشاورزی حدود ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) در جنوب صحرای آفریقا را تشکیل می‌دهد، اما حدود ۶۵ درصد از جمعیت را به کار گرفته که اکثریت آنها را زنان تشکیل می‌دهند (World Bank, ۲۰۱۸a)، و محصولات تقریباً به طور کامل تحت شرایط دیم تولید می‌شوند. با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در آفریقا، هر گونه پیشرفت در این بخش پتانسیل تغییر شرایط زندگی مردم را دارد. در حال حاضر استفاده از آب‌های زیرزمینی برای آبیاری محدود است که این امر تا حدی به دلیل پیامدهای هزینه‌بر مرتبط با اکتشاف و ساخت و ساز آب‌های زیرزمینی و مشکلات در تأمین بودجه است.

فقدان کلی کارشناسان آب‌های زیرزمینی بر کارکنان مؤسسات و ادارات دولتی محلی و ملی در بسیاری از کشورها تأثیر می‌گذارد و مانع از بروز ابتکاراتی در جهت بررسی کنترل، برنامه‌ریزی و توسعه‌ی مؤثر آب‌های زیرزمینی می‌شود.

شکاف بودجه بین هزینه‌های جاری و آنچه برای دستیابی به SDG ۶ لازم است برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا در بالاترین میزان است، زیرا در این منطقه دستیابی به تأمین آب در سطح جهانی به بودجه‌ای در حدود ده برابر بیشتر از سطح سرمایه‌گذاری ۱۳٫۲ میلیارد دلاری فعلی نیاز دارد (Watts et al., ۲۰۲۱). بخش بزرگی از این مبلغ برای بهره‌برداری، نگهداری و نوسازی سیستم‌های موجود مورد نیاز است، که اغلب موفق به جذب بودجه نمی‌شوند.

فقدان کلی کارشناسان آب‌های زیرزمینی بر کارکنان مؤسسات و ادارات دولتی محلی و ملی در بسیاری از کشورها تأثیر می‌گذارد و مانع از بروز ابتکاراتی در جهت بررسی کنترل، برنامه‌ریزی و توسعه‌ی مؤثر آب‌های زیرزمینی می‌شود

مداخلات مدیریت آب‌های زیرزمینی قرار دارد. اثرات کاهش حجم یخچال‌های طبیعی آلپ بر سیستم‌های آب زیرزمینی به خوبی درک نشده است. افزایش جهانی سطح آب دریا باعث نفوذ آب دریا به سفره‌های ساحلی در سراسر جهان شده است (Michael et al., ۲۰۱۳). یکی از بزرگترین مزایای آب‌های زیرزمینی انعطاف‌پذیری آن در برابر تغییرات اقلیمی است. آب‌های زیرزمینی به بارش‌های ۱ تا ۲ سال گذشته متکی نیستند، بلکه مجموع میزان بارندگی‌ها در طول سال‌ها و دهه‌ها را به حساب می‌آورند.

تعیین بودجه در جهت تاب‌آوری/پایداری

برآورد سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز برای دستیابی به SDG ۶ به دلیل فقدان داده‌های دقیق و قابل اعتماد متفاوت است، اما اتفاق نظر روشنی وجود دارد (Hutton and Varughese, ۲۰۱۶; WWC, ۲۰۱۸; OECD, ۲۰۱۹b) که سطح فعلی سرمایه‌گذاری برای برآورده کردن اهداف مورد توافق کافی نیست. پیش‌بینی نیازهای مالی در سطح جهان برای زیرساخت‌های آبی در جهت دستیابی به SDG ۶ از ۶٫۷ تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۰ به ۲۲٫۶ تریلیون دلار تا سال ۲۰۵۰ متغیر است (OECD, ۲۰۱۸). برآوردها همچنین نشان می‌دهد که دولت‌ها و آژانس‌های توسعه‌ی بودجه کافی برای برآوردن این الزامات ندارند (Kolker et al., ۲۰۱۶).

کمک‌های رسمی توسعه (ODA) برای آب حدود ۱۳ میلیارد دلار در سال است که این میزان بسیار کمتر از بودجه‌ی مورد نیاز است و حدود ۸۰ درصد از کشورهایی که در مورد SDG ۶ به سازمان ملل گزارش می‌دهند اذعان دارند که بودجه کافی برای دستیابی به اهداف ملی آب ندارند (United Nations, ۲۰۱۸).

دیدگاه‌های منطقه‌ای

جنوب صحرای آفریقا حدود ۴۰۰ میلیون نفر در جنوب صحرای

پمپاژ آب‌های زیرزمینی با برق، حدود هفت برابر بیشتر از برداشت آب‌های سطحی انرژی‌بر است. برداشت از آب‌های زیرزمینی تقریباً ۱۰۸ تراوات ساعت در سال برق مصرف می‌کند که بیانگر حدود ۰٫۵٪ از مصرف جهانی برق است. درجه اهمیت نمک‌زدایی نسبت به برداشت از آب‌های زیرزمینی تا یک مرتبه انرژی‌برتر است. یکی از فرصت‌های اصلی فراهم شده توسط انرژی گرمایشی زمین، سهم آن در کربن‌زدایی گرمایش و سرمایش خانگی، تجاری و صنعتی است که دست کم ۴۰ درصد از مصرف جهانی انرژی و انتشار CO₂ را تشکیل می‌دهد (IEA, ۲۰۱۹b).

رشد نسبی انرژی بادی و خورشیدی در سال‌های اخیر از الکتروسیته گرمایشی زمین پیشی گرفته است، که نشان‌دهنده هزینه کمتر و ریسک مشاهده‌شده‌ی گذشته و دوره‌های بازگشت کوتاه‌تر آنهاست. با این حال، نیروگاه‌های گرمایشی زمین، برخلاف نیروگاه‌های بادی و خورشیدی، برای تولید بار پایه الکتریکی مناسب هستند. پیش‌بینی می‌شود که ظرفیت کار گذاشته شده بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ حدود ۲۰ درصد رشد کند (Hutterer, ۲۰۲۱).

تغییرات اقلیمی

بر اساس برآوردها، چهار میلیارد نفر در مناطقی زندگی می‌کنند که دست کم یک ماه در سال از کمبود فیزیکی شدید آب رنج می‌برند (Mekonnen and Hoekstra, ۲۰۱۶). پاسخ معمول برای مناطقی که مقادیر کمبود سالانه‌ی آنها از ۱۰۰ بیشتر می‌شود انتقال آب مازاد (در صورت وجود) از همسایگی هر منطقه، یا کاهش حجم آب ذخیره‌شده دریاچه‌ها، مخازن آب سطحی، و - بیشتر از همه - از آبخوان‌هاست. تغییرات اقلیمی به طور مستقیم بر تجدید طبیعی آب‌های زیرزمینی تأثیر می‌گذارد. با این حال، در پیش‌بینی‌های جهانی تأثیرات تغییرات اقلیمی بر احیای آب‌های زیرزمینی عدم قطعیت قابل توجهی وجود دارد.

در صورت انتقال کمتر آب و حجم بارندگی بیشتر، انتظار می‌رود احیای آب‌های زیرزمینی در بسیاری از نواحی طبیعت تقویت شود.

احیای مدیریت‌شده آبخوان (MAR) مداخله‌ی فنی مؤثری است که از ظرفیت ذخیره‌سازی طبیعی موجود در زیرسطح استفاده می‌کند. آب اضافی که پیشتر از بین می‌رفت به طور موقت ذخیره می‌شود و برای استفاده مفید در زمانی دیگر در دسترس قرار می‌گیرد. استفاده از MAR طی ۶۰ سال گذشته ۱۰ برابر افزایش یافته است، اما هنوز هم فضای زیادی برای گسترش بیشتر آن وجود دارد که می‌توان از ۱۰ کیلومتر مکعب در سال جاری تا احتمالاً حدود ۱۰۰ کیلومتر مکعب در سال افزایش داد (Dillon et al., ۲۰۱۹). MAR در ردیف مؤثرترین

اروپا و آمریکای شمالی

حدود ۷۵ درصد از ساکنان اتحادیه اروپا برای تأمین آب مورد نیاز خود به آب‌های زیرزمینی وابسته هستند (European Commission, ۲۰۰۸).

در ایالات متحده آمریکا، برداشت آب زیرزمینی شیرین در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۳۱۱٫۵ میلیون متر مکعب در روز برآورد شد که حدود ۸ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۰ است (Dieter et al., ۲۰۱۸)، در حالی که کل برداشت آب شیرین از سال ۲۰۰۵ روند کاهشی داشته است. از ۳۶ کشوری که در منطقه دارای آبخوان‌های فرامرزی مشترک هستند، ۲۴ کشور گزارش کرده‌اند که منطقه آبخوان‌های فرامرزی آنها تا ۷۰ درصد یا حتی بیشتر تحت پوشش الزامات بهره‌برداری قرار دارند (UNECE/UNESCO, ۲۰۲۱).

آمریکای لاتین و دریای کارائیب

با توجه به فراوانی نسبی آب‌های سطحی و سطح محدود استفاده از آب‌های زیرزمینی، کمتر از ۳۰ درصد از آب شیرین برداشت شده از منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود. برای کشورهایی که به آب‌های زیرزمینی متکی هستند، تقریباً نیمی از استخراج برای مصرف در بخش آبیاری، یک سوم برای مصارف خانگی و بقیه برای مصارف صنعتی استفاده می‌شود (Aguilar-Barajas et al., ۲۰۱۵).

در کشورهایمانند کاستاریکا و مکزیک، آب‌های زیرزمینی نیاز ۷۰ درصد از خانوارهای مناطق شهری را تأمین می‌کند و عملاً به تمامی تقاضاهای بومی در مناطق روستایی پاسخ می‌گویند. همچنین ۵۰ درصد از آب مصرفی بخش صنعتی را تشکیل می‌دهند (Campuzano et al., ۲۰۱۴).

در سرتاسر منطقه کاستی‌هایی در زمینه‌ی حفاظت و پایش آب‌های زیرزمینی وجود دارد که راه را برای بهره‌برداری و/یا آلودگی شدید آن باز می‌کند و در نهایت تاب‌آوری آن را به خطر می‌اندازد (Campuzano et al., ۲۰۱۴) و همچنین دسترسی به آب را برای آسیب پذیرترین جمعیت‌هایی که برای تأمین آب آشامیدنی به این منابع آب زیرزمینی وابسته هستند مشکل می‌سازد (WWAP, ۲۰۱۹).

در سرتاسر منطقه، شایع‌ترین مشکلات کیفی آب‌های زیرزمینی به عناصر ناخواسته با منشأ طبیعی (عمدتاً آرسنیک و فلوراید)، آلاینده‌های انسانی (نیترات‌ها، آلاینده‌های مدفوع، آفت‌کش‌ها)، ترکیبات مختلف با منشأ صنعتی (فراآورده‌های جانبی معدن، حلال‌های کلر آلی، هیدروکربن‌ها، ترکیبات فنلی و غیره) و آلاینده‌های نوظهوری مانند لوازم آرایشی، آنتی‌بیوتیک‌ها، هورمون‌ها و مواد نانویی مربوط می‌شوند.

تغییرات و تنوع اقلیمی، به ویژه افزایش فراوانی و شدت طوفان‌ها، به دلیل موج طوفان و نفوذ آب‌چاه‌ها، تهدیدات بیشتری را برای کشورهای در حال توسعه جزایر کوچک کارائیب (SIDS) ایجاد می‌کنند

بر اساس ارزیابی‌ها، تعداد درگیری‌های مربوط به آلودگی و کاهش آب‌های زیرزمینی که بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۹ آغاز شده‌اند، چهار برابر بیشتر از درگیری‌هایی بوده است که بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۹ روی داده‌اند (IC-TA-UAB, n.d).

در کارائیب که آب‌های سطحی به نسبت روندی رو به کاهش دارند، آب‌های زیرزمینی حدود ۵۰ درصد از حجم برداشت شده را به خود اختصاص می‌دهند.

تغییرات و تنوع اقلیمی، به ویژه افزایش فراوانی و شدت طوفان‌ها، به دلیل موج طوفان و نفوذ آب‌چاه‌ها، تهدیدات بیشتری را برای کشورهای در حال توسعه جزایر کوچک کارائیب (SIDS) ایجاد می‌کنند.

آسیا و اقیانوسیه

آسیا و اقیانوسیه هم از نظر مساحت (۲۸ میلیون کیلومتر مربع) و هم از نظر جمعیت (۴٫۷ میلیارد نفر) بزرگترین منطقه جهان است.

این منطقه بزرگترین عامل برداشت آب‌های زیرزمینی در جهان محسوب می‌شود. محرک حیاتی توسعه آب‌های زیرزمینی در منطقه افزایش تقاضا برای آب به دلیل رشد جمعیت، توسعه سریع اقتصادی و بهبود استانداردهای زندگی است. بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی مزایای بیشماری را برای آبیاری، فعالیت‌های صنعتی، مصارف خانگی، تاب‌آوری در برابر خشکسالی و افزایش معیشت به ارمغان آورده است.

این مزایای اجتماعی-اقتصادی به ویژه برای بخش کشاورزی بسیار مهم بوده است - بخشی که کلید توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منطقه است و حدود ۸۲ درصد از کل برداشت آب را تشکیل می‌دهد (Aquastat, n.d).

برداشت ناپایدار از منابع آب زیرزمینی، همراه با اثرات تغییرات اقلیمی، منجر به تخلیه آبخوان‌ها و افزایش کمبود آب در برخی مناطق شده است.

علاوه بر این، کیفیت آب‌های زیرزمینی به دلیل انواع محرک‌های انسانی و ژئوتکنیک که بیشتر به تنش آبی در منطقه کمک می‌کند، در معرض تهدید است.

تغییر اقلیم بر تنوع بارندگی در منطقه تأثیر می‌گذارد و فشار را بر منابع آب زیرزمینی تشدید می‌کند. این امر به ویژه در مناطقی با آب و هوای نیمه خشک تا خشک و در اقیانوسیه SIDS رخ می‌دهد که آب‌های زیرزمینی در آنجا تنها منبع قابل اعتماد آب شیرین را تشکیل می‌دهند، هرچند با افزایش سطح دریا تهدید می‌شوند (Ashfaq et al., ۲۰۰۹; Asoka et al., ۲۰۱۷; Bouchet et al., ۲۰۱۹; Dix-on-Jain et al., ۲۰۱۴).

حوزه‌ی کشورهای عرب

حوزه‌ی کشورهای عربی یکی از کم‌آب‌ترین مناطق جهان می‌باشد.

این امر کشورها را وادار کرده است تا برای تأمین نیازهای آب شیرین خود از سایر منابع متعارف و غیر متعارف آبی استفاده کنند. آب‌های زیرزمینی یکی از قابل‌انگیزترین منابع آب در میان دست کم ۱۱ کشور از ۲۲ کشور عربی هستند و بیش از ۸۰ درصد از برداشت‌های آب شیرین در لیبی، جیبوتی، عربستان سعودی و فلسطین صورت گرفته است (Aquastat, n.d).

همه کشورهای عربی به جز کومور (مجمع‌الجزایر قمر) از یک یا چند منبع آب زیرزمینی فرامرزی استفاده می‌کنند، که دارای ۴۲ سیستم آبخوان فرامرزی است و تقریباً ۵۸ درصد از مساحت منطقه عربی را پوشش می‌دهند.

تجزیه و تحلیل صورت گرفته از سوی دفتر داده‌های بازبایی جاذبه و آزمایش اقلیمی (GRACE) نه تنها روند کاهش قابل توجه ذخیره آب‌های زیرزمینی را بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۹ تأیید کرده است، بلکه تأثیر تغییرپذیری فصلی بر ذخیره‌سازی آب‌های زیرزمینی همراه با برداشت بیش از حد آب زیرزمینی در دوره خشک سال را نیز برجسته می‌کند.

علاوه بر این، برآورد شده است که کاهش آب‌های زیرزمینی در آبخوان‌ها و به‌ویژه در آنهایی که منابع آب زیرزمینی تجدیدنپذیر دارند در ۳۱۷ درصد از حجم منابع تجدیدنپذیر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس رخ می‌دهند (Al-Zubari et al., ۲۰۱۷).

یونسکو ۲۰۲۲

نام‌گذاری‌های به کار رفته و ارائه مطالب در سراسر این نشریه به معنای ابراز نظر یونسکو در مورد وضعیت حقوقی هر کشور، قلمرو، شهر یا منطقه یا مقامات آن، یا در مورد تعیین حدود یا مرزهای آن نیست. عقاید و نظرات بیان شده در این نشریه متعلق به نویسندگان است و لزوماً متعلق به یونسکو نیستند و سازمان مسئول آن‌ها نیست.



کمال اطهاری در وینار «توسعه دانش بنیان روستایی، شرط لازم حفظ محیط زیست» مطرح کرد:

زوال روستاها نتیجه فقدان سیاست اجتماعی

برداشت بیش از حد ایران از منابع طبیعی

این پژوهشگر در توضیح این مبحث با تاکید بر بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی گفت: ما ۸۶ درصد از منابع تجدیدپذیر آبی خود را در بخش کشاورزی مصرف می‌کنیم در حالی که حد مجاز ۴۰ درصد است که این امر منجر به افزایش ۱.۷ برابری شوری آب سفره‌های زیرزمینی در سه دهه گذشته شده و روند آن نیز رو به افزایش است. از دیگر سو، تعداد چاه‌های عمیق مجاز کشور ۴۰۰ هزار حلقه است که به گفته کشاورزان، بسیاری از مجوزها نیز با رابطه دریافت می‌شود و ۳۰۰ هزار حلقه نیز، غیرمجاز است.

اطهاری شرایط برداشت از مراتع کشور را نیز مشابه به برداشت بی‌رویه از منابع آبی و سایر منابع طبیعی کشور عنوان کرد و در این خصوص توضیح داد: در این بخش نیز ۲.۵ تا ۳ برابر بیش چرای (چرای بیش از حد) وجود داشته و مراتع در حال نابودی است. دلیل آن هم فقر روستایی و فقدان برنامه‌های سنجیده است. به‌طور مثال بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که طرح‌های هادی روستایی را سامان داده، نتوانسته است در روستاها نظام تولید جمعی در خصوص نگهداری دام و طیور ایجاد کند. روستاییان در گذشته دام و طیور را در منازل مسکونی خود نگه می‌داشتند و با جمع‌آوری آنها

به افقی درازمدت با برنامه‌های مشخص است. این اشکال تا اندازه‌ای به فعالان محیط زیست نیز وارد است.

او توضیح داد: به‌طور مثال، برای حل مقولاتی مانند ریزگردها - که بر اثر سدسازی ایجاد شده - نیاز به نظم نوین جهانی در چارچوب برنامه‌ریزی شده است؛ بر همین اساس از دهه ۱۹۶۰ برنامه‌ریزی در حوزه مدیترانه آغاز شده و برای حل مسئله، نیاز به رابطه‌ای تعاملی و مبتنی بر بازی برد-برد با کشورهای همسایه و نظام کامل برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. نمی‌توان آب رودخانه‌هایی که به کردستان عراق می‌ریزد را بست و توقع داشت ترکیه سد نسازد و آب را نیندود. ترکیه به دنبال نفت ارزان است و اگر به آن دست نیابد هزینه آب را افزایش خواهد داد. بنابراین نیاز به تعامل وجود دارد و مسئله با برنامه‌های کوچک و یا محلی محیط زیست، حل نشده و باید در سطح ژئوپلیتیک منطقه و برنامه‌ریزی آمایش منطقه‌ای، به موضوع پرداخت. اینکه گفته شود ما کشاورزی ساده خود را می‌خواهیم و نیازی به صنایع بزرگ نداریم هم فرقی نمی‌کند. چرا که حتی اگر این امر ممکن باشد و مردم هم شغل‌های جدید و فعالیت‌های همه‌جانبه فرهنگی نخواهند باز هم پسماندهای تولید شده، همان مسائلی را خواهد داشت که پسماندهای کنونی به وجود آورده‌اند.

وینار «توسعه دانش روستایی، شرط لازم حفظ محیط زیست» با حضور فعالان این حوزه و علاقه‌مندان، از سوی مدرسه روزنامه‌نگاری کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان و با سخنرانی کمال اطهاری، اقتصاددان و پژوهشگر توسعه برگزار شد.

کمال اطهاری در وینار «توسعه دانش روستایی، شرط لازم حفظ محیط زیست» با بیان اینکه، کمیاب‌ترین عامل توسعه، دانش است و طی چهل‌واندی سال گذشته، با شیوه‌هایی که در حاکمیت به کار برده شده، این دانش تقلیل پیدا کرده است گفت: گرایش غالب در روشنفکران جامعه مدنی این است که اقتصاد سیاسی را به تضاد کلی بین کار، سرمایه و بحث‌هایی در مورد تضادهای جامعه مدنی و حوزه سیاسی و... تقلیل می‌دهند.

او در تعریفی از اقتصاد سیاسی گفت: اقتصاد سیاسی رابطه طبقات را با هم و مسائل و تحولات طبقات را به‌خصوص در رابطه با نظام سرمایه‌داری بررسی کرده و راه‌هایی را می‌جوید، آن هم در چشم‌اندازی بلندمدت که ممکن است چند قرن طول بکشد، نه به شکل کاری آنی. اقتصاد توسعه نیز به صورت روشن‌تری به این موضوع می‌پردازد. عده‌ای نیز اقتصاد توسعه را بحث‌های مرتبط با سرمایه‌داری دانسته و می‌گویند ربطی به وضعیت ما ندارد و این غفلت، مانع پرداختن

از محل زندگی، به جای جدیدی نیاز است. به همین دلیل است که تنوع مواد غذایی روستایی از بین رفته و نرخ تورم مواد غذایی در روستا بیش از شهر شده است و این مربوط به مثلاً نئولیبرالیسم و... نیست بلکه به برنامه‌ریزی نادرست برمی‌گردد. باید این ساماندهی صورت می‌گرفت و محل مشترکی برای دام روستاییان در طرح‌های هادی پیش‌بینی می‌شد تا تنوع تولید کشاورزی حفظ شود.

کسب درآمد به بهای نابودی محیط زیست

او همچنین راهکار ازدیاد تولید کشاورزی در ایران برای برون رفت از فقر را که با گسترش سطحی صورت گرفته و پیامد آن نیز حفر تعداد قابل توجهی چاه‌های مجاز و غیرمجاز است به عنوان چالشی اساسی عنوان کرد و گفت: در کنار آنچه گفتم می‌بینیم که همه زمین‌ها به کشت خربزه و هندوانه اختصاص یافته و این محصول حتی صادر هم می‌شود و این در حالی است که دشت‌های ما از بی‌آبی در حال فروریزش است. براساس برآوردها این میزان کشت خربزه و هندوانه (حدود ۲۰۰ هزار هکتار) به اندازه ۲۵ برابر ذخیره سد کرج، آب مصرف می‌کند و این میزان مصرف آب و درآمد حاصل از آن، منجر به نابودی محیط زیست شده که در اصطلاح به آن «مبادله نابرابر زیست‌بوم» (ecological unequal exchange) می‌گویند. یعنی کسب درآمد به بهای نابودی محیط زیست و زمین‌های کشاورزی. از سوی دیگر کشت اقلامی مانند پنبه، چغندر قند و سویا و مانند آن که برای پرورش دام و طیور مصرف می‌شود به شدت کاهش پیدا کرده است و کشاورز هم از آن نوع کشت به این دلیل که هم اعتماد اجتماعی از بین رفته، هم ترویج روستایی به‌درستی صورت نمی‌گیرد؛ دست برنمی‌دارد.

این اقتصاددان در بخش دیگری از سخنانش گفت: در ابتدای انقلاب، شورای انقلاب، اعلام کرد اعضای تعاونی‌های تولیدی و شرکت‌های سهامی زراعی - یعنی دهقانان - می‌توانند تعاونی‌ها و شرکت‌ها را منحل کنند و اکثریت آنها نیز این کار را کردند. تقریباً تمام شرکت‌های سهامی زراعی و ۸۰ درصد تعاونی‌های تولیدی که پیش از انقلاب تشکیل شده بود منحل شد و کسی هم از میان روشنفکران جامعه‌مدنی واکنشی نشان نداد و بعدها نیز به جای اینگونه مسائل، معمولاً به مباحث خیلی انتزاعی‌تری پرداخته‌اند. در نتیجه، خرده‌مالکی رواج پیدا کرد به صورتی که مساحت بالغ بر ۴۵ درصد واحدهای بهره‌برداری کشاورزی کشور، کمتر از دو هکتار است اما حداقل سطح زیرکشت برای ایجاد درآمد کافی، در ایران ۵ هکتار برآورد

در ابتدای انقلاب، شورای انقلاب، اعلام کرد اعضای تعاونی‌های تولیدی و شرکت‌های سهامی زراعی - یعنی دهقانان - می‌توانند تعاونی‌ها و شرکت‌ها را منحل کنند و اکثریت آنها نیز این کار را کردند. تقریباً تمام شرکت‌های سهامی زراعی و ۸۰ درصد تعاونی‌های تولیدی که پیش از انقلاب تشکیل شده بود منحل شد و کسی هم از میان روشنفکران جامعه‌مدنی واکنشی نشان نداد

شده است. به این ترتیب آن ۴۵ درصد، فقط مالک ۶ درصد اراضی کشاورزی‌اند که بیشتر در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند و اکنون، بیشترین میزان رها کردن زمین‌های کشاورزی در روستاهای کوهستانی به‌صورت جاکن شدن، در همین مناطق رخ می‌دهد. زیرا این حد دو هکتاری، کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد و این یعنی نابودی محیط زیست. در واقع دو نوع نابودی داریم: هم کسی که بهره‌برداری می‌کند در حال نابود کردن است و هم آنکه رها می‌کند. تحقیقاتی در ژاپن نشان می‌دهد که با رها شدن روستاها، محیط زیست تخریب می‌شود و به همین دلیل در این نوع روستاها به کشاورزان، تا ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از تولید کشاورزی، یارانه داده می‌شود. امری که در ایران در حال رها شدن بوده و در حد معیشتی اندک، به نام یارانه نقدی، صدقه می‌دهند.

حذف روستاییان از سیاست اجتماعی

اطهراری معتقد است که به دلیل فقدان سیاست اجتماعی (social policy)، ۹ درصد روستائینان بیمه‌بازنشستگی دارند و به ناچار به زمینشان اتکا می‌کنند. او توضیح داد: تحقیقات نشان داده روستاییان مالکی که با گذر زمان پیرتر هم می‌شوند، حاضر نیستند تعاونی تشکیل داده و در برابر هرگونه مشارکتی مقاومت می‌کنند و همین مقاومت باعث می‌شود جوان‌ترها روستاها را رها کنند. به این معنا گفتمان رایج در خصوص سیاست اجتماعی به چانه‌زنی بر سر مزد حداقل تقلیل پیدا کرده و روستاییان از آن محو شده‌اند، اثر معکوس داشته و به نابودی محیط زیست انجامیده است. او همچنین در مورد اینکه این تقلیل‌گرایی‌ها چگونه ما را از واقعیت‌های حیات اقتصادی و

اجتماعی‌مان دور می‌کند گفت: گفتمان رایج بسیاری این است که کشاورزی ما در اصلاحات ارضی نابود شد. اما این حرف‌ها بیشتر توجیه‌کننده سیستم ناکارآمد و کژکارکرد موجود است. ایالات متحد آمریکا در ابتدای قرن بیستم با جمعیتی کمتر از ۱۰۰ میلیون نفر، نزدیک به ۲۰ میلیون فعال کشاورزی داشت و در حال حاضر با جمعیت نزدیک ۳۰۰ میلیون، ۲.۹ میلیون نفر. حالا نه تنها این سه میلیون، همه جمعیت را تغذیه می‌کنند، بلکه به همه جای جهان، صادرات هم دارند. برآوردها نشان می‌دهد ایران در ابتدای قرن بیستم با جمعیتی حدود ۱۰ میلیون نفر، حدود ۳.۱ میلیون نفر کشاورز داشته و الان حدود ۳.۵ میلیون. اما فقط می‌توانیم ۶۰ درصد غذای خود را به‌صورت معمول تأمین کنیم که این رقم در خشکسالی‌ها کمتر است. در عین حال، آنها در هر محصول سه تا چهار برابر، بازده بیشتر دارند و این سه میلیون نفر بهره‌بردار کشاورزی آمریکا، ده برابر ما گندم، عسل و غیره تولید می‌کنند. پس موضوع این نیست که چرا کشاورزان مهاجرت می‌کنند. اساساً رابطه معکوسی بین ازدیاد تولید کشاورزی با شاغلان بخش کشاورزی وجود دارد. به این معنا که همان سه میلیون نفر به این میزان، تولید را در آمریکا افزایش داده‌اند و در ایران هم همین‌طور هست.

این پژوهشگر توسعه با بیان اینکه نسبت به اولین سرشماری کشاورزی در سال ۱۳۳۹، در حال حاضر تولید کشاورزی - همراه با تنوع تولید - حداقل ۵ تا ۶ برابر بیشتر شده است. بنابراین مباحثی مانند مهاجرت معکوس به روستا را - که در زمان احمدی‌نژاد مطرح شد - باید کنار گذاشت اضافه کرد: در مباحث مربوط به سکونتگاه‌های غیررسمی یا حاشیه‌نشینی، اشتباهات دولت را نسبت می‌دهند به اینکه شاه کشاورزی را نابود کرد و باعث مهاجرت روستاییان به شهر شد. اشتباه دولت را در ساماندهی شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی و ازدیاد اشتغال، به این مقولات نسبت می‌دهند و بعضی نیز این مسائل را به نولبرالیسم نسبت می‌دهند که تحلیل مبتنی بر اقتصاد سیاسی نیست.

چرا توسعه روستایی باید دانش‌بنیان شود؟

اطهراری در پاسخ به این پرسش اساسی که چرا توسعه روستایی باید دانش‌بنیان شود توضیح داد: در اقتصاد دانش، دانش، آموخته، آفریده و فراگیر شده و به کار گرفته می‌شود تا توسعه اقتصادی - اجتماعی به بار بیاید. در واقع در فرآیندی که اقتصاد دانش توسعه پیدا می‌کند - عصر پسا صنعتی - به دلیل پیشرفت‌های



ندارد. اما چسبیدن کشاورزها به زمین و رواج خرده مالکی، باعث سلب مالکیت از مالکان می‌شود. در واقع سیستم به لحاظ اقتصاد سیاسی، کشاورز را به سمت پیرامون شهرها برای حاشیه‌نشینی هل داده و نابودش می‌کند و محیط زیست را هم باز بین می‌برد. یعنی همین دفاع بسیار غلط از نوع مالکیت، باعث از دست رفتن مالکیت و محیط زیست می‌شود. از قبل هم که سفره آب زیرزمینی خشک شده و مراتع هم دیگر بار نمی‌دهد و این مجموعه علت‌هاست که او را از روستا می‌رانند.

اطهراری در قیاسی میان سرمشق کشاورزی گرا با توسعه روستایی می‌گوید: در سرمشق کشاورزی گرای، منافع کشاورزان، همان منافع روستایی است. به این ترتیب اساساً بقای روستا به بقای کشاورزی وابسته است و یا اینکه به همین ترتیب به مسکن دوم شهری تبدیل شده و از بین می‌رود. اما در توسعه روستایی، چند کارکردی بودن مناطق روستایی، حاصل تنوع درونی و ارتباطات است. بخش کشاورزی را هم به همین ترتیب با دانش بنیان کردن می‌توان رقابتی کرد و توسعه درون‌زا را سامان داد. زیرا امکان استفاده از همه منابع محلی و بیرونی فراهم است؛ در صورتی که در حالت فعلی، این بخش، اساساً برای بیرون، تولید می‌کند و تنوع حتی تنوع تولید کشاورزی‌اش - را از دست می‌دهد و به این ترتیب همانگونه که گفته شد، موجب گران‌تر شدن مواد غذایی نسبت به شهرها شده و بهره‌وری کاهش یافته و با از دست دادن نیروی کار به‌نوعی فرار مغزها از روستا بدون جایگزینی - شدت گرفته و روستاها همواره تحت قیومیت شهرها به سر می‌برد.

برپایی جامعه دانش هم دنبال شود. او جامعه دانش را اینگونه تشریح کرد: جامعه دانش (knowledge society) جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها می‌توانند دانایی را به توانایی تبدیل کنند (توانا بود هرکه دانا بود) و به این ترتیب، هم مشارکت با دیگر انسان‌ها، هم مشارکت با محیط و حوزه سیاسی و شهر و غیره را افزایش می‌دهند و این مجموعه‌ای است که امکانات فناوری اطلاعات می‌تواند آن را ساماندهی کند.

توسعه، روستاها را چند کارکردی می‌کند

او همچنین با اشاره به پراکندگی روستاها و خالی از سکن شدن روستاهای کوچک در کشور گفت: جنبه اصلی این تخلیه نیز، اقلیمی نیست، بلکه جنبه اصلی‌اش این است که در برنامه‌های توسعه، به‌جای توسعه روستایی، توسعه کشاورزی مد نظر بوده است. یعنی الگوی ساماندهی روستایی، بالا رفتن تولید بخش کشاورزی بوده است. جهاد کشاورزی و سایر دستگاه‌ها به دنبال ایجاد امکانات زیربنایی برای ازدیاد تولید کشاورزی بوده و اقدامات بسیاری هم انجام داده‌اند، اما این اقدامات، با خرد کردن زمین همراه بوده و به این ترتیب استفاده از امکانات تکنولوژیک جدید - حتی امکان تسطیح و زهکشی اصولی - امکان‌پذیر نیست.

تحقیقات نشان می‌دهد تنها با زهکشی اصولی در مناطقی مانند کرج، تا ۶۰ درصد امکان بهره‌برداری بهتر از منابع آب، فراهم می‌شود و این اصلاً دستاورد کوچکی نیست و از طرفی، به تکنولوژی بسیار مدرن هم نیاز

فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان حاکم‌شدن دانش بر تولید فراهم می‌شود. به این معنا که دانش سهم بیشتری در تولید می‌یابد. در واقع اگر ما تولید را به چهار عنصر تفکیک کنیم: منابع‌پر (resource intensive)، کاربر (labor intensive)، سرمایه‌پر (capital intensive) و دانش‌پر (knowledge intensive)، به‌تدریج، دانش جای سرمایه را هم می‌گیرد و دانش فکری به دارایی اصلی شرکت‌ها تبدیل می‌شود. مثلاً در بورس‌های جهانی تا دهه ۱۹۷۰ دارایی‌های ملموس - فیزیکی - حدود ۷۰ درصد ارزش سهام شرکت‌ها را تشکیل می‌داد. الان این روند معکوس شده، یعنی دارایی‌های ناملموس یا فکری به ۷۰ تا ۸۰ درصد دارایی شرکت‌ها تبدیل شده است. و این کاملاً نشان می‌دهد که چقدر مقوله دانش بر مقوله سرمایه و کار - که امری فیزیکی‌ست - غلبه پیدا کرده است. به این دلیل که وقت فراغت انسان‌ها بیشتر می‌شود. این را هم بگویم که بخش‌های اصلی اقتصاد دانش، صنایع دارای فناوری متوسط به بالا و خدمات مولد است.

خدمات مولد به‌خصوص در روستاها می‌تواند سامان بگیرد. خدمات مولد مرتبط با شبکه‌سازی و ارتباطات و سیستم‌هایی که موردنیاز جامعه بوده و به‌خصوص در روستاهایی که به شهرها نزدیکند، قابلیت‌های جانمایی دارند. به‌طور مثال ایجاد امکان استقرار این متخصصان - که می‌توانند دورکاری کنند - و نیز امکان به‌کارگیری جوانان روستایی باید در طرح‌های هادی روستایی دنبال شود. این نوع ساماندهی‌ها امکاناتی است که اقتصاد دانش می‌تواند فراهم آورد، به این شرط که



اخبار محیط زیستی ایران

آغاز عملیات پمپاژ آب سرشاخه های کارون از طریق تونل سوم کوهرنگ

بر اساس اطلاعیه روابط عمومی آب منطقه ای استان اصفهان از تاریخ پنجم فروردین بنابر مصوبه شورای هماهنگی زاینده رود این پروژه که اکنون با چالش های متعدد محیط زیستی و اجتماعی و امنیتی در دو استان خوزستان و چهارمحال بختیاری روبروست قرار است مقدار ۴,۵ متر مکعب بر ثانیه از طریق پمپاژ به زاینده رود منتقل کند. حال آنکه نه مدت زمان پمپاژ و نه میزان آب مورد نیاز برای زیست مندان پائین دست رودخانه مشخص نشده است. گفتنی است پروژه کوهرنگ سه جهت انتقال آب از حوضه آبریز کارون بر روی رودخانه کوهرنگ واقع در بیرگان به رودخانه زاینده رود طراحی شده است. تشکیل محیط زیستی وحدت سبز فرخ شهر طی نامه ایی به دستگاه قضایی نوشت: «پروژه کوهرنگ سه فاقد مجوز محیط زیستی، مجوز میراث فرهنگی، مجوز منابع طبیعی، مجوز جهاد کشاورزی، مجوز امور عشایر و سایر مجوزات قانونی می باشد. نکته تاسف بار آن است که در هیچ گونه مطالعه ارزیابی زیست محیطی بر روی تونل سوم کوهرنگ انجام نشده و صرفاً روی جلد گزارش ارزیابی به تونل سوم اشاره شده است. به این معنی که پروژه ایی که اکنون در حال عملیات بهره برداری است فاقد هر گونه مجوز محیط زیستی است. مساله دیگری که در هنگام برنامه ریزی برای عملیات پمپاژ به آن توجه نشده است این است که در گزارش ارزیابی محیط زیستی پروژه کوهرنگ سه آمده است که هیچ شهر و روستایی پائین دست سد کوهرنگ سه وجود ندارد. حال آنکه تعداد قابل توجهی شهر و روستا در پایین دست سد وجود دارد که پمپاژ بی ضابطه آب باعث خشک شدن رودخانه و خسارت به مناطق پایین دست می شود. موضوعی که در سنوات گذشته نیز اتفاق افتاد به گونه ایی که به دلیل پمپاژ آب رودخانه کوهرنگ به زاینده رود همزمان با سفر ریاست محترم جمهوری سابق به اصفهان در اردیبهشت سال ۹۶ به خشک شدن کامل رودخانه کوهرنگ انجامید. نبود مطالعات فنی نه تنها باعث اخلاف در حقوق جوامع محلی پائین دست سد می شود بلکه به علت وجود منطقه حفاظت شده قیصری حیات ده ها گونه گیاهی و جانوری مورد تهدید واقع می شود.» این تشکل محیط زیستی در متن شکایت خود خطاب به دستگاه قضایی نوشت: «نکته تاسف باری که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است این است که نیاز زیست محیطی رودخانه ۴۶ میلیون متر مکعب در سال است. که به هیچ وجه با انجام عملیات پمپاژ محقق نمی شود. در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۳۰ در زمان بازدید کارشناس رسمی دادگستری دبی رودخانه کوهرنگ ۲,۴۸ متر مکعب بر ثانیه اندازه گیری شده که عملاً با میزان مصوب تعریف شده ۴,۵ متر مکعب معنایی جز خشک شدن رودخانه ندارد. شایان ذکر است که آب جاری در رودخانه کوهرنگ را می توان در واقع حق آبه ناچیزی از حق آبه محیط زیستی رها سازی نشده تونل یک و دو کوهرنگ تلقی کرد که به هیچ عنوان اجازه برداشت از آن وجود ندارد»

رای دادگاه و احکام سنگین معترضین به تونل فاقد مجوز محیط زیستی انتقال آب سبزکوه در استان چهارمحال بختیاری صادر شد

شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان بروجن (۱۰۱ جزایی سابق) به ریاست قاضی محسن جلیلی پیرانی احکام ۳۷ معترض پروژه انتقال آب سبزکوه را صادر کرد. در این رای قضائی متهمین به اتهاماتی نظیر معاونت در اخلاف در نظم و آسایش عمومی و آسایش تحریک و تحیح مردم، اخلاف در نظم و آسایش عمومی و شرکت در تخریب اموال دولتی و عمومی به احکام سنگین هفت سال زندان، تحمل ضربات شلاق و جزای نقدی محکوم شدند. تونل سبزکوه در سرشاخه کارون قرار دارد و متهمین به احداث تونل فاقد مجوز محیط زیستی سبزکوه معترض بودند. شاکتی این پرونده قرارگاه خاتم الانبیا و آب منطقه ایی چهارمحال بختیاری می باشد. معترضان در سال ۹۴ در آئین سوگواری نمادین بختیاری با ساز چپ که مخصوص سوگواری در سنت بختیاری است بر چشمه آلوغره که در اثر حفر تونل انتقال آب سبزکوه خشک شده بود شرکت داشتند که پس از مراسم به کارگاه تونل سبزکوه توسط عوامل ناشناس حمله شد. متهمین مشارکت خود را در این اقدام تکذیب کرده اند.

فراخوان طراحی «تندیس و نشان آپوش» منتشر شد

«کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان» با مشارکت تشکل های محیط زیستی سراسر کشور فراخوان طراحی «تندیس و نشان آپوش» را منتشر کرد به گزارش ایلنا، دبیرخانه این کمپین اعلام کرد: کمپین در نظر دارد با توجه به اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در راستای سیاست های کلان محیط زیستی، با همکاری و مشارکت سازمان های مردم نهاد، شخصیت های محیط زیستی و چند تن از مقام های رسمی، نسبت به شناسایی و معرفی عوامل و مجموعه های مؤثر در اجرای پروژه های غیرقانونی و غیراصولی که به تخریب محیط زیست منجر می شود اقدام کند و به آنان «نشان آپوش» اعطا نماید. «آپوش» در اسطوره های ایرانی «دیو خشکسالی» است که از دیرباز در میان مردمان سرزمین ایران به دشمنی با «تیشتر» ایزد باران معروف بوده است. این دیو در کشوری مانند ایران که همواره با مشکل بی آبی و تخریب منابع آب مواجه بوده، جایگاه نمادین مهمی دارد. اعطای «نشان آپوش» اقدامی نمادین در راستای نقد فرهنگ بی کفبری و گامی در جهت معرفی شخصیت ها یا نهادهایی است که طبیعت و منابع ارزشمند خدادادی و بین نسلی را فدای منافع اقتصادی کوتاه مدت یا ناپایدار می کنند. باشد که از این رهگذر، این شخصیت ها یا مجموعه ها در رفتار خود تجدیدنظر کنند، یا فریاد نمادین ما به برخورد قانونی لازم بیانجامد. مهلت ارسال آثار از ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ تا ۲۷ خردادماه اعلام شده است. داوران این جشنواره در بخش تندیس عبارتند از: خانم ها و آقایان ندا مذهب جعفری، حمید شانس، مهدی رنگچی، حمیدرضا صادق زاده، بیژن غنچه پور، حسین داوری نژاد و عباس افتخاری و در بخش نشان عبارتند از: خانم ها و آقایان ندا مذهب جعفری، محمد کاظم فلسفی، شهاب الدین نژاد تهرانی، فرزاد ادیبی و مهدی احمدی. دبیری هنری این جشنواره را خانم بیتا حسنی بر عهده دارد.



پرونده شکایت از رئیس سازمان برنامه و بودجه به شعبه ۱۰۵۹ کیفری دو - کارکنان دولت تهران ارجاع شد

به دنبال قرار گرفتن پروژه های فاقد مجوز محیط زیستی در بودجه ۱۴۰۱، انجمن مدافعان حقوق محیط زیست و منابع طبیعی خوزستان از ریاست سازمان برنامه و بودجه شکایت کرد. این شکایت که پس از رد شدن آن توسط شعبه سه دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۸ (جرایم کارکنان دولت) تهران با اعتراض این انجمن محیط زیستی رو برو شد به شعبه ۱۰۵۹ کیفری دو - کارکنان دولت تهران ارجاع شد. متن کامل لایحه اعتراضی انجمن مدافعان حقوق محیط زیست و منابع طبیعی خوزستان به این شرح است: "همانگونه که مستحضر هستید دولت محترم در تاریخ ۲۱ آذر ۱۴۰۰ اقدام به تقدیم لایحه بودجه ۱۴۰۱ به مجلس شورای اسلامی کرد. در بررسی لایحه بودجه مشخص شد بیش از ۴۱۱ پروژه مشمول ارزیابی زیست محیطی در ردیف های بودجه ۱۴۰۱ قرار گرفته است که فاقد مجوز قانونی است. از آنجا که بر اساس نص صریح سیاست های کلی محیط زیستی مقام معظم رهبری ابلاغی ۱۳۹۴/۸/۲۶ و مواد ۱۰۵ قانون برنامه سوم توسعه، ماده ۷۱ قانون برنامه چهارم توسعه، بند الف ماده ۱۹۲ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۲ و بند الف ماده ۳۸ قانون برنامه ششم توسعه، همچنین آیین نامه ارزیابی اثرات زیست محیطی طرح ها و پروژه های بزرگ تولیدی و خدماتی و عمرانی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۹، دستگاه های اجرایی موظفند پیش از اجرا و در مرحله مطالعات و امکان سنجی و مکان یابی اقدام به اخذ مجوز کنند. حال آنکه دولت محترم در ادامه روند غیر قانونی دولت های گذشته و بر خلاف ماده ۲۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳ اقدام به پیشنهاد طرح تملک داراییهای سرمایه ایی در ردیف های بودجه می نماید و از حذف ردیف های پروژه های فاقد مجوز محیط زیستی و سایر مجوزات قانونی در بودجه ۱۴۰۱ خود داری می کند. حال آنکه دولت های گذشته موظف بودند بر طبق تبصره ۳ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی ماده ۲۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳ که پیشنهاد طرح هایی با ماهیت مطالعه و اجرا به صورت همزمان را ممنوع کرده بود خود داری می کرد و یا حداقل انتظار بود در بودجه ۱۴۰۱ رویه غلط گذشته توسط دولت جدید اصلاح می شد. که از آن جمله می توان به قرار گیری پروژه هایی با عناوین همزمان مطالعه و اجرا در ردیف های بودجه نظیر پروژه های انتقال آب شرب استان های البرز و تهران از سد طالقان، انتقال آب به شهرهای شمالی استان کرمان، انتقال آب خزر به فلات مرکزی، انتقال آب به فلات مرکزی، سد ماربر، سد بلبر اشاره کرد. سازمان برنامه و بودجه بر خلاف ماده ۲ الحاق که شرط قرار گرفتن پروژه ها در ردیف های طرح های تملک دارایی های سرمایه ایی را صرفا در چارچوب قانون اساسی، سند چشم انداز، قوانین پنج ساله توسعه که دارای مطالعات محیط زیستی، مالی، اجتماعی و ... امکان پذیر کرده است اقدام به قرار دادن ۴۱۱ پروژه در بودجه ۱۴۰۱ کرده است که بر اساس مکاتبه شماره ۳۴۱۳۹/۱۰/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۷ ریاست سازمان محیط زیست خطاب به رئیس مجلس فاقد مجوز محیط زیستی و سایر مجوزات قانونی دیگر می باشد. مماشات سازمان برنامه و بودجه طی دو دهه گذشته به شکلی بوده است که هیچ اراده ایی برای حذف پروژه های فاقد مجوزهای قانونی در ردیف های بودجه وجود نداشته است و بدیهی است که استفاده از اعتبارات باید با رعایت مقررات مربوطه باشد. نکته مهم آن است که سازمان برنامه و بودجه بدون توجه به قانون اقدام به تخصیص بودجه به پروژه های فاقد مجوز قانونی می کند که بعضا برخی از آن ها دارای پیشرفت فیزیکی شده اند که لیست آن ها در پیوست مکاتبه نماینده مردم آبادان با ریاست سازمان برنامه و بودجه در پرونده موجود است. در این شرایط سازمان برنامه و بودجه نه تنها اقدام به حذف این ردیف ها در بودجه سنواتی نکرده است بلکه به بهانه پادار شدن طرح ها در بودجه سنواتی سال ۱۴۰۱ نیز تکرار کرده است. حال آنکه شرط پا دار شدن طرح ها در بودجه سنواتی و قرار گرفتن در طرح های تملک دارایی اخذ مجوزهای قانونی است نه صرفا قرار گرفتن پروژه در ردیف های بودجه. انجمن مدافعان حقوق محیط زیست و منابع طبیعی خوزستان در لایحه اعتراضی خود جرایم ارتکاب یافته توسط سازمان برنامه و بودجه می آورد: آنچه مسلم است سازمان برنامه و بودجه و شخص جناب مسعود میرکاظمی با نقض مقررات پیش گفته و برخلاف نص صریح ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، اقدام به تصرف غیر قانونی در وجوه دولتی از طریق ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ نموده است. بدیهی است که مقررات زیست محیطی و رعایت ضوابط مربوط به ارزیابی های زیست محیطی ارتباط وثیق و کامل با امنیت ملی داشته و به کرات نقض مقررات مربوطه منجر به برهم خوردن این امنیت در شهرهای مختلف من جمله اصفهان، خوزستان شده است. مع الوصف با عنایت به مراتب مذکور ضمن استعلام از سازمان حفاظت محیط زیست در خصوص اعلام نظر در مورد ۴۱۱ پروژه مندرج در لایحه بودجه، نقضای تعقیب مشتکی عنه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق تخصیص بودجه به پروژه های غیرقانونی و معد برای بر هم خوردن امنیت کشور و تصرف غیرقانونی در بودجه دولتی از طریق فوق مستند به مواد ۶۴ و ۲۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری را دارد.

رئیس شورای امنیت کشور خواهان بررسی اثرات تجمعی پروژه های انتقال آب کارون بر خوزستان شد

به دنبال انتشار نامه جلیل مختار نماینده مردم آبادان در مجلس به رئیس شورای امنیت کشور و انتقاد از استمرار رویه های غلط دولت های گذشته در خصوص انتقال آب رودخانه های خوزستان در دولت جدید، احمد وحیدی طی دستوری که رونوشت آن به معاونت امنیتی و عمرانی وزارت کشور ارسال شده است خواهان بررسی اثرات تجمعی پروژه های انتقال آب کارون بر خوزستان شد. اگر این دستور محقق شود برای اولین بار است که بررسی آثار تجمعی پروژه های انتقال آب کارون در دستور کار دولت قرار می گیرد. نماینده آبادان در نامه خود به رئیس شورای امنیت کشور از رویه های غیر علنی و غیر قانونی استانداران و مقامات امنیتی دو استان اصفهان و چهارمحال بختیاری در توافق برای اجرای پروژه های انتقال آب کارون در پشت درهای بسته و بدون اطلاع مسئولان و نمایندگان خوزستان انتقاد کرد و تاکید کرد خوزستان ظرفیت انتقال آب ندارد. گفتنی است بر اساس مکاتبه جلیل مختار و مستندات که ارائه کرده است نشان می دهد که تجهیز کارگاه تونل بهشت آباد در چرمهین پس از توافق غیر علنی مقامات دو استان اصفهان و چهارمحال بختیاری در شورای امنیت کشور انجام شده است. توافقی که سازمان محیط زیست آن را غیر قانونی اعلام کرده است. تاکنون مقامات دو استان اصفهان و چهارمحال بختیاری در مورد محتوای این نامه اظهار نظر نکرده اند.

رفیعی: رسالت ما جلوگیری از تهدید زیستی خلیج فارس است

رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس یازدهم در روز خلیج فارس گفت: رسالت ما جلوگیری از تهدید زیستی خلیج فارس است. تهدیدی که در چندسال اخیر با حضور ترالرها به حداکثر رسیده است. سمیه رفیعی در صفحه رسمی توئیترش نوشت: «یک روز اگر رسالت پدران ما در اخراج بیگانگان از خلیج فارس تعریف می‌شد، امروز رسالت ما جلوگیری از تهدید زیستی خلیج فارس است؛ تهدیدی که در چندسال اخیر با حضور ترالرها به حداکثر رسیده است. دریا سخاوتمند است به شرطی که بشر باقاعده رفتار کند.» گفتنی است به دلیل عدم کنترل آلودگی‌ها و عدم کنترل گونه‌های مهاجم و صید بی ضابطه گونه‌های ارزشمند جانوری مثل نهنگ‌ها، کوسه‌ها، لاک‌پشت‌های دریایی و انواع ماهیان شیلاتی و ... در معرض تهدید جدی قرار گرفته‌اند

انتقاد گسترده فعالان محیط زیست به خشک کردن هورالعظیم توسط شرکت نفت

به دنبال بروز مجدد پدیده ریزگردها فعالان محیط زیست خوزستان در اعتراضی گسترده نسبت به امتداد سیاست خشک کردن هورالعظیم به منظور استحصال نفت اعتراض کردند. در این پویش مجازی آمده است: «ما فعالان محیط زیست کشور، خواستار توقف خشکاندن تالاب هورالعظیم به بهانه استخراج نفت هستیم. اگر قرار هست استخراج نفت از منابع مشترک صورت گیرد بایستی در محیط آبی و با حفظ حقایق تالاب هورالعظیم انجام شود. گردوغبار و آلودگی ناشی از تخریب‌های بی حد و حصر شرکت نفت، ادامه زندگی را برای همگان مشکل کرده است. برای پایداری کشور باید عملکرد شرکت نفت اصلاح گردد.»

در توافق مالچ‌پاشی بین ایران و عراق کارشکنی شده است

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: بنظر می‌رسد اجرای این توافقنامه بین ایران و عراق دچار مشکل شده و در راستای مبارزه با پدیده ریزگردها آن اقدامی که باید، انجام نمی‌شود که باید در خصوص این کارشکنی توضیح داده شود. این عضو کمیسیون امور داخلی ادامه داد: از سوی دیگر سدسازی‌هایی که در کشور ترکیه نیز انجام شده قطعاً بر تشدید پدیده ریزگردها موثر بوده است و منجر به تقلیل سهم آبی بخش‌های مختلف شده است. باید از طریق حقوق بین الملل و مسیر دیپلماسی این موضوع را پیگیری کرد. علیرضاییگی در پایان تأکید کرد: موضوع دیگری که در مبارزه با پدیده ریزگردها باید مورد توجه قرار گیرد، بحث آب‌های مرزی است. متأسفانه ما استفاده محدودی از منابع آب‌های مرزی داریم که باید از حقوق خود در حوزه آب‌های مرزی استفاده کنیم. در سنوات گذشته هم در بودجه رقم خوبی برای بهره‌گیری از آب‌های مرزی تخصیص یافت و هم مقام معظم رهبری منابعی را از صندوق توسعه برای مهار آب‌های مرزی در اختیار دولت قرار دادند. حال باید این گزارش ارائه شود که چه میزان از این اعتبارات برای این امر استفاده شده است. گفتنی است در اقدامی دیگر ۳۹ نماینده مجلس در تذکرات کتبی خود به مسئولان اجرایی کشور خواستار تشکیل گردهمایی (کنسرسیوم) همکاری کشورهای همسایه متضرر از سدسازی‌های ترکیه شدند.

حمایت تشکل‌های بین‌المللی از ۲۸ فروردین به عنوان «روز چهارمحال بختیاری» و «روز جهانی مخالفت با انتقال آب»

همزمان با نام‌گذاری روز ۲۸ فروردین به عنوان «روز چهارمحال بختیاری» و «روز جهانی مخالفت با انتقال آب» تشکل‌های محیط زیستی از سراسر جهان با صدور بیانیه روز ۲۸ فروردین را به فعالان محیط زیست تبریک گفتند. در این بیانیه ضمن اعلام همبستگی با فعالان محیط زیست در ایران آورده است: جنبش نجات دجله با گرامیداشت هفدهم آوریل «روز اقدام برای مقابله با انتقال آب»، همبستگی فعالان ترکیه، سوریه، عراق، و دیگر کشورهای عضو را با شما اعلام می‌کند. ما نیز معتقدیم که رودخانه‌ها باید در بستر طبیعی خود جاری باشند تا حیات همه‌ی جامعه‌های انسانی و زیست‌بوم‌های طبیعی که در طول تاریخ از آنها بهره‌مند بوده‌اند، پایدار بماند. امضا کنندگان این بیانیه ضمن همبستگی با فعالان محیط زیست زاگرس مهربان در مخالفت با پروژه‌های انتقال آب و سدسازی و همچنین نام‌گذاری ۲۸ فروردین به عنوان روز چهارمحال بختیاری یاد آور گردیده است: امید آن که پیگیری‌های شما و همکاری‌های بین‌المللی، سرزندگی پهنه‌های ارزشمند آبی کشورتان را تضمین کند. لازم به ذکر است به ابتکار فعالان محیط زیست روز ۲۸ فروردین سالروز تجمع سی هزار نفری مردم استان چهارمحال بختیاری بر علیه پروژه‌های سدسازی و انتقال آب به عنوان روز چهارمحال بختیاری و روز جهانی مخالفت با انتقال آب نام‌گذاری شد. در روز ۲۸ فروردین سال ۱۳۹۳ حدود سی هزار نفر از مردم این منطقه و سرچشمه زاینده رود و کارون در استان چهارمحال و بختیاری در پاسداشت زاینده‌رود و کارون و اعتراض به تونلهای گلاب و بهشت آباد که موجب نابودی زاینده رود و کارون و تخریب‌های گسترده محیط زیست استان و استان‌های پایین دست بود راهپیمایی نموده و بر علیه انتقال آب فریاد اعتراض سر دادند. گفتنی است با وجود هماهنگی‌های قبلی برای برگزاری نمایشگاه عکس مبارزات محیط زیستی مردم استان چهارمحال بختیاری با اداره کل ارشاد استان چهارمحال بختیاری از برگزاری این نمایشگاه جلوگیری شد.



کلنگ زنی و افتتاح پروژه‌های بدون مجوز ارزیابی محیط زیستی ممنوع

رئیس سازمان محیط زیست از استانداران خواست در سفرهای استانی از کلنگ زنی و افتتاح پروژه‌های بدون مجوز ارزیابی محیط زیستی جلوگیری شود. به گزارش خبرگزاری فارس، علی سلاجقه رئیس سازمان محیط زیست در نامه‌ای از استانداران خواست با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری که فرمودند: مسأله محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی، برای ما مسأله‌ای تجملاتی و درجده نیست؛ یک مسأله حیاتی است. در تلاش ما برای توسعه کشور، اولویت باید در این بخش باشد و همچنین ضمن تأکید ریاست جمهوری که بیان داشتند؛ توسعه فرع بر محیط زیست است و آثار و پیامدهای زیست محیطی از فعالیت پروژه‌های بزرگ عمرانی و کلان اقتصادی کشور بدون اخذ مجوز زیست محیطی جلوگیری شود.

وی در ادامه این نامه افزود: در سنوات قبل و با فشارهای نامتعارف و بخشی‌نگری محض اجرایی شده، نه تنها منجر به تحقق آمایش سرزمین و توسعه پایدار نگردید، بلکه به دلیل آلودگی‌ها و تخریب‌های غیرقابل جبران، به پدیده ضد توسعه تبدیل و نیز اثرات زیان‌بار آن در تشدید بحران‌های زیست محیطی و نارضایتی عمومی جامعه را برانگیخته است.

سلاجقه از مصادیق این موضوعات را به اجرای پروژه‌های آزادراه‌ها، بزرگراه‌ها و راه‌آهن، سدسازی‌ها، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها، انتقال آب بین حوضه‌ای و ... اشاره کرد و گفت: متأسفانه در سنوات گذشته تحت عنوان پروژه‌های دارای پیشرفت فیزیکی، ولی بدون مجوز محیط زیستی همواره به‌عنوان یک چالش عمیق بین دستگاه‌های اجرایی و دستگاه‌های نظارتی و قضایی با این سازمان از جهت عدم رعایت قوانین، ضوابط و مقررات مطرح شده است که پرداختن به آن نمی‌گنجد. اما نظر به اینکه پروژه‌ها با اخذ مجوز غیرقانونی از برخی دستگاه‌ها من جمله سازمان برنامه و بودجه، تأمین اعتبار می‌شوند و اغلب این پروژه‌ها با همین مجوز توسط مقامات ارشد کشور و با رایزنی‌های نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، بالأخص در حوزه‌های انتخاباتی و استانداران با همین رویه ناصواب افتتاح می‌شوند و پس از آن، متأسفانه مشکلات بسیار زیادی در پیش روی حافظان محیط زیست کشور و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط برای حل و فصل عدم تعادل‌ها از جمله تخریب جنگل‌ها و پوشش گیاهی، عدم رعایت حریم‌های کمی و کیفی منابع آب سطحی، عدم تأمین کافی نیاز آبی پروژه‌ها، تداخل با مناطق چهارگانه محیط زیست، قرارگیری در حریم شهرها و یا تداخل با شعاع‌های ممنوعه ایجاد صنعت در کلان شهرها و نزدیکی با شهر و روستا و نارضایتی‌های اجتماعی از جمله عدم اجرای تعهدات مجریان در قبال سایر دستگاه‌ها و مردم که نهایتاً منجر به تأخیر افتادن اجرای پروژه‌ها و یا دستور توقف قضایی در حین ساخت و ساز پروژه می‌شود که بخشی از آن نیز به‌عنوان تخلف دستگاه‌های اجرایی موجب پیگرد قانونی در دستگاه قضایی قرار می‌گیرد.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در پایان این نامه خاطر نشان کرد: برای پرهیز از بروز مشکلات آتی و قطع زنجیره شروع پروژه بدون مجوزهای قانونی از جمله مجوز سازمان حفاظت محیط زیست تحت عنوان مجوز ارزیابی زیست محیطی، از کلنگ زنی و افتتاح پروژه‌ها توسط مقامات ارشد کشوری که عموماً در سفرهای استانی اتفاق می‌افتد، قویاً اجتناب شود. گفتنی است این سازمان و واحدهای تابعه استانی برای تسهیل و تسریع در صدور مجوزها، کما فی السابق در زمانی کوتاه‌تر از زمان مقرر در قانون، نهایت همکاری را معمول خواهند داشت.

نامه مشترک نمایندگان خوزستان و چهارمحال بختیاری برای جلوگیری از انتقال آب کارون

نمایندگان دو استان چهارمحال بختیاری و خوزستان طی یک نامه مشترک به رئیس جمهور نسبت به سیاست‌های وزارت نیرو در قبال رودخانه‌های کارون و کرخه و در اعتراض کردند. در متن این نامه مهم می‌خوانیم: «احتراماً به استحضار می‌رساند با وجود تذکرات پی در پی انجام شده خطاب به وزیر محترم نیرو؛ برای دفاع از محیط زیست، حراست و حفاظت از رودخانه‌های کشور و دیگر پهنه‌های آبی کشور شاهد آن هستیم که وزارت نیرو نه تنها به وظایف قانونی خود توجهی ندارد بلکه به صورت ویژه سیاست‌های کلان محیط زیستی مقام معظم رهبری را از دستور خارج کرده است که نمونه بارز آن اجرای صدها پروژه عمرانی بدون مجوزهای قانونی است. که تبعات این رفتار باعث خشک شدن تالاب‌های خوزستان و خشک شدن چشمه‌های جوشان در چهارمحال و بختیاری و در معرض نابودی قرار گرفتن رودخانه‌های کارون و کرخه و ... و نابودی اکوسیستم استان‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری از طریق ناکارآمدی‌های ساختاری، مدیریتی و اجرای پروژه‌های انتقال آب شده است.» در ادامه این نامه آمده است: «متأسفانه این روزها خبرهایی مبنی بر آب‌گیری از تونل گلاب بدون در نظر گرفتن تعهدات مندرج در توافق نامه محیط زیستی این پروژه هستیم. پروژه گلاب تماماً در روندی متخلفانه پیش رفته است تا جایی که تماماً مجوزهای صادره بعد از اجرا اخذ شده که خود نشان دهنده عمق تخلفات و لایبی صورت گرفته برای اخذ این مجوزات است. مسأله دیگر آنکه اگر پروژه گلاب پروژه پدافند غیر عامل است، تخصیص آب برای این پروژه بر رودخانه کم‌رعمق زاینده رود چه معنایی دارد؟ آیا این بارگذاری جدید بر زاینده رود نیست؟ خواهشمند است ضمن توضیح شفاف در رابطه با علت آب‌گیری این پروژه در رابطه با تخلفات صورت گرفته در نحوه اخذ مجوزها توضیح دهید». این نمایندگان تأکید کردند: متأسفانه وزارت نیرو مکاتبه انجام شده با حضرت عالی در خصوص لزوم کاهش تخصیص‌های پروژه‌های انتقال آب کوه‌رنگ یک و دو و ... را مطابق با نظام نامه تخصیص بی‌پاسخ گذاشته است لذا ضروری است مجدداً برای اجرای عملی آن دستور فرمائید. در پایان نمایندگان دو استان بر تأکید بر غیرقانونی بودن انتقال آب پروژه کوه‌رنگ سه تأکید کردند: «متأسفانه در رویکرد جدید وزیر نیرو این وزارت خانه حتی از همکاری با دستگاه قضائی خود داری می‌کند لذا تقاضا داریم پیگیری و اعلام نمایم مجموعه‌های زیر مجموعه وزارت نیرو به چه پشتوانه‌ای از قرار دادن اطلاعات مورد درخواست دستگاه قضائی نظیر شعبه سه بازپرسی شهرکرد در رابطه با سد کوه‌رنگ سه خود داری کرده است. لذا ضروری می‌دانیم اسناد مورد درخواست شعبه سه بازپرسی شهرکرد به صورت فوری و شفاف در اختیار دستگاه قضایی و نمایندگان قرار گیرد.»

اخبار محیط‌زیستی ایران به زبان لری

هوالا زیستگه ای د ولات ایرون

رای دادگاه و برین
حکمیا سنگین سی معتر ضیا
تونل بی مجوز زیستگه ای
گوئار نیین آو سوز کوه د
چار محال بختیاری صادر بی

شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری بروجن (۱۰۱) جزایی زیترا) و سر جرغه ای قاضی محسن جلیلی پیرانی سی ۳۷ معترض داروکار گوئار نیین آو سوز کوه حکم بری. ئی ایمو متهمن وه شیونین نظم و آسائش و انتریک کردن مردم، درمنین چییا عمومی و دولتی و حکم سیشو برسه وه ۷ سال زندون و شلاق و جریمه پیلی. تونل سوز کوه ها د سرین کارون و متهمیا وه گوئار نیین بی مجوز آو سوز کوه نارضا بین و د سال ۹۴ و ساز چپ رسیمائئ بختیاری رتن سر چشمه الوغره که د تور ئی داروکار هوشک بیی دماش ایمون ناشناسی وه کارگاه تونل سوز کوه اوریشتر بردن و متهمیاکه موئن کار ایما نویه.

واکار نیائن عملیات گوئار نیین آو

د ری وارسنومه روابط عمومی آو راساگه ای اصفاهون د ۵ روز د نوروزما، ۴.۵ میلیون متر مکعب د ثانیه، واپامپ آو بوره سی زاینده رود، ئی داروکار دورونیا اجتماعی و امنیتی تا ایسه سی دو استان خوزستان و چارمحال بختیاری داشته. اوسه نه مدت پمپاژ آو دیاری بیه و نه میزان آوئ دیاری بیه که ساکنیا گلال و هار اتیاج دارن وش. گوتنی هی که داروکار گوئار نیین آو کوه رنگ سی زاینده رود د سه جهت ری حوضه آوریز کارون وه ری گلال کوه رنگ که ها د بیرگان و طراحی بیه. تشکل وحدت سبز (یکاگیری سوز) فرخشهر نامه ای نیسنیه سی دادگاه و گوتنه که داروکار کوه رنگ سه مجوز زیستگه ای، میرات رهزیشتی و سرینگه یا طبیعینه ناره. د بخت گن هیچ مطالعه ارزیابی زیستگه ای ری تونل ستم انجام نگیرسه و تنیا د ری جلد لاپورت ارزیابی وه تونل ستم اشاره بیه. یه یعنی داروکاری که ها د عملیات بهره برداری هیچ مجوز زیستگه ای ناره. یکی هنی د ایرادیا لاپورت ارزیابی زیستگه ای ینه آ که دش نیسنیه هیچ شهر یا آبایی و هار سد کوه رنگ سه نئ و ا یه که تعداد ورتیه گیری شهر و آبادی و هار سد هی که پمپاژ بی حساو و کتاو آو نمئ هله آو برسه وشو. ئی کار د سال ۹۶ باعیس بی که گلال کوه رنگ هوشک بووه وختئ که رئیس جمهور سفر کرد بی وه ئی استان. انجام نگرتن مطالعات فنی بهر آو مردم و هار سد و گونه یا گیایی و جوداربا راساگه ویرداریه قیصری خطرئ هی. ئی تشکل نیسنیه که تا ایسه د بخت گن توجه نکرده که اتیاج زیستگه ای گلال ۴۶ میلیون متر مکعب د سال هی که هرگس و پمپاژ آو جور نموو. د تاریخ ۴ تیر ۱۴۰۰ موسم بازدید کارشناس دادگستری دیی آو ۲۰۴۶ متر مکعب د ثانیه پینشت بیه که و ئی مصوبه ۴۰۵ متر مکعب یعنی هوشک بین ئی گلال.

هیجار سی طراحی تنواره و نشون اپوش اوما و در / نشون اپوش سی خراوکنیا زیستگه

کمپین مردمی لاداری د زاگرس ویرامهر و هومیاری تشکلیا زیستگه ای سرتاسر ولات ایرون هیجار طراحی تنواره و نشون اپوشنه آورد و دیاری. ایلنا لاپورت کرده که دبیرخونه ئی کمپین گوتنه که کمپین ها د ری اصل ۵۰ قانون اساسی و سیاستیا گپ زیستگه ای ولات و هومیاری تشکلیا مردم نهاد و شخصیا زیستگه ا و چن مقام دیوونی ایمون و عوامل کارگیرا د اجرا داروکاربا بی قانونی که وه زیستگه ن می درمنن دیاری بکه و نشون اپوشن وشو بیه. گوتنی هی که اپوش دیو بی بارونی و هوشکالی د ایران کهن بیه و د اوسانیا قدیم بر قدیم دیاری بیه وه دشمنی و اتیشتر ایزدیای بارو. ئی دیو د اوسانیا ایرون که ولات نیمه هوشک و کم بارونی هی جا مهم نمادینی سیش بیه. دئن نشون اپوش تونه باعیس وانو کردن سیل وه زیستگه و ویرداری د زیستگه با. مهلت کل کردن اثریا د ۱۱ اردیبهشت (گلبارماه) تا ۱۷ خرداد (بارورون) دیاری بیه. داوری ئی کار ها و خاتینیا و آپایا ندا مذهب جعفری، حمید شانس، مهدی رنگچی، حمیدرضا صادق زاده، بیژن غنچه پور، حسین داوری نژاد و عباس افتخاری و در بش نشون بنون: خاتینیا و آپایا ندا مذهب جعفری، محمد کاظم فلسفی، شهاب الدین نژاد تهرانی، فرزاد ادیبی و مهدی احمدی. سرنیساری هنری ئی جشنواره هم ها و خاتین بیتا حسنی.

د توافق مالچ پاشنین بین ایران و عراق کار شیونکی بیه

نومنیار مردم تبریز د مجلس شورای اسلامی گوتنه که د اجرا توافق مالچ پاشنین بین ایران و عراق کار شیونکی بیه زوتا کارئ سی د مین وریسائن توز و گرت و خاک انجوم نموو. او هاست که دباره ئی کار شیونکی جزئیات بیشترئ دیاری بووه. عضو کمیسیون کاروبار مینکی مجلس یه ن هم گوت که د او لاسدسازیا ولات ترکیه هم کارگیرا بیه د وریسائن بیشتر گرت و توز و بهر آو و هار سدیا کم یا قطع بیه که یه هم باید د حقوق جهونی و د تور دیپلماسی پیگیری بووه. علیرضا بیگلربیگی و تاکید دیاری کرد که موضوع هنی که د وریسائن گرت و توز کارگیرا هی آویا مرزیه. د بخت گن ایما د آویا مرزی کم بهره من موئم که باید د حق خومو د آویا مرزی لاداری بکیم. ۳۹ نمایانده هنی د مجلس هاستنه ولاتیا هومسائی که د سدسازیا ترکیه صدمه دینه کنسرسیومی دورس بکن سی هومشوری و هومکاری.



پرونده شکایت د سر جرغه سازمون بر نامه و بودجه رت سی شعبه ۱۰۵۹ کیفری کاروه دسیا دولتی د پائتخت

دما په که داروکاریا بی مجوز زیشتگه ای نرس د بودجه ۱۴۰۱، انجمن لاداریا حقوق زیشتگه ای خوزستان د دس سرجرغه سازمون بر نامه و بودجه شکایت کرد. ئی شکایت دما په که د شعبه ۳ دادسرای انقلاب راساگه ۲۸ رد بی رت سی شعبه ۱۰۵۹ کیفری دو د پائتخت (جرمیا کاروه دسیا دولتی). د لایحه انجمن لاداریا اوماثه که: "هه جورئ که دونیت دولت محترم د آذر ۱۴۰۰ لایحه بودجه ن کل کرد سی مجلس شورای اسلامی که دما بررسی لایحه بودجه دیاری بی که ۴۱۱ داروکار که ها ارزیابی زیشتگه ای بان سی ردیف بودجه مجوز زیشتگه ای نارن. د اوچه که د ری متن آشکارای سیاستیا کلی زیشتگه ای د لار هبر گپ انقلاب اسلامی وارسنیه د تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۶ و د ری ماده ۱۰۵ د قانون بر نامه سئم توسعه، ماده ۷۱ د قانون بر نامه چارم توسعه، بن الف د ماده ۱۹۲ قانون بر نامه پنجم توسعه، و روش نامه ارزیابی اثریا زیشتگه ای طرحیا و داروکاریا تولیدی و خرمتی و آبادکاری تصویب د ۲۶/۸/۱۳۹۴، دسکاریا اجرایی وظیفه شو هئ که ورز اجراء و مطالعه امکان سنجی و مجوز زیشتگه بییرن... انتظار یه بی که ئی دولت نه چی دولتیا زیتر و رویده یا زیشتگه ای غیرقانونیشو د بودجه ۱۴۰۱ کار می کرد و اشتبایا زیتریان دورس می کرد. د کاریا اشتبا و بی قانونی بودجه ۱۴۰۱ تونیم د عنوانیا مطالعه و اجرا وارد یک!) د ردیف بودجه چی داروکاریا گوئار نیین او هر دن تیرون و البرز د سد طالقان، گوئار نیین او سی شهریا واروئی استان کرمان، گوئار نیین او خزر وه فلات مینجایی، سد مالبر و سد بلبر نوم بوریم. سازمون بر نامه و بودجه د خلاف ماده ۲ گنجسه که مرج (شرط) داروکاریا د ردیف طرح تملک دارایی نیانه د قانون اساسی، برنامیا توسعه و ارزیابی زیشتگه ای، مالی و... اوماثه ۴۱۱ داروکار نیانه د بودجه ۱۴۰۱ که د ری نامه شماره ۳۴۱۳۹۹/۱۰۰/۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی مجوز زیشتگه ای و مجوزیا قانونی هنین نارن و سازمون بر نامه و بودجه قبول هم نمیکه ینو د ردیف بودجه پاکسا بن.

سر جرغه ماسالگه (شور ای) امنیت ولات ایرون هاست اثریا سر یکی داروکاریا گوئار نیین او خوزستان بررسی بووه

دما وه در اوماثن نامه جلیل مختار نمونیا مردم آبادن د مجلس شورای اسلامی دباره طولونی دئن وه رویده یا غلط زیشتگه ای دولتیا زیتری د دولت نو د گوئار نیین او گلایلیا خوزستان، احمد وحیدی د دسوری که ربنویسی دس کل بیه سی معاونت امنیت و آبادکاری وزارت ولات ایرون هاسته که اثریا سر یکی گوئار نیین او خوزستان بررسی بووه. اگر ئی دسور بیا وه پا کار سی اولین گله که بررسی اثریا سر یکی گوئار نیین او کارون موفته سر دس دولت. نمونیا آبادان د نامه خود وه سر جرغه ماسالگه امنیت ایراد گرته وه رویده یا پنهوم و بی قانونی استانداریا و کاروه دسیا امنیت دو استان چارمحال بختیاری و اصفاهون پشت دریا بسته و توافق سی داروکاریا گوئار نیین او خوزستان بیدون وارسنیین نمونیا ریا و کاروه دسیا خوزستان. گوئتنی هئ که د ری نامه جلیل مختار و مستندیائ که دیاری کرده مجهز کردن کارگاه تونل بهشت آباد د چر مهین دما توافق پنهوم کاروه دسیا دو استان چارمحال بختیاری و اصفاهون د ماسالگه امنیت انجوم گیرسه؛ توافقی که سازمون زیشتگه گوته قانونی ئی. تا ایسه کاروه دسیا دو استان چارمحال بختیاری و اصفاهون دباره محتوای نامه هیچ چیی دیاری نکرده.

قولنگه زنی و گوشین داروکاریا بیدون مجوز زیشتگه ای قدغن بووه

سر جرغه سازمون ویرداری د زیشتگه د استانداریا هاست نهلن داروکاریای که مجوز ارزیابی زیشتگه ای نارن قولنگه زنی بان یا بگوشیه ن. فارس لا پورت کرده که علی سلاجقه سر جرغه سازمون ویرداری د زیشتگه د استانداریا هاسته که وا توجه وه هچائه رهبر گپ انقلاب که فرمائش کرده سی ایما مسئله زیشتگه یا ویرداری د زیشتگه سی ایما چی تجملاتی و درجه دوئی ئی و مسئله زنه بیه. د تقلا ایما سی توسعه ولات ایرون یه باید د اولویت با و رئیس جمهور هم وا تاکید دیاری کرده که توسعه ها دما زیشتگه، باید نهلیم داروکاریا گپ اقتصادی و آبادکاری کشور بیدون مجوز زیشتگه ای انجوم بییره. سلاجقه گوت د سالیای زیتری وا کوت کوت سیل کردن و رویده یا بلاجی، نه تنیا آمایش وار و توسعه ولات نیوما وه دس، وه خاطر آلوده بیا و درمنیین زیشتگه بی وه چیی ضد توسعه و اثریا گنی ری زیاد کردن دورونیا زیشتگه ای و نارضایی عمومی وه جا هیشت. سلاجقه یکی د نمودیا ئی بسخه ن د اجرا داروکاریای چی آزاداریا، سدیل، پالایشگایا، نیروگایا پتروشیمییا و گوئار نیین او بین حوضه ای دونس و گوت د بخت گن د سالیای زیتری وه نوم داروکاریا هاون پیشرفت فیزیکی هشتنه داروکاریای خلاف قانون و رویده انجوم بییره که مجوز زیشتگه ای ناشتنه اما نظر وه یه که اعتوار داروکاریا غیرقانونی د قرئ د دسگایا نچیکه سازمون بر نامه و بودجه جور مووه و بیشتر ئی داروکاریا هه وا ئی مجوز وه دس کاروه دسیا پانه برز کشور و هومشوری نمونیا ریا د مجلس شورای اسلامی و هومره بی استانداریا افتتاح موونن و دماش مشکلیا گپ و زیادئ سی لاداریا و ویرداریا زیشتگه دورس مووه چی خراو کردن دارسونیا و گیاکویا و رعایت نکردن حریم و کم و کیف سرینگه یا اویا ری زمین، جور نیین او کافی سی داروکاریا، تداخل وا راساگه یا چارونه زیشتگه ای، ایفتانن د حریم شهریا یا شعاع قدغن راساگه یا صنعتی و نزیکی وه شهریا و آبایا و زیاد بیین نارضاییا، وا دما ایفتانن اجراء یا لمسشان وه دسور دادگاه و چیای هنی د ئی دس.

رفیعی: وظیفه ایما ینه آ که نهلیم کناو(خلیج) فارس بوفته د خطر زیشتی

سرجرغه فراکسیون زیشتگه د روز کناو مجلس شورای اسلامی گوت: وظیفه ایما ینه آ که نهلیم کناو(خلیج) فارس بوفته د خطر زیشتی؛ خطری که د ئی سالیوا اوامتن ترالریا رسسه وه واروترین حد. سمیه رفیعی د بلگه رسمی توپیترش نیسنیه که اگر روزی وظیفه باویا ایما یه بی که بیگونه یان د کناو فارس بکن وه در ایسه وظیفه ایما ینه آ که نهلیم کناو فارس بوفته د خطر زیشتی. دریا شه جوته ولی وائی مرج که ولیم و قاعده واش رفتار بکیم. گوتنی هی که سی یه که آلوده ییا، گونه یا اوریشت یار و شکار بی رویده کنترل نموه، زنه بی گونه یا ارزشتاری چی نهنگیا، کوسه یا، کیسلیا آوی، و جوریا مائیا شیلاتی گن جوری ها د خطر.

انتقاد گسترده فعالان محیط زیست به کنشستاریا(فعالان) زیشتگه ای فره ایراد گرتنه وه هوشک بیین هورالعظیم وه دس شرکت نفت

دما یه که هنی توز و خاک وریسائه، کنشستاریا زیشتگه ای خوزستان نارضایی خوشون د هوشک کردن هورالعظیم وه دس شرکت نفت سی وادر کشیین نفت فره دیاری کردنه. د ئی کمپین ریتوری اومائیه که: " ایما کنشستاریا زیشتگه ای ولات ایرون می هاپیم هورالعظیم سی وادر کشیین نفت هوشک بووه. اگر ها نفت یکشبه وا در باید د محیط آوی و وا ویرداری د بهر آو گولم هورالعظیم انجوم بییره. وریسائن توز و آلوده یی د تور کاریا آبادیرم شرکت نفت زنه یینه سخت کرده سی مردم و شرکت نفت باید رویده یاشن دورس بکه."

لاداری تشکلیا جهونی د نیائن نوم ۲۸ نوروز ماه(فرودین) وه روز چارمحال بختیاری وروز جهونی ناسازی وگوئار نیین آو

وارد نیائن نوم ۲۸ نوروز ماه و روز چارمحال بختیاری و روز جهونی ناسازی و گوئار نیین آو، تشکلیا جهونی زیشتگه ای و صادر کردن وارسنومه ای وه کنشستاریا زیشتگه ای شادبابی گوتنه سی روز ۲۸ نوروز ماه. د ئی وارسنومه و دیاری کردن همبستگی و کنشستاریا زیشتگه ای ایرون اومائیه که جنبش رسگار کردن دجله وبرز و بالا گرتن روز ۱۷ آوریل سی روز ناسازی و گوئار نیین آو، یکاگیری و همبستگی کنشستاریا عراق، ترکیه و سوریه و ولاتیای عضو هنین دیاری میکه وه شما. ایما هم باورمو ینه آ که گلالیا باید د تورگه طبیعی خوشو روونه بان تا زنه بی جامعه یا بشری و زیشت ورگه یا طبیعی که د قدیم بر قدیم بهره من بینه سر جا خوش موندگار بووه. امضاکنیا ئی وارسنومه و دیاری کردن همبستگی و کمپین مردمی لاداری د زاگرس مهردکار د ناسازی و داروکاریا گوئار نیین آو و نیائن ۲۸ نوروز ماه وه نوم روز چارمحال بختیاری آوردنه و ویرمو که تما داریمو که تورگیریا شما و هومیاریا جهونی زنه منن ورگه یا آوی ولات ایرونن ضمونن بکه. گوتنی هی که نیائن ۲۸ نوروز ماه وه نوم روز چارمحال سی سالویر گرد یک اوامتن ۳۰ هزار د مردم چارمحال بختیاری سی دیاری کردن نارضایی د داروکاریا سدسازی و گوئار نیین آو انجوم گیرسه.

نامه وایکی نمونیا ری خوزستان و چارمحال سی گرتن مین ره داروکاریا گوئار نیین آو

نمونیا ری دو استان خوزستان و چارمحال بختیاری د مجلس شورای اسلامی د نامه ای وایکی وه رئیس جمهور نارضایی خوشون وه سیاستیا غلط وزارت آو و هیز د مورد گلالیا کارون، کرخه و دز دیاری کردن. د ئی نامه اومائیه که: " و احترام می وارسنیم که و تذکریا پیتاپیت زیتری وه وزیر محترم آو و هیز دباره ویرداری د گلالیا و زیشتگه هنی هم میینیم که وزارت آو و هیز نه تنیا ویر کردی وه وظیفه یا قانونی خوش نمیکه، سیاستیا رهبر گپ انقلاب دباره زیشتگه ن هم دسور کار خوش کرده وه در که نمونه ش اجرا چن صد داروکار بیدون مجوزیا قانونیه. هوشک بیین گولمیا خوزستان و چشمه یا و سرینگه یا چارمحال بختیاری و د خطر د منن وریسائن گلالیا کرخه و کارون و اکوسیستم استانیا خوزستان و چارمحال بختیاری د تور تلابه یا ئی رفتاریا وزارت آو و هیز ... و داروکاریا گوئار نیین آو هی." د جائی د ئی نامه اومائیه: " د بخت گن ئی روزیا ها میینیم که تونل گلاب بیدون رعایت پاگیره یا د توافق زیشتگه ای ها اوگیری مووه. داروکار گلاب همه ش و تخلف رته و همه تا جائی که گرد مجوزیا صادریه ش دما اجرا گیرسنه که یه خوش نشو میه چنی تخلف و لابی گری انجوم گرتنه سی گرتن ئی مجوزیا. مسئله هنی یه که اگر داروکار گلاب سی پدافند غیرعامله بهر بریین آو سی ئی داروکار وه ری گلال نیفجون زاینده رود یعنی چی؟" ئی نمونیا ری د نامه شو وه وزیر آو و هیز و تاکید گوتنه که د بخت گن وزارت آو و هیز نامه ایمان سی جنابعالی دباره کم کردن بهر برسه آو د داروکاریا گوئار نیین آو کوهرنگ یک و دون بیدون ولوم(جوو) هیشته که تقاضا میکیم سی انجوم گرتنش دسور بفرمائیت.



دۆسیه‌ی سکالاه‌سهر سهرۆکی ریکخراوی بهرنامه و بودجه ره‌وانه‌ی لقی ۱۰۵۹ ی زیندانی ۲ - فهرمانبه‌رانی حکومتی تاران گرا

دوا به‌دوای خستنه‌رووی پرۆژه‌ی ژینگه‌یی بئ مۆلّت له بودجه‌ی سالی ۱۴۰۱، کۆمه‌له‌ی داوکۆیکاران مافی ژینگه و سامانه سروشتیه‌کانی خوزستان سکالاه‌ی له سهرۆکی ریکخراوی بهرنامه و بودجه کرد. ئەو سکالاه‌یه که له لایهن لقی ۳ داواکاری کشتی و شۆرپ له ناحیه‌ی ۲۸ (تاوانه‌کانی فهرمانبه‌رانی حکومت) له تاران ره‌تکرایه‌وه، له لایهن کۆمه‌له‌ی ژینگه‌پارێزیه‌وه ناره‌زایه‌تیی ده‌بریی. ده‌قی ته‌واوی پرۆژه‌ی یاسا ناره‌زایه‌تیه‌که‌ی کۆمه‌له‌ی داوکۆیکاران مافی ژینگه و سامانه سروشتیه‌کانی خوزستان به‌م شۆیه‌یه: ۴۱ پرۆژه‌ی تایبه‌ت به‌هه‌لسه‌نگاندنی ژینگه‌یی له هه‌یله‌کانی بودجه‌ی سالی ۱۴۰۱ دا جیکیرکراون، که مۆلّه‌تی یاساییان نییه، چونکه به‌پیتی ده‌قی روونی سیاسه‌ته ژینگه‌یه‌ گشتیه‌کانی رێبه‌ری بالا که له ۱۵۹۴/۲۶/۸ راکه‌یه‌ندرا و ماده‌ی ۱۰۵ ی یاسای پلانی سیه‌می که‌شه‌پیدان، ماده‌ی ۷۱ ی یاسای پلانی که‌شه‌پیدانی چاره‌م، برکه‌ی A له ماده‌ی ۱۹۲ ی یاسای که‌شه‌پیدانی پینجه‌م پلان و ماده‌ی ۲ و برکه‌ی A له ماده‌ی ۳۸ ی یاسای پلانی شه‌شمی که‌شه‌پیدان، هه‌روه‌ها ریساکانی هه‌لسه‌نگاندنی کاریگه‌ری ژینگه‌یی پرۆژه‌ی که‌وره‌کانی به‌ره‌مه‌ینان و خزمه‌تکۆزاری و که‌شه‌پیدان که له ۲۹/۸/۲۹ په‌سه‌ندکراون له سالی ۱۳۰۱، ده‌زاکانی جیه‌ه‌چێکردن پتویسته‌ بۆ وه‌رگرتنی مۆلّه‌ت پش جیه‌ه‌چێکردن و له قۆناغی خۆپندن و توانا و شوین، له کاتیگدا حکومت به‌رده‌وامه له پرۆسه‌ی نایاسایی حکومته‌کانی پشسو و پچه‌وانه‌ی ماده‌ی ۲۳ ی یاسای زیادکردنی هه‌ندیک ماده‌ بۆ یاسای ریکخستنی به‌شیک له په‌یره‌ی دارایی حکومت په‌سه‌ندکراوه له ۲۰۱۴، پلانیکی پشسینار کرد بۆ به‌ده‌سته‌ینانی سه‌روه‌ت و سامانی سه‌رمایه‌ ریزه‌کانی بودجه و خۆبه‌دوورگرتن له سه‌ینه‌وه‌ی ریزه‌کانی پرۆژه‌کان به‌بئ مۆلّه‌تی ژینگه‌یی و مۆلّه‌تی یاسایی دیکه له بودجه‌ی ۱۴۰۱. به‌لام حکومته‌کانی پشسو ناچار بوون خۆیان به‌دوور بگرن له پشسینارکردنی پرۆژه‌کان به‌سروشتی لیکۆلینه‌وه و جیه‌ه‌چێکردنی هاوکات به‌پیتی تیبینی ۳ له ماده‌ی ۳ ی پینمایی جیه‌ه‌چێکردن، ماده‌ی ۲۳ ی یاسای زیادکردنی هه‌ندیک ماده‌ بۆ یاسای ریکخستنی به‌شیک له یان لانیکه‌م چاره‌یروان ده‌کرا که له بودجه‌ی ۱۴۰۱ پراکتیزه‌کردنی هه‌له‌ی رابردوو له لایهن حکومتی نوێه‌ راست بکریته‌وه. له‌نیویاندا پرۆژه‌کان به‌ناو‌نیشانی هاوکاتی خۆپندنه‌وه و جیه‌ه‌چێکردن له هه‌یله‌کانی بودجه‌دا وه‌ک پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ناوی خواردنه‌وه له پارێزگاکانی شه‌لبورز و تاران له به‌نداوی تاله‌غانه‌وه، گواستنه‌وه‌ی ناو بۆ شه‌اره‌کانی باکووری پارێزگای کرمان، گواستنه‌وه‌ی ناوی خه‌زدر بۆ فه‌لاتی ناوه‌راست، گواستنه‌وه‌ی ناو بۆ فه‌لاتی ناوه‌ندی فه‌لاتی ناوه‌ندی، به‌نداوی ماریه‌، به‌نداوی بیلبار باسکراوه. به‌پچه‌وانه‌ی ماده‌ی دووه‌می ریکخراوی په‌یوه‌ستبوون که تیبیدا هاوتوه مه‌رجه‌کانی خستنه‌رووی پرۆژه‌کان له ریزه‌کانی پلانی به‌ده‌سته‌ینانی سه‌روه‌ت و سامانی سه‌رمایه‌ ته‌نها له چوارچۆیه‌ی ده‌ستووردایه، به‌لگه‌نامه‌ی دیدگا، یاساکانی که‌شه‌پیدانی پینچ ساله، که ژینگه‌ی ده‌گریته‌وه، دارایی، کۆمه‌لاه‌یه‌تی و ... وایکردوه ۴۱ پرۆژه‌ی بخریته‌ ناو بودجه‌ی ۱۴۰۱، که به‌پیتی نامه ژماره ۱۳۹/۳۴/۱۰/۱۰/۱۴۰۰ له به‌رواری ۱۰/۷/۱۴۰۰ که ناراسته‌ی سهرۆکی به‌ره‌مان کراوه به‌بئ مۆلّه‌تی ژینگه‌یی و مۆلّه‌تی یاسایی تریه‌کیکی تره. نارامکردنه‌وه‌ی PBO له دوو ده‌یه‌ی رابردوودا به‌جۆریک بووه که هیچ ئیراده‌یه‌ک نه‌بووه بۆ لابردنی پرۆژه‌ی بئ مۆلّه‌ت له هه‌یله‌کانی بودجه، و روونه که به‌کاره‌ینانی پاره ده‌بیت پابه‌ند بیت به ریسا په‌یوه‌ندیداره‌کانه‌وه. خاله‌ گرنگه‌که نه‌وه‌یه که ریکخراوی به‌رنامه و بودجه، به‌بئ کۆیدانه یاسا، پاره بۆ پرۆژه‌کان ته‌رخان ده‌کات به‌بئ مۆلّه‌تی یاسایی، که هه‌ندیکیان پشسه‌کوتنی فیزیکیان هه‌بووه، لیسته‌که‌یان هاو‌پینچ کراوه له‌که‌ل نامه‌نووسی نوینه‌ری که‌لی تابادان له‌که‌ل په‌یره‌رسی ... ریکخراوی به‌رنامه و بودجه له فایله‌دایه. له‌م دۆخه‌دا ریکخراوی به‌رنامه و بودجه نه‌ک هه‌ر شه‌م ریزانه‌ی له بودجه‌ی سالانه‌دا نه‌سه‌ریه‌ته‌وه، به‌لگه‌ به‌بیانوی هه‌وه‌ی که پلانه‌کان له بودجه‌ی سالانه‌ی ۱۴۰۱ دا جیکیرکراون، دووباره‌ی کردوه‌ته‌وه. به‌لام مه‌رجی نه‌وه‌ی پرۆژه‌کان بخریته‌ بودجه‌ی سالانه و بخریته‌ ناو پرۆژه‌کانی به‌ده‌سته‌ینانی مۆلکه‌وه، وه‌رگرتنی مۆلّه‌تی یاساییه، نه‌ک ته‌نها پرۆژه‌که له هه‌یله‌کانی بودجه‌دا جیکیر بکریته. کۆمه‌له‌ی داوکۆیکاران مافی ژینگه و سامانه سروشتیه‌کانی خوزستان له پرۆژه‌ی یاسا ناره‌زایه‌تی خۆیدا باس له‌و تاوانانه‌ ده‌کات که ریکخراوی به‌رنامه و بودجه ته‌نجامی داوه؛ هه‌ولێ داوه به‌ ناله‌بارکردنی پاره‌ی حکومت به‌پشسه‌کشدنی پرۆژه‌ی یاسای بودجه‌ی ۱۴۰۱. ناشکرایه که ریساکانی ژینگه و پابه‌ندبوون به‌پتوه‌ره‌کانی په‌یوه‌ست به‌هه‌لسه‌نگاندنی ژینگه‌یی په‌یوه‌ندیه‌کی نزیک و ته‌واویان له‌که‌ل ناسایشی نیشتمانیاندا هه‌یه و دووباره‌بوونه‌ی پشسینارکردنی ریسا په‌یوه‌ندیداره‌کان بووته‌ هۆی تیکدانی شه‌م ناسایشه له شه‌اره‌ جیا‌جیا‌کان، له‌وانه‌ ئه‌سه‌فه‌هان و خوزستان. به‌لام سه‌بارته‌ به‌وانه‌ی سه‌روه‌، وێرێ پرسیارکردن له ریکخراوی پاراستنی ژینگه سه‌بارته‌ به‌ تیبینی له‌سه‌ر شه‌و ۴۱ پرۆژه‌یه‌ی که له پرۆژه‌ی یاسای بودجه‌دا ناما‌زیدان پینکراوه، لیکچینه‌وه‌ی هاو‌به‌شی تۆمه‌تی مامه‌له‌کردن دژی ناسایشی نیشتمانی به‌ ته‌رخانکردنی پاره بۆ پرۆژه نایاساییه‌کان و تیکدانی به‌کتر، له‌ناوبردنی ناسایشی نیشتمانی و ده‌سته‌سه‌ردا‌گرتنی نایاسایی له بودجه‌ی حکومت له ریکه‌ی نه‌وانه‌ی سه‌روه‌ه که له ماده‌کانی ۶۴ و ۲۶۲ ی یاسای دا‌وه‌ریدا به‌لگه‌یان له‌سه‌ر کراوه.

سهرۆکی نه‌نجومه‌نی ناسایشی نیشتمانی داواي کرد لیکۆلینه‌وه له کار یگه‌ریه که له‌که‌بووه‌کانی پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ناوی کارون له‌سه‌ر خوزستان بکریته

دوا به‌دوای بلا‌ویونه‌وه‌ی نامه‌ی جه‌لیل موختار، په‌رله‌مانتاری تابادان بۆ سهرۆکی نه‌نجومه‌نی ناسایش و ره‌خنه‌گرتن له درێژه‌ی کاره هه‌له‌کانی حکومته‌کانی پشسو سه‌بارته‌ به‌ گواستنه‌وه‌ی ناوی رووباره‌کانی خوزستان له حکومتی نویدا، شه‌مه‌د وه‌جیدی کۆپیه‌کی بۆ بیکاری وه‌زیری ناسایش و ته‌ندازیاری شارستانی نێردراوه بۆ لیکۆلینه‌وه له کار یگه‌ریه که له‌که‌بووه‌کانی پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ناوی کارون له‌سه‌ر خوزستان بکهن. شه‌مه‌ر شه‌م فهرمانه جیه‌ه‌چێکردن بکریته، شه‌وه‌یه‌که‌مه‌جار ده‌بیت که لیکۆلینه‌وه له کار یگه‌ریه که له‌که‌بووه‌کانی پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ناوی کارون له کارنامه‌ی حکومتدا بیت، نوینه‌ری تابادان له نامه‌که‌یدا بۆ سهرۆکی نه‌نجومه‌نی ناسایشی نیشتمانی ره‌خنه‌ی له کرده‌ی ناگشتی و نایاسایی پارێزگار و په‌یره‌سانی ناسایشی پارێزگاکانی ئیسفه‌هان و چواره‌مه‌حال و به‌ختیاری گرت له رازیبوون به‌ جیه‌ه‌چێکردنی پرۆژه‌کانی گواستنه‌وه‌ی ناوی کارون له پشت ده‌رگای داخراوه‌وه و به‌بئ ناگادارکردنه‌وه‌ی خوزستان وه‌ جه‌ختی له‌وه‌ کرده‌ که خوزستان توانای گواستنه‌وه‌ی ناوی نییه. شایانی باسه به‌پیتی نامه‌نووسی جه‌لیل موختار و شه‌وه‌ی له‌که‌نامه‌ی که پشسه‌کشی کردوون، کارگای توئیلی به‌هه‌شت تاباد له چه‌رمه‌ین داوی ریکه‌وتنیکێ نه‌پتی تیوان به‌یره‌سانی پارێزگاکانی ئیسفه‌هان و چاهه‌رمه‌حال به‌ختیاری له نه‌نجومه‌نی ناسایش ته‌یار کراوه. ریکه‌وتنیکێ که له‌لایهن ریکخراوی ژینگه‌وه به‌ نایاسایی ناسینراوه. تا ئیستا به‌یره‌سانی ئیسفه‌هان و چه‌رمه‌حال به‌ختیاری هیچ لیدواتیکیان له‌سه‌ر ناو‌ه‌رۆکی نامه‌که نه‌داوه.



رافعی: نهر کی نیمه پیشگرتنه له مهترسی بایولژی کهنداوی فارس

سهرۆکی فراکسیۆنی ژینکه پارێزی مه جلیسی یازدهمین له رۆژی بهرپێوه چوونی کهنداوی فارس وتی: نهرکی نیمه ریکریکردنه له مهترسی بایولژی کهنداوی فارس. مهترسییهک که له سالانی رابردودا به بوونی کهشتیه ترۆلهکان کهیشتهوهته لوتکه. سومهیه رفیعی له پهیچی فرمی خۆی له تویته نووسویهتی: ”رۆژیک شه کهر نهرکی باوکانمان دهکردنی بیانییهکان له کهنداوی فارس بوو، شه مرۆ نهرکی نیمه پیشگرتنه له مهترسی بایولژی کهنداوی فارس؛ مهترسییهک که له سالانی رابردودا به بوونی ترۆلهکان کهیشتهوهته لوتکه. ”دهیا به خشندهیه تا شه کانهی که مرۆف به پێی یاسا ههلسووکهوت بکات. “شایانی بانه جۆره ناژده له بخره کانی وهک نههنگ و کیسه له دریاچهکان و ماسی جۆراوجۆری ماسیگرتن و هتد به هۆی نه بوونی کۆنترۆلی پیسیبون و کۆنترۆله کردنی جۆره داگیرکهرهکان و راوکردنی بن سنووره له ژێر مهترسییهکی گههردان.

رهخنه ی بهر فراوان له چالاکانی ژینگه پاریزی به هۆی

وشکرکردنی هورری گهوره له لایه ن کۆمپانیای نهوتهوه دوابه دوای سه رهه لدا نه وهی دیاردی خۆلبارین، چالاکانی ژینگه پاریزی خوزستان نارهبه تیه کی بهر فراوانیان له دژی درێژکردنه وهی سیاسیته وشکرکردنه وهی هورری گهوره به مه بهستی دههینانی نهوت نه چامدا. ”نیمه چالاکوانانی ژینگه ی ولات به بیانوی دههینانی نهوت، داوای کۆتاییهینان به وشکبوونه وهی تالای هورری گهوره دهکهن. ” پیسیبونی ویرانکاری بهر فراوانی کۆمپانیای نهوت وایکردوه که بهردهوامی ژیان بۆ هه مو ان قورس بیت. نهوته که ده بیت شه دی کۆمپانیایه باشتر بکریت بۆ نه وهی ولاته که سه قامگیر بیت.“

رێککهوتنی پاشینی نهوت له نیوان ئێران و عێراق تیکچوهه

نوینهی خه لکی ته بریز له مه جلیسی شۆرای ئیسلامی رایگه یانده: پیده چیت جیه جیکردنی شه ریککهوتنه له نیوان ئێران و عێراق کیشه ی هه بیت و له پیناو به رنکار بو نه وهی دیاردی خۆل و خۆل کرد وهی پیسیبت نه گیرتته بهر، که پیسیبته له باره یه وه روون بکریته وه شه تیکدانه. شه ندامه که ی کۆمپانیای ناو خۆ له درێژدها وتی: له لایه کی دیکه وه دروستکردنی به نداوه کان له تورکیا به دلتیاییه وه کاریگه ی هه به وه له چرکردنه وهی دیاردی خۆلبارین و پوته هۆی که مکردنه وهی پشکی ناو له کهرته جیاوازه کاندایا. شه پرسه پیسیبته له ریکگه ی یاسا و دیپلوما سی نپوده وه لته تیه وه به داوادا چوونی بۆ بکریت. له کۆتاییدا عه لیرهزا به یگی جه ختی کرد وه: پرسیتیکی دیکه که پیسیبته له به رنکار بو نه وهی دیاردی تۆزی ورددا له به رچا و بگیریته، پرسی ناوی سنووره کانه. به داخوه که لک وهرکرتن له سه رچاوه کانی ناوی سنوورمان سنوورداره و ناچارین له بواری ناوی سنووره کاندایا مافه کانی خۆمان به کاریهینین. له سالانی رابردودا هه م له بودجه دا بریتیکی باشی بۆ به کاریهینانی ناوی سنووره کان ته رخان کرد و هه م ربه ره ی بالا سه رچاوه ی له سندوقی که شه پیدان بۆ کۆنترۆلکردنی ناوه سنووریه کان بۆ حکومه ت دا بئین کرد. ئیستا ده بیت راپۆرت بکریت که چه ند له م قه رزه بۆ شه مه به سه ته به کاریهتوه. شایانی بانه له چالاکیه کی دیکه دا ٣٩ شه ندامی به رله مان، له هۆشداری نووسراوی خۆیاندا بۆ به رپرسیانی جیه جیکاری شه ولاته، داوای پیکهینانی کردبو نه وه یه کی (کۆنسرسیۆمی) هاوکاری نیوان ولاتانی دراوستیان کرد که به هۆی دروستکردنی به نداوه له تورکیا زانیان بهرکه توهوه .

رێکخواه نیوده وه لته تیه کان پشتگیری له ١٧ی نیسان وهک ”رۆژی چوارمه حال و به ختیاری“ و ”رۆژی جیهانی دژی گواستننه وهی ناو” دهکهن.

هاوکات له گه ل ناوانی ١٨ی نیسان به ”رۆژی چوارمه حال و به ختیاری“ و ”رۆژی جیهانی دژی گواستننه وهی ناو“، ریکخواه ژینگه پاریزه کان له سه رانه سه ری جیهان به یان نامه یه کیان بلاوکرده وه و بیرۆزیایه له چالاکانی ژینگه دهکهن له ٢٨ی نیسانی ئێران، بزوته نه وهی رزگارکردنی دیکه، له یادی ١٧ی نیسان، ”رۆژی کردار بۆ به رنکار بو نه وهی گواستننه وهی ناو“ هاوسۆزی خۆی له گه ل چالاکوانانی تورکیا، سواریا، عێراق و ولاتانی دیکه شه ندام راده که یه نبت. هه ره ها پشمان وایه که رووباره کان ده بن له چوارچیوه ی سه روهی خۆیاندا برژین بۆ نه وهی ژبانی هه موو پیکهاته مرۆیه کان و ئیکۆسیسته مه سه وشتییه کان بپارێزن که له مێژوودا سوودیان لێ وهرکرتوه، گواستننه وهی ناو و دروستکردنی به نداوه کان، هه ره ها ناوانی ١٧ی نیسان به رۆژی ”چوارمه حال و به ختیاری تاماژهی پیکراوه: هیوادارین به داواچو نه کانتان و هاوکاری نپوده وه لته تیه کان بیته هۆی مسۆگه رکردنی زیندوویی ناوچه به رخه ناویه کانی ولاته کتان. جیی تاماژه یه به نوێگه ری چالاکانی ژینگه یی رۆژی ٢٨ی خا که لپوه وک رۆژی چوارمه حال و به ختیاری و رۆژی جیهانی دژی گواستننه وهی ناو ناوه د کرا. له ١٧ی پووشپه ری ١٣٩٥ی هه تاوی، نزیکه ی ٣٠ هه زار کهس له م ناوچه یه و سه رچاوه ی زاینده روو و کارون له شاری چوارمه حال و پارێزگای به ختیاری له پاراستنی زاینده روو و کارون و نارهبه تیه ده برین به رامبه ر به تو نیله کانی کۆله ب و به هه شت نابه، که بووه هۆی ویرانه وێرانی زاینده روو و کارون و ژینگه ی بهر فراوان پارێزگا که و پارێزگاکانی خواره وه رپێوانیان کرد و دژی گواستننه وهی ناو هاواریان ده بری. شایانی بانه سه ره رای هه ما هه نگیه ی پشوو بۆ شه نجامدانی پشمانگای وینه یی خه بابته ی ژینگه یی خه لکی پارێزگای چوارمه حال و به ختیاری له گه ل بهرپێوه به رایه تی گشتی ئیرشادی پارێزگای چوارمه حال و به ختیاری، ریکری له بهرپێوه چوونی شه پشمانگایه کرا.

هه لکه نندن و کر دنه وهی پرؤژهی هه لسه نگانندی ژینگهیی بی مؤلته قه ده غه یه

سه رهۆکی ریکخراوی ژینگه داوای له پارێزگارانی کرد له گه شته کانی پارێزگا کاندای ریکری له هه لکه نندن و کر دنه وهی پرؤژه کانی هه لسه نگانندی ژینگهیی بی مؤلته بکرن. بهیتهی راپۆرتی ئاژانسسی هه والی فارس، عه لی سه لاجقه، بهر پرسی ریکخراوی ژینگه له نامهیه کدا داوای له قایقنامه کان کردوه، به له بهر چا و کرتتی فرمانه کانی ریهی مهنزی شۆرشی ئیسلامی، که وتیان: پرسی ژینگه یان پاراستنی سامانه سروشتیهی کان شتیکی دره جه دوو نیهیه؛ نه مه پرسیکی گرنکه. له هه وه لکه کاندایا بۆ گه شه پیدانی ولات، پیتویسته سه رتری له م بواره دای بکریت، هه ره وه ها و تیرای جه ختکر دنه وه له سه ره سهرۆکایه تی که رایانکه یاند؛ گه شه پیدانی که رتی لاهۆکی له سه ره ژینگه یه و پیتویسته ریکری له کاریگه ری و لیکه وه ته کانی ژینگه بکریت له چالاکي پرؤژه گه ره کانی گه شه پیدان و نابووری گه ره ی ولات بهی و درگرتنی مؤلتهی ژینگهیی.

ئاماژهی به وه شکر د: ”له سالانی رابردوودا، به کوشاره نانا ساییه کان، نه ک نه بووه هۆی بهر تیره بر دنی زه وی و گه شه پیدانی بهر ده وام، به لکه به هۆی پیسبوون و وێرانکاری چاره سه رنه کراوه، بوو به دیار ده یه کی دژه گه شه پیدان و کاریگه ری زیانه خشی بۆ سه ره له قهیرانه کانی ژینگه و ناره زایی گشتی و روژاندووه.

سه لاجقه ئاماژهی به جیهه جیکردنی پرؤژه کانی ریکای نازاد، ریکایان و هیللی ناسن، به نداو، ویتسه کی کاره با، پالاکه و پترۆکیمیایی، گواسته وهی ناو له نێوان هه وه زه کان و هتد کرد و وتی: به داخه وه له م سالانه ی داوایدا له ژیری ناو نیشانی پرؤژه کانی پیتسه که وتنی فیزیایی، به لاه م بهیتهی مؤلتهی ژینگهیی هه میشه ته حه دای گه ره بووه له نێوان ده سه لاتی جیهه جیکردن و ده زگا کانی ریکخستن و داوهری له گه ل نه م ریکخراوه دا بۆ پابه نندنه بوون به یاسا و ریتسا و ریتسا کان که ناتوانریت چاره سه ره بکرین وه ک ریکخراوی بهر نامه و بوچه ده نه وان پاره یان بۆ دابین ده کرتیت و زۆر به یان له م پرؤژانه به هه مان مؤلته له لایه ن بهر پرسیانی بالای ولات و به نامۆژکاری نوینه رانی گه ل له مه جلیسی شۆرای ئیسلامی به تاییه تی له باز نه ی هه لپه ژاردن و قایقنامه کان به هه مان ریکاری نادر وست ده کرتنه وه بۆ چاره سه رکردنی ناها و سه نکیهی کان، له وانه دار ستان برین و رووه ک، پابه نندنه بوون به سنووری چه ندا یه تی و چۆنایه تی سه رچا وه کانی ناوی سه ره زه وی، دابینه کردنی پیتویستی ناوی پرؤژه کان، ده ستیوه ردان له ناوچه کان ژینگه ی چوار به شه ی ژینگه، بوون له ناوچه شار ییه کان یان ده ستیوه ردان له تیژه وه ی قه ده غه کراوی دروست کردنی پیتسه سازی له ناوچه گه ره کان و نزیکی له شار و گونده کان و نارازیبوونی کومه لایه تی، له وانه ش جیهه جینه کردنی نه ره که کانی جیهه جیکاران بهر امه بر به ده زگا و خه لکی تر، که له کۆتاییدا ده بیته هۆی دوا گه وتن له پرؤژه کان یان ده سه لاتی داوهری له کاتی دروست کردنی پرؤژه که دا رووه دات، که به شتیکی له ده سه لاتی داوهریدا وه ک پیتسه لکر دنی نامیری جیهه جیکردن لپه ی جینه وه ی له گه ل ده کرتیت.

له کۆتایی نوسراوه که دا سه رهۆکی ده زگای پاراستنی ژینگه ئاماژهی به وه کردوه، بۆ نه وه ی له داها تودا کیتسه دروست نه بیته و زنجیره ده ستییکردنی پرؤژه که بیره ریت بهیتهی مؤلتهی یاسایی، له نێوانیدا مؤلتهی ده زگای ژینگه پارێزی وه ک مؤلتهی هه لسه نگانندی ژینگه، پرؤژه کان چا کسان ییانه له سه ره ده کرتیت و ده کرتنه وه پارێزگا کان رووه ده ن، به توندی دوور ده خرینه وه.

شایانی باسه نه م ریکخراوه و یه که کانی سه ره به پارێزگا کان نه وه پیری هاو کاریبان ده بیته بۆ ناسان کاری و خیرا کردنی پیدانی مؤلته وه ک جار ان و له ماوه یه کی کورتتر دا له و کاته ی یاسا دیاری کردوه.

نوسراوی هاو به شی نوینه رانی خوزستان و چوار مه حال و به ختیری بۆ ریکری کردن له گواسته وه ی ناوی کارون

نوینه رانی پارێزگا کانی چوار مه حال و به ختیری و خوزستان نامه یه کی هاو به شیانه بۆ سه رهۆک کۆمار نووسی و ناره زایه تیبیان در پیری بهر امه بر به سیاسه ته کانی و هه زار ته ی وزه بهر ان بهر به رووباره کانی کارون، کهر خه و دیز. له ده فی نه م نامه گرنکه دا ده خوینینه وه: ”به رتزه وه وه بیتر دینیتته وه، سه ره رای چه ندين جار هه ژهداری ناراسته ی وه زیری وزه؛ بۆ بهر کریکردن له ژینگه و پاراستن و پاراستنی رووباره کانی ولات و ناوچه ناوییه کانی دیکه، نیهه شاهیدی نه وه ی نه ک هه ره و هه زار ته ی وزه گرنکی به نه ره که یاساییه کانی نادات، به لاه م به تاییه تی سیاسه تی ژینگه یی ریهی بالای پیتسه گۆی خستوه، وه ک جیهه جیکردنی سه دان پرؤژه ی بیناسازی بهیتهی مؤلتهی یاسایی له رووباره کانی کارون و کهر خه و ... و له ناوهر دنی ئیکۆسیسته می پارێزگا کانی خوزستان و چوار مه حال و به ختیری له ریکه ی نا کارایی پیتسه کاته یی و بهر تیره به رایه تی و جیهه جیکردنی پرؤژه کانی گواسته وه ی ناوه وه بووه. ”له در تیزه ی نوسراوه که دا ها توه: ”به داخه وه له م پرؤژانه دا راپۆرت ده ده ی که تویتلی کولا و بهی ر هچا کردنی نه م نه ر کانه ی له ریکه وتنی ژینگه یی نه م پرؤژه یه دا ها توه. پرؤژه ی کولا و به ر هه تیککی نایاساییدا ریه شتوه که قولا یی پیتسه لکار ییه کان و لوبیکردن بۆ به ده سه ته ی نانی نه م مؤلته تانه در ده خات. پرسیکی دیکه نه وه یه که نه که ر پرؤژه ی کولا و پرؤژه یه کی بهر گری پاسیفه بیته، ته ر خان کردنی ناو بۆ نه م پرؤژه یه له سه ره رووباری قوولی زه یانده مانای چیهه؟ ”نایا بۆ زاینده روود شتیکی نوئ نیهه؟ تکایه به روونی روونی بکه نه وه بۆچی پرؤژه که دروستکراوه. ” و چۆنیتتی پیتسه لکر دنی مؤلته که کان. ” نه م نوینه رانه جه ختیه ان له وه کردوه: ”به داخه وه و هه زار ته ی وزه نامه و نامه کانی بۆ پیرۆزی به جیهه شتوه سه به رته به پیتویستی که مکر دته وه ته ر خان کردنی پرؤژه کانی گواسته وه ی ناوی کوهرانگ یه ک و دوو و هتد به پیتی بهر یه ی ته ر خان کردن، بۆیه پیتویسته جیهه جیتی بکریت. ” دووباره به کرده وه. ” تکایه داوا بکه. له کۆتاییدا نوینه رانی هه ر دوو پارێزگا جه ختیه ان له نایاسایی بوونی گواسته وه ی ناوی پرؤژه ی کوهره نگ ۳ کرده وه: ”به داخه وه له روانگه ی نویدا، وه زیری وزه ی نه م و هه زار ته ره تیده کاته وه ته نه انته هاو کاری ده سه لاتی داوهری بکات، بۆیه داوا ده که یه به داو داو چون بکه ن و رابیکه یه من و هه زار ته ی وزه چیه به هۆی چ پیتسه یان یه ک له پیتسه شکر دنی نه م زانیار یانه ی که ده سه لاتی داوهری داوا ده کات، وه ک لقی ۳ لی کۆلی نه وه ی شاری کورد له به یه ر دنی به بهنداوی کوهرانگ ۳ خۆی بواردوه. که وایه به پیتویستی دزانی به لکه کانی دوا کراوی لقی سیی به داو داو چونی شاری کورد به شینۆزکی روون بخته بهر ده ست ده سه لاتی داد و نوینه رانه وه.



اخبار محیط‌زیستی ایران به زبان ترکی آذربایجانی ایران چئوره خبرلری

کوهرنگ'ین اوچونجو تونلیندن کارون قوللاری نین سو پمپالاما عملیاتی نین باشلادیلماسی

اصفهان اُستانی نین بؤلگه‌لیک سو تشکیلاتی نین عمومی ایلیشکیلری نین اعلاتینا گؤره ۵ فوروردیندن اعتباراً «زاینده رود» چایی نین هماهنگی شوراسی نین مصوبه‌سی اساسیندا، خوزستان و چهار محال و بختیاری استانلاریندا سابسیز چوره، سوسپال و گوئولیک چتینلیکلره قارشلی قارشیا دوران بو پروژه قرار دیر زاینده ۴/۵ متر مکعب پمپاژ ائیلهرک زاینده رود چایینا سو داشیسیین. حالبوکی چایین آشاغی آخینی نین یاشایانلاری ایچون لازم اولان سو مقداری و پمپاژ سوره‌سی معین اولماییدیر. قئید اولونمایدیر کوهرنگ ۳ پروژه‌سینده کارون سو توپلاما آلانیندان سو یون جهتی بیر گان-دا یئرلشن کوهرنگ چایی نین اوزریندن زاینده رود چایینا ساری طراحلیق اولونوپدور. «وحدت سبز فرخشهر» چوره درنگی محکمه تشکیلاتینا بیر مکتوب یازدی: «کوهرنگ ۳ پروژه‌سی نین چوره مجوزی یوخدور، فرهنگ میراث، طبیعی قاینقلار، جهاد کشاورزی، ایلات ایشلری مجوزلری و سایر قانونی مجوزلری ده یوخدور. ان تاسف ائتمه‌لیسی ده بو که کوهرنگ'ین اوچونجی تونلی اوزرینده هیچ بیر چوره دگرلندیمه چالیشمالاری آپار یلمامیش و ساده‌جه دگرلندیرمه راپورونون جلد اوزرینده اوچونجی تونله اشاره اولونومشودور. بو معنادا که حال حاضر دا قوللانا عملیاتیندا اولان پروژه هیچ بیر چوره مجوزینه صاحب دگیلیر.

پمپاژ عملیاتینی پلانلاییر کن دفته آلینمایان بیر موضوع ایسه بودور که کوهرنگ ۳ پروژه‌سی نین چوره دگرلندیرمه‌سینده بئیله گلیپ که کوهرنگ ۳ سدی نین آشاغاسیندا هیچ شهر و کند یوخدور. حالبوکی سدی ن آشاغاسیندا چوخ ساییدا شهر و کند واردیر که سو یون دوز نسیز پمپالانماسی چایین قوروماسینا سبب اولار و آشاغیدا اولان کند و شهرلره خسارتلر وورار. بو موضوع گنجمیش ایللرده ده اولموشدور بئیله که ۹۶. ایلین اردادیهشت آییندا گنجمیش جمهور باشقانی نین اصفهان کلمه‌سی ایله عینی زماندا کوهرنگ چاییندن زاینده رود چایینا سو پمپالانماسی کوهرنگ چایی نین کامل قوروماسینا سبب اولموشدو. تکنیکی مطالعه‌لرین اولماماسی سدی ن آشاغاسیندا کی یئرلی توپولملارین حققرینی پوزماقدان علاوه، قیصری قوروما بؤلگه‌نین اولدوغونا گؤره اولار جابیتگی و حیوان نولاری نین یاشاییشینی تهدید ائندیر.

بو چوره درنگی محکمه‌یه وئردیگی شکایتی نین متنینده یازمیش: «بو گونه کیمی سایمازلیقدان گلن و تاسف ائتمه‌لی نکتہ بودادیر که چایین چوره احتیاجی ایلده ۴۶ میلیون متر مکعبدیر که پمپالاما عملیاتی ایله هیچ بیر شکیلده الده ائدیلمز. ۱۴۰۰ / ۴ / ۳۰ تاریخینده دی رسمی محکمه‌سی نین اوزمانی نین گؤرؤشمه‌سینده کوهرنگ چایی ثابته ۲،۴۸ متر مکعب اولچولوپ که ۴/۵ متر مکعب تعریف اولونموش اولانیلان اولچو ایله چایین قوروماسیندان باشقا مناسی یوخدور. دئمه‌لی بیک که کوهرنگ چاییندا آخان سو اصلینده کیچیک بیر سو حقیقدیر که کوهرنگین بیرینجی و ایکینجی تونلیندن اؤتورولمه‌میشدیر و هیچ بیر شکیلده اوندان گؤتورمگه اجازه یوخدور.»

چهار محال و بختیاری استانیندا سبز کوه-ون سویونون چوره اجازه‌سی اولمادان انتقالینا اعتراض ائدلره محکمه رایلی و آغیر حکم‌لر صادر اولدو

بروجن شهرستانی نین جزا محکمه‌سی نین ۱۰۱ شعبه‌سی، قاضی محسن جلیلی پیرانی نین باشقانیغیندا، سبز کوه سویونون نقل ائتمه پروژه‌سینده قارشلی گلن ۳۷ معترضین حکم‌لرینی صادر ائیلهدی. بو محکمه رایینده سوچولار جماعتی تحریک ائدیپ قورشالایارق عمومی نظم و آرامشی پوزماقدا یاردیمچی اولماق سوچوندان، عمومی نظم و آرامشی پوزماقدان، دولتی و عمومی اموالی خرابلاماقتا اشتراک ائتمک سوچلاریندان قامچیلانما و نقسدی جزا اؤده‌مگه محکوم اولدولار. سبز کوه تونلی کارون-ون باش قولوندا دیر و متهملر تونل تیکدیرمگین سبز کوه طرفیندن چوره مجوزی اولماماسینا اعتراضچی ایدیلر. بو دوسیانتین شکایسی خاتم‌الانبیا قرارگاه و چهارمحال

بختیاری نین بؤلگه‌لیک سو تشکیلاتیدیر. اعتراض ائیله‌یلر ۱۳۹۴. ایلده، سبز کوه بؤلگه‌سینده سو نقلی ندنی ایله قوروموش اولان آلوغره چشمه‌سی باشیندا چپ چالقی آلتی ایله بختیاری لرین سیمبولیک یاس تۆزلرینده (بو تۆرن بختیارلیره اؤزل یاس مراسمیدیر) اشتراک ائتمیشیدیلر. بو مراسم باشا چاتاندان سونرا سبز کوه تونلی نین کارگاهینا مجهول شخصلر طرفیندن هجوم ائدلمیشدی. سوچولار بو ایشده اشتراک ائتدیکلرینی داندیلا.

«پوش یونتوسو و نشانی» نین طراحلیغی چاغیر یسی یایمیلاندی

ایلناتین راپورونا گؤره بو کمپین دیرخانه‌سی بیلدیردی: کمپین بؤیله قرارا گلیپ، ایران اسلام جمهور یسی نین آنا یاساسی نین الینجی اصلینده دقت ائدهرک و کلان چوره سیاستلر دغورولتوسوندا، سوبیل توپلوم اؤز گوتلری نین، چوره شخصیتلری نین، و بیر عده رسمی مقاملارین ایشبیرلیگی و اور تاقلیغی ایله چوره نین تخریبی ایله سونوجلاتان غیر قانونی و اصولسوز جا پروژه‌لرین اجرا یا گنجمه‌سینده تاثیرلی اولان عامللر و مجموعه‌لری تانییدیر سین و اولار «پوش نشانی» وئرسین. «پوش» ایران میفلرینده «قوراقلیق دیوی» دیر که ایران خلقی آراسیندا چوخ اسکیلردن یاغیش تاریسی اولان «تیشتر» ایله دشمنلیک ائتمگه معروفدور. ایران کیمی هر دائم سوسوزلوق و سو قاینقلاری نین تخریبی ایله قارشلی قارشیا دوران بیر اؤلکده بو دیوین مهم سیمبولیک یئری واردیر. «پوش نشانی» اعطا ائتمک، جزاسیزلیق فرهنگینه قارشلی سیمبولیک بیر ایلمدیر ایریجا طبیعتی و آله وئرگیسی اولان و بوتون نسلره عاید اولان دگرلی قاینقلاری قیسا مدتلی و قالارلی اولمایان اقتصادی منفعتلره فدا ائدن شخصیتلری یا اؤز گوتلری تانییدیر ماق ایچون بیر اددیمدیر.

بلکه بو یول ایله بو شخصیتلر یا اؤز گوتلر داورانیشلارینی یئنیندن گؤزدن گنجیر سینلر یا دا بیزیم سیمبولیک یاغیر تیمیز گر کلی اولان قانونی ایشلملر ایله سونوجلاتان سین. اثرلرین گؤندریلمه مهلتی ۱۱ اردادیهشت-۲۷ خرداد ۱۴۰۱ اعلام اولونوپ. بو فستیوالین ژوریلری یونتو بؤلومونده: خانیملار و آق‌لار ندا مذهب جعفری، حمید شانس، مهدی رنگچی، حمیدرضا صادق زاده، بیژن غنچی پور، حسین داوری نژاد و عباس افتخاری-دیرلر. نشان بؤلومونده ایسه خانیملار و آق‌لار: ندا مذهب جعفری، محمد کاظم فلسفی، شهاب الدین نژاد تهرانی، فرزاد ادیبی و مهدی احمدی-دیرلر. بو فستیوالین هنری دبیر لیغینی خانیم بیتا حسنی اوستلنیدیر.

برنامه و بودجه تشکیلاتی نین باشقانیندان شکایت دوسیاسی تهر انین دولت ایشچیلری نین شعبه ۱۰۵۹ ایکینجی جزا محکمه سینه گؤندر یلدی

چوره مجوزی اولمایان پروژه ۱۴۰۱ بودجه سینه یئر اذیقدا ن سونرا، خوزستانین چوره حقلری و طبیعی قاینقلار ساوونانلاری برنامہ و بودجه تشکیلاتی نین باشقانیلیندن شکایت ائتدیلر. بو شکایت تهر انین ناحیه ۲۸ عمومی و انقلاب محکمه سینه نین اوچونجو شعبه سینه (دولت مامور لاری سوچلاری) رد اولاندان سونرا بو چوره درنگی طرفی نین اعتراضی ایله قارشیلانندی و شکایت دوسیاسی تهر انین دولت ایشچیلری نین شعبه ۱۰۵۹ ایکینجی جزا محکمه سینه گؤندر یلدی. خوزستانین چوره حقلری و طبیعی قاینقلار ساوونانلاری درنگی نین اعتراضی نین کامل متنی بؤیله دیر: "بیلدیگینیز کیمی محترم دولت ۲۱ آذر ۱۴۰۰-۱۴۰۱ ایلی ن بودجه لایحه سینی اسلامی شورا مجلسینه تقدیم ائیلهدی. بودجه لایحه سینی اینجه لر کن بللی اولدو ۱۴۰۱ ایلی ن بودجه ردیف لرینده چوره دگرلندیرمگه شامل اولان ۴۱۱ پروژه نین قانونی مجوزی یوخدور. بؤیوک رهبرلیق مقامی نین ۱۳۹۴/۸/۲۶-ده ابلاغ اولونموش چوره قونوسوندا عمومی سیاستلری نین اچیق متنی اساسیندا، اوچونجو گلیشیم برنامہ سی قانونون ۱۰۵-ماده سی، دؤر دونجو گلیشیم برنامہ سی نین ۷۱-ماده سی، بشینجی گلیشیم برنامہ سی نین ۱۹۲-ماده سی نین الف بندی، آلتینجی گلیشیم برنامہ سی نین ۲-ماده سی و ۳۸-ماده سی نین الف بندی، آریجا ۱۳۹۰/۸/۲۹ تاریخینده تصویب اولان بؤیوک تولید، خدمات و عمران پروژه لری و طرحلری نین چوره اثراتی نین دگرلندیرمه سی قورال قانده لری اساسیندا اجرایی تشکیلاتلار موظف دیرلر اجرا ای گنجه مده ن اؤنجه آراشدیرما، مکان دگرلندیرمه و یئر تاپما مرحله سینه مجوز آماغا مراجعه ائتسینلر.

حالیوکی، حرمتلی دولت، گنجه میده کی دولت لرین غیر قانونی سورجی نین دوامیندا و ۱۳۹۳ ایلی نده قبول ائدیلن ماده ۲۳-ن دولتین مالی مقرراتی نین بیر قیسیمی نین تنظیمینه بعضی مادلرین آرتیرماسینا ایغیری اولراق بودجه ردیف لرینده یاتیریملیق مال وارلیقلاری نین تملک طرحینی اؤتیریدیر و چوره مجوزی و قانونی مجوزلری اولمایان پروژه ردیف لری نین ۱۴۰۱ بودجه سینه حذف اولماسیندا چکینیر. حالیوکی گنجه میش دولت لر موظف ایدیلر ۳-ماده نین ۳-تبصره سی اساسیندا قانونون تنظیملمه حصه سینه بعضی مادلرین علاوه ائدیلمه سی حقیقده قانونون ۲۲-ماده سینه اویقون اولراق عینی وقتده اؤگزینلمه سی و حیانا گنچیرلمه سی کاراکتر داشییان تکلیفلری ممنوع ائدن لایحه لری تصویب ائتمکدن ساقینایدی گرک. یا دا ان آزی ۱۴۰۱-ین بودجه سینه گنجه میش دولت لرین یانلیش گنجه میش نین اصلاح اولونماسی گؤزله نیلیردی. بودجه ردیفینده عینی زماندا آراشدیرما و اجرا ای یئر آلان پروژه لرین بو عنوانلاری سیرالماق اولاق: طالقان سدیندن البرز و تهر ان استانلارینا ایجه مده لی سو نقلی، کرمان استانی نین قوزای شهر لرینده سو نقلی، خزر سو یونون مرکز فلاتا نقلی، مرکزی فلاتا سو نقلی، ماربر سدی، بلبر سدی، برنامہ و بودجه تشکیلاتی نین الحاقین ۲-ماده سینه-که پروژه لرین یاتیریملیق مال وارلیقلارینی تملک ائتمک طرحینی آنا یاسا چرچیوه سینه صرفا گله جک پرسپکتیو سندی، چوره، مالی و سوسیال و... آراشدیرمالاری اولان ۱۵ ایلیک گلیشیم قانونلارینی ممکن قیلیمیش- ایغیری اولراق ۴۱۱ پروژه ۱۴۰۱ بودجه سینه یئرلشدیرمیش که چوره باشقانی نین مجلس رییسینه یازدیغی ۱۰/۷/۱۴۰۰/۱۰/۱۳۹ تاریخده ۳۴۱۳۹/۱۰۰/۱۴۰۰ نمره لی مکاتبه اساسیندا چوره مجوزی و سایر قانونی مجوزی یوخدور. برنامہ و بودجه تشکیلاتی نین ماماشاتی بؤیله اولموش که قانونی مجوزی اولمایان پروژه لرین بودجه ردیفینده حذفی ایچون هیچ بیر اراده اولمامیش و بلیدیر که اعتباراتدان یارارلانماق مربوط اولان قورالارین رعایتی ایله اولمالیدیر. مهم نکته بوردادیر کی، برنامہ و بودجه تشکیلاتی قانونا دقت ائتمه ن قانونی مجوزی اولمایان پروژه لره بودجه اختصاص و تریر که بونلاردان بیر پاراسیندا فیزیکی ایلمه لره ده وار و لیسته سی آبدان جماعتی نین نماینده سی ایله برنامہ و بودجه تشکیلاتی باشقانی نین مکتوبلا شماسیندا وار و دوسیادا موجوددور. بو دورومدا ایسه برنامہ و بودجه تشکیلاتی ایلیک بودجه ده بوردیفلری حذف ائتمه ییب حتی طرحلری دستکلمه بهانه سی ایله ۱۴۰۱ ایلی نین ایلیک بودجه سینه ده تکرار اییپدیر.

حالیوکی طرحلرین ایلیک بودجه ده دستکلمه سی نین و تملک دارایی طرحلرینده یئر آلماسی نین شرطی قانونی مجوز آماغا دیر نه اینکی پروژه نین صرف بودجه ردیفینده اولماسی. خوزستانین چوره و طبیعی قاینقلار حقلرینی ساوونان درنگ اؤز اعتراض لایحه سینه برنامہ بودجه تشکیلاتی نین واسطه سیله ایشلن سوچلاری سیرالایر: مسلم اولان بودور که برنامہ و بودجه تشکیلاتی و جناب مسعود میر کاظمی شخصلری اؤنجه یازدیغیمیز قورالاری آباق آلتینا قویاراق و اسلامی مجازاتین ۵۹۸-ماده سی نین اچیق متنینه ایغیری اولراق، ۱۴۰۱ ایلی ن بودجه لایحه سی نین سونماق آدینا دولتی و جهلری غیر قانونی صورتده تصرف ائتمگه قالدیشیب. آیدین و آشکار دیر که چوره قورالاری و چوره دگرلندیرمه لره مربوط اولان ضوابطه اویماق ملی امنیت ایله یاخین و اکسیکسیز ارتباطی واردیر و بو قورالارین دفعه لره آباق آلتیندا قویولوپ هیچه ساییلماسی بیر چوخ شهر لره او جمله ن اصفهان و خوزستانین بیر چوخ شهر لرینده، گوونلیگین پوزولماسینا سبب اولوپدور. بو اچیقلامالار لا یوخاریدا دیییلنلر ایله ایلیگیلی، چوره تشکیلاتیندان بودجه لایحه سینه قید اولان ۴۱۱ پروژه حقیقده استعلام ائدرک، علیه نه شکایت اولان شخصین غیر قانونی پروژه لره بودجه اختصاص و ترمک و عمدی اولراق اؤلکه امنیتینی پوزماق و دولتی بودجه ده غیر قانونی تصرف ائتمکله ملی امنیتیه قارشی اقدام ائتمک سوچوندا ن، جزا محکمه سی قانونون ۶۴ و ۶۲ ماده لرینده استنادا، تعقیب اولونماسی ایسته نیلیر.

اؤلکه نین امنیت شوراسی باشقانی کارون سو نقلی پروژه لری نین خوزستان اوزرینده کی جمعی اثر لری نین اینجه لنمه سینی ایسته دی

آبدان جماعتی نین مجلسده کی نماینده سی، جلیل مختار-ین اؤلکه امنیت شوراسی نین باشقانی یازدیغی مکتوبونون و گنجه میش دولت لرین خوزستان جایلا ریندان سو نقلی خصوصوندا یانلیش گنجه میشلری نین یعنی دولتده استمراریندان انتقاد ائتمه سی نین یایمیلانماسی نین آردیجا، احمد وحیدی کیسی ایچ ایشلری باخالنیغی نین امنیت و عمران معاونتینه گؤندر یلمیش اولان بیر دستوردا کارون سو نقلی پروژه لری نین خوزستان اوزرینده کی جمعی اثر لری نین اینجه لنمه سینی ایسته دی. اگر بو دستور گرچکلیک سیرسه، ایلیک دفعه اولراق کارون سو نقلی پروژه لری نین جمعی اثر لری نین آراشدیرلماسی دولتده گوندمه گتیر یلمیش اولاجاق.

آبدان نماینده سی اؤلکه نین امنیت شوراسی باشقانی یازدیغی مکتوبدا اصفهان و چهار محال بختیاری استانلاری نین استاندارلاری و امنیت مقاملاری نین باغلی قاپیلار آردیندا و خوزستانین مسئوللاری و نماینده لری نین بیلیگیسی اولمادان کارون سو نقلی نین پروژه لری نین اجرا ای گنجه مده سی آنلاشمالاری نین غیر قانونی و غیر علنی گنجه میشلریندن انتقاد ائیلهدی و خوزستانین سو نقلی کاپاسیته سی اولماماسینا و ورغولادی. دئمه لیدیر که جلیل مختارین مکاتباتینا اساسلارناراق و سوندوغو بلگه لره گؤره بهشت آباد تونلی نین کارگاهی نین چرمه یین-ده تجهیزی اصفهان و چهار محال بختیاری استانلاری نین مقاملاری و اؤلکه نین امنیت شوراسی ایله غیر علنی آنلاشمدان سونرا اولوپدور. بو آنلاشمانی چوره قوروما تشکیلاتی غیر قانونی اعلان ائدیپ، بو گونه کیمی اصفهان و چهار محال بختیاری استانلاری نین مقاماتی بو مکتوبون محتواسینا گؤره باخیش اچیقلامایپیلار.



رفیعی: بیزیم رسالتیمیز فارس کۆر فزینی بیولوژییک تهدیدلر دن قوروماقدیر

اون بیرینجی مجلسین چوره فراکسیونو باشقانی فارس کۆر فزینی گونونده دئدی: بیزیم رسالتیمیز فارس کۆر فزینی بیولوژییک تهدیدلر دن قوروماقدیر؛ سون ایللرده ترالرلرین حضورو ایله ماکزیموما یتیشین تهدید.

سمیه رفیعی رسمی توویتر صفحہسینده یازدی: بیر گون بابالاریمیزین رسالتی اؤز گه لری فارس کۆر فزیندن قوروماق اولسایدی، بو گون رسالتیمیز فارس کۆر فزینی بیولوژییک تهدیدلر دن قوروماقدیر. ترالرلرین حضورو ایله ماکزیموما یتیشین بیر تهدیددیر. دنییز سخاوتلیدیر، انسان اونونلا اصولوجا داورانیرسا.

دئمهلیدیر بولانلیقلارین کنترل اولماسیندان دولایی و مهاجم نوعلرین کنترل اولماسی و دوز نسیز بالیقچیلیق ائتکیسینده نهنگلر، کۆپک بالیقلاری، دنییز توسباغالاری، شیلات بالیقلاری و... جدی تهدیدلر آلتیندادیرلار.

هور العظیم-ین نفت شرکتی طرفیندن قورودولماسینا چوره اکتیویستلری نین یایقین تنقیدی

یئنیندن اینجه توزلار اولگوسونون تکرارلانماسیندان سونرا خوزستان چوره اکتیویستلری یایقین بیر اعتراض ائیلیمنده نفت استحصالی هدفی ایله هورالعظیم-ین قورودولماسینا اعتراض ائتدیلر. بو سانال تارامادا گلیپ: بیز اؤلکه نین چوره اکتیویستلری هورالعظیم سولاق آلانلارینی نفت چیخارتماق ایچون قورولتماغی نین دور دورولماسینی ایستیریک. اورتاق قاینقلاردان نفت استخراج اولوناجاق ایسه گرک سو اورتامیندا و هورالعظیم سو حقی قوروناراق بو ایش گرچکلشسین. نفت شرکتی نین حدی نهایتی اولمایان تخریباتیندان قاینقلانان بولانلیق و توز تورباقلار، حیاتی هر کس ایچون چتینلشدیریر. اؤلکه نین استقراری ایچون نفت شرکتی نین ایشلرینده رفورملار آپاریلما.

ایران ایله عراق آراسیندا مالچلاما آنلاشماسیندا سابوتاژ اولدو

تبریز جماعتی نین اسلامی شورامجلسینده کی نماینده سی وورغولادی: بئله گۆرونور ایران و عراق آراسیندا کی بو آنلاشمانین اجرایی مشکله اوغرایپ و اینجه توزلار اولقوسو ایله مجادله ایچون لازم اولان ایشلرلر اومورکه بو سابوتاژلار اچیقلائیپ آنلاتیلما لیدیر. ایچ ایشلری کمیسیونونون عضوی سۆزلری نین دوامیندا دئدی: دیگر

طرفدن تورکیه ده تیکدیریلن سدلر کسینلیکله اینجه توزلار اولقوسونون شدتلمه سینده تاثیرلی اولموشدور و مختلف بۆلوکلرین سو پای نین آزالماسی ایله سونوجلانمیشدیر. بو موضوع اولوسلار آراسی حقلر و دیپلوماسی طریق ایله تعقیب ائدیلمه لی. علیرضا بیگی سۆزلری نین سونوندا وورغولادی: اینجه توزلار اولقوسو ایله مجادله ده دقت ائدیله جک باشقا بیر موضوع ایسه مرز سولاری نین بحثدیر. تاسف ایله بیز مرزی سولاردان محدود یارالانیریق که مرز سولاری حوزه سینده گرک اؤز حقلریمیزدن استفاده ائیله یک. گنچن ایللرده ده مرز سولاریندان استفاده اتمک ایچون یاخجی بیر رقم بودجه اختصاص وئریلدی آیریجا مرز سولارینی مهارلاماق ایچون معظم رهبرلیق مقامی دا توسعه سندوقونان بعضی قاینقلار دولتین اختیاریندا قویدولار. ایندی ایسه راپور وئریمهلیدیر که بو اعتباراتدان نه قدر بو ایش ایچون خرچلنمیشدیر. قید اولونمالیدیر که آیری بیر ائیلیمده ۳۹ مجلس نماینده سی اؤلکه نین اجرایی مسئوللارینا خطابا اؤز کتبی تذکرلرینده تورکیه نین سد تیکدیرمه سیندن ضررلی اولان قونشو اؤلکه لر دن اولوشان بیر کنسر سیوم قورولماسینی ایسته دیلر.

اولوسلار آراسی قورولوشلار ۲۸ فروردین گونونو «چار محال بختیاری گونو» و «دنیا سو نقلینه قارشى گونو» اولراق دستکله دیلر

۲۸ فروردین گونونو «چار محال بختیاری گونو» و «دنیا سو نقلینه قارشى گونو» آدلاندرماق ایله عینی زماندا اولوسلار آراسی چوره قورولوشلاری دنیانین باشباشیندا بیر بیانیه صادر ائیله یپ ۲۸ فروردین گونونو چوره اکتیویستلرینه تبریک دئدیلر. بو بیانیه ده ایران چوره اکتیویستلری ایله دایانیشما بیلدیرپ گتیرمیشلر: دجله قورتارما حرکتی ۱۷ آوریل «سو نقلینه قارشى دورما گونو» نو اناراق، تورکیه، سوریه، عراق و سایر عضو اولان اؤلکه لرین اکتیویستلری نین سیزینله یولبیر اولدوغونو اعلان ائدی. بیز ده بونا اینانیریق کی چایلار اؤز یاتاغیندا آخمالیدیرلار که تاریخ بو بونجا اولناردان فایدالانان بوتون انسان توپلولوقلاری نین یاشاییشلاری و طبیعی یاشام یرلری قورونوپ قالسین. بو بیانیه نین امضالایانلاری اؤز دایانیشمالارینی مهربان زاگرس اؤرگوتونون چوره اکتیویستلری ایله اعلان ائده رک سو نقلی پروژه لری و سد تیکمه لره قارشى اولمالارینی و ۲۸ فروردینی چهار محال و بختیاری گونو اولراق اونایلا دیقلارینی بیلدیرپ خاطرلاتمیشلار: اومود ائدیریک سیزین چابالاریز و اولوسلار آراسی ایشییرلیکلر، اؤلکه نینیزین دگرلی سو آلانلاری نین جانلیلیغینی ساغلار.

قید ائتمگه دگر چوره اکتیویستلرین ایتکاری ایله ۲۸ فروردین، چهار محال بختیاری اُستانی نین جماعتی نین سو نقلی و سد تیکمه پروژه لری نه قارشى ۳۰ مین نفر لیک اعتراضی تجمع ائتمه سی گونو، دنیا سو نقلینه قارشى گونو اولراق آدلاندریلپ. ۲۸ فروردین ۱۳۹۳ تخمیناً اوتوز مین نفر بو بۆلگه نین و چهار محال و بختیاری اُستانی نین زاینده رود چایی ایله کارون چایی نین قاینغیندان اولان جماعت گلاب و بهشت آباد تونل لری نه اعتراض اولراق که زاینده رود و کارون چایلاری نین یوخ اولماسینا و استاندا و آشاغیدا اولان استانلاردا یایقین چوره تخریباتینی سبب اولوپ اعتراض یرتیبیشی یولا سالدیلار و سو نقلینه قارشى اعتراض فریادلاری آتدیلار. دئمهلیدیر چهار محال بختیاری اُستانی نین خلقی نین چوره مبارزه لری نین حاضرانان رسم سرگیسی استانین کل ارشاد اداره سی ایله اؤتجه دن اولان هماهنگلیقلارلا رغما بو سرگی نین گنچیر یلمه سی نین قباغی آلتندی.

چورہ دگر لندیمہ مجوزی اولمایان پروژہلرین کولونگ وورما و آچیلیشی یاساقدیر

چورہ تشکیلاتی نین باشقانی اُستانداریلاردان ایستہدی اؤز اُستانی سفرلریندہ چورہ دگر لندیمہ مجوزی اولمایان پروژہلرین آچیلیشی و کولونگ وورماسی نین قاباغینی اَلسینلار.

فارس خبر مرکزی نین زاہورنا گؤرہ چورہ تشکیلاتی نین باشقانی، علی سلاجقہ، بیر مکتوب واسطہسیلہ اُستانداریلاردان ایستہدی معظم رہبر مقامی نین بو یوروقلاری اساسیندا کی دئمیشلر: چورہ مسألہسی یا طبیعی قاینقلارین قورونماسی بیزیم ایچون لوکس و ایکینجی درجہده اولان بیر مسألہ دگیلدیر؛ بیر حیاتی سوروندور. بیزیم اؤلکہ ایچون چابالاریمیزدا بیرنجیلیک بو بؤلومده اولمالیدیر. آیریجا جمہور باشقانی نین تاکیدی اساسیندا کہ بو یوروشلار؛ گلیشیم چورہیہ فرعدیر و چورہ اثرلر و نتیجہلری دگر لندیریلیمہدن بؤیوک عمرانی پروژہلرین و اؤلکہ نین کلان اقتصادی پروژہلرین چورہ مجوزی اَلمادان قاباغی اَلینسین. او، بو مکتوبون اُردیندا اُرتیردی: گنجیمیش ایللردہ اجرا اولونان غیر معمول باسقیلارلا و محض بؤلوملوک باخیشلارلا، اراضی نین استفادہ پلانلاندیریلیماسی و قالیجی گلیشیمی گرچکلنمہدی و بوندان علاوہ جبران اولمایان تخریبات و بولانلیقلار ندنی ایلہ گلیشیم قارشیتی اولقویا دؤنوشدو و آیریجا چورہ بحرانلارینی اُرتیراق توپلومدا عمومی ناراضیلیقلاردا سبب اولدو. سلاجقہ بو قونولاردا اؤرنک اولراق اوتویولار، قارا یوللار و دمیر یوللاری پروژہلرین اجرا اولونماسینا، سد تیکمکلر، انرژئ سانتراللاری، پالیشاگہلار و پتروشیمیلر، حوضلر اُراسی سو نقلینہ و... ایشارہ اندیپ دئدی: تاسفلہ گنجین ایللردہ فیزیکی ایلمہسی اولما عنوانی ایلہ پروژہلرین چورہ مجوزی اولماماسی ہمیشہ اجرائی تشکیلاتلار و نظارتی تشکیلاتلار و محکمہ و بو تشکیلاتین اُراسیندا بیر درین میدان اوخوما، قانونلاری، ضوابط و قوراللاری رعایت ائتمہمکدن دولایی گوندمہ گلیپ کی الہ اَلینماغا اوبقون دگیل.

انجاق بو پروژہلر برنامہ و بودجہ کیمی تشکیلاتلاردان اعتبار اَلدیقلارینا گؤرہ غیر قانونی مجوز اَلیرلار و بو پروژہلرین بیر چوخو ہمین مجوزلرلہ اؤلکہ نین یوکسک مقاملاری طرفیندن و جماعتین شورا مجلسیندہ کی نمایندہلرین مشورتی ایلہ، اؤز لیکلہ سئجگیلر و اُستانداریلار حوزہلریندہ، ہمین ناصواب گندیشلرلہ افتتاح اولورلار و اوندان سونرا تاسفلہ اؤلکہ نین چورہ قورویوجولاری و ذیربط اورگانلارین قارشیسیندا دنگہ سیزلیقلاری حلہ سالماق ایچون بیر چوخ جیتنلیکلر یاراتیر او جملہدن: اورمانلارین و بیتگی اؤرتولری نین تخریب اولماسی، سطحی سو قاینقلارین نین کمی و کیفی حریملری نین رعایت اولونماماسی، پروژہلر ایچون ییتیرلی سو ساغلا یا بیلیمہک، دؤرد چورہ بؤلگہ نین بیر بیرینہ گیرمہسی، شہرلرین حریمیندہ یتر اَلماق و بؤیوک شہرلردہ، شہرلرہ و کندلرہ باخین یا صنعت یاراتماق ایچون ممنوعہ شعاعلار ایلہ ایچ ایچہ گیرمک و اجتماعی ناراضیتچیلیقلارین یارانماسی او جملہدن پروژہ اجراچیلاری نین ساینر اورگانلار و خلقہ قارشئی تعہد لری نین اجرا ائتمہمک کہ نہایتدہ پروژہلرین اجراسینی گنجیکدیریر و محکمہ حکمی ایلہ تیکلمک سیراسیندا دایاندیریلما حکمو و ثریلیر کہ بیر بؤلومدہ اجرائی تشکیلاتین تخلفو عنوانیندا محکمہ تشکیلاتیندا قانونی ایشلملر اُپاریلما سنیندن اولور. چورہ قوروما تشکیلاتی نین باشقانی بو مکتوبون سونوندا خاطر لاتدی: گلہجک مشکلاتین قاباغینی اَلماق ایچون قانونی مجوزلری او جملہدن چورہ دگر لندیمہ عنوانی ایلہ چورہ قوروما تشکیلاتی نین مجوزی اولمایان پروژہلرین باشلاما زنجیرینی قیرماغا گؤرہ اؤلکہ نین یوکسک مقاملاری نین واسطہسیلہ پروژہ آچیلیشلاریندان و کولونگ وورما مراسملریندن کہ عموماً اُستانی سفرلردہ گرچکلش، جدا ساقینیمالی.

دئمہلیدیر بو تشکیلات و اُستانا تابع اولان بیر یملر مجوز صادر ائیلہمگی قانوندا قید اولان وعدہدن داها قیسا بیر زماندا سرعتلندیر یپ اُسالناش دیر یماق ایچون، گنجیمیشدہ اولدوغو کیمی سون درجہ ایشییرلیگی اُپاراجاقدیر.

کارون چایی نین انتقالی نین قاباغینی اَلماق ایچون خوزستان و چهار محال و بختیاری نمایندہلری نین اورتاق مکتوبو

چهار محال و بختیاری و خوزستان اُستانداری نین نمایندہلری جمہور باشقانی خطاباً اورتاق بیر مکتوبدا انرژئ باخانلیغی نین کارون، کرخہ و دز چایلاری نین قارشیسیندا تودوغو سیاستلرہ اعتراض ائتدیلر. بو مکتوبون متنیندہ گلیپ: "سایقیلارلا حضورونوزا چاتدیریلیر کہ چورہ نین ساوونماق ایچون، اؤلکہ چایلارینی و اؤلکہ نین ساینر سو اَلانلارینی قوروماق و محافظہ ائتمک قونوسوندا انرژئ باخانینا اولان اُردیجیل تذکرلرہ رغما، گؤرولور کہ انرژئ باخانلیغی اؤز وظیفہلرینہ عمل ائتمہدیکدن علاوہ اؤزل اولراق محترم رہبری مقامی نین دہ کلان چورہ سیاستلرینی سیرادان چیخاردیپ کہ گؤزکملی نمونہلردن یوزلرچہ عمرانی پروژہ نین قانونی مجوزی اَلمادان اجرائی گنجییریلیمہ سیدیر. بو طرز داورانمانین سونوجلاری خوزستانین سولاق اَلانلاری نین و چهار محال و بختیاری نین جوشغون چشمہلری نین قوروماسینا سبب اولوپ و کارون و کرخہ چایلاری نین یوخ اولماسینی ساغلا ییپ و... و خوزستان ایلہ چهار محال و بختیاری اُستانداری نین اکوسیستمی یاییلیق، مدیرلیک و سو نقلی پروژہلریندہ باشاریسزلیقلار ندنی ایلہ محو اولوپدور." بو مکتوبون دوامیندا گلیپ: "تاسف ایلہ بو گونلر گلاب تونلیندن سو اَلیمی خبرلرینہ شاهد اولوروق کہ بو پروژہ نین چورہ اُناشماسیندا قید اولان تعہد لری نظرده اَلما یاراق جریاندادیر. گلاب پروژہسی تمامیلہ تخلف دولو بیر سورجده ایلرلہ ییپ بئلہ کہ صادر اولونان مجوزلر تمامیلہ اجرادان سونرا اَلینمیشدیر و بو دا مجوز اَلماق ایچون تخلفلرین نہ قدر درین اولماسینی و لایجیلیقلاری گؤستر مکدہ دیر. باشقا مسئلہ بو کہ اگر گلاب پروژہسی غیر عامل ساوونما پروژہ سیدیر، بو پروژہ ایچون جانسیز زاینده رود چایی نین سو یونو اختصاص و ثرمگین نہ اُلامی وار؟ بو، زاینده رود چایی نین بیر یوکلمہ دگیمی؟ خواهش اولونور بو پروژہ نین سو اَلیمی ایلہ ایلیگی شفاف اُچیقلامادان علاوہ مجوز اَلماقدا اولان تخلفلر قونوسوندا دا اُچیقلامالار اُپارین." بو نمایندہلر وورغولادیلار: "تاسفلہ انرژئ باخانلیغی کوهرنگ ۱ و ۲ و ... سو نقلی پروژہلری حقیقندہ تخصیصین اُزالماسی قونوسوندا جنابیزلا اولان مکاتبہنی جواسیز قویودور بو اوزدن اونون عملی اجراسی ایچون بیر داها دستور و ثرمگینیز ضروری گؤرونور. سونوندا ایکی اُستانی نمایندہلری کوهرنگ ۳ پروژہسی نین سو نقلی نین غیرقانونی اولماسینا تاکید ائندہرک وورغولادیلار: نہ یازیق کی انرژئ باخانین نین یئنی یاناشماسیندا انرژئ باخانلیغی محکمہ تشکیلاتی ایلہ ایشییرلیگی اُپارماقدان ساقینیر. بو ندنلہ تقاضا ائندیریک اُردینی توتاراق اعلام بو یورون انرژئ باخانلیغی نین زیر مجموعہلری هانسی دستگہ دایاناراق محکمہ تشکیلاتی نین ایستہدیگی بیلگیلری - او جملہدن شہر کردون اوچونجو شعبہسی نین کوهرنگ ۳ ایلہ باغلی سورقولاما ایستگی - و ثرمکدن امتناع ائیلہ ییر. بناءً گر کلی بیلیریک شہر کردون شعبہ ۳ سورقولامانین ایستہدیگی سندلر تزلیکلہ و شفاف صورتدہ محکمہ تشکیلاتی و نمایندہلرین اختیاریندا قویولسون."



اخبار محیط‌زیستی ایران به زبان عربی

أخبار إيران البيئية

صدر حکم قضائی وأحكام قاسية بحق متظاهرين في نفق بدون تصريح بيئي لنقل مياه سبز كوه في محافظة جازمحل بختیاری

أصدر الفرع ١٠١ من محكمة جنایات مدينتی بروجین (١٠١ جنائیة سابقاً) برئاسة القاضي محسن جلیلی بیرانی أحكاماً ضد ٣٧ متظاهراً من مشروع نقل المياه سبز كوه. فی حكم المحكمة هذا، وجهت إلى المتهمین تهم مثل المساعدة فی الإخلال بالنظام العام من خلال تحريض الناس والإخلال بالنظام العام والمشاركة فی تدمير ممتلكات الدولة والعام، إلى أحكام قاسية بالسجن سبع سنوات والجلد والغرامات.

يقع نفق سبز كوه عند رافد كارون، وقد احتج المتهمون على بناء النفق سبز كوه دون تصريح بيئي. المدعى فی هذه القضية هو منظمة خاتم الأنبياء واداره مياه جازمحل وبختیاری.

فی عام ٩٤، شارك المتظاهرون فی مراسم عزاء رمزية بأله موسيقیه مخصصة للحداد على تقليد بختیاری فی نبع ألوغره، الذي جف بسبب حفر نفق سبز كوه لنقل المياه. بعد الحفل، تعرضت ورشة نفق سبز كوه لهجوم من قبل مجهولين. ونفى المتهمون ضلوعهم فی العملية

بدء عمليات ضخ المياه لفرع كارون عبر نفق كوه رانج الثالث

وبحسب إعلان العلاقات المائية الإقليمية لمحافظة أصفهان، اعتباراً من الخامس من فروردین، وفقاً لمواقفة مجلس تنسيق زاینده رود، فإن هذا المشروع، الذي يواجه حالياً العديد من التحديات البيئية والاجتماعية والأمنية فی محافظة خوزستان وجهارمال بختیاری، يبدأ عن طريق ضخ ٤,٥ متر مكعب بالثانية إلى نهر الزاینده رود

ومع ذلك، لم يتم تحديد وقت الضخ ولا كمية المياه المطلوبة لسكان مجرى النهر. الجدير بالذكر أن مشروع كوه رانج ٣ مصمم لنقل المياه من مستجمعات المياه لكارون على نهر كوه رانج الواقع فی بیرجان إلى نهر زاینده رود.

و فی رسالة إلى القضاء، كتبت منظمة وحدة فرخشهر الخضراء البيئية: "مشروع كوه رانج ٣ يفترض إلى تصريح بيئي، تصريح تراث ثقافي، تصريح موارد طبيعية، تصريح جهاد زراعی، تصريح شؤون عشائرية وتصاريح قانونية أخرى. لسوء الحظ، لم يتم إجراء دراسة تقييم بيئي على نفق كوه رانج الثالث ولم يتم ذكر سوى النفق الثالث على غلاف تقرير التقييم.

هذا یعنی أن المشروع قيد التشغيل حالياً ليس لديه أي تصاريح بيئية. هناك مسألة أخرى لم يتم أخذها فی الاعتبار عند التخطيط لعملية الضخ وهي أن تقرير التقييم البيئي لمشروع كوه رانج ٣ ينص على عدم وجود مدن أو قرى فی اتجاه مجرى النهر فی سد كوه رانج ٣. ومع ذلك، هناك عدد كبير من البلدات والقرى الواقعة أسفل مجرى السد، والضخ غير المنظم للمياه يجفف النهر ويلحق الضرر بمناطق المصب.

حدثت هذه المشكلة فی السنوات السابقة، حتى أنه بسبب ضخ المياه من نهر كوه رانج إلى نهر زاینده رود، فی نفس الوقت مع زيارة الرئيس السابق إلى أصفهان فی اردیبهشت ٩٦، جف نهر كوه رانج تماماً. لا يؤدي عدم وجود دراسات فنية إلى تعطيل حقوق المجتمعات المحلية فی اتجاه مجرى السد فحسب، بل يهدد أيضاً حياة عشرات الأنواع النباتية والحيوانية بسبب وجود محمية القيصري.

وكتبت المنظمة البيئية فی نص شكواها إلى القضاء: "النقطة المؤسفة التي لم يتم أخذها بالحسبان حتى الآن هي أن الحاجة البيئية للنهر ٤٦ مليون متر مكعب فی السنة.

فی ١٤٠٠/٣٠/٤، وقت زيارة الخبير الرسمي للسلطة القضائية، تم قياس تدفق نهر كوه رانج بمعدل ٢,٤٨ متر مكعب فی الثانية، وهو ما لا يعنيه عملياً سوى تجفيف النهر عند النهر. المعدل المعتمد ٤,٥ متر مكعب.

الجدير بالذكر أن المياه المتدفقة فی نهر كوه رانج يمكن اعتبارها حقاً مائياً صغيراً من الحق المائي البيئي غير المطلق لأنفاق كوه رانج الأول والثاني، والتي لا يُسمح بسحب المياه منه ابداً.

تم نشر دعوة تصميم لـ "التمثال والشارة أبوش" / منح شارة الجائزة لمدمري البيئة

نشرت "الحملة الشعبية لدعم زاغروس الرحيم" بمشاركة المنظمات البيئية فی جميع أنحاء البلاد دعوة لتصميم "تمثال وشعار". وفقاً لـ ايلنا، أعلنت أمانة الحملة: وفقاً للمادة ٥٠ من دستور جمهورية إيران الإسلامية وبما يتماشى مع سياسات البيئة الكلية، بتعاون ومشاركة المنظمات غير الحكومية والشخصيات البيئية والعديد من المسؤولين، تحديد وتقديم العوامل والجماعات المؤثرة فی تنفيذ المشاريع غير القانونية وغير المبدئية التي تؤدي إلى تدمير البيئة ومنحهم "جائزة أبوش".

فی الأساطير الإيرانية، "أبوش" هو "شيطان الجفاف"، الذي عرف بين شعب إيران منذ زمن طويل بأنه عدو "تيشتر"، إله المطر. هذا الشيطان له مكانة رمزية مهمة فی بلد مثل إيران، التي لطالما واجهت مشكلة الجفاف وتدمير الموارد المائية.

يعتبر منح "جائزة أبوش" خطوة رمزية فی انتقاد ثقافة الإفلات من العقاب وخطوة نحو التعريف بالشخصيات أو المؤسسات التي تضحي بالطبيعة والموارد القيمة التي وهبها الله للأجيال من أجل مصالح اقتصادية قصيرة الأمد أو غير مستدامة. قد تعيد هذه الشخصيات أو المجموعات النظر فی سلوكها، أو قد يؤدي احتجاجنا الرمزي إلى اتخاذ الإجراءات القانونية اللازمة. تم الإعلان عن الموعد النهائي لتقديم الأعمال من ١١ اردیبهشت ١٤٠١ إلى ٢٧ من خرداد.

. قضاة هذا المهرجان فی قسم التمثال هم: السيدات والسادة ندا مذهب جعفری، حميد شانس، مهدي رنكجي، حميدرضا صادق زاده، بيجن غنجه پور، حسين داوری نژاد و عباس افتخاری، وفي قسم الشارات: ندا مذهب جعفری، محمد كاظم فلسفي، شهاب الدين نجاد تهراني، فرزاد اديبي و مهدي احمدی السكرتير الفني لهذا المهرجان السيدة بيتا حساني

أُحيلت الدعوى المرفوعة ضد رئيس منظمة البرنامج والميزانية إلى الفرع ١٥٥٩ الجنائي الثاني - موظفو حكومة طهران

بعد إدراج المشاريع البيئية غير المرخصة في ميزانية ١٤٠١، اشتكت جمعية خوزستان للمدافعين عن الحقوق البيئية والموارد الطبيعية من رئيس منظمة البرنامج والميزانية. الشكوى التي رفضها الفرع ٣ من مكتب المدعي العام والشورى في المنطقة ٢٨ (جرائم موظفي الحكومة) في طهران، اعترضت عليها هذه الجمعية البيئية. تمت إحالته إلى الفرع ١٥٥٩ من قانون العقوبات - موظفو حكومة طهران النص الكامل لمشروع قانون الاحتجاج لجمعية المدافعين عن الحقوق البيئية والموارد الطبيعية في خوزستان كما يلي كما تعلمون، قدمت الحكومة الموقرة مشروع قانون الموازنة ١٤٠١ لمجلس الشورى الإسلامي في ٢١ اذر ١٤٠٠. كشف فحص مشروع قانون الميزانية أن أكثر من ٤١١ مشروعاً خاضعاً للتقييم البيئي موجود في بنود ميزانية ١٤٠١، والتي ليس لديها تصريح قانوني.

لأنه وفقاً للنص الصريح للسياسات البيئية العامة للمرشد الأعلى المعلن في ٢٠١٥/٨/٢٦ والمادة ١٠٥ من قانون خطة التنمية الثالث، المادة ٧١ من قانون خطة التنمية الرابعة الفقرة (أ) من المادة ١٩٢ من قانون خطة التنمية الخامسة والمادة (٢) والفقرة (أ) من المادة ٣٨ من قانون خطة التنمية السادسة، وكذلك لائحة تقييم الأثر البيئي لمشاريع الإنتاج الكبيرة والخدمات والتطويرية المعتمدة بتاريخ ٢٠١١/٢٩/٨، تلزم الجهات التنفيذية بالحصول على ترخيص قبل التنفيذ وفي مراحل الدراسة والجدوى والموقع. وفي الوقت نفسه، واستمراراً للعملية غير القانونية للحكومات السابقة، وبما يعارض مع المادة ٢٣ من قانون إضافة بعض المواد إلى قانون تنظيم جزء من اللوائح المالية الحكومية، التي تمت الموافقة عليها في عام ١٣٩٣ تقترح الحكومة الموقرة خطة للاستحواذ على الأصول الرأسمالية في بنود الميزانية وترفض إزالة المشاريع بدون تصاريح بيئية وغيرها من التصاريح القانونية في موازنة ١٤٠١

ومع ذلك، كانت الحكومات السابقة ملزمة بالامتناع عن اقتراح مشاريع ذات طبيعة الدراسة والتنفيذ المتزامنين وفقاً للملاحظة ٣ من المادة ٣ من التعليمات التنفيذية، المادة ٢٣ من قانون إضافة مواد معينة إلى قانون تنظيم جزء من اللوائح المالية الحكومية التي تم تبنيها في عام ١٣٩٣. أو على الأقل كان من المتوقع أن يتم تصحيح الممارسات الخاطئة في الماضي في ميزانية ١٤٠١ من قبل الحكومة الجديدة من بينها مشاريع ذات عناوين متزامنة للدراسة والتنفيذ في بنود الميزانية مثل مشاريع تحويل مياه الشرب في محافظتي البرز وطهران من سد طالقان، ونقل المياه إلى المدن الشمالية في محافظة کرمان، ونقل مياه بحر قزوين إلى الهضبة الوسطى، وتحويل المياه إلى الهضبة الوسطى، سد ماربر، سد بلبار منظمة التنظيم والبرنامج، خلافاً للمادة ٢، التي تنص على أن شروط إدراج المشاريع في صفوف مشاريع حيازة الأصول الرأسمالية فقط في إطار الدستور، ووثيقة الرؤية، وقوانين التنمية الخمسية مع البيئة والمالية والدراسات الاجتماعية، و... حاولت إدراج ٤١١ مشروعاً في موازنة ١٤٠١ والتي حسب المراسلات رقم ١٣٩١٣٩/١٠/١٤٠٠/٧/١٤٠٠/١٠/٧ موجهة إلى رئيس مجلس النواب دون التصريح البيئي والتراخيص القانونية الأخرى.

لقد كانت تحركات منظمة البرنامج والميزانية على مدى العقدين الماضيين من النوع الذي لم تكن هناك إرادة لإزالة المشاريع دون الحصول على تصريح قانونية في بنود الميزانية، ومن الواضح أن استخدام الأموال يجب أن يتوافق مع اللوائح ذات الصلة. النقطة المهمة هي أن منظمة البرنامج والميزانية، بصرف النظر عن القانون، تخصص أموالاً لمشاريع بدون تصريح قانونية، وبعضها قد أحرز تقدماً مادياً، وقائمة هذه المشاريع مرفقة بمراسلات ممثل عبدان في مجلس الشورى الإسلامي مع رئيس منظمة البرنامج والميزانية. وفي هذه الحالة، لم تكف منظمة البرنامج والميزانية بحذف هذه الصفوف من الميزانية السنوية، بل كررتها أيضاً بحجة إدراج الخطط في الميزانية السنوية لعام ١٤٠١. ومع ذلك، فإن شرط إدراج المشاريع في الميزانية السنوية وإدراجها في مشاريع حيازة الممتلكات هو الحصول على تصريح قانونية، وليس فقط إدراج المشروع في بنود الميزانية. تجتمع رابطة المدافعين عن الحقوق البيئية والموارد الطبيعية في خوزستان في مشروع قانونها الاحتجاجي، الجرائم التي ارتكبتها منظمة البرنامج والميزانية ومنها: المؤكد أن منظمة البرنامج والميزانية وشخص السيد مسعود مير كاظمي، في انتهاك للأظمة المذكورة أعلاه وخلافاً للنص الصريح للمادة ٥٨٨ من قانون العقوبات الإسلامي، قد خصصوا أموالاً حكومية بشكل غير قانوني من خلال تقديم موازنة ١٤٠١.

من الواضح أن اللوائح البيئية والامتثال للمعايير المتعلقة بالتقييمات البيئية لها علاقة وثيقة وكاملة بالأمن القومي، وقد أدت الانتهاكات المتكررة للوائح ذات الصلة إلى تعطيل هذا الأمن في مدن مختلفة، بما في ذلك أصفهان وخوزستان. وفي هذا الصدد، طلبت منظمة حماية البيئة التعليق على ٤١١ مشروعاً في مشروع قانون الموازنة والمطالبة بملاحقة المشتكى عنه بتهمته العمل ضد الأمن القومي من خلال تخصيص أموال لمشاريع غير مشروعة ومحاوله زعزعة أمن الدولة والاستيلاء غير المشروع على الميزانية من خلال المادتين ٦٤ و ٢٦٢ المؤقتتين أعلاه من قانون الإجراءات الجنائية

دعا رئيس مجلس الأمن القومي إلى إجراء تحقيق في الآثار التراكمية لمشاريع تحويل المياه على خوزستان. دعا رئيس مجلس الأمن القومي إلى إجراء تحقيق في الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على خوزستان

بعد نشر خطاب جليل مختار، نائب عبادان، إلى رئيس مجلس الأمن وانتقاد استمرار الممارسات الخاطئة للحكومات السابقة فيما يتعلق بنقل المياه من أنهار خوزستان في الحكومة الجديدة، كتب أحمد وحيدى نسسخة إلى نائب وزير الدولة في الهندسة والأمن، حيث طالب إرسال خبرا للتحقيق في الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على خوزستان. إذا تم تنفيذ هذا الأمر، فستكون هذه هي المرة الأولى التي تكون فيها دراسة الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على جدول أعمال الحكومة. انتقد ممثل عبدان في رسالته إلى رئيس مجلس الأمن القومي التصرفات غير العلنية وغير القانونية لحكام ومسؤولي الأمن في محافظتي أصفهان و بختيارى بالموافقة على تنفيذ مشاريع نقل مياه كارون خلف الأبواب المغلقة دون إبلاغ مسؤولون ونواب خوزستان. وأكدوا أن خوزستان لا تملك القدرة على نقل المياه. بعد نشر خطاب جليل مختار، نائب عبادان، إلى رئيس مجلس الأمن وانتقاد استمرار الممارسات الخاطئة للحكومات السابقة فيما يتعلق بنقل المياه من أنهار خوزستان في الحكومة الجديدة، كتب أحمد وحيدى نسسخة إلى نائب وزير الأمن والهندسة المدنية، حيث تم إرسال خبراء الدولة للتحقيق في الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على خوزستان.

إذا تم تنفيذ هذا الأمر، فستكون هذه هي المرة الأولى التي تكون فيها دراسة الآثار التراكمية لمشاريع تحويل مياه كارون على جدول أعمال الحكومة. جدير بالذكر أنه بحسب مراسلات جليل مختار والوثائق التي قدمها، تم تجهيز ورشة نقف بهشت آباد في شرمهين بعد اتفاق سرى بين مسؤولي محافظتي أصفهان و بختيارى في مجلس الأمن. اتفاقية أعلنت منظمة البيئة أنها غير قانونية



رفيعة: مهمتنا هي منع التهديد البيولوجي للخليج الفارسي

قال رئيس الفصيل البيئي في البرلمان الحادي عشر في يوم الخليج الفارسي: "مهمتنا هي منع التهديد البيولوجي للخليج الفارسي". تهديد بلغ ذروته في السنوات الأخيرة مع وجود سفن الصيد كتبت سمية رفيعة على صفحتها الرسمية على تويتر: "في يوم من الأيام، إذا كانت مهمة أبائنا هي طرد الأجانب من الخليج الفارسي، فإن مهمتنا اليوم هي منع التهديد البيولوجي للخليج الفارسي؛ تهديد بلغ ذروته في السنوات الأخيرة مع وجود سفن الصيد. البحر كريم ما دام البشر منضبطين وتجدر الإشارة إلى أن الأنواع الحيوانية القيمة مثل الحيتان وأسماك القرش والسلاحف البحرية وجميع أنواع الأسماك، تعرضت لتهديد خطير بسبب الافتقار إلى السيطرة على التلوث وعدم السيطرة على الأنواع الغازية والصيد غير المنظم.

انتقادات واسعة النطاق لنشطاء بيئيين في خوزستان لتجفيف هور العظيم من قبل شركة النفط

انتقاد واسع النطاق للناشطين البيئيين لتجفيف هور العظيم من قبل شركة النفط بعد عودة عواصف الغبار و التراب ، نظم نشطاء البيئة في خوزستان احتجاجاً كبيراً على تمديد سياسة تجفيف هور العظيم لاستخراج النفط. في هذا التجمع الاحتجاجي اجتمع المشاركون على ما يلي : "نحن نشطاء البيئة في البلاد نطالب بوقف تجفيف هور العظيم بحجة استخراج النفط. إذا كان سيتم استخراج النفط من مصادر مشتركة ، فيجب أن يتم ذلك في بيئة مائية والحفاظ على حقوق المياه في أراضي هور العظيم. تسبب الغبار والتلوث الناجم عن الدمار الهائل لشركة النفط في جعل الحياة صعبة على الجميع. من أجل استقرار البلاد ، يجب تحسين أداء شركة النفط

تم تخريب اتفاقية تعطية مصادر الغبار بالنفط، بين إيران والعراق

وقال ممثل أهالي تبريز في مجلس الشورى الإسلامي: يبدو أن تنفيذ هذه الاتفاقية بين إيران والعراق تواجه بعض المشاكل ، ولمكافحة ظاهرة الغبار لم يتم اتخاذ الإجراءات اللازمة ، والتي يجب شرحها. وتابع عضو لجنة الشؤون الداخلية: "من ناحية أخرى ، كان لبناء السدود في تركيا بالتأكيد أثر في تكثيف ظاهرة الغبار وأدى إلى تقليص الحصص المائية لمختلف القطاعات". يجب متابعة هذه القضية من خلال القانون الدولي وطريق الدبلوماسية. وفي الختام أكد على رضا بيحي: هناك قضية أخرى يجب أخذها في الاعتبار في مكافحة ظاهرة الغبار الناعم وهي قضية المياه الحدودية. للأسف ، لدينا استخدام محدود لموارد المياه الحدودية وعلينا ممارسة حقوقنا في مجال المياه الحدودية. في السنوات الأخيرة ، خصصت الميزانية مبلغاً جيداً لاستخدام المياه الحدودية وقدم المرشد الأعلى موارد للحكومة من صندوق التنمية للسيطرة على المياه الحدودية. يجب الآن الإبلاغ عن مقدار هذا المبالغ الذي تم استخدامه لهذا الغرض. جدير بالذكر أنه في إجراء آخر ، دعا ٣٩ عضواً في البرلمان في تحذيراتهم الخطية للمسؤولين التنفيذيين في البلاد ، إلى تشكيل منتدى (كونسورتيوم) للتعاون بين دول الجوار المتضررة من بناء السدود في تركيا.

تدعم المنظمات الدولية يوم ٢٨ فروردين "يوم شهر محال بختياري" و "اليوم العالمي لمناهضة نقل المياه"

بالتزامن مع تسمية ٢٨ فروردين "يوم شهر محال بختياري" و "اليوم العالمي لمناهضة نقل المياه" أصدرت منظمات بيئية من جميع أنحاء العالم بياناً تهنيئاً فيه الناشطين البيئيين في ٢٨ فروردين . و أكدوا في هذا البيان تضامنهم مع نشطاء البيئة في إيران و قالوا : تلعب حركة إنقاذ دجلة و نشطاء في تركيا وسوريا والعراق ودول أعضاء أخرى، تكريماً ليوم ١٧ أبريل " و يوم العمل لمكافحة نقل المياه " تضامنهم معكم. نعتقد أيضاً أن الأنهار يجب أن تتدفق في سياقها الطبيعي من أجل الحفاظ على حياة جميع المجتمعات البشرية والنظم البيئية الطبيعية التي استفادت منها تاريخياً. الموقعون على هذا البيان ، في الوقت الذي يعبرون فيه عن تضامنهم مع النشطاء البيئيين في زاغروس مهربان في معارضة مشاريع نقل المياه وبناء السدود ، وكذلك تسمية ٢٨ فروردين بيوم شارمحال بختياري ، نأمل أن تضمن مساعيكم وتعاونكم الدولي، حيوية مناطق المياه القيمة في بلدكم تجدر الإشارة إلى أنه بمبادرة من نشطاء البيئة ، تم تسمية يوم ٢٨ فروردين ، الذكرى السنوية لتجمع ٣٠ ألف شخص في محافظة شارمحال بختياري ضد مشاريع بناء السدود وتحويل المياه ، بيوم شهر محال بختياري واليوم العالمي لمناهضة نقل المياه. في ٢٨ فروردين ٩٣ ، خرج حوالي ٣٠,٠٠٠ شخص من هذه المنطقة ومنبع زاينده رود و كارون في مقاطعة شارمحال بختياري، في حماية زاينده رود و كارون واحتجاجاً على أنفاق جلاب و بهشت آباد ، والتي تسببت في تدمير زاينده رود و كارون و مناطق بيئية واسعة. وخرجت المحافظات ومحافظات المصب في مسيرة ورددوا احتجاجات ضد نقل المياه جدير بالذكر أنه بالرغم من التنسيق السابق لإقامة معرض صور للنضالات البيئية لأهالي محافظة شهر محال بختياري مع المديرية العامة للإرشاد بمحافظة شارمهال بختياري ، فقد تم منع إقامة هذا المعرض.

وبحسب وكالة أنباء فارس ، فقد طلب رئيس هيئة البيئة علي السلاجة في رسالة من المحافظين ، معتبرين أوامر المرشد الأعلى ، الذي قال : إن قضية البيئة أو الحفاظ على الموارد الطبيعية ليست رفاهية وثنائية - بل هي قضية حيوية بالنسبة لنا .

في جهودنا لتطوير البلد ، يجب إعطاء الأولوية في هذا المجال ، وكذلك قال علي ان رئيس الجمهورية أكد على ان البيئة جز من التطور للبلاد ؛ ويجب منع مشاريع التنمية الكبيرة للبلد دون الحصول على تصريح بيئي .

وأضاف: "في السنوات السابقة ، مع ضغوط غير عادية وتحزب خالص و الاصرار على مشاريع مخالفه للبيئة ، لم تؤد هذا المشاريع إلى إدارة الأراضي والتنمية المستدامة ، ولكن أيضا بسبب التلوث والدمار الذي لا يمكن إصلاحه ، فقد أصبح ظاهرة معارضة للتنمية وأثارها سبب استياء الجمهور و الناس وذكر سيلاحقه أمثلة على هذه القضايا مثل تنفيذ مشاريع الطرق السريعه والسكك الحديدية والسدود ومحطات الطاقة والمصافي والبتروكيماويات ونقل المياه بين الأحواض وما إلى ذلك .

وقال: "لسوء الحظ ، في السنوات الماضية ، تحت عنوان المشاريع ذات التقدم المادي ، ولكن بدون تصاريح بيئية ، جعل دائما فحوه عميقه بين الهيئات التنفيذية والإشرافية والقضائية مع هذه المنظمة لعدم الامتثال القوانين والقواعد واللوائح ومع ذلك ، بالنظر إلى أن المشاريع يتم تمويلها من خلال الحصول على تراخيص غير شرعية من بعض الجهات ، بما في ذلك هيئة البرنامج والميزانية ، ومعظم هذه المشاريع مرخصة من قبل كبار المسؤولين بالدولة وبمشورة ممثلي الشعب في مجلس الشورى الإسلامي ، خاصة في الدوائر الانتخابية والمحافظين ، يتم افتتاح هذا المشاريع الغير مرخصة وبعد ذلك ، للأسف ، هناك العديد من المشكلات التي تواجه دعاة حماية البيئة والجهات الأخرى ذات الصلة لحل الاختلالات مثل إزالة الغابات والغطاء النباتي ، وعدم الامتثال للحدود الكمية والتنوع لموارد المياه السطحية ، وعدم كفاية إمدادات المياه للمشاريع ، والتدخل في المناطق البيئية و التواجد في حدود المدن و المناطق الحضرية والقرب من المدن الكبيره والقري ، مما يسبب عدم الرضى الاجتماعي ، بالتالي يسبب عدم الوفاء بالتزامات المنفذين تجاه الوكالات والأشخاص الآخرين ، مما يؤدي في النهاية إلى تأخير المشاريع أو أوامر التعليق القضائي

و مما يؤدي باعتباره مخالفه للجهاز التنفيذي ، إلى الملاحقة القانونية في القضاء

في نهاية الخطاب ، أشار رئيس وكالة حماية البيئة إلى أنه من أجل تجنب المشاكل المستقبلية وقطع سلسله بدء المشاريع دون تصاريح قانونية ، بما في ذلك تصريح وكالة حماية البيئة باعتباره تصريح تقييم بيئي ، يكون من الواجب إصلاح المشاريع و تجنب افتتاحها من قبل كبار المسؤولين خاصة في الرحلات المحلية

وتجدر الإشارة إلى أن هذه المنظمة والوحدات الإقليمية التابعة لها سيكون لها أقصى درجات التعاون لتسهيل وتسريع إصدار التراخيص كما في السابق في وقت أقصر من الوقت المنصوص عليه في القانون .

رسالة مشتركة من ممثلي خوزستان وشهر محل بختباري لمنع نقل مياه كارون

احتج ممثلو محافظتي شاهر حال بختباري وخوزستان في رسالة مشتركة موجهة إلى الرئيس الجمهورية على سياسات وزارة الطاقة تجاه نهري كارون وكرخه ووز .

. ونقرأ في نص هذه الرسالة الهامة ما يلي: "نذكركم بكل احترام أنه على الرغم من التحذيرات المتكررة لوزير الطاقة ، من أجل الدفاع عن البيئة وحماية الأنهار والمناطق المائية الأخرى بالدولة والمحافظه عليها، لا تكتفي وزارة الطاقة بالاهتمام بواجباتها القانونية ، ولكنها تجاهلت على وجه التحديد سياسات المرشد الأعلى للبيئة الكلية ، مثل تنفيذ مئات المشاريع التنموية دون تصاريح قانونية .

عواقب هذا السلوك هي جفاف أراضي خوزستان الرطبة و الاهوار وتجفيف الينابيع المغلية في شارمهال وبختباري وتدمير نهري كارون والكرخه و ... وتدمير النظام البيئي لمحافظة خوزستان وشهر محل وبختباري من خلال عدم الكفاءة في الإدارة وتنفيذ مشاريع نقل المياه

"لسوء الحظ ، نبلغ هذه الأيام أن نفق جلاب سيفتتح دون النظر إلى الالتزامات المنصوص عليها في الاتفاقية البيئية لهذا المشروع . وقد مر مشروع جلاب بعملية انتهاك لدرجة أن تبين لاحقاً ان جميع التصاريح الصادرة هي باطله مما يدل على عمق الانتهاكات والضغط للحصول على هذه التصاريح

سؤال آخر هو أنه إذا كان مشروع جلاب هو مشروع دفاعي ، فماذا يعني تخصيص المياه لهذا المشروع على نهر زاینده رود المنخفض؟ أليس هذا عبثا جديدا على زاینده رود ؟ يرجى التوضيح بوضوح سبب ارتباط استهلاك هذا المشروع بالمخالفات التي ارتكبت في طريقة الحصول على التصاريح .

وأكد هؤلاء الممثلون: "للأسف ، تركت وزارة الطاقة المراسلات مع سماحتكم بشأن ضرورة تقليص مخصصات مشاريع كوهرينج لنقل المياه الأول والثاني ، وفقاً لأنظمة التخصيص بدون رد . لذلك ، من فضلك من الضروري أن تأمر مرة أخرى تنفيذ العمل

وفي النهاية أكد ممثلو المحافظتين عدم شرعية نقل المياه لمشروع كوهراج ٣: "للأسف ، في النهج الجديد ، يرفض وزير الطاقة بهذه الوزارة حتى التعاون مع القضاء .

لذلك ، نطلب منكم المتابعة والإعلان عن سبب وزارة الطاقة لرفض تقديم المعلومات التي يطلبها القضاء ، مثل الفرع ٣ لمحكمة شهر كرد ، فيما يتعلق بسد كوهراج ٣ . لذلك ، نعتبر أنه من الضروري تقديم المستندات المطلوبة من قبل الفرع ٣ لمحكمة شهر كرد إلى القضاء والممثلين على الفور وبشفافية .



IRAN ENVIRONMENTAL NEWS

Court verdict and heavy sentences were issued for the environmental activists in Ch & B due to protest against Sabzkuh water transfer tunnel

Branch 101 of the Criminal Court of the two cities of Borujen (former criminal branch 101) headed by Judge Mohsen Jalili Pirani issued verdicts against 37 protesters of the Sabzkuh water transfer project. In this court verdict, the defendants were condemned to heavy sentences of seven years in prison, flogging and fines for charges such as assisting in disturbing public order by inciting the public and participating in the destruction of state and public property. The Sabzkuh tunnel is located at the Karun tributary, and the defendants protested against the construction of the Sabzkuh tunnel because it has not the environmental permit. The plaintiffs in this case are Khatam-al-Anbia Construction Headquarters and Chaharmahal & Bakhtiari Regional Water. In 2015, protesters took part in a symbolic ceremony for the Alohareh spring, which had dried up due to the digging of the Sabzkuh water transfer tunnel, and held a Bakhtiari mourning ceremony, in which they played a Chap instrument dedicated to mourning in the Bakhtiari tradition. After the ceremony, unknown men attacked the Sabzkuh tunnel workshop. The defendants have denied involvement in the operation.

Commencement of water pumping operations of Karun tributaries through the third Koohrang tunnel

According to the announcement of Isfahan Regional Water public relations, based on the approval of Zayandehrud Coordination Council, from April 25, this project, which now faces numerous environmental, social and security challenges in the two provinces of Khuzestan and Chaharmahal & Bakhtiari, is supposed to transfer 4.5 cubic meters per second of water to Zayandehrud by pumping. However, neither the pumping time nor the amount of water required for the inhabitants of the river downstream has been determined. It is worth mentioning that the Koohrang 3 project is designed to transfer water from the Karun catchment area located in Biregan to the Zayandehrud. In a letter to the judiciary, the Vahdat-e- Sabz environmental organization in Farrokhshahr wrote:

“The Koohrang 3 project does not have any permission from Environmental Organization, Cultural Heritage Organization, Natural Resources Organization, Agricultural Organization, Department of Tribal Affairs and other legal authorities. It is unfortunate that no environmental assessment study have been carried out on the third Koohrang tunnel and it has been mentioned only on the cover of the assessment report. This means that the project currently in operation does not have any environmental permits. Another issue that was not taken into account when planning the pumping operation is that the environmental assessment report of the Koohrang 3 project states that there are no towns or villages downstream of the Koohrang 3 dam. Whereas, there are a significant number of towns and villages downstream of the dam, and the unregulated pumping of water dries up the river and damages the downstream areas. This issue has happened in previous years, so that due to the pumping of water from the Koohrang River to the Zayandehrud, at the same time with the visit of the former President to Isfahan in May 2017, the Koohrang River dried up completely. Lack of technical studies not only disrupts the rights of local communities downstream of the dam, but also threatens the lives of dozens of plant and animal species due to the existence of the Caesarea Protected Area”.

“The unfortunate thing that has not been taken into account so far is that the river’s environmental needs are 46 million cubic meters per year, which is not achieved in any way by perform pumping operations. On 2021/7/21, at the time of the visit of the official court expert, the discharge of Koohrang River is measured at 2.48 cubic meters per second, which practically means nothing more than the drying of the river with the approved rate of 4.5 cubic meters. It is worth mentioning that the water flowing in the Koohrang River can be considered as a small water right from the unreleased environmental water right of the Koohrang tunnels 1 and 2, from which it is not allowed to be extracted at all.”

Call for the design of “statue and badge of Aposh”: Granting the Aposh Award to environmental destroyers

People’s Campaign to Support the Kind Zagros with the participation of environmental organizations across the country published a call for the design of a “statue and badge of Aposh”. According to ILNA, the secretariat of the campaign announced: «The campaign intends in accordance with article 50 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran and in line with macro environmental policies, with the cooperation and participation of non-governmental organizations, environmental figures and several officials, to identify and introduce effective factors and groups in the implementation of illegal and unprincipled projects that lead to the destruction of the environment and granting them the Aposh Award. «

In Iranian mythology, “Aposh” is the “demon of drought”, which has long been known among the people of Iran as an enemy of “Tishtar”, the god of rain. This demon has an important symbolic position in a country like Iran, which has always faced the problem of water deficit and destruction of water resources. The “Aposh Award” is a symbolic step in criticizing the culture of impunity and a step towards introducing characters or institutions that sacrifice nature and valuable God-given and intergenerational resources for short-term or unsustainable economic interests. May these characters or groups reconsider their behavior, or may our symbolic outcry lead to the necessary legal action. The deadline for submitting works has been announced from 1th of May 2022 to 17th of June. The judges of this festival in the statue section are: Neda Mazdhab Jafari, Hamid Shans, Mehdi Rangchi, Hamidreza Sadeghzadeh, Bijan Ghonchehpour, Hossein Davari Nejad and Abbas Eftekhari. And in the badge section are: Neda Mazdhab Jafari, Mohammad Kazem Falsafi, Shahab-Alddin Nejad Tehrani, Farzad Adibi and Mehdi Ahmadi. The Artistic Secretary of this festival is Ms. Bita Hassani

The complaint case against the head of the planning and Budget Organization was referred to Branch ۱۰۵۹ of the ۲nd Penitentiary - State Employees of Tehran

Following the inclusion of unlicensed environmental projects in the 1401 budget, the Khuzestan Association of Defenders of Environmental Rights and Natural Resources complained to the head of the planning and Budget Organization. The complaint, which was rejected by Public and Revolutionary court (Branch 1059 of the 2nd Penitentiary - State Employees of Tehran), was protested by the Environmental Association. The full text of the protest bill of this association is as follows:

»As you are aware, the esteemed government submitted the 2022 budget bill to the Islamic Consultative Assembly on 12 December 2021. Examination of the budget bill revealed that more than 411 projects subject to environmental assessment are in the 2022 budget lines, which do not have a legal permit. According to the explicit text of the general environmental policies of the Supreme Leader announced on 2015/11/17 and Articles 105 of the Third Development Plan Law, Article 71 of the Fourth Development Plan Law, paragraph A of Article 192 of the Fifth Development Plan Law and Article 2 and paragraph A Article 38 of the Sixth Development Plan Law, as well as the regulation of environmental impact assessment of large production, service and construction projects approved on 2011/11/19, executive bodies are required to obtain a license before implementation and in the study, feasibility and location stages.

Meanwhile, in continuation of the illegal process of previous governments and contrary to Article 23 of the Law on Adding Certain Articles to the Law on Regulating Part of the Government Financial Regulations adopted in 2014, the government proposes a plan to acquire capital assets in the budget lines and refuses to remove the lines of unlicensed environmental projects and other legal permits in the 1401 budget. Whereas the previous governments were obliged to refrain from proposing plans with the nature of study and implementation in the budget at the same time, or at least it was expected that in the 2022 budget, the previous misconduct would be corrected by the new government. Among them we can mention the projects with titles of study and implementation in budget lines at the same time, such as drinking water transfer projects in Alborz and Tehran provinces from Taleghan dam, water transfer to northern cities of Kerman province, Caspian water transfer to the central plateau, Water transfer to the Central Plateau, Marber Dam, Belbar Dam. Contrary to Article 2 of the Accession Law, which stipulates that projects must be included in the ranks of capital asset acquisition plans only within the framework of the Constitution, the vision document, the five-year development laws, it must have environmental, financial, social studies and etc., Program and Budget Organization has included 411 projects in the 2022 budget, which according to the correspondence No. 1400/100/34139 dated 2021/12/28 addressed to the Speaker of the Parliament, do not have environmental license and other legal permits.

The appeasement of the PBO over the past two decades has been such that there has been no will to remove projects without legal permits in the budget lines, and it is clear that the use of funds must comply with the relevant regulations. The important point is that the Planning and Budget Organization, regardless of the law, allocates funds to unlicensed projects, some of which have had physical progress. The list of the projects is attached to the correspondence of the Abadan MP to the Head of the PBO in this file. In this situation, the PBO not only did not eliminate these rows in the annual budget, but also on the pretext that the plans were included in the budget of previous years, it has been repeated in the annual budget of 2022. However, the condition for the projects to be included in the annual budget and to be included in the property acquisition projects is to obtain legal permits, and not just to include the project in the budget lines.«

The Association of Defenders of Environmental Rights and Natural Resources of Khuzestan brings in its protest statement about the crimes committed by the PBO: »What is certain is that the Planning and Budget Organization and Mr. Massoud Mirkazemi personally, in violation of the proposed regulations and contrary to the explicit text of Article 598 of the Islamic Penal Code, have illegally appropriated government funds by presenting the 1401 budget bill. It is obvious that environmental regulations and compliance with the criteria related to environmental assessments have a close and complete relationship with national security and repeated violations of the relevant regulations have led to disruption of this security in various cities, including Isfahan and Khuzestan. However, with regard to the above, while inquiring from the Environmental Protection Organization regarding the comment on the 411 projects mentioned in the budget bill, based on Articles 64 and 262 of the Code of Criminal Procedure, we request that you prosecute the head of the PBO on charges of acting against national security by allocating funds to illegal projects and misappropriating government funds.«

The head of the National Security Council called for an investigation into the cumulative effects of Karun water transfer projects on Khuzestan

Following the publication of the letter of Jalil Mokhtar, Abadan MP, to the Chairman of the Security Council and criticism of the continuation of the wrong practices of previous governments regarding the transfer of water from Khuzestan rivers in the new government, Ahmad Vahidi, Ahmad Vahidi issued her order to investigate the cumulative effects of Karun water transfer projects on Khuzestan. A copy of this letter has been sent to the Deputy Minister of Security and Civil Engineering of the Ministry of Interior. If this order is fulfilled, it will be the first time that the study of these effects will be on the government's agenda.

Abadan MP, in his letter criticized the non-public and illegal actions of the governors and security officials of Isfahan and Chaharmahal & Bakhtiari provinces in agreeing to implement Karun water transfer projects behind closed doors without informing Khuzestan officials and representatives. He emphasized that Khuzestan does not have the capacity to transfer water. It is worth mentioning that according to Jalil Mokhtar's correspondences and the documents he presented, the Beheshtabad tunnel workshop in Charmahin was equipped after a secret agreement between the officials of Isfahan and Chaharmahal & Bakhtiari provinces in the Security Council. The environmental organization has declared the agreement illegal. So far, officials in Isfahan and Ch & B have not remarked on the content of the letter.



Preventing the biological threat of the Persian Gulf

“On the day of the Persian Gulf”, Rafiei, the head of the environmental parliamentary party of the 11th parliament said:

»Our mission is to prevent the biological threat of the Persian Gulf, which has reached a maximum in recent years with the presence of trawlers. «

»One day, if the mission of our fathers was to expel foreigners from the Persian Gulf, today our mission is to prevent the biological threat of the Persian Gulf, which has reached a maximum in recent years with the presence of trawlers. The sea is generous as long as humans treat it properly,« Somayeh Rafiei wrote on her official Twitter page.

It is worth mentioning that valuable animal species such as whales, sharks, sea turtles and various fishery fish, etc. are under serious threat due to lack of pollution control and lack of control of invasive species and unrestrained hunting.

Widespread criticism of environmentalists for the drying up of Hur-al-Azim by the oil company

Following the resurgence of the particulates phenomenon, environmentalist in Khuzestan staged a massive protest against the extension of the Hur-al-Azim drying policy in order to extract oil. In this virtual campaign it is stated that:

»We, the country’s environmentalist, call for an end to the drying up of the Hur-al-Azim Wetland under the pretext of oil extraction. If oil is to be extracted from common sources, it must be done in the water environment and with the preservation of water rights of Hur-al-Azim wetland. Dust and pollution from the oil company’s vast destruction have made life difficult for everyone. For the constancy of the country, the performance of the oil company needs to be improved.«

The mulching agreement between Iran and Iraq has been sabotaged

Alireza Beigi, Tabriz MP stated: »It seems that the implementation of this agreement between Iran and Iraq has problems and in order to face the particulates phenomenon, the necessary action is not taken. It is necessary to explain about this sabotage.«

»On the other hand, the construction of dams in Turkey has certainly been effective in intensifying the particulates phenomenon and has led to a reduction in the share of water in various sectors. This issue should be pursued through international law and the path of diplomacy,« he continued.

»Another issue that should be considered in the face against the particulates phenomenon is the issue of border waters. Unfortunately, we have limited use of border water resources and we have to exercise our rights in the field of border waters. In recent years, both the budget allocated a good amount for the use of border waters and the Supreme Leader provided resources to the government from the Development Fund to control border waters. It must now be reported how much of this credit has been used for this purpose, « Beigi emphasized.

It is worth mentioning that in another action, 39 members of parliament, in their written warnings to the executive officials of the country, called for the formation of a gathering (consortium) of cooperation between the neighboring countries affected by the construction of dams in Turkey.

Support of international organizations of April ۱۷ as “Chaharmahal & Bakhtiari Day” and “World Day Against Water Transfer Projects”

Simultaneously with naming April 17 as “Chaharmahal & Bakhtiari Day” and “World Day Against Water Transfer Projects”, environmental organizations from around the world issued a statement congratulating environmental activists on this special day. In this statement, while announcing solidarity with environmental activists in Iran, the Tigris Rescue Movement, in honor of April 17, “Action Day to Combat Water Transfer”, expressed solidarity with activists in Turkey, Syria, Iraq, and other member countries. We also believe that rivers must flow in their natural bed in order to sustain the lives of all the human communities and natural ecosystems that have benefited from them throughout history. The signatories of this statement, while expressing solidarity with environmentalists in the Kind Zagros, in opposing water transfer and dam projects, as well as naming April 17 as Ch & B Day mention: We hope that your pursuit and international cooperation will ensure the vitality of your country’s valuable water areas.

It should be noted that on the initiative of environmentalists, April 17, the anniversary of the gathering of 30,000 people in Ch & B province against dam construction and water transfer projects was named as Ch & B Day and the International Day against Water Transfer Projects. On April 2014, 17, about 30,000 people from this region and the source of Zayandehrud and Karun in Chaharmahal and Bakhtiari province in the protection of these rivers and protest against the Golab and Beheshtabad tunnels, which caused the destruction of these two rivers and extensive environmental damage in the province and downstream provinces, they marched and shouted against the transfer of water.

It is necessary to mention that, despite previous coordination for holding a photo exhibition of environmental struggles of the people of Ch & B province with the Department of Culture and Islamic Guidance of Ch & B, the holding of this exhibition was prevented.



Groundbreaking and opening of unlicensed environmental assessment projects is prohibited

The head of the Environment Organization called on the governors to prevent groundbreaking and opening of unlicensed environmental assessment projects during provincial trips.

According to Fars News Agency, Ali Selajegheh, the head of the Environment Organization, in a letter asked the governors, considering the orders of the Supreme Leader, who said: »The issue of environment or preservation of natural resources is not a luxury and second-rate issue for us; this is a vital issue. In our efforts to develop the country, and also, while emphasizing the president that development is a secondary issue to the environment and the effects and consequences of the environment should be prevented from the activities of major development and macroeconomic projects in the country without obtaining an environmental permit, priority should be given in this area. «

»In previous years, with unusual pressures and pure partisanship, not only did not lead to land preparation and sustainable development, but also due to irreparable pollution and destruction, it became an anti-development phenomenon and its harmful effects on the escalation of environmental crises has provoked public dissatisfaction, « he added.

Selajegheh pointed to the implementation of projects such as freeways, highways and railways, dams, power plants, refineries and petrochemicals, inter-basin water transfer, etc., and said: »Unfortunately, Unfortunately, these projects have been proposed in recent years as projects with physical progress but without an environmental permit, and due to non-compliance with laws, rules and regulations, they are always presented as a deep challenge between the executive and supervisory and judicial bodies with this organization. Unfortunately, considering that most of the projects are financed by obtaining illegal licenses from some agencies, including the Program and Budget Organization, and most of these projects were inaugurated with the same license by the senior officials and in consultation with the people's representatives in the Islamic Consultative Assembly, they cause a lot of problems for environmentalists.

Other relevant bodies also follow up these cases in the judiciary to resolve the imbalances, part of which is also considered as a violation of the executive bodies. These imbalances include deforestation and vegetation destruction, lack of observance of quantitative and qualitative boundaries of surface water resources, insufficient supply of water needs of projects, interference with the four environmental zones, location within cities or interference with prohibited realm, establishment of industry in metropolitan areas and proximity with the city and the village and social dissatisfaction, including non-fulfillment of the obligations of the executors towards other agencies and people, which eventually leads to delays in the implementation of projects or judicial suspension orders during the construction of the project«.

At the end of the letter, Salajegheh noted that in order to avoid future problems and cut the chain of unlicensed project, including the Environmental Protection Agency's permit as an environmental assessment permit, strongly avoid groundbreaking and inauguration of projects by senior officials, which usually happens during provincial trips.

It is worth mentioning that this organization and the provincial affiliated units will have the utmost cooperation to facilitate and expedite the issuance of licenses, as in the past, in a shorter time than the time prescribed by law.

Joint letter of the MPs of Khuzestan and Ch & B to prevent the transfer of Karun water

Representatives of the Ch & B and Khuzestan provinces wrote a joint letter to the president protesting the Ministry of Energy's policies toward the Karun, Karkheh and Dez rivers. In the text of this important letter, we read:

»Respectfully recalls, despite repeated warnings addressed to the Minister of Energy; to defend the environment, protect the country's rivers and other water areas, we see that the Ministry of Energy not only does not pay attention to its legal duties, but in particular has disregarded the Supreme Leader's macro-environmental policies, as exemplified by the implementation of hundreds of development projects without legal permits. The consequences of this behavior are the drying up of Khuzestan wetlands and the drying up of springs in Ch & B, and the exposure of the Karun and Karkheh rivers, etc., and the destruction of the ecosystems of Khuzestan and Ch & B through structural inefficiencies, management and implementation of water transfer projects. «

» Unfortunately, these days, there are rumors that the Golab tunnel will be flooded, but does not take into account the obligations contained in the environmental agreement of this project. The process of Golab project has proceeded in a completely abusive manner, in that all the licenses issued have been obtained after the implementation, and this shows the depth of the violations and the lobbying for obtaining these licenses. Another question is that if the Golab project is a passive defense project, what does it mean to allocate water for this project on the low-lying Zayandehrud? Is not this a new load on Zayandehrud? Please clearly explain the reason for the water intake of this project and the violations committed in obtaining permits, « the letter continued.

These representatives emphasized: »Unfortunately, the Ministry of Energy has left unanswered the correspondence with you regarding the need to reduce the allocations for Koohrang 2 ,1, etc. water transfer projects in accordance with the allocation regulations, therefore, it is necessary to order again for its practical implementation. Therefore, we request you to follow up and announce that with what support the subdivisions of the Ministry of Energy have refused to provide the information requested by the judiciary, such as Branch 3 of the Shahrekord Investigation, in relation to the Koohrang 3 Dam. «

آپوش

فراخوان طراحی نشانه و تندیس
اپوش (دیو خشکی و خشکسالی)

«کمیته مردمی حمایت از زاگرس مهربان»
با مشارکت تشکلهای محیط زیستی از
سراسر کشور برگزار می کند :

دیو خشکی و خشکسالی

«کمیته مردمی حمایت از زاگرس مهربان» با مشارکت تشکلهای محیط زیستی از سراسر کشور در نظر دارد با توجه به اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی و در راستای سیاستهای کلان محیط زیستی، با همکاری و مشارکت سازمانهای مردم نهاد، شخصیتهای محیط زیستی، و چند تن از مقامهای رسمی، نسبت به شناسایی و معرفی عوامل و مجموعه‌های مؤثر در اجرای پروژه‌های غیرقانونی و غیراصولی که به تخریب محیط زیست منجر می‌شود اقدام و به آنان «نشان اپوش» اعطا کند. اپوش در اسطوره‌های ایرانی دیو خشکسالی است و اخطای این نشان، اقدامی نمادین در راستای نقد فرهنگ برکفتری و گامی در جهت معرفی شخصیت‌هایی است که طبیعت و منابع ارزشمند خدادادی و بین‌نسلی را فدای منافع اقتصادی کوتاهمدت یا ناپایدار می‌کنند. باشد که از این رهگذر، این شخصیت‌ها با مجموعه‌ها در رفتار خود تجدیدنظر کنند یا در صورت لزوم با ایشان برخورد قانونی لازم صورت گیرد.

هیات داوران بخش تندیس اپوش

لدا مله‌دب جعفری - حمید شائس - مهدی رنگچی - حمیدرضا صالح زاده - بیژن غلچه پور - حسین داوری نژاد - عباس افشاری

هیات داوران بخش طراحی نشانه اپوش

لدا مله‌دب جعفری - محمدکاظم فلسفی - شهاب الدین نژادکهرانی - مهدی احمدی

دبیر هنری : بی ۵ حسینی

آثار باید در دو حیطه ی تندیس و طراحی نشانه باشند.

قوانین و مقررات:

- آثار می بایست با ایده های نو و به دور از هرگونه کپی برداری طراحی شوند.
- هر هنرمند مجاز است در بخش تندیس و نشانه ۴ اثر (نو اثر در هر موضوع) به دبیرخانه مجازی ارسال نماید.
- طراحی نشانه ها باید با رزولوشن حداقل ۷۲ dpi در فرمت JPEG ارسال شود.
- آثار در قالب فایل پس دی اف همراه رزومه مختصر و عکس هنرمند ارسال شود.
- عکس های ارسالی از تندیس ها باید از زوایای مختلف تندیس باشد و نیز آثار طراحی سه بعدی تندیس ها نیز از زوایای مختلف طرح تندیس باشد.
- توجه : بزرگترین اندازه ی ضلع تندیس نباید بیشتر از ۵۰ سانتی متر باشد.
- امتیاز آثار ارسال شده به (کمیته مردمی حمایت از زاگرس مهربان) تعلق دارد و ده اثر برتر در هر دو بخش (تندیس ده اثر و طراحی نشانه ده اثر) در نمایشگاهی ارائه خواهند شد.

بخش تندیس به اثر برگزیده مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعلق می گیرد.
بخش نشانه به اثر برگزیده مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعلق می گیرد.

فراخوان طراحی نشانه و تندیس اپوش

